



هیئت معارف جنگ
تولید سپهر علی ایمن نیوازی
تابش ۱۳۴۲

آماد و پشتیبانی نزا جا در هشت سال جنگ تحمیلی

ویژه افسران دوره عالی رسته آماد و پشتیبانی

گردآوری و تنظیم: سرتیپ ۲ کریم یوسف اقدام

آماد و پشتیبانی نزاا در هشت سال جنگ تحمیلی

گردآوری و تنظیم: سرتیپ ۲ کریم یوسف اقدام
بررسی اولیه و نهایی: سرتیپ ستاد ناصر آراسته
بررسی و امور شکل دهی کتاب، نشر: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا
بررسی و مدیریت نشر معارف جنگ: سرتیپ ۲ حمید شکیبا
صفحه‌آرایی، طرح جلد: حامد خدمتی
نوبت/سال چاپ: اول/ ۱۴۰۱
شمارگان: ۱۰۰
قیمت:
مرکز پخش: تلفن: ۰۹۳۶۲۲۸۵۸۵۰ ۲۲۴۸۹۰۰۳ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰

حق چاپ برای «هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

www.maarefjang.ir

"از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند."

"جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهنای جهان منتشر نمود."

امام خمینی (ره)

"می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند."

"دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است."

"یک رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز چیزهایی به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار است."

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرازهایی از پیام حضرت امام^(ع) در اسفندماه ۱۳۶۷

خطاب به روحانیت سراسر کشور (در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)

صحیفه امام خمینی^(ع)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته‌ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ اُبَهِتِ دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
- جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.
- از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا، غرب و شوروی نشأت گرفته است.
- ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی بر عهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۸ بدین ترتیب بوده است که بر اساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را بر عهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. این هیئت بعد از سال ۱۳۷۸، همچنان با اجرای آموزش‌های میدانی، نسبت به تکمیل برداشت‌های میدانی عملیات ثامن الائمه^(ع) و سایر عملیات‌ها اقدام نمود. چاپ بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب مستند از وقایع هشت سال دفاع مقدس از سال ۱۳۷۹ تا پایان سال ۱۴۰۰ از اقدامات هیئت معارف جنگ می‌باشد.

آموزش معارف جنگ، از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی^(ع) نذاجا و از سال ۱۳۸۲ نیز برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه‌های افسری هوایی، دریایی و فارابی و از سال ۱۳۹۴ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء^(ص) به اجرا درآمده و تا پایان سال ۱۴۰۰ تعداد ۳۳۸۲۶ نفر از فارغ التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت شانزده ساعت

آموزش معارف جنگ را برابر برنامه آموزشی طی نموده که تا پایان سال ۱۴۰۰، بیش از ۵۹۲ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای کلیه دانش‌آموزان پایور اجا از سال ۱۳۸۷ در آموزشگاه نظامی جوادالائمه نذاجا برگزار می‌گردید و از سال ۱۳۹۸ این آموزش‌ها در ۵ مرکز آموزش اجا (جوادالائمه^(ع) نذاجا، تفنگداران دریایی نذاجا، باقرالعلوم^(ع) نذاجا، شهید خضایی نهاجا و علی‌اکبر^(ع) نپاجا) برنامه‌ریزی شد، که بر این اساس تا پایان سال ۱۴۰۰، تعداد ۱۳۲۸۹ نفر دانش‌آموز پایور به مدت ۱۶ ساعت در هر دوره، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای دانشجویان دوره‌های عالی رسته‌ای با موضوع نقش رسته مربوطه در دفاع مقدس به مدت ۸ ساعت برگزار شد که از سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۴۰۰، آموزش‌ها در ۱۸ مرکز برای تعداد ۱۰۶۴۹ نفر دانشجوی برگزار گردیده است.

از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۴۰۰، بیش از ۶۲۵ هزار نفر از سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت هشت ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای دانشجویان دافوس آجا به مدت ۸ ساعت در ۴ جلسه در سال ۱۳۹۸ برای تعداد ۲۶۴ نفر برگزار شد.

آموزش معارف جنگ برای مدیران ارشد ساحفاجا به مدت ۸ ساعت برای تعداد ۲۲۰ نفر دانشجوی در سال ۱۳۹۸ برگزار شد.

آموزش معارف جنگ برای مدیران ارشد عقیدتی سیاسی ارتش در سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ برای تعداد ۱۲۰ نفر برگزار شد.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

برای مقابله با دشمنان باستانی ما چه ارتشی، چه سپاهی و چه بیگانه و قدرت‌واحد باقیم.

«شهید سپهبد علی صیادشیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

پیشگفتار گردآوری کننده

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

"و آنان که در راه ما به جان و مال جهد و کوشش کردند، محققاً آنها را به راه‌های معرفت و لطف خویش هدایت می‌کنیم و همواره خداوند بار نیکوکاران است"

(سوره عنکبوت، آیه ۶۹)

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران چه قبل و چه بعد از انقلاب از اقشار مختلف مردم ایران زمین تشکیل شده و همیشه دلشان با مردم بوده و خواسته‌شان استقلال کشور و سرافرازی ملت ایران بوده است و آن طوری که نسل اولی‌های انقلاب شاهد بوده‌اند در طول خیزش یک ساله ۱۳۵۶ تا ۵۷ انقلاب مردم به رهبری امام خمینی (ره) اکثر پرسنل کادر ارتش هم‌تشان کنترل رفتار کارکنان بوده و نسبت به انقلابات در کشورهای دیگر با رهنمودهای امام بزرگوار سعی داشتند از آسیب به مردم انقلابی در حد امکان جلوگیری کنند و به این وسیله به مردم کمک می‌کردند. کارکنان انقلابی ارتش در آگاهسازی و رشد و تعالی سایر همکاران کادر و وظیفه نقش بسیار مؤثری را ایفا نمودند. از روز اول پیروزی انقلاب به مردم پیوستند و در جای جای وطن اسلامی از میهن و انقلاب دفاع نمودند. قائله ترکمن صحرا در استان گلستان، مبارزه با گروه‌های چپ‌گرای افراطی در استان مازندران، به شکست کشاندن توطئه‌های احزاب دموکرات و کومله در استان‌های غربی کشور به ویژه در کردستان و نمونه‌هایی بارز از فداکاری پرسنل ارتش جمهوری اسلامی در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. در دو سال اول پیروزی انقلاب، سنگر دفاع از انقلاب و میهن اسلامی را خالی نگذاشتند و نشان دادند که حمایت آگاهانه‌ی امام بزرگوار از ارتش که با دستور حفظ نیروهای مسلح در آن مقطع زمانی، مانع منحل شدن ارتش شدند، صحیح‌ترین راه برای حفظ استقلال کشور در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی و اجانب و ایادی آنها بوده است.

خیانت‌های گروهک‌ها در آن زمان موجب گردیده بود که یگان‌های ارتش تمرکز قوا را تا حدودی از دست داده و نیروها را به صورت پراکنده و یگان‌ها را نیز به صورت پاسگاهی و پایگاهی از یک دسته تا یک گروهان به کار ببرند. با آغاز عملیات‌های مبارزه و دفاع در مقابل گروهک‌های ضد انقلاب و پس از آن با شروع جنگ تحمیلی ضرورت برقراری سیستم لجستیک یا پشتیبانی مؤثر رسته‌های خدمات رزمی بیشتر از پیش روشن گردید.

در نگاه ابتدائی اینگونه به نظر می‌رسد که به صورت ظاهری یگانهای لجستیکی (آمد و پشتیبانی) در جنگ‌ها از عقب به جلو برای رزمندگان خطوط رزم آمد و خدمات رسانی می‌کنند. ولی در حقیقت لجستیک در زمان جنگ و صلح همیشه فعال بوده و باید نیازمندی‌های نیروهای مسلح را از نظر تأمین اعتبار و تهیّه و تدارک، ترابری، کنترل و نظارت در مصرف و بکارگیری تجهیزات، تعمیر و نگهداری، بهداشت و درمان و مراقبت از کارکنان و نهایتاً تعیین تکلیف اقلام و تخلیه و اخراجات و رهائی یگان از اقلام فرسوده و غیر قابل استفاده و... را انجام دهد.

این نقش را مردان و فرماندهان بزرگ لجستیکی ارتش در سطح نیروها و بویژه نیروی زمینی آجا علیرغم محدودیت‌های زیاد و تحریم‌هایی که کشور دچار آن گردیده بود در طول دوران دفاع مقدّس (۲ سال اوّل درگیری‌های آجا در مسائل داخلی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در ۸ سال دفاع مقدّس) به خوبی و در حدّ امکانات توسط معاونت لجستیک نیرو و فرماندهی لجستیک نزاجا، فرماندهی‌های پشتیبانی مناطق و گردان‌های لجستیک، پشتیبانی لشکرها، گردان‌های آمد و ترابری، بهداشت، گردان تعمیر و نگهداری لشکر (گروهان‌های مبنا و جلویی) به انجام رسانیدند که نفر به نفر با تلاش خود، رزمندگان خطوط مقدّم را پشتیبانی نمودند. البته کار اصلی را شهدای والامقام و جانبازان عزیز با نثار جان خود در همه خطوط جبهه به انجام رساندند. انشاءالله جا ماندگان از شهادت همگی پیرو راه شهدا بوده باشیم.

این نوشتار حاوی خلاصه‌ی بسیار مختصر از:

۱- مقاله‌ی علمی و تحقیقی نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی استاد امیر سرتیپ

دوّم ترابری ستاد منوچهر نورائی می‌باشد که ایشان متصدی مشاغل افتخارآمیز فرمانده گردان

آمد و ترابری لشکر ۷۷ خراسان و فرماندهی پشتیبانی آن لشکر در بدو پیروزی انقلاب، افسر رکن ۴ قرارگاه غرب در ابتدای جنگ، فرماندهی پشتیبانی منطقه ۱ کرمانشاه در جبهه‌ی غرب، معاون تعمیر و نگهداری فرماندهی لجستیک نزا، فرماندهی مرایش و تعمیر و نگهداری نزا، بوده‌اند، که شایسته است نحوه خدمت و خدمات ایشان به عنوان الگوئی ممتاز برای آیندگان و هر مدیر و افسری قرار بگیرد.

۲- برداشت‌هایی مختصر از کتاب بازوی نبرد که این کتاب شرحی بر زندگی و خدمات مرحوم امیر سرتیپ دوم اردننس ستاد مرتضی بایندریان (حاصل مصاحبه با ایشان توسط هیأت معارف جنگ شهید امیر سپهد علی صیاد شیرازی) بوده که ایشان نیز علاوه بر خدمات مثبت و علمی لجستیک در آمادگاه مهماتی دوکوهه و آمادگاه دزفول در قبل از انقلاب و متصدی مشاغل پرافتخار فرمانده گردان و آمادگاه دزفول از پیروزی انقلاب و بخصوص در دو سال ابتدای جنگ، که نقطه‌ی اتکاء و ایجاد اعتماد به نفس و روحیه برای رزمندگان و فرماندهان در جبهه‌ی جنوب کشور و فرماندهی پشتیبانی منطقه‌ی ۱ در جبهه‌ی غرب و فرماندهی آمادگاه آبیک و فرمانده لجستیک نزا، خدمات شایسته و مؤثری را در خدمت به ملت و میهن اسلامی ایران به عنوان نمونه‌ی ممتاز برای آیندگان به ودیعه گذاشتند.

۳- اشارات جزئی در بین موضوعات برای تعمیر و نگهداری در رده‌های مختلف توسط بنده ذکر شده است.

۴- بهره‌گیری جزئی و خیلی مختصر از کتاب سلیمان‌جاء که شرح زندگی و خدمات مرحوم امیر سرتیپ ستاد بهروز سلیمان‌جاء، فرماندهی تیپ ۱ در اول جنگ و سپس فرماندهی لشکر ۲۱ حمزه (ع) و فرماندهی قرارگاه جنوب نزا در دوران دفاع مقدس، ریاست ستاد نیروی زمینی و معاونت اطلاعات و عملیات در ستادکل نیروهای مسلح بوده‌اند.

۵- برداشت بسیار مختصر از کتاب آمادها و نبردها نوشته‌ی سرکار سرگرد نعمت‌الله مصباح نهاوندی (حاصل مصاحبه با مسئولین و کارکنان فنی و ایثارگر مرکز تعمیراتی تهران و تلاش آنان در انقلاب و دفاع مقدس و بعد از آن می‌باشد).

۶- خلاصه‌ای از کتاب لجستیک که توسط اساتید دافوس (استادان امیر سرتیپ دوم اردننس ستاد صمد اسماعیل‌زاده و امیر سرتیپ دوم توپخانه‌ی ستاد غلام‌حسین امیریگی)

در تحقیق و بازدید از یگان‌های مستقر در جنوب کشور در هشت‌ماهه‌ی اوّل جنگ تهیه شده است، که شامل سوالاتی از مسئولین لجستیک یگان‌ها در سطح پشتیبانی منطقه‌ی ۲ و پشتیبانی لشکرها در جبهه‌ی جنوب و پاسخ‌های آن‌ها و نظرات استادان مذکور می‌باشد.

۷- برداشت بسیار جزئی از کتاب اطلس پدافندی نزاجا در هشت سال دفاع مقدّس.

۸- استفاده از یادداشت‌های استاد امیر سرتیپ دوّم اردنانس ستاد محمّد کاظمی که از شروع جنگ تا سال ۶۸ در فرماندهی ترابری نزاجا مسئول امور تعمیرات و فرمانده قرارگاه ترابری در دغاغله اهواز بودند و نهایتاً فرماندهی تعمیر و نگهداری نزاجا را به عهده داشتند.

۹- استفاده خیلی مختصر از کتاب «درس‌های هشت سال جنگ تحمیلی» و کتاب «چگونه می‌جنگیدیم»، نوشته استاد امیر سرتیپ دوم ستاد نجاتعلی صادقی‌گویا حاصل تجربیات فرماندهی ایشان در یگان‌های مختلف نزاجا از ابتدای جنگ، از جمله: فرمانده مرکز آموزش درجه‌داری، فرمانده لشکر ۸۴ خرم‌آباد، مدیر پرسنلی نزاجا، فرمانده آموزشگاه نظامی، فرمانده دانشگاه افسری امام علی (ع) و... بوده است.

امید است که این برداشت‌های خلاصه، از کیفیت ارائه‌ی مطالب، بیش از حد نکاسته باشد و اگر در این خصوص نقصانی از نظر خوانندگان عزیز و دانشجویان محترم دوره‌ی عالی ملاحظه شود ایراد از این بنده حقیر بوده و از کتاب‌های اشاره شده نمی‌باشد و از هر گونه کسری و اشکال، عذرخواهی می‌نمایم. همچنین امیدوارم در صورت تدریس به دانشجویان دوره‌ی عالی در رابطه با هیئت معارف جنگ شهید امیر سپهبد علی صیاد شیرازی، بتوان قسمت‌های مناسبی از این مباحث را در وقت محدود به دانشجویان محترم و عزیز که آینده اداره‌ی ارتش به آنان وابسته است، ارائه نمود. از این فرصت استفاده نموده و مطالعه کتاب‌های اشاره شده را به علاقه‌مندان پیشنهاد می‌نمایم.

بنده از مرداد ماه سال ۵۹ به لشکر ۲۱ حمزه سیّدالشهداء(ع) منتقل و بعنوان فرمانده گروهان ۲ جلویی تعمیر نگهداری و سپس رئیس بازرسی لشکر مذکور در ایام دفاع مقدّس انجام وظیفه نموده و پس از تدریس در مراپش از سال ۶۹ رئیس کارخانجات فتح و سپس جانشین مرکز تعمیراتی تهران و رئیس بازرسی تعمیر نگهداری نزاجا و رئیس بازرسی و معاون تعمیر و

تولید ف لوج نزاچا و دو مرحله فرمانده مرکز تعمیراتی تهران و نهایتاً جانشین معاونت لجستیکی نزاچا بوده ام، مراکز تعمیراتی تهران و مسجد سلیمان را مهم ترین یگان هایی می دانم که علاوه بر خدمات بسیار ارزنده در جنگ و بعد از جنگ در بازسازی ادوات و تجهیزات و ساخت و تولید چند هزارنوع قطعات و کمک مستقیم به یگان های رزمی با اعزام اکیپ های تعمیراتی، به ویژه با آموزش حین خدمت کارکنان جوان در خدمت استادان فنی در کارخانجات این مراکز، مهارت لازم را به آنان منتقل و تخصص ها را حفظ نموده اند. بطور مثال در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، هیئت بازرسی از معاونت آموزشی نزاچا از مرکز تعمیراتی تهران به صورت غیر مترقبه بازدید نمودند و بالاترین نظریه ی مثبت در مورد آموزش حین خدمت و انتقال تخصص از کارکنان با تجربه به جوانترها را گزارش نمودند. لذا درخواست می کنم مسئولین آجا و نزاچا در حمایت و حفظ و فعال نگاه داشتن مراکز تعمیراتی به تعمیر و نگهداری و تجربه و آموزش های فنی که در طول زمان ایجاد می شود، اهمیت قائل و همت گمارند و نیز با تنظیم برنامه هایی برای آموزش حین خدمت کلیه ی یگان های تعمیراتی تا سطح گروهان و اعزام نفرات فنی یگان ها برای آموزش حین خدمت کوتاه مدّت به مراکز تعمیراتی، در تعمیم آموزش فنی و کمک به نیروی انسانی مراکز کوشش نمایند.

در نهایت از کمک ها و مساعدت های همکاران قبلی خود در بتاجا به ویژه جناب آقای علی لاجوردی و همچنین از استاد امیر سرتیپ دوّم نجاتعلی صادقی گویا که در تدوین و تصحیح این نوشتار مرا یاری نمودند تقدیر و تشکر می نمایم.

با احترام و تعظیم به روح پر فتوح شهداء جنگ تحمیلی

سرتیپ ۲ کریم یوسف اقدام



معرفی گردآور و تنظیم کننده

سرتیپ ۲ کریم یوسف اقدام

در سال ۱۳۲۷ در تبریز متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند در سال ۱۳۴۸ وارد دانشکده افسری شده و در سال ۱۳۵۱ مشغول دوره مقدماتی رسته اردنانس شد و بعد از ۱۲ ماه آموزش فارغ التحصیل و بنا به طرح فرمانده نیروی زمینی وقت با همدوره های رسته های خدمات رزمی و جهت بهبود آموزش سربازان به مراکز آموزشی سربازی آن نیرو اعزام گردیدند و بعد از یک سال و چند ماه بر اساس نتیجه دروس دوره های مقدماتی تقسیم و نامبرده به مراکش اختصاص یافت (البته طرح مذکور در بهبود آموزش سربازان و حتی درجه داران کادر آن مراکز تاثیر زیادی داشت).

در مدت ۳۴ سال خدمت به ترتیب مشاغل زیر را عهده دار بوده است:

فرمانده دسته پیاده در مرا۳۰، استاد کمیته چرخدار مرکز اردنانس مراپش، فرمانده گروهان تعمیر و نگهداری در لشکر ۲۸ و ۲۱ حمزه در جنگ، رییس بازرسی ل ۲۱ در جنگ، رییس بازرسی مراپش، رییس کمیته سلاح در مرکز اردنانس، رییس کارخانجات فتح مرکز تعمیراتی تهران (م ت ت)، جانشین ف م ت ت، رییس بازرسی فرماندهی ت و ن نزاجا، فرمانده م ت ت، رییس بازرسی ف لوج نزاجا، معاون تعمیر و تولید ف لوج نزاجا، فرمانده م ت ت، جانشین معاونت لوج نزاجا بوده و در سال ۱۳۸۲ در همین محل بازنشست شده است

از هنگام بازنشستگی بیش از ۷ سال مدیر عامل شرکت فروشگاههای زنجیره ای لاله صدر و ۱ سال مدیر عامل شرکت ایثار تجارت نزاجا و حدود ۸ سال در معاونت اقتصادی و ستاد بتاجا مسئول و مشغول بوده است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱	نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس
۵	سوابق
۵	به نقل از سرتیپ ۲ نورائی
۸	به نقل از سرتیپ ۲ بایندریان
۱۱	وضعیت ارتش
۱۲	وضعیت ارتش از دید امیر نورائی و امیر بایندریان و تعدادی از فرماندهان در اول انقلاب
۲۱	مصاحبه با مسئولین و کارکنان مرکز تعمیراتی تهران
۲۹	لجستیک
۲۹	طبقات آمادی
۳۲	اصول پشتیبانی لجستیکی یا پشتیبانی خدمات رزمی
۳۴	سازمان‌های لجستیکی نزاا
۳۶	سازمان‌های عمده لجستیکی در رده‌های مختلف
۳۸	آمادراه اصلی (برداشتی از نوشته سرتیپ ۲ نورائی)
۳۸	راه‌های تأمین نیازمندی‌ها یا نمای ساده‌ای از فعالیت‌های لجستیک
۴۰	راه‌های مواصلاتی
۴۰	تفاوت یگان‌های نظامی قبل و بعد از انقلاب اسلامی
۴۱	اولین اقدامات آمادگاه در شروع جنگ
۴۲	آغاز جنگ
۴۴	نکته اساسی در تداوم ایستادگی (تفاوت یگان‌های نظامی قبل و بعد از انقلاب)
۴۵	تأثیر فشارهای جهانی بر لجستیک در جنگ

۴۵	اداره و مدیریت لجستیک جنگ
۴۷	چگونگی تأسیس مرکز تعمیراتی مسجد سلیمان و مراکز تعمیراتی دیگر و انواع تجهیزات
۵۷	نمونه‌ای از کارشناسی اقلام و قطعات
۶۰	مقایسه سیستم تعمیر و نگهداری دو کشور در حال جنگ
۶۲	مرکز تعمیراتی تهران و کارخانجات آن و تجهیزات
۶۲	پیشینه و شناسنامه یگانی مرکز تعمیراتی تهران
۶۲	مأموریت کارخانجات سری M (دیو)
۶۳	سوابق و مأموریت کارخانجات بابک
۶۳	گرفتن ابتکار عمل از انگلیسی‌ها
۶۵	مرکز تعمیراتی تهران در بیان امیر نورائی و مهندس طیبی
۷۶	خودروی ماز تانکبر
۷۷	وضعیت نهائی تانکبرها
۷۸	خدمات دیگر مراکز تعمیراتی نزاجا
۸۱	اقلام تعمیراتی
۸۱	سفر به کره شمالی
۸۲	خریدهای نظامی و وضعیت آمادگاه‌ها
۸۲	ناگفته‌ها
۸۳	کمک صنعتگران، ارگان‌های دولتی و مردم به روند تعمیرات
۸۳	سلاح سازمانی
۸۴	بازسازی تفنگ‌های ژ-۳
۸۸	فرماندهی بهداشت و درمان نیروی زمینی
۹۱	بیمارستان‌های منطقه‌ای
۹۱	اقلام شیمیایی و بیمارستان‌ها
۹۳	هوانیروز

- ۹۶ **همکاری نیروهای فنی و علمی نیروهای سه گانه ارتش در پروژهای به نام امید**
- ۹۶ موشک هوا به سطح ماوریک ۵ (A. G. M-۶۵) چیست؟
- ۹۶ تجهیز بالگردها به موشک هوا به سطح ماوریک و سامانه گیرنده رادار هشداردهنده (پروژه امید ۱)
- ۹۷ تجهیز بالگردها به سامانه گیرنده راداری هشدار دهنده (R-W-R)
- ۹۸ **ترابری و ستون کشی در نیروی زمینی ارتش**
- ۱۰۰ عوامل مؤثر ترابری نظامی مناسب به ویژه در زمان جنگ
- ۱۰۹ جابه جایی
- ۱۱۰ **وضعیت یگانها در ابتدای جنگ و حضور میدانی مسئولین لجستیک در یگانها**
- ۱۱۳ بازدید و کمک به یگانها
- ۱۱۸ **اقدامات اجرایی در بعضی از طبقات آماد**
- ۱۱۸ آماد طبقه یک
- ۱۲۲ آماد طبقه ۲
- ۱۲۲ آماد طبقه ۳ (سوخت)
- ۱۲۳ آماد طبقه ۵
- ۱۲۴ آماد طبقه ۵ متحرک (یک تجربه جنگی ابتکاری)
- ۱۲۶ تجربه جنگی دیگری از استفاده خودروهای غیرنظامی برای حمل مهمات
- ۱۲۷ یک رخداد فاجعه آمیز در منطقه جنوب
- ۱۲۸ تجربه جنگی دیگری از حمل مهمات با خودروهای غیرنظامی
- ۱۳۱ **شرح نکاتی در مورد طبقات آمادی**
- ۱۳۳ وضعیت لجستیک در سال ۶۵ در لشکر عملیاتی ۸۴ خرما باد
- ۱۳۵ **فرماندهی پشتیبانی**
- ۱۳۵ آماد رسانی به یگانهای غیر ارتش
- ۱۳۵ سازماندهی یگانهای لجستیک
- ۱۳۶ واسطه های پشتیبانی مناطق

۱۳۶	برافروزندگان اصلی آتش جنگ
۱۳۶	مقابله با بمباران
۱۳۷	مدیریت یکنواخت سازی
۱۳۷	تأثیر فشارهای جهانی بر لجستیک در جنگ
۱۳۷	کادر فنی
۱۳۸	حَمِیت نظامی گری
۱۴۰	همکاری و کمک های ارتش به سپاه
۱۴۰	کمک به برادران سپاه پاسداران
۱۴۰	کمک به برادران سپاه پاسداران و اثبات عملی اخوّت
۱۴۱	مقدمات عملیات بیت المقدّس و همکاری ارتش با سپاه
۱۴۳	اشاره ای به آماده شدن برای اجرای طرح های عملیات های تهاجمی و ...
۱۴۵	وضعیت لجستیک در هشت ماه ابتدای جنگ در منطقه جنوب در ...
۱۸۹	نکات پایانی
۱۹۱	منابع

مقدمه

نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس

سرتیپ ۲ نورانی: با گذشت زمان و تحوّل فکری بشر، ارتش‌ها نیز به جنگ‌افزارهای روز و راه و روش‌ها و ابتکارات مختلفی مجهز شدند. همچنان که تاریخ زندگی بشر نشان داده، همواره پیوستگی عمیقی بین علم و تکنولوژی و جنگ‌افزارها و تجهیزات نظامی وجود داشته است. اما علم و فناوری تا پیش از پیدایش جنگ‌افزارهای آتشین و به ویژه تا پیش از انقلاب صنعتی بسیار ساده بوده و در صورت تمایل برای کسب آن‌ها، این امکان برای بیشتر جوامع وجود داشته است، در ضمن امور لجستیک و پشتیبانی از آن ارتش‌ها هم ساده بوده است. پس از رخداد مشهور به انقلاب صنعتی در اروپا، علم و فناوری به طور عام و فناوری‌های نظامی به طور خاص روز به روز پیچیده‌تر و انحصاری‌تر شد. به عبارت دیگر علم و فناوری به گونه‌ای انحصاری در داخل کشورهای محدود و مشخصی قرار گرفت که تا کنون هم این پیچیدگی و انحصار در ساخت و تولید تسلیحات ادامه دارد. بنابراین کشورهای در حال توسعه برای اینکه نیروهای دفاعی قدرتمند و مناسبی داشته باشند متأسفانه ناگزیر بوده‌اند که برای تجهیز آن نیروهای دفاعی به بیگانگان مراجعه کنند و یا این‌گونه به آن‌ها القاء شده است. امید که روزی برسد که ما در کشور خود قادر باشیم که تمامی تسلیحات و تجهیزات مورد نیاز نیروهای مسلح کشور را در داخل ایران بسازیم و بی‌نیاز از بیگانگان باشیم، که بحمدالله هم اکنون قریب به ۹۰٪ نیازهای ضروری و تجهیزاتی‌مان را دانشمندان و کارکنان جوان و غیرتمند صنایع دفاعی و نیروهای مسلح ساخته و یا تغییرات اساسی و به روز کردن آن را انجام می‌دهند.

اهمیت تکنولوژی مدرن نظامی بیشتر توسط تغییرات و تحولات اخیر تعریف می‌شود تا الگوی قدیمی تاریخ، زیرا سیر اختراعات تکنولوژی و سرعت گرفتن آن دقیقاً پس از انقلاب صنعتی است که متأسفانه کشورهای جهان سوّم در این انقلاب صنعتی سهم لازم را نداشته‌اند. بنابراین هر آنچه را که از تسلیحات جدید از خارج خریداری می‌کردیم، فروشندگان در سایه نیروی انسانی ماهر خود و تحقیقات مداوم به مرحله‌ی بالاتری از

تكنولوژی پیش از آن قدم می‌گذارند و جنگ‌افزارهایی تولید می‌کنند که جنگ‌افزارهای ما به حالت خارج از رده درمی‌آید.

در مورد آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر در گذشته با روش‌های علمی و عملی از طریق تأسیس مراکز آموزشی بویژه مرکز آموزش‌های پشتیبانی و در مورد تعمیر و نگهداری در رسته اردنانس (مکانیک و الکترونیک) دانشکده اردنانس و دانشکده‌های فنی و تخصصی کشور و یک هنرستان صنعتی در مسجد سلیمان، در آجا تلاش‌هایی صورت گرفت و تعداد قابل توجهی افسر، درجه‌دار و کارمند فنی برای خدمت و اداره‌ی امور مراکز تعمیراتی و فنی عمده و یگان‌های تعمیر و نگهداری مشغول به کار شدند، اما پس از پیروزی انقلاب دبیرستان صنعتی و فنی مذکور کاملاً پانگرفت. کارکنان آموزش دیده با جان و دل و تلاش شبانه‌روزی خود در گرداندن امور لجستیک نظامی در زمان جنگ بسیار مفید و مؤثر بودند. تربیت نیروی انسانی برای خدمت در یگان‌های مختلف لجستیکی (یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی) نه تنها به سادگی امکان پذیر نیست، بلکه سال‌ها زمان لازم دارد که علاوه بر آموزش با تجربه اندوزی توسط آموزش حین خدمت بخصوص در تعمیرات و بازسازی و ساخت، استاد گردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همین نیروی انسانی ارتش جمهوری اسلامی ایران آزمایش خود را در جنگ‌های نامنظم در مقابله با ضدّ انقلاب و در جنگ هشت ساله‌ی منظم با نیروهای متجاوز صدام پس داد که این آزمون مورد نقد و بررسی مردم ایران و مفسرین داخلی و خارجی قرار گرفته و رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران از این آزمون‌ها سرافراز بیرون آمده‌اند، که این نشان‌دهنده بکارگیری این داشته‌ها در مسیر دفاع از انقلاب اسلامی، اقتدار جمهوری اسلامی و بیانگر تعهد دینی و ملی کارکنان ارتش و عشق آنان به امام (ره) بود.^۱

سرتیپ ۲ بایندریان: سخن درباره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یکی از مقوله‌هایی است که همواره در جامعه ما با توجه به گرایشات و توقّعات و نگاه اصناف جامعه به این خط خونین

۱. سرتیپ ۲ نورائی منوچهر، مقاله نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدّس، ص ۱ تا ۵.

در تاریخ کشور، به اشکال گوناگون مطرح گردیده و هنوز پس از گذشت سال‌ها از این واقعه تاریخی و مهم، بسیاری از ابعاد آن برای جامعه روشن نیست.

سازمان‌ها و مجموعه‌های منظم و غیر منظمی که هر یک بر مبنای تعهدات ملی و قانونی، شرعی و عرفی، اعتقادی و مذهبی و یا هر انگیزه‌ی دیگری در این حادثه بزرگ شرکت جستند، تنها یک هدف مشترک داشتند و آن این که میهن را از تعرض بیگانگان محفوظ نگه دارند و مصائب این مسئولیت خطیر را نیز به جان و دل پذیرفتند.

آنچه در طول جنگ تحمیلی شاهد بودیم در طول تاریخ پر فراز و نشیب میهن، بارها به اشکال و صورت‌های مختلف تکرار شده و در اعصار گذشته نیز مردان و زنان غیرتمند این مرز و بوم در نهایت از خود گذشتگی در برابر کوران حوادث ایستادگی و مقاومت کرده‌اند ولی هرگز به ظلم و تعدی گردن ننهادند. اما جنگ تحمیلی به دلیل ابعاد گسترده‌ی آن در جبهه داخلی و درگیر شدن اکثریت قاطع اقشار کشور در آن از یک طرف و در جبهه خارجی با ورود تمامیت استکبار با همه عواملش در رویارویی با ایران از طرف دیگر، از خصوصیات ویژه‌ای برخوردار است که آن را با رویدادها و حوادث دیگر تاریخ کشور کاملاً متمایز می‌سازد.

این ابعاد گسترده سبب شد تا پس از پایان جنگ کسانی که روزها و شب‌های خود را در شرایط جنگ سپری کرده بودند یا نویسندگانی که مستقیم و غیر مستقیم با جنگ و حوادث آن ارتباط داشتند به محض یافتن فراغت به موضوعات گوناگون آن پرداختند.

یکی از مقوله‌هایی که در این مسیر از اذهان دور مانده و با همه اهمیت‌تی که دارد مغفول مانده است مسئله مهم و حیاتی تدارکات و به عبارت نظامی آن لجستیک در جنگ است. همان گونه که طرح‌ریزی در هر عملیات اساس آن را تشکیل می‌دهد. لجستیک و تدارکات که شامل تهیه تمامی مایحتاج افراد رزمنده از پوشاک و خوراک و مهمات و تجهیزات تا درمان و تعمیر و نگهداری و... می‌گردد به عنوان یکی از ارکان مهم طرح‌ریزی در هر عملیات محسوب می‌گردد که بدون توجه و برنامه‌ریزی برای آن هیچ عملیاتی موفق نخواهد بود.

این موضوع با این درجه از اهمیت، در بیشتر نگارش‌های ما در مقوله جنگ، اگر نگوییم به آن بی‌توجهی شده، حداقل می‌توان گفت که به آن کم توجهی شده و آن طور که شایسته اهتمام آن بوده به آن پرداخته نشده است.^۱

نویسنده: خاطرات فرماندهانی چون امیر سرتیپ دوم نرائی و امیر سرتیپ دوم مرتضی بایندریان از فرماندهان لجستیک در نزاجا، گوشه‌های نهفته‌ای از اهمیت موضوع، حقایق قابل تأملی از جنگ تحمیلی و صلابت و اقتدار فرماندهان ارتش و عمق بینش و تعهد آنان را نشان می‌دهد. زندگی چنین مردان بزرگی را می‌توان جزو تاریخچه‌ی لجستیک آجا دانست.

۱- فلاح دوست شعاع الدّین، بازوی نبرد، مصاحبه هیأت معارف جنگ با سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۱۷.

سوابق

به نقل از سرتیپ ۲ نورائی

در سال ۱۳۲۱ ایران درخواست وام و حمایت سیاسی از آمریکا کرده بود تا بتواند ارتش از هم پاشیده در شهریور ۱۳۲۰ را دوباره سازماندهی کرده و سر و سامان دهد. این روند در سال‌های ۱۳۲۶، ۱۳۲۷ و ۱۳۳۰ نیز ادامه داشت و اکیپ‌های مستشاری (به اصطلاح مستشاری) به ایران اعزام می‌شدند. از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ در قالب اصل ۴ ترومن کمک نظامی آمریکا انجام گردید. اما تجهیزات کمک‌های نظامی آمریکا در دوران جنگ جهانی دوم در کجا نگهداری می‌شد که بعداً به ایران تحویل داده شد؟

راه‌آهن سراسری ایران که نقش کلیدی در رساندن تجهیزات نظامی به اتحاد جماهیر شوروی در جنگ جهانی دوم را داشت، در اختیار نیروهای اشغال‌گر آمریکایی، انگلیسی و روسی قرار گرفته بود و آمریکایی‌ها در منطقه دزفول و اندیمشک در استان خوزستان یک دپو یا آمادگاهی ایجاد کرده بودند. بعد از پایان جنگ جهانی دوم، تجهیزات و اقلام نظامی قابل توجهی در آمادگاه دزفول باقی مانده بود که عودت آن به آمریکا هزینه زیادی داشت. آمریکائی‌ها ابتدا می‌خواستند که آن‌ها را به ایران بفروشند، اما ایران به دلیل نداشتن توان مالی و هزینه‌های ناشی از این جنگ و غیره پاسخ داد که توان مالی برای خرید این تجهیزات را ندارد. از سوی دیگر این تجهیزات از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۲ تقریباً در آن منطقه مانده بود و بالاخره آمریکائی‌ها از روی اجبار و اکراه آن‌ها را به عنوان کمک نظامی برای بازسازی و تقویت ارتش ایران در برابر شوروی به ایران واگذار کردند.

تانک‌های ام-۴۷ و سایر خودروهای زرهی را که آمریکا به ایران داد، باقیمانده‌ی جنگ کره بودند که بازسازی شده بودند و از سال ۱۳۳۲ خورشیدی به بعد، باز هم به عنوان کمک نظامی به ایران واگذار کردند. تانک‌های ام-۴۷ در ابتدا بنزینی بودند و مصرف سوخت آن‌ها بسیار بالا بود. این تانک‌ها پیش از پیروزی انقلاب یک بار دیگر در کارخانجات مسجد سلیمان توسط متخصصین آمریکایی و ایرانی بازسازی و نوسازی و کامل شدند و موتور آن‌ها با موتورهای نو گازوئیلی تعویض شد و پس از پیروزی انقلاب در جنگ ایران و عراق شرکت کردند.

برای پشتیبانی های فنی از تجهیزات و جنگ افزارها، لازم بود که تأسیساتی در ارتش ایران به وجود آید که در سال ۱۳۳۹ خورشیدی، تأسیساتی به نام « مرکز تعمیراتی تهران » در سه راه شهریار ساخته شد که شامل کارگاه های مختلفی به نام: نوسازی موتور، بازسازی دستگاه های انتقال نیرو، بازسازی اتاق کامیون، بازسازی اتاق اتوبوس و... بود. به غیر از کارگاه های خودروهای چرخدار، کارگاه های دیگری هم مانند کارگاه بازسازی خودروهای شنی دار، کارگاه بازسازی جنگ افزارهای سبک، کارگاه بازسازی توپ ها، کارگاه آلات بصری یا اقلام اُپتیکی، کارگاه تولیدی اقلام مهندسی، کارگاه اقلام مشترک العمل و کارگاه اقلام مخابرات و غیره نیز در مرکز تعمیراتی تهران به تدریج بوجود آمد که در مجموع بار سنگینی از تعمیرات اقلام عمده نیروی زمینی را بر عهده داشتند. از سال ۱۳۴۰ یک تجدید سازمان کلی در ارتش شروع شد و در سال ۱۳۴۴، فرماندهی لجستیک نیروی زمینی تشکیل شد و اداره های سرویس با حفظ موجودیت در تابعیت فرماندهی لجستیک نیروی زمینی قرار گرفتند و نیروهای هوایی و دریایی هم دارای فرماندهی لجستیک شدند. در سال ۱۳۴۹ خورشیدی فرماندهی لجستیک نیروی زمینی بر مبنای وظیفه ی جدید سازماندهی شد، یعنی بر مبنای آمادی و تدارکاتی و تعمیراتی؛ بر همین مبنا ستاد فرماندهی لجستیک دارای یک معاونت تعمیر و نگهداری یا تولید، یک معاونت آماد و یک معاونت اداری شد.

درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۳۴، ۳۴ میلیون دلار و در سال ۱۳۳۵، به ۱۸۱ میلیون دلار یعنی بیش از پنج برابر، در سال ۱۳۳۹ به ۳۵۸ میلیون دلار یعنی حدود ده برابر و در سال ۱۳۴۱ به ۴۳۷ میلیون دلار رسید. با این درآمد استعداد ارتش ایران به حدود ۲۰۰ هزار نفر افزایش پیدا کرد و بودجه نظامی هم از ۸۰ میلیون دلار در سال ۱۳۳۳ به تقریباً ۱۸۳ میلیون دلار تا سال ۱۳۴۲ رسید. با این افزایش بودجه نظامی و افزایش درآمد کشور، ایران قراردادهای نظامی برای خرید تجهیزات با آمریکا و سایر کشورها منعقد کرد و از آن جمله قرارداد خرید ۴۰۰ دستگاه تانک ام-۴۷ و ۴۶۰ دستگاه تانک ام-۶۰ با آمریکا بسته شد که در آن زمان جزو تانک های پیشرفته بودند. در داخل کشور هم با افزایش بودجه نظامی، ایجاد زیر ساخت ها و امکانات نظامی مانند پادگان ها برای تیپ ها و لشکرها و تأسیسات لجستیک نیروی زمینی، همچنین ساخت پایگاه ها و فرودگاه های نظامی و غیر نظامی، بنادر و پایگاه های دریایی و تأسیسات لجستیک نیروهای هوایی و دریایی آغاز شد.

درآمدهای نفتی ایران از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ به ۳۸ میلیارد دلار رسید. با این افزایش، بودجه نظامی کشور هم همه ساله افزایش پیدا می کرد. این افزایش بودجه ها موجب شد تا شمار نفرات ارتش از ۲۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۴۲ به ۴۱۰ هزار نفر تا سال ۱۳۵۶ برسد. نیروی زمینی به ۲۰۰ هزار نفر، نیروی هوایی ۱۰۰ هزار نفر، نیروی دریایی ۲۵ هزار نفر، واحد کوماندوهای ویژه به ۱۷ هزار نفر و گارد شاهنشاهی به ۸ هزار نفر رسید. در سال های ۵۶-۱۳۵۵ یک قرارداد ۱۲ میلیارد دلاری هم با کشورهای غربی برای خرید سلاح های جدید بسته شد. این تجهیزات شامل ۲۰ هواپیمای جنگنده F-۱۴ دارای موشک های دور برد فونیکس، ۱۹۰ فانتوم F-۴، ۱۶۶ جنگنده F-۵، ۱۰ هواپیمای ترابری بوئینگ ۷۰۷، ۲۸ هاورکرافت، ۷۶۰ دستگاه تانک چیفتن، ۲۵۰ دستگاه تانک سبک شناسایی اسکورپیون، یک ناوشکن اسپرونس پیشرفته بودند. در سال ۱۳۵۵ ایران دارای بزرگ ترین و پیشرفته ترین نیروی دریایی و هوایی منطقه خاور میانه و پنجمین نیروی بزرگ نظامی جهان شد.

یک ارتش پیشرفته نیاز به نیروی انسانی تحصیل کرده و یک پشتوانه صنعتی و اجتماعی داخلی دارد وگرنه بهره برداری از تجهیزات و تسلیحات پیشرفته نظامی مقدور نخواهد بود و در نتیجه ثروت های ملی در این بخش به هدر می روند. اجرای هر طرح و فعالیت، مستلزم پیش بینی و در نظر گرفتن منابع و امکانات اقتصادی است. بدون توجه به امکانات اقتصادی انجام کوچک ترین طرح و فعالیت می ممکن نیست. لجستیک نظامی یک فعالیت و امکانات عظیم اقتصادی برای تشکیل و نگهداری نیروهای مسلح کشور است که وجود آن ها برای برقراری امنیت و حفظ استقلال کشور ضروری و حیاتی است.

ممکن است امکانات اقتصادی و فراهم کردن پشتیبانی های لازم، خود به خود برنده جنگ نباشد، اما فقدان یا کمبود آن می تواند موجب شکست شود. فعالیت های نظامی که از جمله مهم ترین فعالیت های جوامع بشری محسوب می شوند از سه دسته عمده که دارای همبستگی و ارتباط نزدیک هستند تشکیل شده است که عبارتند از: فعالیت های رزمی، فعالیت های پشتیبانی رزمی و فعالیت های پشتیبانی خدمات رزمی یا همان لجستیک نظامی.

فعالیت های پشتیبانی خدمات رزمی کلیه اقداماتی است که موجب می شوند تا یک رزمنده به حیات خود ادامه داده و به گونه ای مؤثر و مفید بجنگد که باید از همه امکانات پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی برخوردار باشد. برای این که رزمندگان به گونه ای مفید بجنگد باید از

جنگ‌افزارهایی با تکنولوژی روز، تجهیزات مناسب، روحیه جنگندگی، رسیدن به موقع مهمات، خودرو مناسب، پشتیبانی‌های توپخانه زمینی و هوایی و ارتباط مخابرات و بالاخره یگان‌ها و تاسیسات و افراد ماهر برای تعمیر و نگهداری جنگ‌افزارها و تجهیزات برخوردار باشند. (یعنی از همه‌ی امکانات پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی برخوردار باشند.) لذا یگان‌ها و سازمان‌هایی در ارتش به وجود آمده‌اند تا وظایف و مأموریت‌های زیرین را انجام دهند: آمادها، ترابری، تعمیر و نگهداری، تخلیه و بستری کردن مجروحین، امور ساختمانی، امور کارگری، امور غیرنظامیان، و خدمات مختلفی مانند: حمام، لباسشویی، نانواپی، غذاخوری، تخلیه پیکر مطهر شهدا، کفن و دفن، امور درگذشتگان، خدمات بهداشت پیشگیری، دامپزشکی و سایر خدمات صحرایی.

پشتیبانی خدمات رزمی در سرتاسر صحنه جنگ از خطوط مقدم جبهه تا رده ملی و حتی خارج از کشور به طور مداوم ادامه دارد.^۱

به نقل از سرتیپ ۲ بایندریان

در سال ۱۳۴۱ با رسته اردنانس که رسته جدیدی در ارتش بود و پیش از آن با نام رسته ذخایر نامیده می‌شد از دانشکده افسری فارغ‌التحصیل شدم. دوره مقدماتی اردنانس در تهران برگزار می‌شد و طبق روال دوره‌های نظامی، باید بعد از پایان دوره بین یگان‌های ارتش تقسیم می‌شدیم. بین ۵۴ نفر، نفر چهارم شده بودم.

اداره اردنانس یکی از اداره‌های کاملاً تخصصی ارتش است که همراه با ادارات مخابرات، مهندسی، بهداشتی و سررشته‌داری و... زیر نظر ف‌لوج قرار داشت و محل آن در میدان ارگ بود. برای طرح تقسیم وارد اداره اردنانس شدیم. در قرعه‌کشی تقسیم، قرعه دزفول به نام من افتاد.

در اردیبهشت سال ۱۳۴۲ به دزفول رفتم، آمادگاه اردنانس دزفول، آن زمان دو قسمت اصلی داشت: یکی مخازن و دیگری کارخانه روکش لاستیک که بنای آن را آلمان‌ها در سال ۱۳۳۴ در ایران گذاشته بودند و لاستیک‌های فرسوده را در آن جا روکش می‌کردند.

۱- سرتیپ ۲ نورائی منوچهر، مقاله نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس، ص ۵-۱۳.

به مخازن دزفول منتقل شدم. ورود من به مخازن دزفول با انتقال رئیس مخازن مصادف می‌شد و من در ستوان دوّمی مخازن دزفول را تحویل گرفتم. مخازن آن زمان شامل قطعات سری M و یک مقداری قطعات خارج از رده بود. قطعات خارج از رده از زمان اصل چهار ترومن بین آمادگاه دزفول تا پایگاه وحدتی بدون حفاظ چیده شده بودند. تیپ دزفول هنوز تشکیل نشده بود. فقط ما می‌دانستیم که صورت این قطعات در ۱۰۱ فرم بلند بالا نوشته شده که بعضی فرم‌ها ۱۵۰ قلم را شامل می‌شد.

داستان جمع شدن این اقلام در آن منطقه این بود که در زمان کمک متفقین به شوروی سابق در جریان جنگ جهانی دوّم یک مسیر تدارکاتی از طریق بندر شاپور (بندر امام خمینی) به بندر شاه در نظر گرفته شد. از آن جا که وسایل مورد نظر برای ارسال به شوروی باید پیش از ارسال از طریق راه آهن الویت بندی می‌شدند، این دشت برای تخلیه و بارگیری انتخاب شده بود. این پنج هزار صندوق که در آن محوطه وسیع رها شده بود قطعات یدکی خودروهای سری M بودند که آمریکایی‌ها در جنگ دوّم جهانی به شوروی می‌فرستادند. در بین این‌ها اقلام مهندسی و اقلام نجاری هم دیده می‌شد.

سال ۱۳۴۹ به دوره عالی اعزام شدم. بعد از دوره عالی با نیتی که برای خدمت داشتم و چیزهایی که در ذهن خود ترسیم کرده بودم محل‌هایی برای ادامه خدمت به من پیشنهاد کردند که بدترین آن از نظر درجات مناطق، دوکوهه بود. از آن جا که آمادگاه دوکوهه به دزفول نزدیک بود و من هم در دوران خدمتم در دزفول به این شهر علاقمند شده بودم، علاقه‌ای که تا کنون هم ادامه دارد، داوطلب رفتن به دوکوهه شدم. تا سال ۱۳۵۲ در دوکوهه خدمت کردم که این سال‌ها مصادف بود با ورود انبوه مهمات کاتیوشا و گلوله‌های ضعیف و قوی ۱۳۰ مم از نوع روسی، روزانه شاید صد واگن مهمات وارد آمادگاه می‌شد.

پیش‌بینی جنگ عراق با ایران

در سال ۱۳۵۲ به لشکر ۹۲ زرهی منتقل شدم. آغاز خدمت من در لشکر ۹۲ زرهی اهواز با یک سلسله اختلافات مرزی میان ایران و عراق هم‌زمان شد که این اختلافات دو سال به طول انجامید. به خاطر دارم سال ۱۳۵۳، یک روز فرمانده لشکر ۹۲ زرهی، همه فرماندهان و نیروهای لشکر را در سالن همایش جمع کرده بود. من در آن زمان فرمانده گردان نگهداری

لشکر بودم. فرمانده لشکر عین این عبارت را گفت که: «گوشتان را باز کنید، جنگ ما با عراق حتمی است». دلیل ادّعای خود را این گونه عنوان کرد که: «آیا دلیل خرید ۳۰۰۰ تانک روسی توسط عراق برای جنگ با سوریه است؟ آیا برای این است که با اسرائیل می‌خواهد بجنگد؟ آیا می‌خواهد با اعراب بجنگد؟!».

در ادامه صحبت‌هایش از نیروهای لشکر خواست که به آموزش اهمّیت داده و آن را در سطح بالا نگه دارند و تأکید کرد تعمیر و نگهداری را نیز در حدّ اعلا نگه دارید. این بحث‌ها تا واقعه ۱۹۷۵ که روابط ایران و عراق بعد از امضا معاهده الجزایر رو به بهبودی گذاشت ادامه داشت. سال ۱۳۵۴ که هنوز سروان پنج ساله بودم در کنکور دانشگاه جنگ شرکت کردم و قبول شدم. بعد از اتمام دانشگاه جنگ در سال ۱۳۵۵ فرمانده دانشگاه جنگ (فرمانده سابق لشکر ۹۲) من با پنج نفر دیگر را که از لشکر اهواز آمده بودیم صدا کرد و به ما پیشنهاد کرد که در دانشگاه جنگ به عنوان استاد بمانیم. ولی من اصولاً برای درس دادن ساخته نشده بودم به همین دلیل لجستیک را که انتخاب کردم. یک چند وقتی در کنترل موجودی تانک‌های چیفتن و اسکورپیون خدمت کردم. زمانی که قصد انصراف از ادامه خدمت را در لجستیک داشتم، معاون آماد آن وقت مرا در انتخاب محلّ خدمت بین آمادگاه آبیک و آمادگاه دزفول مخیر گذاشت. به آمادگاه ۵۷۱ دزفول رفتم و در آن‌جا فرمانده گردان آماد شدم. آمادگاه صحرایی دزفول، شامل ۴ گردان آماد، تعمیر و نگهداری، لجستیک و یک گردان ترابری و یک گروهان قرارگاه می‌شد.

زمانی که به عنوان فرمانده گردان آماد در آمادگاه منصوب شدم با سیستم آمادی آشنایی داشتم. از سال ۱۳۵۵ کم کم افراد جدیدی داشتند به آمادگاه وارد می‌شدند. از آموزشگاه گروهبانی سهمیه‌ای برای این رسته اختصاص داده بودند و در نظر بود فارغ‌التحصیلان مسجد سلیمان نیز برای جذب در سیستم، بیایند در اینجا آموزش ببینند. تعدادی از همافرها از نیروی هوایی به گروهان‌های مخابرات و اردنانس اختصاص داده شده بودند که نسبت به درجه‌داران در آن زمان از سطح دانش و تخصص بالاتری برخوردار بودند.^۱

۱- فلاح دوست شعاع الدّین، بازوی نبرد، مصاحبه هیأت معارف جنگ با سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۲۵-۳۷.

وضعیت ارتش

اطلس پدافندی: در دو مرحله پاکسازی آجا در سال ۵۷ تا شهریور ۵۸ تعدادی افسران عالی‌رتبه از ارتش اعدام و صدها نفر شامل سرلشکرها و سرتیپ‌ها زندانی یا بازنشسته شده و تا اواخر سال ۵۸ تعداد ۱۲۰۰۰ نفر پاکسازی شدند که ۱۰۰۰۰ نفر آن از نزاجا بوده است که نزاجا بیش از نیمی از توانائی‌های نظامی از جمله نیمی از درجه سرگردی تا سرهنگی و نیروی هوایی حدود نیمی از خلبانان و ۱۵ تا ۲۰ درصد تکنسین‌ها و درجه‌داران را از دست دادند. ولی نیروی دریایی از این نظر کمتر آسیب دید. در اواخر پیروزی انقلاب نیمی از ارتشیان از خدمت فرار کرده و سربازگیری تقویت نشده بود.

مرحوم امام(ره) در اردیبهشت سال ۵۸ به ارتشیان فرمودند: «من از شما تشکر می‌کنم که موقعی که ما احتیاج داشتیم به ما کمک کردید» و در ادامه امام(ره) ضعف ارتش را ضعف اسلام دانستند. در ۲۴ خرداد ۱۳۶۰ فرمودند: «حرف آن‌هایی که تابع سیاست‌های خارجی هستند این بود که این ارتش طاغوتی است. ما از روز اول می‌دانستیم اینها چه می‌خواهند، مسئله چیست و می‌خواهند چه بکنند و از روز اول این مطلب را محکوم کردیم و گفتیم ارتش باید باشد. آن هم ارتشی که با قیام ارتش بود که ملت پیش برد و می‌خواستند، ارتش را نابود و برود سراغ کارش و این قدرت را از ایران بگیرند و ایران بماند بدون ارتش و آقای صدام بیاید هر جا دلشان می‌خواهد و آقای کارتر یا ریگان بیایند هر کار دلشان می‌خواهد بکنند. اسلام ارتش لازم دارد و ما ارتش را با تمام قدرت حفظ می‌کنیم».

لشکر ۹۲ زرهی اهواز که یکی از قویترین لشکرهای زرهی خاورمیانه و سد کننده تک اصلی دشمن برابر طرح‌های ابلاغی بود، در ۵۹/۶/۱۶ اعلام داشت که در مجموع حدود ۱۱۰۰۰ نفر کمبود نیرو اعم از کادر و وظیفه دارد. برای نمونه در موقع هجوم عراق به ایران در شهریور ۵۹ درصد افراد یک گردان از لشکر ۹۲ به ۳۸٪ افسر، ۳۱٪ درجه دار و ۴۲٪ سرباز تقلیل یافته بود. یعنی یگان در طبقه ۴ عملیاتی یا به عبارت دیگر غیر عملیاتی شده بود. در ابتدای حمله‌ی زمینی عراق به ایران تیپ ۱ در جنوب خط مرزی از طلائی‌ه تا شلمچه با دو گردان زرهی و یک گردان مکانیزه و یک گردان سوار زرهی با کم تر از ۵۰٪ آمادگی رزمی مجبور بود به صورت پاسدار عمومی عمل کند چون عنصر اصلی تأخیری و دفاعی در آن منطقه بودند. در

مجموع لشکر ۳۸۲،۹۲ نفر افسر کادر تعداد ۲۵۳ نفر افسر وظیفه و ۳۰۰۸ نفر درجه دار کادر و ۲۳۸۲ نفر درجه دار وظیفه و ۴۹۸۴ نفر سرباز کمبود داشت و آمادگی کلی آن حدود ۵۰٪ بود.

با چنین وضعیتی که برای ارتش پیش آمده بود، صدام فرصت را غنیمت شمرده و زمان را به سود خود تصور کرد و با آغاز حمله به ایران بزرگترین حماقت را با شروع جنگ در ۵۹/۶/۳۱ مرتکب شد.

ایران و عراق بیش از ۱۶۰۰ کیلومتر از دهانه فاو در جنوب عراق تا دالامپرداغ (مرز مشترک سه کشور ایران، ترکیه و عراق) در آب و خشکی مرز مشترک دارند.^۱

وضعیت ارتش از دید امیر نورائی و امیر بایندریان و تعدادی از فرماندهان در اول انقلاب

سرتیپ ۲ نورائی:

از روز پیروزی انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ خورشیدی) پادگان‌های ارتش از بیرون و داخل در بعضی از شهرها مورد هجوم افراد مشکوک وابسته به گروهک‌ها قرار گرفتند. البته افراد متعصب و ناآگاهی هم در بین آن‌ها بودند که ناخواسته تحریک شده بودند. گروهک‌های منحرف و وابسته به بیگانه نه تنها در پی به دست آوردن اسلحه و تخریب پادگان‌ها، بلکه به دستور ارباب‌هایشان در پی انحلال و نابودی ارتش بودند تا به راحتی بتوانند یک کشور باستانی و مهم خاورمیانه را تکه‌تکه کرده و برای همیشه آن را از بین ببرند. چنان که شعار مجاهدین خلق یا به راستی منافقین این بود: «از سرگرد به بالا اعدام باید گردد». و یا شعار چریک‌های به اصطلاح فدایی خلق (کدام خلق؟!) این بود که می‌گفتند: «ارتش ضدّ خلقی منحل باید گردد». ما به یاد داریم و هرگز فراموش نخواهیم کرد که پس از حمله سراسری نیروهای ارتش عراق به میهن عزیز ما ایران، همین خلقی‌های دروغین، زیر چتر صدام حسین رئیس جمهوری جنایتکار عراق قرار گرفته و به دست بوسی او رفتند. شاید در بین انقلابیون تنها کسی که از خطر یک کشور بی‌دفاع و نیات پلید صدام حسین رئیس جمهوری عراق آگاهی داشتند حضرت امام خمینی(ره) و تعداد معدودی از روحانیون و سیاسیون نزدیک به ایشان بودند که

۱- اطلس پدافندی (عملیات پدافندی نزا جا)، جمع نویسندگان، نشر سوره سبز، تهران ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۰-۱۲.

به شدت با انحلال ارتش و تضعیف بیش از حد آن مخالف بودند که می‌گفتند: «ارتش باید بماند».^۱ به همان دلیل از همان روز اول پیروزی انقلاب، تعدادی روحانی وارد پادگان‌ها شدند و مورد استقبال فرماندهان قرار گرفتند.

نکته‌ای که لازم است در اینجا به آن اشاره شود این است که غیبت و فرار، علاوه بر کارکنان وظیفه در بین درجه‌داران هم متداول شده بود. در ضمن اگر اکثر افسران و درجه‌داران مرتکب غیبت و یا فرار نشدند در قلب و روح خود دل در گرو رهبری و مردم داشته و پایبند به رعایت احترام به مراجع تقلید و شعائر اسلامی بودند و از برخورد قهرآمیز با مردم پرهیز داشتند و مانند آن‌ها در پادگان‌ها به جهت حفظ ماهیت ارتش و آمادگی رزمی برای نیروهای مسلح برای مقابله با هر گونه تجاوز به مرزهای کشور از سوی بیگانگان بوده است، چنان که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، گروهک‌ها و ایادی بیگانه استان‌های مرزی را دچار آشوب کرده و پس از آن مزاحمت‌های مرزی از سوی کشور عراق نیز شروع شد.

من از روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ مانند روزهای قبل با لباس نظامی در پادگان حاضر و یگان گردان ترابری لشکر ۷۷ را جمع کرده و سعی در اعاده نظم و انضباط نمودم. سپس با توجه به فرار فرمانده پشتیبانی لشکر از طرف فرمانده لشکر به سمت فرمانده پشتیبانی لشکر و همزمان فرمانده گردان ترابری منصوب شدم. تا آن زمان حداقل حدود دو سال بود که برنامه‌های تعمیر و نگهداری اقلام دفاعی و تجهیزات ارتش و آموزش‌های معمولی و مرسوم یگان‌ها عملاً تعطیل شده بود. یعنی بطور کامل تعطیل شده بود حتی به عدم نظافت پادگان و مخصوصاً سرویس‌ها در چند روز اول پیروزی انقلاب اشاره باید کرد که با فداکاری و پیشقدم شدن خودم، پرسنل را تشویق به انجام نظافت کرده و این برای ما خطاری بود که در صورت تهدید نظامی کشور چه خواهیم کرد.^۲

نویسنده: بنده نیز شبیه این شرایط را که عیناً در بعضی از پادگان‌های دیگر مثل پادگان مرکز آموزش اردنانس در تبریز اتفاق افتاده بود را تجربه نمودم و با پیشقدم شدن، سربازان زیر مجموعه را ملزم به نظافت سرویس‌های عمومی نمودم.

۱- نقش بی بدیل شهید دکتر مصطفی چمران در حفظ ارتش در آن زمان بسیار قابل ملاحظه بوده است.

۲- سرتیپ ۲ نورانی منوچهر، مقاله نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس، ص ۲۵-۲۹.

سرتیپ ۲ بایندریان:

دفاع از حکومت شاه یا همراهی با انقلاب

هر چند در ابتدای سلطنت پهلوی بیشتر افسران و فرماندهان از خانواده امیران ارتش بودند و همه در مدارج بالای نظامی قرار داشتند، این رسم تقریباً در دهه ۵۰ منسوخ شده بود و نیروهای ارتش در مدارج بالای نظامی بیشتر از میان توده مردم بودند.

در واقع یکی از دلایلی که سبب پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ گردید این بود که این ارتش، علی‌رغم مسئولیتی که بر عهده‌اش نهاده شده بود، چون شالوده‌اش از میان مردم شکل گرفته بود، در کوران انقلاب به گونه‌ای با همراهی با جریان‌های مردمی، با حداقل رویارویی با مردم، زمینه را برای پیروزی انقلاب اسلامی فراهم آورد.

بعد از پیروزی انقلاب، ارتش به یاری رساندن به مردم ادامه داد و حضور ارتش در مقابله با ناآرامی‌هایی که ضد انقلاب در گوشه و کنار کشور به وجود آورده بود و به خصوص در کردستان نشان بارزی است بر ادعای همکاری ارتش با انقلاب و مردم.

بعد از انقلاب اسلامی همان طور که طبیعت هر انقلابی نیز این گونه است، ارتش به دلیل نقل و انتقالات بی‌رویه در سطح یگان‌ها (بدون در نظر گرفتن نیاز یگان‌ها و فقط بر مبنای حضور نیروها در موطنشان برای خدمت) از یک سو و از سویی دیگر به دلیل ساختار شکنی در ارتشی که انقلاب آن را عامل حفاظت از سلطنت می‌دانست و عوامل دیگری چون پاکسازی‌های گسترده در میان فرماندهان ارتش، به گونه‌ای دچار از هم گسیختگی در سیستم فرماندهی گردید و بیشتر یگان‌های آن به دلایل پیش گفته با فقر نیروهای متخصص مواجه شدند.

در برخی از مناطق کشور به دلایل بافت فرهنگی و شکل حضور نیروهای ارتش در آن منطقه‌ی خاص، در میان مردم تمایل ورود به ارتش بیشتر به چشم می‌خورد. از سوی دیگر در شهرهای حاشیه کویر که روحیات مردم آن علی‌رغم خشونت طبیعت از آرامشی ذاتی برخوردار هستند این رغبت و تمایل برای ورود به نظام کمتر دیده می‌شود. مثلاً در لشکر اهواز می‌بینیم که اکثر نیروهای نظامی این لشکر از مناطق بروجرد و خرم‌آباد بودند که بعد از پیروزی انقلاب این‌ها برای انتقال به خرم‌آباد و بروجرد پذیرش می‌گرفتند و این موضوع در رده‌های بالای

فرماندهی و حتی ستادها نیز پیش‌بینی نمی‌شد که این جابجایی‌ها و نقل و انتقالات می‌تواند به عنوان یک عامل اساسی موجب تضعیف ارتش شود.

در خوزستان تدبیری اندیشیده شد که فارغ‌التحصیلان دبیرستان صنعتی مسجد سلیمان را وارد لشکر اهواز و آمادگاه دزفول کنند. من در سال ۵۸ با گرفتن تعهد حدود ۱۲۰ نفر از این اشخاص را به دلیل کمبود نیرو جایگزین نیروهایی کردم که بعضی از آن‌ها دوره‌های مفصلی دیده بودند و زمانی که این فارغ‌التحصیلان آمدند نه تنها کارایی خاصی برای آمادگاه نداشتند بلکه از لحاظ انضباطی هم آموزشی ندیده بودند و روحیه‌ی اطاعت از دستور مافوق در آن‌ها در سطح پایینی قرار داشت. می‌دانستم چنانچه در این مورد خاص فکر عاجلی نکنم این مسئله بعدها منجر به لطمات شدیدی به واحد خواهد شد.

شب ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ در اتاق افسر نگهبانی (بعنوان ف‌آمادگاه) نشسته بودم. هر ۴ فرمانده گردان و فرماندهان گروهان‌ها هم در پادگان بودند. مردم دزفول اعلام کرده بودند که با پادگان آماد کاری ندارند. فردی به پادگان آمد و گفت: «پادگان‌ها همه غارت شده و همه رفته‌اند همه فرار کرده‌اند شما چرا اینجا نشسته‌اید و کاری نمی‌کنید؟!».

از توصیه احمقانه‌ای که کرده بود پاسخی جز سکوت از من نگرفت، فقط او را نگاه کردم یکی از افسران آمادگاه هم که پیش من بود سکوت کرد و چیزی نگفت. در یک لحظه جو اتاق آن قدر برای او سنگین شد. بی این که کلام دیگری به زبان بیاورد، یا حتی خداحافظی کند از دفتر بیرون رفت.

آغاز مسئولیت‌های انقلاب

روزهای پر التهاب انقلاب سپری می‌شد تا این که در ۲۲ بهمن ۵۷، انقلاب به پیروزی رسید. در جریان تسویه گسترده نیروها در ادارات و سازمان‌ها و از جمله ارتش بعد از پیروزی انقلاب، فرمانده آمادگاه هم از فرماندهی آمادگاه کنار گذاشته شد. و در جریان یک تصمیم و به دنبال آن نظرسنجی از نیروهای پادگان، دست آخر مرا به عنوان فرمانده آمادگاه معرفی کردند.

سه گردان در پادگان دوکوهه داشتیم و یک گردان و سه گروهان در دزفول مربوط به آمادگاه بودند. صبح‌ها در پادگان دزفول بودم، ظهر که می‌شد به پادگان دوکوهه می‌رفتم، نامه‌ها را

امضاء و به امور رسیدگی می‌کردم. ساعت ۱۴:۳۰ خدمت روزانه به پایان می‌رسید ولی معمولاً تا غروب در پادگان می‌ماندم. سربازان به تدریج ترخیص می‌شدند و آمار نیروهای وظیفه پادگان هر روز کمتر می‌شد. یک روز از رده بالا ابلاغ شد که ۲۵۰ نفر مشمول به شما می‌دهیم، که آموزش آن‌ها را هم خودتان به عهده بگیرید. یک روز هفت، هشت تا اتوبوس حامل نفرات وارد دوکوهه شدند. متأسفانه بعد از انقلاب به خصوص روزها و ماه‌های اول موضوع نظم و انضباط در ارتش بسیار کم‌رنگ شده بود.

نیروهای وظیفه تازه وارد را در محوطه پادگان جمع کردیم و پس از این که چند دقیقه‌ای برایشان صحبت کردم با توجه به این که از نیت برخی از آن‌ها نیز اطلاع یافته بودم اعلام کردم: « آن‌هایی که آمده‌اند تفنگی بردارند و بروند، یک طرف بایستند، آن‌هایی که آمده‌اند خدمت کنند بروند طرف دیگر». نزدیک به ۱۰۰ نفر از آن‌ها برای خدمت جدا شدند و مابقی گفتند: « ما نمی‌خواهیم خدمت کنیم». گفتم: « اسامی گروه داوطلب خدمت را نوشته و شناسنامه‌های آن‌ها را تحویل بگیرند و با تجهیزات مربوطه در آسایشگاه اسکان داده شوند». در مورد مابقی نفرات هم که نمی‌خواستند خدمت کنند دستور دادم لباس‌ها و وسایلشان را بگیرند و بعد با اتوبوس به اندیمشک برده و رهایشان کنند.

پیش از این در آن شرایط بحرانی انقلاب، روزهای ۲۵ و ۳۰ بهمن به مسئولین شهر دزفول هشدار داده بودم که اینجا در آمادگاه حدود ۵ میلیارد دلار قطعات تانک چیفتن و تجهیزات دیگر وجود دارد. اگر ارتش این‌ها را لازم ندارد بیایید این‌ها را بریزید داخل گونی و ببرید ولی اگر آن‌ها را به هم بریزید فرقی با این ندارد که این قطعات را به رودخانه ریخته باشید. مسئولین پاسخ دادند: « چنین کاری نمی‌کنیم».

به طور کلی شرایط آمادگاه به گونه‌ای بود که جز چند افسر و درجه‌دار که از سوی دادگاه انقلاب به اخراج از خدمت نظام محکوم شدند از میان نیروهای آمادگاه کسی که محکوم به زندان و یا اعدام شود، نداشتیم. خیلی ملایم همراه با انقلاب جلو آمدیم و کم‌کم سازماندهی جدید در آمادگاه نظم و انضباط را حاکم کرد.

فرصت طلبی صدام

شرایط پس از انقلاب، نابسامانی اوضاع کشور، ناخرسندی استکبار جهانی از پیروزی انقلاب اسلامی، عدم موفقیت ضد انقلاب و وابستگان بیگانه در شکست دادن انقلاب و مهم‌تر از همه به

هم ریختن سازمان ارتش ایران که برای بازسازی حداقل نیاز به ۵ سال زمان داشت همه و همه ایران را به سمت جنگی نابرابر کشاند که بیش از هشت سال به طول انجامید.

اواسط سال ۱۳۵۸ تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی وقت تلفنی اعلام کردند که برای بازدید به دزفول خواهند آمد. ایشان به همراه فرمانده ژاندارمری و تیمسار فرید به پایگاه هوایی دزفول وارد شدند. بعد از انقلاب پاسگاه‌های ژاندارمری تقریباً مهجور واقع شده بودند و به آن‌ها به خصوص از نظر امکانات و تجهیزات نظامی توجهی نمی‌شد. در طول مدت تصدی‌ام به عنوان فرمانده آمادگاه تمام پاسگاه‌های منطقه را با هماهنگی و نظارت شورای تأمین دزفول تجهیز کرده بودم. تیمسار فلاحی از این اقدام قدردانی کردند.

سال ۱۳۵۸ که سرهنگ فرزانه فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز بود، سرتیپ علیمردان خزایی (معاون نیروی زمینی)، سرهنگ امامی و تعدادی دیگر از فرماندهان به دزفول آمدند تا در صبحگاه تیپ دزفول شرکت کنند. من هم در این مراسم صبحگاه شرکت کردم. مرحوم تیمسار خزایی در خصوص شرایط موجود و این که چه اتفاقی در حال حاضر افتاده و این که کم‌کاری‌ها چه صدماتی وارد می‌کند و... سخنرانی کردند. یک گروه‌بان کادر حین اجرای سخنرانی به وسط میدان صبحگاه دوید و چند نفری هم پشت سرش دویدند و در نهایت گستاخی و بی ادبی با صدای بلند فریاد زد، آقا این حرف‌ها چیه؟ ارتش کدومه؟ حقوق ما را باید زیاد کنید، مراسم صبحگاه را دچار تشتت نمود. به تیمسار خزایی گفتم اگر اجازه دهید سری هم به آمادگاه بزنیم و بازدیدی از آن جا داشته باشند.

ایشان با لحنی که حکایت از نارضایتی‌شان بوده گفتند همه جا وضعیت همین است. گفتم نه همه جا این طور نیست. ایشان در آمادگاه متوجه شدند که اصرار من برای بازدید از آمادگاه بی دلیل نبود و وضع آمادگاه خلاف انتظار همه آنان بود. همه چیز مرتب و آماده بود. از گردان‌ها و انبارها، سلاح‌ها، تانک‌ها و سررشته‌داری بازدید کردند و بعد بازدیدکنندگان را به دفترم بردم. در حالی که شادی و رضایت را در چشمانشان می‌دیدم. تیمسار خزایی رو به من کرد و گفت: «بایندریان! باید اعتراف کنم که آن چه را که در این آمادگاه دیدم برایم باور کردنی نیست و با کمال رضایت‌مندی از من و همکارانم تشکر کردند».

این نظم و ترتیب ثمرات بسیاری نیز برای ما به همراه داشت و مهم‌ترین ثمره آن این بود که سبب شد در شروع جنگ بتوانیم قدرت تجهیز هر واحدی را که وارد خوزستان می‌شد داشته باشیم.^۱

سرتیپ بهروز سلیمان‌جاه:

تیر ماه سال ۵۸ از دافوس فارغ التحصیل شدم و منتقل شدم به لشکر ۲ پیاده مرکز که الآن به آن لشکر ۲۱ حمزه (ع) می‌گوییم. همان روز مستقیم رفتم آجودانی لشکر و نهایتاً رفتم به دفتر سرهنگ زین‌العابدین ورشوساز که فرمانده تیپ بود. افسر منضبط، باسواد و مسلط و قاطع و وفادار و دلسوز انقلاب.

بلا تکلیفی نظامی‌ها در اوایل انقلاب

بعد از پیروزی انقلاب بلا تکلیفی نظامی‌ها را فرا گرفته بود. نگران بودند چه خواهد شد. چون بالاتر از درجه سرهنگی آن‌ها را که اتهاماتی داشتند دستگیر کردند و اگر اتهامی نداشتند بازنشست کردند. سرهنگ به پایین هم که آنهایی که اتهامی داشتند و یا شاکی داشتند یا آدم کشته بودند یا به دستورشان آدم کشته شده بود را جلب کردند و تحویل دادگاه دادند. تا این که چهاردهم یا پانزدهم اسفندماه که به فرمان حضرت امام (ره) از رادیو تلویزیون اعلام کردند نظامیان به سرکارشان بروند، ماهم به دافوس رفتیم که خودمان باید محوطه کلاسمان را نظافت می‌کردیم. آن روز به نظافت گذشت و این کارمان باعث شد تا پرسنل وظیفه هم تکانی بخورند و یواش یواش کارشان را شروع کردند.

مسئولیت فرماندهی گردان ۱۳۸

خودم را به فرمانده تیپ ۱ لشکر ۲ معرفی کردم، استقبال خوبی کرد. فرمانده تیپ در آخر گفت: «در ترکیب سازمانی ما سه گردان داریم: ۱۳۱، ۱۳۸ و ۱۴۰ و اما به علت کمبود پرسنل همه را جمع کردیم یکجا به نام گردان ۱۳۸ و فعلاً وسط کار را گرفتیم. شما را می‌خواهم فرمانده این گردان بگذارم، مشکلی نداری؟». گفتم: «نه!». گفت: «اکثراً الآن

۱- فلاح دوست شعاع‌الدین، بازوی نبرد، مصاحبه هیأت معارف جنگ با سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۴۴-۵۶.

به علت مشکلات بعد از انقلاب، فرماندهی را استقبال نمی‌کند، ولی شما چانه نزدی و بلافاصله قبول کردی».

تظاهرات سربازها و بعضی از کارکنان

یک تعدادی داد و فریاد راه می‌انداختند، ارتش بی‌طبقه توحیدی می‌خواستند، بدون این که معنی و مفهومش را بدانند. به طوری که سربازان وظیفه هم تظاهرات می‌کردند که خدمت کم بشود و می‌پرسیدند دو سال سربازی برای چیست؟ اصلاً چرا بایستی سربازی باشد؟ نهایتاً مسئولان را وادار کردند تا فکری برای سربازی نکنند و یک امتیاز هم به این طبقه بدهند. این را که می‌گویم امتیازگیری بود، در حدی بود که اگر یک نفر می‌آمد می‌گفت: من بروم آموزش و پرورش خدمت کنم، می‌گفتند برو پذیرش بیار. و به این صورت سرانجام خدمت سربازی یک سال شد.

از اساتید و کارکنان دافوس آن‌هایی که سرهنگ به بالا بودند همه‌شان بازنشسته یا به عناوین مختلف حذف شدند ولی آن‌هایی که ماندند قابل طرح هستند و اساتید به نامی بودند، یکی از این‌ها سرهنگ فروزان بود. بعد از او سرهنگ زین‌العابدین ورشوساز افسر جدی، با شرف، معتقد به انقلاب و از کسانی بود که خودش در روند پیروزی انقلاب نقش داشت و حاضر بود برای پایداری و بقای انقلاب شهید شود. قرار شد که لشکر ۱ با لشکر ۲ به اصطلاح بگوییم گارد جاویدان و لشکر گارد ادغام شوند و لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهدا (ع) تشکیل شود. ایشان اولین فرمانده لشکر ۲۱ حمزه (ع) بود و لشکر را برای حضور مؤثر در دفاع مقدس آماده و هدایت کرد. او اولین فرمانده لشکر و لشکر ۲۱ حمزه (ع) نیز اولین لشکری بود که به منطقه رفت و در جنگ شرکت کرد.

مأموریت بانه

باتوجه به تلفات یک گردان (گروه رزمی) از لشکر ۱ مرکز در بازگشت از سردشت به تهران در نزدیکی قبرستان شهر بانه با استفاده از روز ویژه مراجعه مردم به قبرستان، ضد انقلاب آن گردان را غافلگیر کرده بودند و تلفاتی به آن وارد کرده و بیشتر تجهیزاتش را به یغما بردند. تعدادی از پرسنل به پادگان بانه پناه برده بودند و لذا روحیه گردان ۱۴۱ که در آنجا مستقر بود، تضعیف شده بود. از نیروی زمینی و لشکر ابلاغ شد گردان ۱۳۸ به جای ۱۴۱ به بانه برود که

با ابلاغ ماموریت به پرسنل کادر تشنژی در گردان ایجاد شد که با توضیحات زیاد کارکنان را آماده مأموریت نمودیم و با رعایت تمام نکات ایمنی بعد از رسیدن به فرودگاه سنندج با راهنمایی افسر رکن ۲ لشکر ۲۸ ساعت ۳۰:۱۰ شب به طرف پادگان حرکت و سربازان را در آسایشگاهی که لشکر آماده کرده بود اسکان دادیم و صبح با کمک هوانیروز و با توجیهات لازم فرماندهان گروهان و پرسنل در بانه پیاده شده و با رعایت نکات تأمینی مستقر شدند. به لطف خدا و با ایجاد هماهنگی با امام جمعه و دسترسی به اطلاعات لازم اقدام به تأمین و گسترش مواضع در پایگاه‌ها نموده و با حضور مداوم خودم و فرماندهان در پایگاه‌ها و پاسگاه‌ها بالاخره تأمین امنیت پادگان و جاده‌های بانه و شهر و نیز با مردم یاری مثل خرید و تهیه شیشه برای خانه‌ها و مسجد شهر، مرمت جدول‌ها و خیابان‌ها، با کمک جهاد سازندگی و همکاری سپاه پاسداران مسقر در پادگان با ریختن عرق، از ریختن خون جلوگیری کردیم و امنیت را در شهر برقرار و دفاتر گروهک‌ها را تعطیل نموده و از شهر خارج شدند و با این که برای ۱۵ روز ماموریت رفته بودیم بعد از ۴ ماه اقدامات مثبت، با جایگزین شدن یک گردان از لشکر ۷۷ خراسان بدون تلفات به تهران برگشتیم.

روز یکم مهر فرمانده لشکر تک و تنها به سمت منطقه حرکت کرد. در پادگان تیپ ۲ دزفول یک زیرزمینی بود. ایشان رفت به آنجا و به مرحوم تیمسار ظهیرنژاد و شهید تیمسار فلاحی ملحق شد. از آن جا دستورات را صادر می‌کرد که کدام واحدها کجا بیایند و مستقر شوند. ادغام این دو لشکر کار هر کسی نبود. از آن جایی که این دو لشکر از لشکرهایی بودند که اعدامی و تیربارانی زیاد داشتند و این مسئله روی اذهان پرسنل اثر گذاشته بود، لذا وضع به گونه‌ای شده بود که به هر شخصی چه افسر باشد چه درجه‌دار باشد مأموریت داده می‌شد تردید داشت که اگر فلان مأموریت را انجام دهد امکان دارد فردا نیز مورد بازخواست قرار گیرد و این‌ها نیز اعدام و یا زندانی شوند. بنابراین کوچکترین مسائل را بایستی برای اینها می‌شکافتیم، ساعت‌ها صحبت می‌کردیم، فرق گذشته و حال را برای این‌ها درمی‌آوردیم و تفهیم می‌کردیم.^۱

۱- سرتیپ سلیمان جاه بهروز، سلیمان جاه (خاطرات مرحوم سرتیپ بهروز سلیمان جاه)، تدوین هیأت معارف جنگ، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۳، ص ۱۲۴-۱۶۰.

مصاحبه با مسئولین و کارکنان مرکز تعمیراتی تهران

سرتیپ ۲یدالله عسگری

در صبح روز ۲۳ بهمن سال ۵۷ یک گروه ۲۰ نفره مسئولیت حفاظت از مرکز را به عهده گرفتند که بنده نیز یکی از اعضای آن گروه بودم. همچنین یک نفر روحانی جوان به نام نهضتی نیز در جمع ما قرار داشت. گروهک‌های غیر اسلامی چپ و نفاق در ۲۱ و ۲۲ بهمن ده‌ها هزار قبضه اسلحه را از سربازخانه شماره ۳ (که مابین دو کارخانه و در جنوب راه آهن قرار دارد) خارج کرده بودند. وقتی ما در ۲۳ بهمن در محل حضور پیدا کردیم متوجه شدیم که آن‌ها با خاور و نیشان تلاش زیادی در بازرگیری و غارت مجدد سلاح‌ها را دارند که به علت حضور ما در این غارت مجدد موفق نشدند.

اعلام نهضت جهاد قطعه‌شناسی و قطعه‌سازی

تا یک ماه قبل از پیروزی انقلاب بیش از ۱۵۰ نفر مستشار در این مرکز فعالیت می‌کردند و مشاغل تخصصی ویژه در انحصار آن‌ها بود و تعمیر و ساخت قطعات خاص را در اختیار داشتند، هرچه از ۲۲ بهمن می‌گذشت، دغدغه و نگرانی‌ها بیشتر می‌شد تا این که با تلاش جوانان مؤمن و انقلابی، پس از مدت کوتاهی همه‌ی جایگاه‌های خالی تخصصی پر شد و به نحو مطلوبی نیازمندی‌ها، شناسایی قطعات و ساخت آن‌ها شروع شد. در سال ۱۳۵۷ میانگین سن خدمتی کارکنان مرکز بسیار جوان بود و بیش از ۷۰ درصد آن‌ها ورودی سال ۱۳۵۰ به بعد بودند.

به علت درگیری‌های پس از انقلاب در نقاط مختلف کشور، آموزش‌ها و تعمیر و نگهداری در ارتش دچار لطمه و نقصان بسیار شدیدی شده بود اما تلاش جمعی، در مرکز تعمیراتی، به عنوان یک تکلیف بود و همه‌ی کارکنان انجام امور جاری را عبادت می‌دانستند، لذا این روحیه هر روز قوی‌تر شد و تصفیه‌ی برخی از عناصر گروهک‌ها در سال ۱۳۵۸، مرکز تعمیراتی تهران را یکدست انقلابی و پیرو خط امام (ره) نمود. با شدت یافتن جنگ در کردستان تیم‌های تعمیراتی مختلفی با تخصص‌های گوناگون به مأموریت اعزام می‌شدند و اگر دستگاهی فاقد مدارک فنی و یا افراد متخصص بود بلافاصله کارکنان انقلابی به صورت داوطلبانه مسئولیت کار آن را می‌پذیرفتند.

جنگ تحمیلی و اعزام اکیپ‌های تعمیراتی

اکیپ‌های تعمیراتی مرکز تعمیراتی تهران به صورت دائمی در مناطق عملیاتی، از یگان‌های ارتش و سایر اقشار نیروهای مردمی، پشتیبانی می‌کردند و ما هر چند هفته یکبار به صورت شیفتی اعزام می‌شدیم و مجدداً جایگزین می‌شدیم و البته در آنجا بیشتر اکیپ‌ها از کارگاه‌های سلاح سبک، سنگین، تانک، مخابرات و سایر قسمت‌های مرکز تعمیراتی، در حال مأموریت و انجام وظیفه بودند و لذا اعزام این اکیپ‌ها سبب شده بود که فاصله‌ی میان آماد و تعمیرات و خطوط نبرد به شدت تقلیل یابد و این یک نقطه‌ی قوت در امر لجستیک در نبرد هشت ساله بود.

کممک به سپاه پاسداران، کميته‌ي انقلاب اسلامي، شهرباني و ساير نيروها

پس از پیروزی انقلاب، تعداد زیادی از تجهیزات مخابراتی در صنایع نظامی و شرکت‌های داخلی و خارجی به سپاه پاسداران تحویل گردید که مدّت‌های مدیریتی تأمین قطعات این تجهیزات واگذار شده به سپاه، توسط ارتش صورت می‌پذیرفت و تعدادی از کارکنان متخصص مرکز تعمیراتی تهران ضمن همکاری با سپاه و کمیته‌های انقلاب، نسبت به حاضر به کاری تجهیزات یاد شده اقدام می‌کردند، که این تعامل با شهربانی وقت کشور نیز وجود داشت.

سرھنگ محسن دمیرچی لو

حوادث در زمان پیروزی انقلاب و بعد از آن

با اوج گیری حوادث پیروزی قبل از انقلاب و ترک پادگان‌ها توسط پرسنل که زمینه ساز غارت اموال بیت‌المال نیز گردیده بود بنده جزو اولین نفراتی بودم که به اتفاق امیر عسگری و امیر شهریاری، اداره‌ی پادگان را حدود دو ماه به صورت شبانه روزی در دست گرفتیم که مهم‌ترین نقش ما در آن زمان اداره و حراست از تأسیسات بسیار گرانبهایی بود که با بودجه‌ی این ملت در طول سال‌ها خریداری شده بود. جالب است بدانید در طول این چند ماه، ما در هر شبانه روز فقط دو ساعت می‌خوابیدیم که بنده خودم شب‌ها پاسخ می‌شدم و نفرات را سرپست‌های نگهبانی می‌بردم و این کارها باعث شد که اموال، انبارها و ابزارهای کارخانجات نصر و فتح -سالم بمانند، اما پادگان‌های مجاور مانند سربازخانه‌ی شماره ۳ توسط گروهک‌های معاند غارت شدند.

حضور مستشاران نظامی خارجی در قبل از انقلاب در ارتش

الف) مستشاران انگلیسی

قبل از انقلاب در سالن زرهی کارخانجات فتح حدود ۶۰ نفر مستشار نظامی انگلیسی داشتیم که نفرات آن‌ها در قسمت‌های مختلف، سازماندهی شده بودند، در آن زمان من در همان سالن سرپرست کارگاه الکترونیک تانک چیفتن بودم که همزمان رابط بین انگلیسی‌ها و مرکز تعمیراتی تهران نیز بودم. لذا تمام امور فنی زیر نظر انگلیسی‌ها بود و کارکنان ما در کار خودشان مستقل نبودند و به نوعی آموزش حین کار را سپری می‌نمودند. ما در آن سال‌ها فقط تعمیرات اقلام را داشتیم، لیکن اجازه و امکان تعمیر عمده‌ی موتور وجود نداشت، سرانجام با نزدیک شدن پیروزی انقلاب همه‌ی آن‌ها از مهر ماه ۵۷ کشور را ترک کردند.

ب) مستشاران روسی

در سالن‌های سری روسی معروف به سری R که امروز به کارخانجات نصر مشهور است، تعداد روس‌ها خیلی کم بود و آن‌ها بیشتر ناظر بودند.

ج) مستشاران آمریکایی

در سالن‌های سری آمریکایی معروف به دپو یا سری M در قسمت موشک، ۲ نفر، و در بخش نفربر ام ۱۱۳ نیز تعداد محدودی حضور داشتند، لیکن در سایر پادگان‌های ارتش تعدادشان زیادتر بود.

تلاش برای فراگیری هوشمندانه‌ی تکنولوژی

محل سکونت مستشاران انگلیسی، در آن سال‌ها در حوالی میدان ونک بود. انگلیسی‌ها در لشکرهای مختلف نیروی زمینی مانند لشکر ۱۶، لشکر ۹۲، مرکز آموزش زرهی شیراز و لشکر گارد، نفرات و اکیپ‌های متخصص داشتند. باتوجه به این که من دوره‌های تئوری فراوانی را در خصوص تانک چیفتن طی نموده بودم، نیاز به کار عملی را شدیداً در خود حس می‌نمودم. لذا چون انگلیسی‌ها جهت تعمیر تانک به لویزان تهران اعزام می‌شدند، من از آن‌ها خواهش کردم که به همراه آن‌ها اعزام شوم، اما آن‌ها گفتند: «باید مجوز حضور داشته باشی!». که بنده این کار را کردم و مجوز حضور را کسب نمودم، رأس ساعت ۶:۳۰ صبح از محل اسکان آن‌ها سوار خودرو می‌شدیم، به لشکر گارد می‌رفتیم و به مرور من در لشکر گارد تخصص بسیار

بالایی را کسب کردم، تا حدی که حتی هم‌اکنون نیز حتی به جرأت می‌گویم در نیروی زمینی هیچ فردی به اندازه‌ی من در تانک چيفتن و ساير ادوات زرهی صاحب تخصص نمی‌باشد.

پیامدهای انتقالات بومی ارتش پس از پیروزی انقلاب

یکی از موارد در خور تأمل در ابتدای پیروزی انقلاب، انتقال کارکنان ارتش به محل‌های بومی و سرزمینی آن‌ها بود. امری که سبب وارد آمدن لطمات جبران‌ناپذیری به توان رزمی و به ویژه صدمه به ادوات نظامی ارتش خصوصاً در نیروی زمینی گردید. این مورد به ویژه در لشکر ۹۲ زرهی اهواز با توجه به حساسیت فنی آن لشکر نمود بارزتری داشت.

واقعیات ملموس پس از انتقالات بومی

به عنوان نمونه در مانور نادر که در سال ۱۳۵۴ انجام شد وقتی به ارتش حالت آماده‌باش داده شد، لشکر ۹۲ زرهی اهواز با دارا بودن ۴ تیپ زرهی در مدت زمان ۲ ساعت محلّ سازمانی و پادگان‌های خود را تخلیه و به مواضع سدکننده اعزام شدند. اما در ۱۵ شهریور سال ۱۳۵۹ رئیس وقت کارخانجات فتح، ساعت ۲ نیمه شب به من خبر داد که رئیس جمهور وقت به اهواز رفته، شما نیز بلافاصله با اکیپ متخصصان، خود را به آنجا برسانید. بنده به اتفاق ۴ نفر دیگر از همکاران تعمیرکار سوار بر یک سواری هیلمن ساعت ۴:۳۰ صبح از تهران خارج شدیم و در ساعت ۹ شب خود را به اهواز رساندیم. وقتی که من به گردان تانک تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی اهواز رفتم با دیدن اوضاع اسفناک تانک‌های چيفتن به حدی متأثر و متأسف شدم که حالت گریه به من دست داد زیرا صحنه‌هایی جز رها شدن، خراب شدن و بی‌سرپرست بودن را ندیدم که همه اینها حاکی از عدم مدیریت و فقدان تخصص در کارکنان منتقل شده به جای کارکنان آموزش دیده و متخصص لشکر بود.

همچنین بعد از ۳۱ شهریور سال ۵۹ در منطقه‌ی دشت آزادگان، ۱۶ دستگاه تانک چيفتن را مشاهده کردم که در لحظات ابتدایی حرکت به علت این که هیچ کس روغن موتور آن‌ها را تعویض نکرده بود، در داخل خود پادگان و قبل از خروج دچار ترکیدگی موتور شده بودند.

کارمند قنبر راسخ

ایشان که در دوران ستمشاهی از تاریخ ۵۴/۴/۱۹ تا ۵۷/۸/۳ زندانی سیاسی بود، با رهایی از زندان استبدادی طاغوتی به شرکت روزافزون در تظاهرات مردمی و راهپیمایی‌ها ادامه

داده و با پیروزی انقلاب اسلامی، روزها را در کارخانجات بابک (نصر) مرکز تعمیراتی تهران مشغول انجام وظیفه بود و بعد از ظهرها در کمیته‌ی مرکزی انقلاب اسلامی خدمت و انجام وظیفه می‌کرده است.

کارمند قنبر راسخ: شدت فعالیت کارکنان مرکز تعمیراتی تهران در اوایل پیروزی انقلاب، واقعا قابل توصیف نبوده و نخواهد بود. به عنوان نمونه بسیاری از مواقع ما به مدت یک هفته شب تا صبح، ایثارگرانه به کار تعمیر ادوات زرهی و توپخانه‌ای می‌پرداختیم. گاهی پیش می‌آمد، ما تا یک ماه از مرکز تعمیراتی تهران خارج نمی‌شدیم حتی به منزل نیز نمی‌رفتیم، که از جمله می‌توانم به زمانی اشاره کنم که ما در حال ساخت قطعات پل‌های شناور خرمشهر بودیم و یک ماه تمام به منزل نرفتیم.

تعمیر و ابتکار در دوران فراموش نشدنی دفاع مقدس

- ۱- اولین ابتکاری که بنده می‌توانم از آن نام ببرم، ساخت قطعات پل‌های شناور بود.
- ۲- ساخت شعله‌پوش توپ‌های ۱۳۰ میلی‌متری.
- ۳- ساخت قطعه سنبه‌ماتریس کولاس توپ ۱۵۵ میلی‌متری با تهیه تیغه اره‌ی درختان جنگلی و ساخت قطعه‌ی مزبور از آن تیغه.
- ۴- تهیه و خرید دستگاه‌های خاصی که برای تولید قطعات سنگین و دقیق لازم بود که با پیگیری از ادارات صنایع سنگین و شرکت‌ها و همکاری سازمان‌ها ممکن شد.
- ۵- راه‌اندازی تجهیزات و دستگاه‌های مختلف کارخانه که در ساخت قطعات و تعمیرات به آن‌ها نیازمند بودیم.

کارمند مختار رفیع اسپند آبادی

در مورد تعمیرات و ابتکارات می‌توانم به نصب مینی کاتیوشا بر روی جیپ کا ام با طراحی شاسی قوی و تقویت شاسی و فنرهای کمکی، تغییر در سیلندر جیپ کا ام که به علت داغ شدن دچار ترکیدگی سیلندر می‌گردیدند و گره‌ای‌ها در خصوص رفع این عیب اقدامی نکرده بودند اشاره نمایم. در این ارتباط بنده و کارمند احمد فراهانی بعد از چندین روز تحقیقات شبانه روزی با هدایت دو کانال آب به کناره سیلندر رفع عیب نمودیم. همچنین رفع عیب ترمز خودروهای گراز حامل توپ‌های ۱۵۵ م. م اتریشی که مهمات همراه آن را نیز حمل می‌کردند

از جمله دیگر اقدامات ما بودند که با تحقیقات و طراحی یک سیستم فشار باد، ترمز آن را چند برابر تقویت نمودیم.

کمک به برادران سپاه پاسداران: در زمانی که ما در قرارگاه تعمیراتی دوکوهه بودیم، نیروی زمینی سپاه نیز در آنجا یک مجموعه آموزشی داشت که بسیجی‌ها را در آنجا آموزش داده و به لشکرهای سپاه اختصاص می‌دادند و چون تعمیرگاه خودرو نداشتند کلیه تعمیرات خودرویی برادران سپاه علاوه بر تعمیرات یگان‌های نزااجا توسط کارکنان مرکز تعمیراتی تهران انجام می‌شد.

کارمند مهدی ابن یوسف

در سال ۶۴ با ۵ نفر از همکاران متخصص مرکز تعمیراتی تهران جهت تعمیر و بازسازی بدنه تانک‌های چيفتن به دوکوهه اعزام شدیم. از کارهای ابتکاری و تعمیراتی می‌توانم مواردی را ذکر کنم. ساخت غلطک‌های ضدّ مین و نصب آن جلوی برخی از تانک‌ها، تعمیر آشپزخانه‌های صحرایی حتّی بازسازی آشپزخانه‌هایی که تا ۹۰٪ آسیب دیده بودند، تغییر در توپک‌های سنگین گُراز با طَراحی، ساخت و نصب مالبندهای بسیار قوی‌تر که یک عمل بسیار موفّق برای جابجایی سریع توپ‌ها در مواضع توپخانه و گامی مهم برای حفظ توپ‌ها و جان خدمه آنها برداشته شد و ساخت تانکرهای سیّار آب آشامیدنی که در مدّت ۵ ماه، تعداد ۶۰۰ دستگاه تانکر ۱۰۰۰ لیتری ساخته و روانه مناطق عملیاتی نمودیم.

کارمند غلامرضا نیک نیا

در مأموریت‌های جنوب در تیپ ۳۷ زرهی، لشکر ۹۲ زرهی، لشکر ۱۶ زرهی و لشکر ۷۷ خراسان به عنوان تعمیرکار اقلام زرهی از جمله نفربر بی ام پی، توپ ۱۴/۵ م م خدمات مربوطه را انجام می‌دادم.

کمک به برادران سپاه پاسداران: در زمانی که در دوکوهه در حال مأموریت بودم، نفربر طرح خشایار را به برادران سپاه پاسداران آموزش دادم و مدت چند هفته در حین انجام کار، آموزش مبتنی بر عمل را برای آنها اجراء می‌نمودم.

اسامی شهدای مرکز تعمیراتی تهران در هشت سال دفاع مقدس

گرچه در جنگ‌های کلاسیک، شیوه و عرف بدین صورت است که تعمیر ادوات نظامی در عقبه‌ی جبهه و در مراکز تعمیراتی مخصوص انجام گردد، لیکن در راستای تأمین نیاز فوری رزمندگان اسلام، تعمیرکاران ملکوت سیرت این مرکز، در طول هشت سال دفاع پر قداست، دوشادوش سایر رزمندگان جبهه‌های توحید، در خطوط مقدّم نبرد حضور یافته و به تعمیر سلاح‌ها و ادوات نظامی پرداخته‌اند که در نتیجه‌ی این حضور پر حماسه، هفت شهید و گل پرپر شده، شش نفر آزاده، بیش از ۱۳۰ نفر جانباز و ۴۶۰ نفر ایثارگر نظامی و کارمند را تقدیم نموده‌اند.

اسامی شهدای این مرکز عبارتند از:

سرگرد شهید حمید روستایی، ستوان یکم شهید یدالله راجیان، کارمند شهید کامبیز فرهودی، کارمند شهید محمد علی بیگی، کارمند شهید تقی میرزایی، کارمند شهید ولی‌الله خجسته، کارمند شهید غلامرضا امینی (این شهید والامقام که در ابتدای انقلاب به صورت بازخرید از خدمت رها شده بود، در پنجم مهر ماه یعنی روز ششم آغاز تهاجم عراق به میهن اسلامی، به مرکز تعمیراتی تهران آمده و با خواهش و تمنا از مسئولین خواسته بود که او را همراه اکیپ‌های تعمیراتی اعزام کنند، تا دین خود را به وطن اسلامی ادا کند که حدود یک ماه بعد در همین مأموریت در اهواز به فیض شهادت نائل گردید و نام جاودانه ایشان به عنوان اولین شهید مرکز تعمیراتی باقی ماند). ارواح مطهر تمامی شهدای هشت سال دفاع مقدس به ویژه این شهیدان سرافراز ان شاء الله قرین رحمت واسعه الهی باشند.

کارمند فنی حسین بادینلو

آغاز حماسه دفاع مقدس

با آغاز دفاع مقدس یک خروش و جنبش همگانی در سطح مرکز تعمیراتی تهران به وجود آمد. به گونه‌ای که همه کارکنان، همّت خود را بر امر جنگ و دفاع از کشور مصروف می‌داشتند. تا حدّی که ما از ساعت ۶ صبح مشغول خدمت می‌شدیم و ساعت ۹ شب به منزل می‌رفتیم و بعضی شب‌ها تا صبح مشغول تعمیرات بودیم. ابداعاتی مثل فنر توپ‌های ۲۳ میلیمتری، اهرم

سه قوزکی توپ‌های ۲۳ میلیمتری که در اثر تحریم با کمبود این قطعات مواجه بودیم در مرکز ساخته شد.

ناگفته‌هایی از مظلومیت کارکنان مرکز تعمیراتی تهران

در بسیاری از سالن‌ها به ویژه سالن‌های زرهی بسیاری از ادوات، توپ‌ها و تانک‌هایی که جهت تعمیر به کارخانجات و سالن‌ها منتقل می‌شدند، آلوده به عوامل شیمیایی استفاده شده توسط نیروهای بعثی عراق بودند که به علت عدم پاکسازی اصولی، بسیاری از این ادوات آلوده به مواد شیمیایی باعث آلودگی و مصدومیت‌های شیمیایی تعمیرکاران مرکز تعمیراتی تهران می‌شد.^۱

۱- مصباح نه‌اوندی نعمت‌الله، آمادها و نبردها، نشر مکعب، تهران ۱۳۹۳، ص ۳۶-۷۷.

لجستیک

سرتیپ ۲ بایندریان: لجستیک در اصل به مفهوم مجموعه‌ای از فعالیت‌ها شامل امور کارگری، حمل و نقل، امور مهندسی، ساختمان، تعمیر و نگهداری، آماد و تخلیه و اخراجات، بهداشت و تخلیه و بستری مجروحین و انتقال شهدا می‌باشد. ولی این بدان معنی نیست که سایر یگان‌ها در این امر دخیل نباشند، چرا که از ابتدا تا انتهای فعالیت‌های لجستیکی یا فرمانده لجستیکی در جنگ و صلح از برآورد تا طرح‌ریزی، تهیه، نگهداری و توزیع شروع می‌شود و تا آمادگاه‌های صحرایی ادامه می‌یابد. از آمادگاه‌های صحرایی به جلو نیز تمامی این وظایف که بیان گردید، به فرمانده پشتیبانی لشکرها محوّل می‌شود.

پشتیبانی مناطق هر کدام نقاط آمادی را در جلو داشتند. برای مثال پشتیبانی منطقه ۱ بیش از ۲۰ نقطه آمادی داشت که خودروهای آماد، اقلام را روز به روز به این نقاط آمادی می‌رساندند و نمایندگان یگان‌ها به این نقاط مراجعه می‌کردند و برابر جیره، آمادهایشان را تحویل می‌گرفتند و می‌رفتند.^۱

طبقات آمادی

سرتیپ ۲ نورائی: آغاز جنگ جهانی اول که هم‌زمان با صنعتی شدن جوامع غربی بود این فکر را به وجود آورد که امکان بکارگیری حجم عظیمی از منابع ملی و تولیدات صنعتی در جنگ وجود دارد. در همین جنگ بود که برای اولین بار نیروهای نظامی، هواپیما، سلاح‌های سنگین توپخانه، وسایل حمل و نقل موتوری و مقادیر فراوانی از تولیدات مختلف صنعتی را به خدمت گرفته و یا مصرف نمودند. پس از این، در جنگ جهانی دوم و جنگ‌های دیگر (مانند جنگ کره) این روند نه تنها همچنان ادامه پیدا کرد بلکه بر تنوع فرآورده‌های صنعتی در ارتش‌های جهان و کاربرد آن‌ها در جنگ‌های منطقه‌ای نیز افزوده شد. به طوری که امروزه به سختی می‌توان صنعت یا رشته‌ای از علم را یافت که به نوعی سهمی در توان جنگی و قدرت نظامی نداشته باشد.

۱- فلاح دوست شعاع‌الدین، بازوی نبرد، مصاحبه هیأت معارف جنگ با سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۱۱۰-۱۱۱.

آمادهای مورد نیاز یگانهای نظامی را به ده طبقة آمادى تقسیم کرده اند که در ادامه به ذکر آنها و توضیح مختصرى درباره هر یک خواهیم پرداخت.

آماد طبقة یک: این نام دربرگیرنده ی تمامی اقلامى است که برای تغذیه انسان (رزمندگان) به کار برده مى شود که در قالب یک کلمه، یعنى «جیره» گنجانیده مى شود. همچنین تمامی اقلامى که برای تغذیه دواب (اسب و قاطر و غیره) استفاده مى شود هم تحت عنوان طبقة یک تدارک مى شود که به آن «علیق» گفته مى شود. در نیروى زمینی ارتش چه پیش از انقلاب و چه در اناا تحمیلی از قاطر استفاده مى شد و در بعضی مناطق کوهستانی شمال غرب ایران وجود هر قاطر گاهى با یک دستگاه بالگرد برابرى مى کرد.

جیره، در نیروى زمینی به سه دسته ی جیره اضطرارى، جیره عملیاتی و جیره عادى تقسیم مى شد. به هنگام عملیات و اناا، جیره اضطرارى و جیره عملیاتی باید در داخل کوله پشتی و به همراه نفر اعم از افسر، در جدار و سرباز باشد.

لازم به ذکر است که در شرایط صلح هم این جیره ها به همان ترتیب تقسیم شده بودند و در گردانهای یگانهای رزمی از این نوع جیره ها و در آمادگاههای صحراى برای پنج روز و در آمادگاههای اصلی و عمومى برای ۱۰ روز ذخیره شده و نگهدارى مى شدند. اما برای این که این مواد غذایى که دارای مدت معینی بودند، خراب یا فاسد نشوند، در فواصل زمانی مختلف و البته محاسبه شده آنها را به جای جیره عادى مصرف مى کردند. اما جیره عادى عبارت بود از خوار و بار (برنج، آرد، حبوبات و سایر اقلام خوراکی) و مواد فاسد شدى مانند: گوشت گوسفند، گوشت مرغ، کره، پنیر، سبزیجات، مربا، میوه تازه به عنوان دسر و غیره.

آماد طبقة دو: طبقة دو عنوانى است که شامل اقلامى مانند: انواع پوشاک، تجهیزات انفرادى (کوله پشتی، فانسقه، جیبهای جای فشنگ و سرنیزه و سایر متعلقات)، انواع وسایل ادارى و دفترى، انواع نوشت افزار، انواع دست ابزارها، بعضی روغنهای هیدرولیک مخصوص توپها، گازهای مورد نیاز و مخصوص توپها و سلاحهای مشابه و ده ها قلم نیازمندیهای دیگر مى گردد.

آماد طبقة سه: آماد طبقة سه برای شناسایی انواع محصولات مواد نفتی مورد استفاده قرار مى گرفت که شامل: انواع بنزین (بنزین خودروها، بنزین مصرفی در بالگردها و هواپیماهای

شکاری و غیره)، نفت گاز یا گازوئیل، نفت سفید، نفت کوره، قیر، گاز برای مصارف سوختی، انواع روغن‌های مصرفی در خودروها، روغن‌های هیدرولیک (به جز روغن‌های هیدرولیک خاص) و اقلام مشابه این‌ها می‌باشد.

آماد طبقه چهار: به مصالح و اقلام ساختمانی، اقلام و تجهیزات مورد نیاز برای ساختن سنگرها و مواضع سلاح‌ها، موانع و حفاظت از مواضع مانند انواع سیم خاردار، اقلام مهندسی رزمی و غیره، اقلام طبقه چهار گفته می‌شود.

آماد طبقه پنج: اقلام طبقه پنج شامل: انواع مهمات برای جنگ افزارها، مین و مواد منفجره می‌شود که ذخیره عملیاتی آن برای مصرف ۹۰ روز بود که طبق اقلام مندرج در کتاب «جدول مهمات» که به تصویب مقامات وزارت دفاع، ستاد ارتش و فرماندهان نیروها و سایر مقامات ذی‌صلاح رسیده بود.

آماد طبقه شش: این طبقات آمادی، نیازمندی‌های شخصی افراد مانند: روزنامه، سیگار و غیره را شامل می‌شد.

آماد طبقه هفت: تمام اقلام و تجهیزات جدول سازمان یگان‌ها مانند: انواع خودروها، سلاح‌ها، بالگردها، هواپیماها، کشتی‌ها و هر آنچه را اقلام سازمانی یگان‌ها نامیده می‌شد، جزو اقلام طبقه هفت محسوب می‌شد.

آماد طبقه هشت: آماد طبقه هشت به تجهیزات پزشکی و دامپزشکی، انواع داروها و اقلامی که مصرف پزشکی داشتند گفته می‌شد.

آماد طبقه نه: آماد طبقه نه انواع و اقسام قطعات یدکی وسایل و تجهیزات مختلف ارتش را شامل می‌شد که بر حسب مورد ذخیره عملیاتی آنها از سه تا پنج سال تعیین شده بود و در رده‌های مختلف (از یگان‌های مصرف کننده تا آمادگاه‌های اصلی) ذخیره و نگهداری می‌شد.

آماد طبقه ده: آماد طبقه ده شامل وسایل و ابزار آلات کشاورزی یا اقلامی مشابه آن‌ها می‌شود که مصرف غیر نظامی دارد و کاربرد آن برای زمانی است که نیروهای نظامی سرزمینی از خودی و یا دشمن را اشغال کرده باشند.

اصول پشتیبانی لجستیکی یا پشتیبانی خدمات رزمی

صنعتی شدن جنگ جهانی اول این فکر را به وجود آورد که امکان به کار گیری حجم عظیمی از منابع مالی در جنگ وجود دارد زیرا در همین جنگ بود که برای اولین بار نیروهای نظامی، هواپیما، سلاح‌های سنگین توپخانه، وسایل ترابری مختلف (زمینی، هوایی و دریایی) و مقادیر فراوانی از تولیدات مختلف را به خدمت گرفته و به کار بردند. در جنگ دوم و جنگ‌های دیگر این روند همچنان ادامه داشت. و این مسئله تدارک و پشتیبانی لجستیکی از نیروهای نظامی را به ویژه در صحنه‌های عملیات پیچیده‌تر کرده است. بنابراین تنها یک سیستم لجستیکی عملی قابل اتکاء و اعتماد و مداوم می‌تواند به فرماندهان نیروهای رزمی کمک کند تا ابتکار عملیات را به دست گرفته و آن را حفظ نماید. هدف اصلی پشتیبانی خدمات رزمی کمک به فرماندهان برای کسب موفقیت در عملیات است. برای رسیدن به این هدف رعایت و اجرای اصولی به شرح زیر ضرورت دارد که آن‌ها را اصول لجستیکی می‌گویند:

اصل یکم: آماد و پشتیبانی یکی از وظایف و مسئولیت‌های فرماندهی است. هر فرمانده مسئولیت تهیه و تأمین پشتیبانی خدمات رزمی یگان‌های تابعه خود را بر عهده دارد. این مسئولیت از رده یک فرمانده دسته تا عالی‌ترین رده‌های فرماندهی است. زنجیره تدارکاتی در ارتش یک در میان است و مبنای یگان‌ها «گردان» محسوب می‌شود.

اصل دوم: تاکتیک و پشتیبانی خدمات رزمی تفکیک ناپذیرند. طرح‌ها و دستورهای تاکتیکی بدون طرح‌های لجستیکی و در نظر گرفتن پشتیبانی‌های لازم، موفقیت و پیروزی فرماندهی را تضمین نخواهد کرد.

اصل سوم: صرفه جویی در منابع است. صرفه جویی به معنای اندازه نگه‌داشتن در هزینه، دقت و توجه به این که چیزی زیاده‌تر از حد لزوم صرف و خرج نشود.

اصل چهارم: رسانیدن آماد از عقب به جلو می‌باشد. نحوه استقرار و گسترش یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی باید به نحوی باشد که از جلو به عقب، به ترتیب از محل استقرار گروه شروع شده و تا رده ارتش رده به رده ادامه داشته باشد. یعنی این که هر رده نیازمندی‌های پشتیبانی خدمات رزمی رده پایین دستی خود را برطرف نماید.

اصل پنجم: کفایت پشتیبانی خدمات رزمی. یگان‌های پشتیبانی کننده برای انجام مأموریت خود نیاز به اطلاعات درست درباره نیروهای رزمی و پشتیبانی رزمی شرکت کننده در عملیات دارند تا بتوانند بر مبنای اطلاعات دریافتی تأسیسات پشتیبانی خدمات رزمی و منابع آمادی لازم را در محل‌های مناسب و به حدّ کافی فراهم کرده و گسترش دهند.

در طرح‌های پشتیبانی خدمات رزمی باید مشخص شود که هر یگانی چه مقدار، در کجا، در چه زمانی و چگونه تدارک و پشتیبانی خواهد شد.

اصل ششم: معاف نمودن یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی از انجام کارهای آماد و پشتیبانی. کارکنان پشتیبانی خدمات رزمی باید افرادی آموزش دیده باشند تا بتوانند یگان‌های پشتیبانی شونده را یاری دهند و آن‌ها را از درگیر شدن در این امور رهایی بخشند.

اصل هفتم: سادگی و مداومت طرح‌های پشتیبانی خدمات رزمی. رعایت سادگی در طرح‌ها به معنای روشن بودن و قابل درک بودن مسائل مربوط به پشتیبانی خدمات رزمی برای یگان‌های پشتیبانی شونده و یگان‌های پشتیبانی کننده می‌باشد.

اصل هشتم: رعایت انعطاف در طرح‌های پشتیبانی خدمات رزمی. طرح‌های پشتیبانی خدمات رزمی باید با طرح‌های عملیاتی هماهنگ شوند. بنابراین طرح‌های پشتیبانی خدمات رزمی باید به گونه‌ای تهیه شوند که با تغییرات سریع وضعیت تاکتیکی منطبق و هماهنگ شوند.

با توسعه ارتش و برای پیروی از اصول لجستیکی، ارتش ایران با کمک دولت و وزارت دفاع نسبت به تشکیل صنایع نظامی یا صنایع دفاع برای تولید و تأمین بخش‌هایی از نیازمندی‌های لجستیکی نیروهای مسلح در داخل کشور اقدام کرد که به تدریج توسعه پیدا کرد و روز به روز تکمیل‌تر شد و به دامنه آن افزوده شد. همچنین برای هر یک از نیروهای هوایی، دریایی و زمینی فرماندهی لجستیکی و مجموعه‌های وابسته به آن بوجود آمد.

سازمان‌های لجستیکی نزاجا

فرماندهی لجستیکی نیروی زمینی شامل معاونت‌های تعمیر و نگهداری، آماد و اداری و یگان‌های زیر مجموعه آن عبارت بودند از:

۱- مراکز تعمیراتی: اولین مرکز تعمیراتی نیروی زمینی، مرکز تعمیراتی تهران بود و سپس مرکز تعمیراتی یا کارخانجات مسجد سلیمان.

۲- تشکیل فرماندهی پشتیبانی مناطق با آمادگاه‌های صحرایی در مرکز، غرب و جنوب ایران که عبارت بودند از:

الف) فرماندهی پشتیبانی منطقه ۱ شامل دو آمادگاه صحرایی، دو گردان لجستیک، دو گردان ترابری، دو گردان جایگزینی، سه آمادگاه مهمات که به عنوان گروهان‌های مهماتی نامیده شده بودند، سه گردان دواب (که هر یک تعدادی اسب و قاطر برای انجام ترابری و تدارک در کوهستان‌های صعب‌العبور شمال غرب و غرب کشور نگهداری می‌کردند)، دو گردان تعمیر و نگهداری سنگین (انجام تعمیرات رده سه و چهار اقسام)، دو گردان بهداری صحرایی و سه یگان بیمارستان صحرایی متحرک بودند. این بیمارستان‌ها بر حسب نیاز به مناطق عملیاتی و پشت سر یگان‌های رزمنده و در فاصله نزدیک به آن‌ها اعزام و مستقر می‌شدند. کادر پزشکی و پیراپزشکی این بیمارستان‌ها از بیمارستان‌های ثابت ارتش و یا از طریق بسیج پزشکان کشور اداره می‌شد و در زمان جنگ تحمیلی هم به همین نحو عمل می‌شد. شش بیمارستان ثابت صد تخت‌خوابی، ۱۴ خدمات‌پادگانی (مربوط به محل استقرار تیپ‌ها و لشکرها و سایر یگان‌ها) که این یگان‌ها و سازمان‌ها تحت فرماندهی و هدایت یک ستاد و قرارگاه کامل اداره می‌شد که محل استقرار مرکز فرماندهی آن در کرمانشاه بود.

ب) فرماندهی پشتیبانی مناطق دو و سه که ستاد فرماندهی آن‌ها به ترتیب در شیراز و تهران مستقر شده و یگان‌ها و سازمان‌های تحت فرماندهی آن‌ها در شیراز، دزفول، کرمان، تهران و مشهد مستقر شده بودند و بدین ترتیب از نظر پشتیبانی لجستیکی یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی که در هر منطقه از ایران عملیاتی انجام می‌دادند تحت پوشش و پشتیبانی قرار می‌گرفتند.

۳- فرماندهی مهمات، شامل پنج آمادگاه اصلی مهماتی در خرم آباد، منظریه قم، دوکوهه، کرمان و زنجان.

۴- فرماندهی ترابری نیروی زمینی با پنج گردان ترابری سبک، متوسط و سنگین (۱۸۰ دستگاه بنز تریلی کش ۲۰ تن، ۱۸۰ دستگاه ماز تانک بر، حدود ۲۰۰ خودروی سبک و سواری و چندین ترمینال ترخیص کالاها و اقلام نظامی وارده به کشور).

۵- آمادگاه اصلی و عمومی (شامل ذخیره و نگهداری تمامی اقلام مورد نیاز یگانهای نیروی زمینی به جز مهمات و دارو). یک آمادگاه اصلی و عمومی در آبیگ قزوین مستقر و تکمیل شده بود، یک آمادگاه اصلی و عمومی در اصفهان که ساختمانهای آن تقریباً تکمیل شده و بعضی اقلام هم در آن نگهداری می شد. آمادگاه سوّم اصلی و عمومی باید در کرمان دایر می شد که تا پیروزی انقلاب هنوز به اجراء درنیامده بود.

سازمان‌های عمده لجستیکي در رده‌های مختلف

رده استراتژیکي: در رده استراتژیکي هیأت دولت با واگذاری اعتبارات سالیانه، اعتبارات خرید تجهیزات و ادوات جنگي و ساخت پادگان‌ها و پایگاه‌های هوایی و دریایی از نیروهای مسلح در صلح و جنگ پشتیبانی لجستیکي به عمل می‌آورد و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از طریق سازمان صنایع دفاع و دیگر سازمان‌های تابعه در امور لجستیکي نیروهای مسلح کشور، مسئولیت مستقیم دارد. سایر وزارت‌خانه‌هایی که در امور لجستیکي نیروها مسئولیت دارند عبارتند از: وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، وزارت نفت، وزارت صمت، وزارت امور خارجه و بقیه وزارت‌خانه‌ها هم هر یک به نوعی در امور پشتیبانی از نیروهای مسلح مسئولیت و نقش دارند.

در رده نیروهای مسلح (ستادی) معاونت لجستیکي آجا و نیروهای (زمینی، دریایی و هوایی)، فرماندهی‌های لجستیکي نیروها با سازمان‌های عمده خود مانند کارخانه‌ها و مراکز تعمیراتی عمده و آمادگاه‌های اصلی، در پشتیبانی و آماد نیروی مربوطه بطور مستقیم و مستمر مسئولیت دارند.

رده‌های تعمیراتی: در نیروی زمینی ارتش، پنج رده تعمیراتی وجود داشت که عبارت بودند از: رده‌ی ۱ و ۲، مربوط به وظایف خدمه و افراد فنی گردان‌ها، رده ۳ تعمیراتی مربوط به گردان نگهداری پشتیبانی لشکرها، رده ۴ مربوط به فرماندهی پشتیبانی مناطق و رده‌ی ۵ نیز از وظایف مراکز تعمیراتی، فرماندهی لجستیکي نیروی زمینی ارتش می‌باشد. هر یک از این رده‌ها دارای افراد فنی، ابزارآلات، قطعات یدکی و وظایف خاص خود هستند.

جنگ‌های نامنظم

سرتیپ ۲ نورائی: گروه جنگ‌های نامنظم با همکاری شهید امیر سرلشکر فلاحی (رئیس اسبق ستاد مشترک ارتش)، شهید دکتر مصطفی چمران، نخبگان جنگ‌های نامنظم تیپ ۲۳ نیروهای ویژه هوایر ارتش و تعدادی از نفرات داوطلب منتخب شهید دکتر چمران در ابتدای شروع تجاوز نیروهای عراقی در اهواز (ساختمان استانداری) مستقر شده بود. در روزهای آغازین جنگ و پس از بررسی موقعیت نیروهای دشمن و خودی تصمیم گرفته شد ابتدا جلوی

پیشروی دشمن بعثی گرفته شود. اما به علت کمبود نیروهای ارتشی در منطقه جنوب و پایین بودن توان رزمی یگانهای موجود، در مقابل نیروهای تاندان مسلح و عظیم ارتش عراق، دفاع کلاسیک و جلوگیری از پیشروی نیروهای متجاوز امکان پذیر نبود و درگیریهای نابرابر با کمک جنگنده بمبافکنهای نیروی هوایی و هلیکوپترهای جنگنده هوانیروز هم فقط موجب کندی پیشروی دشمن می شد. لذا شهید بزرگوار امیر سرلشکر فلاحی با توجه به دلایل و سابقه ذهنی که داشت پیشنهاد انحراف بخشی از آب رودخانه کارون به سمت غرب و جنوب غربی اهواز را داد تا آبها به سمت نیروهای دشمن پیشروی کرده و با ایجاد گل و لای، مانع حرکت ادوات زرهی، توپها و سایر خودروهای عراقی شود.^۱

۱- سرتیپ ۲ نورائی منوچهر، مقاله نقش رستههای پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس، ص ۱۷-۳۹ و ۱۸۵.

آمداره اصلی (برداشتی از نوشته سرتیپ ۲ نورائی)

راه‌های تأمین نیازمندی‌ها یا نمای ساده‌ای از فعالیت‌های لجستیک

۱- تأمین نیازمندی نیروهای مسلح بستگی کامل به وضعیت اقتصادی کشور و بودجه‌ی دولت دارد. در قدم اول می‌باید تأمین بودجه صورت پذیرد تا تأمین نیازمندی‌ها مقدور گردد.

۲- نیازمندی‌های ارتش از طریق وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سپس از طریق صنایع دفاع، صنایع داخلی کشور، بخش‌های مختلف اقتصادی کشور، خرید از پیمانکاران داخلی و خارجی انجام می‌گیرد.

۳- کلیه‌ی اقلام عمده و غیره تهیه شده از منابع فوق در بند ۲ به آمادگاه‌های اصلی عمومی منتقل و تحویل می‌گردید که در نزاجا آمادگاه اصلی عمومی آبیک و اصفهان می‌باشند. اقلام و قطعات از آمادگاه‌های صحرایی به پشتیبانی لشکرها تحویل می‌گردد و از پشتیبانی لشکر بنابه دستور یا بنابه درخواست و تشخیص نیاز به تیپ و گردان‌های نیازمند یا درخواست‌کننده تحویل می‌گردید.

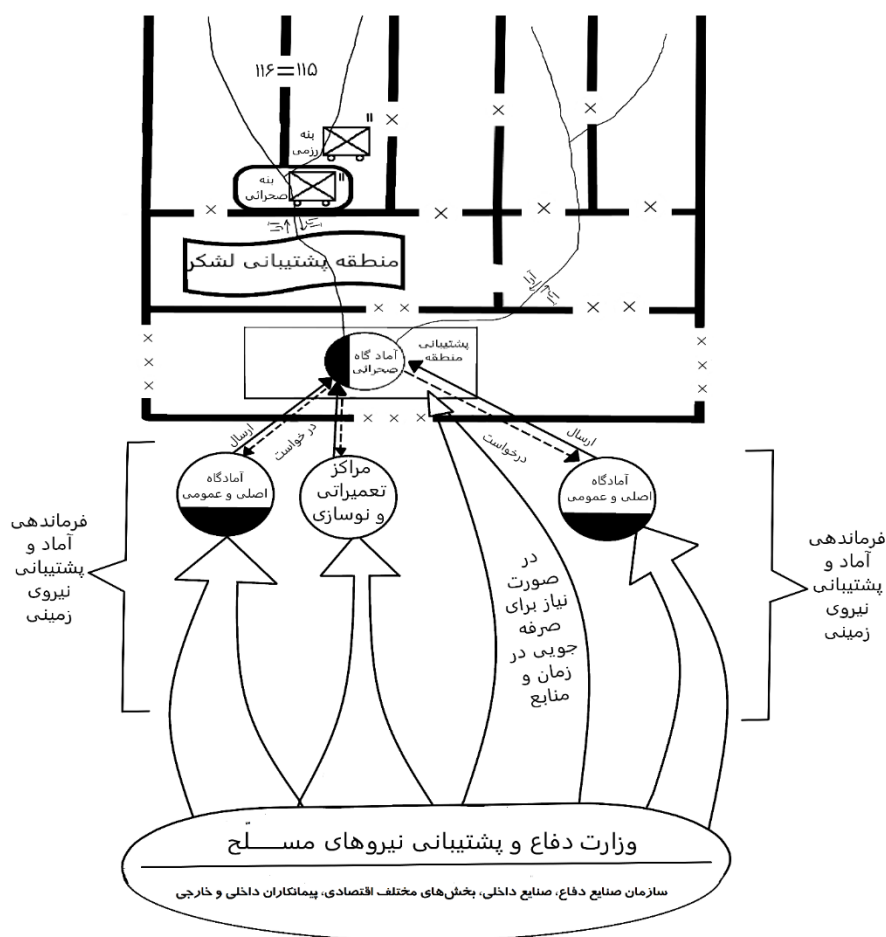
۴- اقلام عمده بنابه امریه و سایر اقلام بنابه درخواست از آمادگاه‌های اصلی عمومی به پشتیبانی مناطق و آمادگاه‌های صحرایی آن ارسال و تحویل می‌گردید، ولی بعضی از اقلام بنابه دستور و یا رعایت نزدیکی راه یا بنا به اقتضای زمان جنگ، مستقیماً از آمادگاه‌های اصلی عمومی به بعضی از یگان‌ها تحویل می‌گردید.

۵- اقلام عمده‌ی تعمیراتی که نیاز به بازسازی و نوسازی (رده ۵ تعمیراتی) دارند از یگان مربوطه به آمادگاه پشتیبانی مناطق و از آنجا به پارک اقلام تعمیراتی آمادگاه اصلی عمومی و یا به مراکز تعمیراتی و کارخانجات نیروی زمینی تخلیه می‌گردیدند که اصولاً باید این گونه اقلام رده ۵ از دارایی یگان کسر شود و پس از تعمیر باید به آمادگاه اصلی عمومی تحویل، تا بنا به امریه به یگان‌ها واگذار گردند. ولی بنا به نیاز و ضرورت این امکان وجود دارد که بعد از تعمیر از طریق آمادگاه صحرایی به یگان مربوطه نیز تحویل گردند.

آمداره اصلى (برداشتى از نوشته سرتىپ ۲ نوراى) / ۳۹

اين روش را آمداره اصلى مى گويند كه حتما بايد از سطح استراتژيك (دولت، وزارت دفاع و سازمان صنايع دفاع) تا سطح يگان تاكتيكى، بودجه، وسيله ي حمل و نقل، انبار و آمدگاه و راه هاى مواصلاتى پيش بينى گردد.^۱ (شمائ زير)

نماى مختصر و ساده اى از فعاليت هاى سازمان هاى لجستيكى
آرا حروف اختصارى عبارت « آمداره اصلى » مى باشد



۱- سرتىپ ۲ نوراى منوچهر، مقاله نقش رسته هاى پشتيبانى خدمات رزمى در دفاع مقدس، ص ۱۴-۳۹.

راه‌های مواصلاتی

سرتیپ ۲ بایندریان: یکی از مشکلاتی که نیروهای نظامی ما در طول جنگ به طور مستقیم آن را لمس کردند این بود که شبکه‌ی مواصلاتی راه‌های کشور برای نقل و انتقالات نظامی شبکه کارآمدی نبودند.

باید برای این معضل ملی راه حلی اندیشه شود. باید یک شبکه‌ی جاده‌ای مناسب بین شهرهای مرزی داشته باشیم، مثل شبکه جاده‌ای که از ارومیه آغاز می‌شود و به جاده‌ی سنتو موسوم است و به سنندج و از آنجا به کرمانشاه منتهی می‌شود.^۱

تفاوت یگان‌های نظامی قبل و بعد از انقلاب اسلامی

سرتیپ ۲ بایندریان: در منطقه تیپ ۲ دزفول، اضافه بر این تیپ، گروه رزمی ۳۷ را در اختیار داشتیم که بعدها به تیپ ۳۷ زرهی ارتقاء یافت. این گروه رزمی از شیراز اعزام و به این منطقه اختصاص داده شده بود و فرماندهانش ماه به ماه تعویض می‌شدند. با توجه به شرایط بحرانی منطقه، گردان ۱۴۱ و ۱۳۸ پیاده نیز از لشکر ۲۱ حمزه (ع) به این منطقه اختصاص داده شده بودند. با آغاز جنگ تحمیلی توان و بضاعت نیروی زمینی در یک جبهه حساس و استراتژیک تنها همین واحدها بودند. من به عنوان فرمانده آمادگاه با توجه به حساسیتی که به مسائل منطقه داشتم و آمادگاه برای یگان‌ها و فرماندهانشان، علاوه بر اهمیت آن، سبب دلگرمی و روحیه برای آنان بود، این حق را برای خودم قائل بودم که هر ریسکی را بپذیرم که اتفاقی نیفتد که برای همه ما بد بشود. در مقابل این استعداد محدودی که نیروهای ارتش ایران در این منطقه حساس برخوردار بودند، لشکر ۱ مکانیزه عراق جلو آمده بود و بنا بود لشکر ۱۰ زرهی از این لشکر، عبور از خط کند. تا این که لشکر ۲۱ حمزه (ع) به این منطقه گسیل و جبهه تا حدودی تثبیت شد. لشکر ۲۱، لشکر قدرتمندی بود و فرماندهان با تجربه، تحصیل کرده و خوبی در اختیار داشت.

۱- فلاح دوست شعاع‌الدین، بازوی نبرد، مصاحبه هیأت معارف جنگ با سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۱۹۸-۱۹۹.

اولین اقدامات آمادگاه در شروع جنگ

تقریباً آمادگاه خود را پر و پیمان کرده بودیم. در بیرون دزفول در باغ‌ها تدارکات گذاشته بودیم و حدس می‌زدیم که اگر اتفاقی بیفتد از بیدرویه به جلو خواهد بود و مهمات زیادی ذخیره شده بود. بعدها که انفجار دوکوهه پیش آمد، تجهیزات را در درود در انبارهای صنایع دفاع مستقر کردیم. در پیروزی انقلاب تمام آمادگاه‌های ما (تدارکاتی و مهماتی) پنج آمادگاه مهماتی دوکوهه، باغین، کرمان، باباعباس و زنجان همه دست نخورده بودند و کسی برای تخریب و بردن تجهیزات به آن‌ها وارد نشده بود و این خود جای شکر داشت. اگر این آمادگاه‌ها در شهرها بودند در دوران انقلاب مشکلاتی ایجاد می‌شد، بنابراین در شروع جنگ تحمیلی از نظر لجستیکی، هر چند کمبودها یا نیازهای عملیاتی در برخی مواضع وجود داشت، ولی در مجموع مشکل خاصی نداشتیم و آمادگاه‌ها سرپا بودند.

در شروع جنگ قبل از انفجار آمادگاه دوکوهه، مرحوم تیمسار ظهیرنژاد و جانشین فرمانده لجستیکی، سرهنگ آیین برای بازدید به دوکوهه آمدند. برای بازدید اقلام تدارکات اعم از آمادهای دارو، اقلام عمده و قطعات یدکی را حدود ۲۰ الی ۳۰ کیلومتری بیرون از شهر دزفول و اندیمشک جایگزین کرده بودیم و متمرکز هم نبود تا اگر بر فرض آمادگاه هم بمباران شد و از بین رفت، ما در بیرون هم وسایل زیادی داشته باشیم. گردان تانک اعزامی از لشکر مشهد روبروی دوکوهه مستقر شده بود. تیمسار ظهیر نژاد تجمع تانک‌ها را در آنجا به صلاح ندانستند و دستور تفرقه دادند. فرمانده آمادگاه دوکوهه ما را مشایعت کرد. همان وقت، هم زمان واگنی در حال بارگیری مهمات بود، دستور داده شده بود که مقداری از مهمات انبار شده در دوکوهه کم شود. به همراه بازدیدکنندگان به طرف حسینیه به راه افتادیم تا از آن محل نیز بازدید داشته باشیم، نزدیک پل حسینیه ناگهان صدای انفجار مهیبی به گوش رسید و به دنبال آن صدای انفجارهای بعدی یکی پس از دیگری شنیده شد. از بالای تپه صحنه انفجار از دور دیده می‌شد. انفجار مربوط به مهمات بیرون زاغه‌ها و مهماتی بود که در حال بارگیری درون واگن‌ها بودند و آن قدر شدت داشت که واگن‌های سنگین را به هوا پرتاب می‌کرد. تا ساعت ۵ بعد از ظهر که همراه هیئت بازدید کننده آمدیم، دیدیم تلفات انفجار خیلی زیاد بوده است.

آغاز جنگ

شهریور ۱۳۵۹ فرمانده آمادگاه ۵۷۱ دزفول بودم. این آمادگاه مثل بقیه آمادگاه‌های صحرایی، ۴ گردان داشت. ۲ گردان آماد و تدارکات که آماد سررشته‌داری، مهندسی، مخابرات و دارو را بر عهده داشتند و گردان تعمیر و نگهداری که تعمیرات رده پشتیبانی عمومی را انجام می‌داد و تعمیرات دیگر را گروهان تعمیرات مهندسی و مخابرات بر عهده داشتند. گردان لوج، توسط یک گروهان، تعمیرات پشتیبانی مستقیم را انجام می‌داد و یک قسمت به نام پشتیبانی خدمات درمانی نیز در اختیار داشت و کل تدارکات آمادهای بهداری را این قسمت انجام می‌داد. مأموریت این گردان پر کردن حد فاصل یگان‌های غیرسازمانی رزمنده جلو و آمادگاه‌ها بود.

ساعت ۱۳۳۰ بعد از ظهر ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ صدای انفجار خیلی شدیدی به گوش رسید و متعاقب آن باز هم صدای انفجارهای پیاپی شنیده شد. معلوم شد که علاوه بر پایگاه وحدتی پایگاه‌های دیگری نیز در مناطق دیگر هدف بمباران هوایی قرار گرفته‌اند و ارتش عراق که در طول یک سال گذشته با نقض حریم هوایی کشور و حمله به پاسگاه‌های مرزی موجبات ناآرامی‌هایی را در مرزها و تنش در روابط دو کشور به وجود آورده بود، با این حرکت و تعرض آشکار نظامی، که به هدف از بین بردن قدرت هوایی ارتش ایران صورت گرفت، به طور رسمی وارد جنگ با جمهوری اسلامی ایران شده است.

از آن پس ساعت به ساعت مبادله آتش در مرزها شدت گرفت. دزفول با عین خوش فاصله کمی دارد. این فاصله با محور دوسلک، محور چنانه، سایت ۵ تا مثلاً رقابیه فاصله‌های بین حدود ۶۰ تا ۷۰ کیلومتر بیشتر نمی‌شود. ارتش در آغاز جنگ در این مناطق، تیپ ۲ دزفول را مقابل پل نادری و عین خوش داشت، همچنین دو گردان پیاده از لشکر ۲۱ و گروه رزمی ۳۷ شیراز عمده نیروهای موجود در این منطقه بودند.

ارتش عراق پس از حمله به مرزهای کشور توانست با استفاده از نابسامانی‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که توسط عوامل داخلی استکبار دامن‌گیر مملکت شده و قوای ارتش ایران را به شدت درگیر ساخته بود، با سرعت چشمگیری مرزهای کشور را درنوردید و در چند روز اول آغاز حملاتش به پیشروی‌هایی نائل آمد. هرچه پیشروی ارتش عراق گسترده‌تر می‌شد،

دزفول هم بیشتر در تیررس سلاح‌های مختلف قرار می‌گرفت. یک روز پشت آمادگاه در زمین چمن مجاور دیوار دفترم سه موشک نیروهای عراقی با فواصل کم به زمین اصابت کرد که از موج انفجار آن‌ها سقف‌های آکوستیک اتاقم فرو ریخت.

از روز سوّم چهارم جنگ، شهرهای مرزی زیر آتش دشمن قرار داشتند تا این‌که نیروی زمینی واحدهایی را از غرب و از مرکز به منطقه گسیل داشت. این واحدها عموماً بعد از شش یا هفت روز اوّل رسیدند. ما در آمادگاه به ناچار نمی‌توانستیم روش تدارکاتی روی این‌ها اعمال کنیم. روشی را ابلاغ کردم و بر مبنای این روش هم عمل شد و مسئولیت همه چیز را نیز خودم بر عهده گرفتم. روش من به این ترتیب بود که: شب‌ها تا ساعت ۳ الی ۴ و نزدیک‌های نماز صبح معمولاً جلوی درب انتظامات آمادگاه می‌نشستم. به دلیل احتمال حملات هوایی شبانه توسط نیروی هوایی عراق در ساعات تاریکی مقررات خاموشی رعایت می‌شد و روی همین اصل من در اتاقک آتش نشانی چراغی روشن کرده و نشسته بودم. نماینده هر یگانی می‌آمد و نامه‌ای در تأیید درخواست و تقاضا برای هر قطعه، جنس یا سلاح و تجهیزات و دستور برای تحویل آن موارد را از من می‌گرفتند. آمادگاه‌ها اوّل جنس را تحویل می‌دادند و بعد حواله A می‌کشیدند و در مرحله بعد نماینده‌ها می‌آمدند تا حواله‌های صادر شده را امضا کنند.

به جهت آن که در دزفول کسی نبود و تیپ ۲ دزفول نیز مشکلات خودش را داشت و قرارگاه نیروی زمینی هم هنوز تشکیل و مستقر نشده بود، هر از گاهی پنج تا ده نفر از نیروهای خود را برای شناسایی می‌فرستادم تا از وضعیت و موقعیت دشمنی که هجوم خود را به طرف مرزهای کشور آغاز کرده بود مطلع باشم و بتوانم به موقع تصمیم لازم را اتخاذ کنم. همان طور که گفتم هر کاری هم که انجام می‌دادیم به رده بالا گزارش و کسب تکلیف می‌کردیم. در ۲، ۳ باری که بچه‌ها برای شناسایی رفتند دیده بودند که ماشین‌های شرکت نفت در ارتفاعات پست منطقه هنوز در حال فعالیت هستند گویا از خطری که منطقه را تهدید می‌کرد هنوز مطلع نبوده و عمق آن را درک نکرده بودند، لذا به آن‌ها اخطار کردیم که هر چه سریع‌تر منطقه را ترک کنند. ۲، ۳ بار به من اعلام شد که ارتش عراق می‌خواهد دزفول را تصرف کند و به احتمال استفاده از نیروی هوایر بحث شد. در سال ۱۳۴۲ که به دزفول آمدم یک مانوری به نام دلاور در این منطقه انجام شد. توجه دوستان و همکاران را در آن جلسه به خود جلب کردم و برای

آن‌ها توضیح دادم که در انتهای دشت، فرودگاه متروکه‌ای هست که من بارها آن را دیده‌ام. بنابراین احتمال هلی‌برن را مطرح کردم.

نزدیک‌های روز نهم جنگ بود که فرماندهان نیروی زمینی در دزفول به دنبال نقطه مناسبی برای قرارگاه می‌گشتند. به یاد آوردم که در اواخر سال ۱۳۴۲ (برای مانور دلاور) یک روز جمعه از ما خواستند که برای انجام یک بازدید که توسط فرماندهان عالی رتبه ارتش صورت می‌گرفت در پادگان حضور پیدا کنیم.

پس از این که فرماندهان از انبار چسب و کارخانه روکش لاستیک بازدید کردند شنیدم که گفتند اینجا برای استقرار قرارگاه جنگ جای مناسبی است. پس از این که مطالب را برای تیمسار ظهیرنژاد تعریف کردم از من خواست تا او را به محل برده تا از نزدیک محل را بازدید کند. پس از بازدید محل، آنجا را برای استقرار قرارگاه مناسب دیدند چرا که هم در این طرف رودخانه قرار داشت و هم با قرار گرفتن در عمق ۱۸ متری از سطح زمین از نظر هر نوع بمباران مصون بود. به این صورت قرارگاه نیروی زمینی در آن مکان تثبیت گردید. ایجاد قرارگاه نزاجا هم زمان با آمدن لشکر ۲۱ پیاده و به دنبال آن لشکر ۱۶ زرهی به منطقه، موجب دلگرمی مردمی شد که نگران عبور نظامیان عراق از رودخانه کرخه بودند.

نکته اساسی در تداوم ایستادگی (تفاوت یگان‌های نظامی قبل و بعد از انقلاب)

این یک واقعیت و اصل کلی است که وقتی از یک فناوری جدید استفاده می‌کنیم باید دانش آن را هم در اختیار داشته باشیم. این اصل مسلّم به خصوص در طول مدّتی که من در گردونه لجستیک مسئولیت مستقیم داشتم به طور کلی محقق نشد. به عنوان مثال خدمه ما دانش لازم به کارگیری از تانک M-60-A-2 و سیستم مخابراتی آن را، آن طور که باید و شاید داشته باشند، نداشتند.

نتیجه نداشتن نیروهای متخصص در امر تعمیر و نگهداری، فرماندهان رده پایین را در اضطراب وادار به قطعه‌برداری می‌کند، یعنی فرمانده به جای این که قطعه معیوب را توسط نیروی متخصصی که اگر در اختیار دارد تعمیر کند، قطعه معیوب را با قطعه سالم تعویض می‌کند. ما در شروع جنگ از نظر تعمیرکار افت پیدا کرده بودیم. تعداد زیادی از نیروهای متخصص و فنی از ارتش رفته بودند و جایگزین کردن آن نیروهای متخصص صرف نظر از تجربه‌ای که طی

سالیان طولانی اندوخته بودند، زمان زیادی می‌طلبید. شرایط آن زمان و اضطراری که وجود داشت نیز این اجازه را نمی‌داد که در مدت زمان اندک این امر محقق شود.

طرح جایگزینی در صورتی می‌توانست موفق باشد که نیروی تازه وارد را در کنار نیروی متخصص برای مدتی تحت آموزش حین خدمت داشته باشیم. اما آن چه بعد از انقلاب به وقوع پیوست، خروج نیروهای متخصص و آموزش دیده از سیستم ارتش بود.

اگر در ماه‌های دی و بهمن سال ۵۹ وارد آمادگاه دزفول می‌شدید با انبوهی از تانک‌های تعمیری در اطراف پشتیبانی منطقه مواجه بودید که به مرور تعدادی از آنها و آنهایی که تا رده ۳ تعمیراتی احتیاج داشتند، تعمیر شده و تعداد زیادی از آنها نیز برای تعمیر به مرکز تعمیراتی تهران تخلیه شدند. این تخلیه هم در آن زمان کار دشواری بود.

تأثیر فشارهای جهانی بر لجستیک در جنگ

فرماندهی لجستیک اقلام عمده را خریداری نمی‌کرد، این کار توسط وزارت دفاع انجام می‌شد و ما توزیع‌کننده بودیم. ولی گاهی اوقات این مسئولیت از وزارت دفاع به فرماندهی لجستیک تفویض می‌شد. معاملات نظامی سه گونه است. یکی معاملاتی که تجاری است، مثل خرید خودروهای تویوتا و قطعات از ژاپن، که ارتش و سپاه هر یک جداگانه خودروهای زیادی از ژاپن خریداری کردند. تهیه‌ی تسلیحات و اقلام دفاعی کاملاً متفاوت بود و تحریم در این گونه خریدها دست ما را می‌بست و ناگزیر بودیم این تجهیزات را از طریق کشورهای واسط مثل کره، لیبی و یا دلال‌های بین‌المللی سلاح تهیه کنیم. ولی عراق با کشورها مستقیم وارد معامله می‌شد و همان طور که قبلاً هم گفتیم، ۳۸ کشور در طول جنگ به عراق و ایران سلاح فروختند که در بین این سی و چند کشور تنها دو یا سه کشور به ایران سلاح می‌فروختند.^۱

اداره و مدیریت لجستیک جنگ

سرتیپ ۲ نرائی: اداره جنگ (عملیات و لجستیک) در چنین گستره‌ای با وسایل آن روز امکان‌پذیر نبود و تعیین چنین مأموریتی نشان از بی‌تجربگی مسئولین و تداوم فضای انقلابی

۱- فلاح دوست شعاع‌الدین، بازوی نبرد، مصاحبه هیأت معارف جنگ با سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۶۱-۸۳ و ۲۰۶.

در کشور و در ارتش، پس از گذشت نزدیک به دو سال از پیروزی انقلاب داشت. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، آتش ناامنی‌ها در استان‌های هم‌مرز با عراق شعله‌ور شد و موجب گردید تا یگان‌های نیروی زمینی ارتش، پیش از آنکه منسجم شوند و سر و سامان بگیرند، برای مبارزه با گروه‌های ضدانقلاب از پادگان‌ها بیرون بیایند. نیروی زمینی ارتش در این جنگ و گریزها حدود ۱۲ تا ۲۵ هزار پایگاه کوچک، متوسط و بزرگ در استان‌های کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی در نقاط حساس و از جمله در راه‌های ارتباطی احداث کرد تا بتواند زمین را از ضدانقلاب پس بگیرد. تعداد نفرات این پایگاه‌ها از ۵۰ تا ۱۸۰ نفر (یک دسته تا یک گروهان پیاده) متغیر بوده است. از سویی دیگر تدارک این یگان‌های پراکنده با نبود وسایل ترابری مناسب، از مسائلی بود که افراد و فرماندهان را آزار می‌داد. چون آن زمان خودروهای سازمانی نیروی زمینی ارتش را خودروهای روسی ناکارآمد با تکنولوژی بسیار قدیمی تشکیل می‌داد. در حالی که در نیروی زمینی پیش از پیروزی انقلاب با همین خودروهای روسی مشکل داشتند، درگیری‌های جریان انقلاب، بی‌نظمی و بی‌انضباطی افراد و درگیری‌ها با ضدانقلاب که زمانی را برای رسیدگی و تعمیر و نگهداری اقلام و من جمله خودروها را در اختیار فرماندهان و یگان‌ها قرار نمی‌داد.

در همان روزهای اولیه حمله عراق، به جز تیپ ۳ زرهی لشکر ۸۱، یگان‌های دیگری از سایر لشکرهای نیروی زمینی و یک تیم هم در آن منطقه بودند، از جمله یک گروهان تانک چیفتن از لشکر ۲۱ حمزه، یک گردان از لشکر ۷۷ پیاده خراسان و گروه‌هایی از برادران سپاه پاسداران و بسیج مردمی، که از آن یگان‌های نیروی زمینی هم بازدید کردم که نیازهای آنها کم و بیش، بیشتر از یگان‌های تیپ ۳ بود. پادگان تیپ ۳ ابوذرا هم بازدید کردم که جمعیت نسبتاً زیادی از غیرنظامیان سپاه و بسیج را در بلوک‌های ساختمانی تکمیل نشده خود جای داده بود.^۱

۱- سرتیپ ۲ نورائی منوچهر، مقاله نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس، ص ۱۹۱.

چگونگی تأسیس مرکز تعمیراتی مسجد سلیمان و مراکز تعمیراتی دیگر و انواع تجهیزات

سرتیپ ۲ نورائی: در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم با افزایش درآمدهای نفتی، تجهیزات قدیمی جمع‌آوری و خارج از رده شد و ارتش به جای آنها اقدام به خرید تانک‌های M47 بنزینی، نفربرهای بنزینی M-113، توپ‌های ۱۰۵ میلی‌متری M-2 و ۱۵۵ میلی‌متری و ۱۰۳ میلی‌متری کششی و سایر تجهیزات کرد. در سال‌های بعد و بر مبنای افزایش درآمدهای نفتی نه تنها تعداد این تجهیزات افزایش پیدا کرد بلکه تجهیزات جدیدی مانند تانک‌های M60 دیزلی، توپ‌های خود کششی ۱۵۵، ۲۰۳ و ۱۷۵ میلی‌متری با موتور دیزلی خریداری و وارد ایران شد و بحث تعویض موتورهای بنزینی تانک‌های M47 و نفربرهای M-113 و بهینه‌سازی و نصب تجهیزات پیشرفته روی آنها هم با هماهنگی آمریکا مطرح شد، زیرا موتور این تجهیزات بر اثر شرکت در مانورها و آموزش‌ها و نبود نگهداری صحیح و نیز مصرف سوخت (بنزین) بسیار زیاد، باید تعویض می‌شدند.

دولت ایران در میانه دهه ۱۳۴۰ خورشیدی برای تأسیس و به وجود آوردن یک مرکز فنی و تعمیراتی به تحقیق و جستجو می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که بهترین گزینه باید رجوع به کشور سازنده‌ی این تسلیحات پیشرفته باشد. نهایتاً موافقت می‌کنند که این مرکز تعمیراتی مهم و گسترده در منطقه‌ی مسجد سلیمان احداث شود. چون آمریکایی‌ها یک مطالعه دو ساله در این منطقه انجام داده بودند و نیز به خاطر جابجایی محل کارخانه و کل طرح و نیز بهینه‌سازی ۴۰۰ دستگاه تانک M47 و تأسیس کارخانه مجهز با کلیه تجهیزات آمریکایی، یک قرارداد الحاقی یا اصلاحیه دو میلیون دلاری به قرارداد اولیه بی.ام.وای اضافه می‌شود و تبدیل می‌شود به قرارداد بی.ام.وای ۱ و بدین ترتیب محل احداث کارخانه از آبیگ قزوین به منطقه‌ی مسجد سلیمان منتقل می‌گردد. منتها، مسئولین ارتش ایران با این شرط که: تمام تجهیزات و ابزارآلات کارخانه آمریکایی‌الاصل باشد و بتواند که علاوه بر تانک‌ها تمام توپ‌های آمریکایی (۱۵۵ و ۱۰۵ کششی و خودکششی، ۱۷۵ و ۲۰۳ میلی‌متری و جرثقیل‌ها، تانک‌برها، نفربرهای M-113 و غیره) را هم پشتیبانی کند، طرح و قرارداد جدید را پذیرفتند. بدین ترتیب طرح احداث یک مرکز تعمیراتی و کارخانه‌ی مجهز و مدرن، در محلی به نام تلخ‌آب در زمینی

به وسعت ۸۳ هکتار در شمال غربی شهر مسجد سلیمان به اجراء درآمد. برای این کار در سال ۱۳۴۶ خورشیدی قراردادی با شرکت پایار به مبلغ ۱۰ میلیون تومان از طرف دولت وقت منعقد می‌شود و شروع به کار می‌کند و کار تسطیح آن منطقه در حدود چهار سال یعنی تا سال ۱۳۵۰ خورشیدی طول می‌کشد.

لازم به ذکر است که کل مساحت ۸۳ هکتار بتن ریزی مسلح گردید که عمق این بتن ریزی در سی و سه هزار متر مربع (محلّ احداث سالن‌های اصلی کارخانه) به دو متر مربع و در بقیه‌ی زمین عمق بتن ریزی از ۸۰ سانتی‌متر تا یک متر متغیّر است. مساحت سالن اصلی کارگاه ۱۰۰*۱۵ متر است که با ۷۵ ایستگاه کاری در زیر یک سقف سرپوشیده است که تقریباً سالنی منحصر به فرد است. ارزش قرارداد بی. ام. وای ۱ مبلغ ۵۲ میلیون دلار بود که شامل احداث کارخانه با مصالح خاص، تجهیزات و ابزارآلات، بهینه‌سازی و Up Grade ۴۰۰ دستگاه تانک، آموزش و غیره می‌شد. پس از اتمام بهینه سازی ۴۰۰ دستگاه تانک‌های M47 ایران، تعدادی از تانک‌های پاکستان با خدمه و تعدادی از تعمیرکاران آن کشور به ایران آمدند و تا پیروزی انقلاب اسلامی در مسجد سلیمان بودند.

قرار بود که در طرح گسترش کارخانه حدود ۹۰٪ قطعات مورد نیاز و اصلی تانک‌های M74 و M60 در همین کارخانه و در صنایع منطقه‌ی جنوب ایران و سایر مناطق ایران ساخته شوند، ما هنوز هم زمین بتن ریزی شده (بتن آرمه) طرح گسترش کارخانه را داریم، اما حالا روی آن علف رویده است، خود طرح گسترش هم در کارخانه موجود است. مسیر کارخانه‌ی مسجد سلیمان به گونه‌ای بود که: تانکی که نوبت تعمیراتش رسیده بود یا آسیب دیده بود یا در میدان جنگ موشک جنگی به آن اصابت کرده و یا به هر دلیلی از کار افتاده بود، در ابتدای کارخانه کاملاً دمونتاز می‌شد و به اصطلاح تانک و بدنه آن پوک می‌شد و کاملاً لخت لخت، یعنی حدود ۳۸ تا ۴۴ هزار قطعه از آن باز و جدا می‌شدند و سپس روانه‌ی آن ۷۵ کارگاه یا ایستگاه کاری یا وُرک شاپ‌ها می‌شد.

در زمان جنگ ایران و عراق و دفاع مقدّس شهر مسجد سلیمان ۱۷۰ مرتبه مورد حملات موشکی و بمباران‌های هوایی دشمن قرار گرفت. سهم کارخانه و مراکز تعمیراتی ما نیز در این حملات شش بار اصابت موشک‌ها و بمباران هوایی بود، که موجب خسارات و شهید و مجروح

شدن پرسنل و سربازان کارخانه شد. پس از هر حمله ما خرابی‌ها را مرمت و بازسازی می‌کردیم و ماشین‌آلات و تجهیزات از بین رفته و افراد شهید و زخمی را جایگزین می‌نمودیم و نگذاشتیم که کارخانه و کارهای پشتیبانی از جبهه‌ها حتی برای یک روز با وقفه مواجه شود. سقف کارخانه هم با آن تجهیزات ویژه‌ای که داشت با لاستیک یدکی و قطعاتی که داشتیم، تعمیر کردیم و دوباره با همان استاندارد اولیه راه‌اندازی شد و تا الان هم کار می‌کند.

کارخانه مسجد سلیمان نه تنها از تجهیزات و تسلیحات نظامی پشتیبانی می‌کرد، بلکه قادر بود که برای سایر بخش‌ها و کارخانه‌ها و سازمان‌های غیر نظامی هم کارهای فنی انجام دهد، به طوری که برای پالایشگاه نفت مسجد سلیمان پس از بررسی بر روی دستگاه‌های پالایشگاه، هشتصد قلم از تجهیزات آن را که بالغ بر ۱۰ هزار قطعه بودند، در کارخانه ساختیم و تحویل دادیم.

مورد دیگری که قابل ذکر است این که در زمان دفاع مقدس، نیروی زمینی ۱۳ کارخانه یخ از خارج خریداری کرده بود که باید در منطقه‌ی جنوب و غرب کشور نصب می‌شدند تا برای رزمندگان جبهه‌ها در گرمای داغ مناطق گرمسیری یخ تولید کنند. اما متأسفانه بعضی سیستم‌های حساس و قطعات مورد نیاز این کارخانه‌ها را به ایران نداده بودند و لذا فرماندهی لجستیک نیروی زمینی تهیه و تولید و راه‌اندازی آن‌ها را به کارخانجات مسجد سلیمان محوّل کرد و ما در مرکز تعمیراتی مسجد سلیمان حدود ۱۵۰۰ قطعه تنها برای کارخانه‌های تولید یخ منطقه‌ی خوزستان ساختیم و به نماینده لجستیک نیروی زمینی تحویل دادیم که روی آن دستگاه‌ها نصب کنند. اصلاً از سال ۱۳۵۸ خورشیدی و شروع ناآرامی‌ها و خرابکاری‌های گروهک‌های خائن و خودفروخته و سپس شروع جنگ ایران و عراق و بالاخره فعال شدن سیستم بسیج مردمی و نیروهای سپاه پاسداران (به جز ارتش)، کارخانه و مرکز تعمیراتی مسجد سلیمان تبدیل به یک نقطه‌ی اتکاء و نقطه‌ی امید فنی برای رزمندگان و حتی سایر سازمان‌ها شده بود و هر کس هر کار فنی و دستگاه تعمیری یا از کار افتاده‌ای داشت به کارخانه رجوع می‌کرد.

در زمان جنگ، پس از پیروزی انقلاب اسلامی دیگر رابطه‌ی ما با آمریکا قطع شد و ما باید روی پای خودمان می‌ایستادیم و جنگ را اداره می‌کردیم.

پس از این که آمریکائی ها ایران و کارخانه ی مسجد سلیمان را ترک کردند، حدود ۲۰۰ هزار نقشه ساخت قطعه و ۷۰۰۰۰ میکروفیش مربوط به ایجاد خط تولید، روش های نوسازی، آپ-گرید کردن تجهیزات و غیره از آن ها در کارخانه باقی ماند که شاید فرصت نکرده بودند که این مدارک را به همراه خود ببرند. تقسیم بندی این مدارک بر اساس ماشین آلاتی بود که در هر کارخانه ای باید باشند.

سرتیپ ۲ نورائی به نقل از سرتیپ ۲ غلامرضایی: همان طور که پیش از این گفتیم شرکت بی. ام. وای طبق قرارداد بی. ام. وای ۱ باید تعداد ۴۰۰ دستگاه تانک M47 بنزینی ایران را در مدت یک سال علاوه بر تعویض موتور و تبدیل آن به موتور دیزلی، می باید در خصوص بهینه سازی و تعویض تمامی سیستم های آن ها هم اقدام می کرد و آن ها را تبدیل به تانک های M47M می کرد. شرکت بی. ام. وای تعداد ۸۰ نفر سر استاد و پرسنل فنی ماهر از آمریکا به ایران آورد. اینها پرسنل فنی خوبی بودند اما تعداد آن ها کم بود و هنوز به تعداد ۲۵۰ نفر، پرسنل فنی و آچار به دست نیاز بود. این تعداد کمبود پرسنل فنی با کمک فرماندهی لجستیک و وزارت کار، شرکت ملی نفت، وزارت صنایع، سازمان آب و برق و سایر سازمان ها از میان افراد بومی و غیر بومی با نظر آمریکائی ها آزمایش و انتخاب شدند و جذب کارخانه و مرکز تعمیراتی مسجد سلیمان گردیدند. پس از انتخاب تعدادی افراد مورد نیاز از بین ایرانیان، آمریکائی ها برای آشنا کردن آنها با کار در کارخانه ی ارتش و روی تانک ها چند کارگاه و به اصطلاح خودشان وُرك شاپ آموزشی در کنار تأسیسات کارخانه تشکیل دادند که بعداً این کارگاه ها و ورك شاپ ها به دبیرستان صنعتی مسجد سلیمان تبدیل شد. در این کارگاه ها و کلاس های آموزشی فنی، افراد ایرانی را به وسیله ی آن استادکارهای آمریکائی که تحصیلات فنی داشتند، ابتدا به مدت ۱۰ روز آموزش می دادند و بلافاصله بر اساس تخصص هائی که فراگرفته بودند، به کارگاه ها و ایستگاه های کاری کارخانه می فرستادند.

در طول یک سال به راحتی تعداد ۴۰۰ دستگاه تانک M47 را به تانک M47M دیزلی بهینه سازی شده ی به روز شده با آخرین تکنولوژی تبدیل کردند و تحویل لشکرهای زرهی دادند. این کار بسیار کار بزرگ و مهمی بود، چون تنها مسئله تعویض موتور بنزینی با موتور دیزلی نبود، زیرا تعویض و بهینه سازی ترشن بارها، تعویض مسافت یاب، برجک های تانک ها، مخازن

چگونگی تأسیس مرکز تعمیراتی مسجد سلیمان و مراکز تعمیراتی دیگر و انواع تجهیزات ۵۱

سوخت، تمامی وایرینگ‌ها (سیم‌کشی)، آلات بصری، جای مهمات و... یعنی چیزی حدود ۱۶۰۰ محل آن تانک‌ها تغییر بنیادی و اساسی پیدا می‌کرد.

سرتیپ ۲ نورائی: هنگامی که آمریکائی‌ها قرارداد بی ام وای ۲ را در مورد بهینه سازی تانک‌های M60 و سایر ادوات زرهی و توپخانه‌ای با ایران بستند، در انجام کارها تعلل می‌کردند و امورات به کندی پیش می‌رفت و ف لوج نیروی زمینی ارتش مدام به آنان تذکر می‌داد و از عملکرد آنها شکایت داشت. تا این که آنها مؤفق شدند قرارداد فونیکس مربوط به بازسازی و بهینه سازی تانک‌های ارتش پاکستان را هم به امضاء برسانند.

فرماندهی لجستیک نیروی زمینی با امضاء این قرارداد در آن زمان مخالف بود و می‌گفت: « ابتدا تقدّم با بهینه سازی ادوات ایران است و قرارداد فونیکس باید پس از اتمام پروژه‌های ایران امضاء شود». قرارداد فونیکس هم تحت عنوان بی. ام. وای ۳ به امضاء رسید. این قرارداد مربوط می‌شد به بهینه سازی ۳۰۰ دستگاه تانک M47 بنزینی و ۱۲۳ دستگاه تانک M48 بنزینی پاکستان، که نام این پروژه را فونیکس گذاشته بودند. حالا من دلیل واقعی تعلل آمریکائی‌ها را نمی‌دانم چه بود، امّا در پاسخ به اخطارهای کتبی ایران بهانه تراشی می‌کردند. امّا به محض امضاء قرارداد فونیکس به سرعت و با فورس مازور کارهای پروژه‌ی فونیکس را آغاز کردند.

از طریق قرارداد بی. ام. وای ۲، ۴۶۰ دستگاه تانک M60 خریداری کردیم و سپس با دو اصلاحیه مربوط به بهینه‌سازی و بازسازی نفربرهای زرهی M-113 و بهینه‌سازی صافی هوای تانک‌های M60 و تبدیل آن‌ها به تانک‌های M60-A1 کار را با این شرکت ادامه دادیم و سپس ۲۵۰ قبضه توپ خودکشی M-109، از کشور آمریکا خریداری کردیم که لوله‌ی کوتاه بر روی آن‌ها نصب شده بود. کشور آمریکا از این نوع توپ‌ها با لوله بلند و برد بیشتر در ارتش خود استفاده می‌کرد، امّا کنگره آمریکا با فروش این نوع توپ به ایران موافقت نکرد. ارتش ایران پس از خرید ۲۵۰ قبضه توپ خودکشی M-109 با لوله کوتاه، ۴۰۰ قبضه لوله بلند برای توپ‌ها خریداری کرد و بلافاصله با یک اصلاحیه به نام اصلاحیه شماره سه قرارداد بی. ام. وای ۲، شروع به تعویض لوله‌ها و بهینه کردن توپ‌های خودکشی ۱۵۵ میلی‌متری ام-۱۰۹ و تبدیل آن‌ها به توپ‌های M-109-A1 در کارخانجات مسجد سلیمان کرد.

البته کارهای شرکت بی. ام. وای، در سال ۵۲ تمام شده بود و تحویل و تحول و صورتجلسه هم شده بود، منتها در آن زمان کارهای دیگری به خواست ارتش ایران پیش آمد و موجب ادامه کار شد. این کارها عبارت بودند از:

۱- طرح توسعه کارخانه، تغییر و تحول و سرویس ابزارآلات و ماشین‌های کارگاه‌های کارخانه که قطعات و وسایل مورد نیاز آن‌ها از آمریکا در راه رسیدن به ایران بود و خب بخش مهمی برای به روز کردن کارخانه محسوب می‌گردید و باید انجام می‌شد.

۲- همین زمان مصادف بود با ورود تانک‌های M60 خریداری شده از آمریکا و طرح بهینه‌سازی آن‌ها و دادن تغییرات در کارگاه‌های کارخانه که باز هم امری ضروری بود. این دو امر مهم منجر به انعقاد قرارداد بی. ام. وای ۲ گردید.

سرتیپ ۲ نورائی به نقل از سرتیپ ۲ غلامرضایی: فعالیت‌های زمان صلح و جنگ مرکز تعمیراتی مسجد سلیمان که البته من در اینجا به طور خلاصه و فهرست‌وار می‌گویم. این فعالیت‌ها عبارت بودند از:

۱- اولین بهره‌کاری که شرح آن داده شد، مربوط می‌شود به بهینه‌سازی ۴۰۰ دستگاه تانک M47 ایران و تبدیل آن‌ها به تانک M47M، که همگی در جنگ ایران و عراق شرکت کردند و کارایی خود را نشان دادند.

۲- بازسازی و بهینه‌سازی انواع خودروهای زرهی ساخت آمریکا، مثلاً بهینه‌سازی یکصد دستگاه نفربر M-113 و تبدیل آن‌ها از بنزینی به دیزلی (بقیه این نفربرها در مرکز تعمیراتی تهران از بنزینی به دیزلی تبدیل شده‌اند). تمامی این نفربرها هم در جنگ تحمیلی شرکت کردند.

۳- تبدیل قوای محرکه انواع خودروهای زرهی آمریکایی از سیستم بنزینی به سیستم گازوئیلی و نیز ارتقاء توان آنها.

۴- ساخت انواع قطعات ساده و نیمه‌مرکب تانک‌ها و خودروهای زرهی ساخت آمریکا برای شارژ انبار در لشکرها، پشتیبانی مناطق و آمادگاه اصلی و عمومی آبیک (حدود ۶۰٪ قطعات هر دستگاه تانک). این قطعات علاوه بر تأمین قطعات مورد نیاز خطوط بهینه‌سازی کارخانه مسجد سلیمان است که بر اساس یک فرمول تدارکاتی، تعداد آن‌ها محاسبه می‌شدند و

چگونگی تأسیس مرکز تعمیراتی مسجد سلیمان و مراکز تعمیراتی دیگر و انواع تجهیزات / ۵۳

خریداری و تحویل آمادگاه‌ها می‌گردیدند. حتی اگر برای حدود پنج سال در رده‌های مختلف ارتش ایران نگهداری می‌شدند که تعداد آن‌ها به میلیون‌ها قطعه می‌رسید.

۵- اجرای پروژه فونیکس تحت قرارداد بی. ام. وای ۳ مربوط به بهینه‌سازی تبدیل تانک‌های M47 (۳۰۰ دستگاه) و M48-A3 (۱۲۳ دستگاه) ارتش پاکستان که در کارخانه مسجد سلیمان انجام شد. تعداد این تانک‌ها ۴۲۳ دستگاه می‌شد که ۲۷۳ دستگاه آن زمانی که آمریکایی‌ها و شرکت (بی. ام. وای) در ایران بودند، بهینه‌سازی و تحویل داده شد. پس از پیروزی انقلاب و رفتن افراد شرکت بی. ام. وای تعداد ۱۵۰ دستگاه تانک پاکستانی برای بازسازی در کارخانه باقی مانده بود که این تعداد تانک، با همت و غیرت کارگران و کارمندان ایرانی کارخانه مسجد سلیمان در شرایط ناامنی پس از انقلاب به طور کامل به اجراء درآمد. اجرای کامل پروژه فونیکس پس از رفتن آمریکایی‌ها از ایران (که از سال ۱۳۵۸ شروع شد)، اولین قدمی بود که افسران و درجه‌داران، کارگران و کارمندان ایرانی کارخانه مسجد سلیمان برای اجرای تعهدات کشور ایران بدون دخالت بیگانگان برداشتند و ما را به خود اتکایی و خود باوری توانایی‌های خود رسانید.

۶- با شروع جنگ تحمیلی به دلیل نبود تانک‌بر مناسب در ارتش و دوری راه‌ها (فاصله جبهه سر پل ذهاب تا کارخانه مسجد سلیمان حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ کیلومتر) تصمیم گرفتیم تا افراد فنی، ابزارآلات و قطعات یدکی را به مناطق عملیاتی ببریم. به همین دلیل پایگاه‌های ثابت و سیار تعمیراتی در کرمانشاه، صالح‌آباد، پادگان ابوذر و مناطق دیگر تشکیل دادیم تا تانک‌های M60 لشکر ۸۱ زرهی را که در زمان درگیری‌های ارتش در خیابان‌ها و پیروزی انقلاب و سپس تا آغاز جنگ تحمیلی، یعنی حدود سه سال بازدیدها و تعمیر و نگهداری‌های متداول در نیروی زمینی، بر روی آن‌ها انجام نشده بود و همچنین حرکت تانک‌ها بر روی شنی از مسافت‌های دور (یعنی یکصد تا یکصد و پنجاه کیلومتر) تا ورود به جبهه، بسیاری از آن‌ها را فرسوده کرده بود، به سرعت به آمادگی کامل برسانیم تا بتوانند با یگان‌های زرهی و ضد تانک ارتش متجاوز عراق مقابله نمایند.

۷- گزارشات و بهره‌کاری ارسالی از این پایگاه‌های تعمیراتی، حاکی از آن بود که در حین جنگ و درگیری نیروهای ما با نیروهای عراقی یک تانک تا پایان جنگ چندین بار به این پایگاه‌ها مراجعه کرده‌اند که تعداد مراجعات از ۵ تا ۱۰ متغیر بود، در ضمن علاوه بر تانک-های لشکر ۸۱ زرهی که از نوع ام-۶۰ بودند تانک‌های سایر یگان‌های مأمور به جبهه که از نوع M47M بودند و نیز نفربرهای M-113، مهمات‌برهای زرهی M-109، جرثقیل و پست‌های فرماندهی شنی‌دار هم به این پایگاه‌های تعمیراتی مراجعه می‌کردند که در مجموع بهره‌کاری اکیپ‌های مأمور مسجد سلیمان به مناطق غرب و شمال غرب کشور به حدود ۸۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ دستگاه می‌رسید.

۸- همانند پایگاه‌های تعمیراتی منطقه غرب کشور، در منطقه عملیاتی جنوب(منطقه خوزستان)، در حدّ فاصل مهران و دهلران هم پایگاه‌های تعمیراتی دائمی ایجاد کردیم، زیرا تانک‌ها و وسایل زرهی آمریکایی در اکثر لشکرهای زرهی و پیاده نیروی زمینی وجود دارد. ۹- به موازات اجرای برنامه‌های تعمیراتی در پایگاه‌های تعمیراتی مناطق عملیاتی و اعزام اکیپ‌های سیار، برنامه‌های سالیانه اورهال و بهینه‌سازی کارخانه مسجد سلیمان ادامه داشت. همچنین تعدادی از تانک‌ها و خودروهای زرهی که در جبهه‌ها آسیب جدی می‌دیدند و در محل قابل تعمیر و ترمیم نبودند به مسجد سلیمان ارسال شدند و در کارخانه، کار اساسی بر روی آن‌ها انجام می‌شد.

۱۰- علاوه بر انجام کارها و فعالیت‌های استاندارد و تعریف شده برای کارخانه مسجد سلیمان، هر نوع مشکل یا معضل فنی که برای رزمندگان ارتش، سپاه و یا نهادهای دیگر پیش می‌آمد، برای حلّ آن به کارخانه مسجد سلیمان مراجعه می‌کردند.

۱۱- در طول جنگ تحمیلی چندین بار شهر و کارخانه مسجد سلیمان به وسیله‌ی هوایم‌های جنگنده‌ی عراق بمباران شد و هر بار تأسیسات و تجهیزات کارخانه آسیب می‌دیدند که در کمترین زمان به وسیله نفرات و پرسنل کارخانه تعمیر و مرمت و بازسازی می‌شد.

۱۲- علاوه بر کار بر روی تجهیزات زرهی آمریکایی، کارخانه مسجد سلیمان در طول جنگ تحمیلی بر روی تجهیزات و اقلام نظامی شرقی هم کار و فعالیت کرد. :

الف- بازسازی کامل و نوسازی حدود ۲۸۸ سطحه پل روسی پی. ام. پی در کارخانه.

ب- بازسازی و نوسازی بیست فروند قایق روسی جی. اس. پی.

۱۳- راه اندازی و فعال کردن پالایشگاه نفت مسجد سلیمان که ۸۰ سال پیش از کار افتاده بود.

۱۴- تولید حدود ۱۵۰۰ قطعه برای کارخانه‌های یخ‌سازی (برای مناطق عملیاتی و استفاده‌ی رزمندگان اسلام) و راه‌اندازی سیستم‌های حساس آنها که قطعات مربوطه را فروشنده به ایران نداده بود. بیشتر خریدهای ما در زمان جنگ قابل اطمینان نبودند و از طریق دلال‌ها و بازار سیاه خرید می‌کردیم.

۱۵- حالا بسیجی بودن و بسیجی کار کردن و به اصطلاح ایثار کردن در زمان جنگ متداول شده و آن را به قشرهای خاصی اطلاق می‌کنند، در حالی که در زمان جنگ این حس در بسیاری از افراد ارتش و سایر اقشار جامعه هم وجود داشت.

۱۶- هنگامی که جنگ شهرها شروع شد و بمباران‌ها بسیار شدید شدند و شب و روز هواپیماهای جنگی عراق و موشک‌های دور برد آنها روی شهر و کارخانه می‌آمد، برای این که کارها ادامه داشته باشد و کارخانه نخوابد، یکصد دستگاه از این کانکس‌های کوچک تهیه کردیم و اطراف پادگان آنها را به صورت پراکنده چیدیم و استتار کردیم و به اصطلاح کارگاه-هایی به این صورت درست کردیم تا در هنگام بمباران‌ها کارها تعطیل نشود.

پس از تأسیس کارخانه از طریق قرارداد بی. ام. وای ۱، باید تانک‌های بنزینی M47 ایران که تعداد آنها ۴۰۰ دستگاه بود، تبدیل به سیستم دیزلی می‌شدند و مطابق روز به طور کامل بهینه می‌گردیدند، که این شرکت با پرسنل خود و به کارگیری تعداد قابل توجهی از پرسنل فنی ایرانی و دادن آموزش حین خدمت به آنان، پس از پایان قرارداد، حالا باید کارها و تمام کارخانه و تأسیسات و تجهیزات آن را به ارتش ایران تحویل می‌داد.

اکنون که پس از گذشت مدّت کوتاهی، شرکت بی. ام. وای، کارخانه را تحویل می‌داد (در سال ۱۳۵۹) ارتش ایران تجربیات بسیار خوبی از بازسازی و بهینه‌سازی تانک‌های M47 و M60 و سایر کارها به دست آورده و همچنین مالک کارخانه‌ای مجهز با تمام ماشین‌آلات و دستگاه‌های پیشرفته و ۲۵۰ نفر ایرانی واقعاً متخصص و ماهر شده بود، دیگر از نظر کاری نیاز چندان به متخصصان آمریکایی نداشت و به جز خرید قطعات اصلی می‌توانست به طور

مستقل بر روی ادوات زرهی آمریکایی کار کند. کارها که به اینجا رسید ف لوج نیروی زمینی ارتش این ۲۵۰ نفر ایرانی را که از جاهای مختلف ایران جذب کرده بود را به اضافه حدود ۵۰ نفر دیگر برای امورات اداری و ستادی با همان مشاغل و تخصص‌هایی که به صورت تجربی و آموزشی به دست آورده بودند استخدام کرد..

نکته دیگر که باید بیان شود مربوط به بهینه‌سازی تانک‌های M60 ارتش خودمان است که تعداد آن‌ها ۳۰۰ دستگاه بود که باید تبدیل به M60-A1 می‌شدند. بر طبق قرارداد ما با بی. ام. وای باید ۳۰۰ کیت کامل از آمریکا وارد می‌شد. ضمناً موفق شدند که ۱۶۰ کیت کامل دیگر به آن ۳۰۰ کیت اضافه کنند. مثلاً جزو این کیت‌ها، موتور و گیربکس تانک‌های M60-A1 بود. یعنی به ازاء هر صد دستگاه تانک ۱۲ دستگاه موتور و ۱۲ دستگاه گیربکس به عنوان ذخیره جنگی خریداری و نگهداری کردیم که تعداد آن‌ها بالای پنجاه دستگاه یعنی یک گردان کامل تانک می‌شد.

یکی دیگر از مآخذ تعمیر و نگهداری اقلام عمده مانند تانک‌ها و توپ‌ها عوامل میزان کارکرد و زمان بود. به عنوان مثال یک تانک M47، M60 یا M60-A1 با توجه به استانداردهای جهانی بایستی ۸۰۰۰ مایل یا پنج سال کارکرد داشته باشد تا عملیات تعمیر و نگهداری رده پنج یا دیوپی بر روی آن انجام شود. البته در زمان جنگ و ادامه نبردها در جبهه‌ها، این عوامل زمانی و میزان کارکرد خیلی قابل پیش‌بینی و محاسبه نبودند و بسیاری از اقلام و تجهیزات عمده مانند تانک‌ها و توپ‌ها و نفربرها زودتر از موعد و حتی به صورت اضطراری باید برای بازسازی و سرویس نگهداری به کارخانه منتقل می‌شدند. به جز این روش‌ها، خود کارخانه‌ی مسجد سلیمان برنامه‌هایی داشت که طی آن اکیپ‌هایی به عنوان بازرسان فنی به لشکرها و تیپ‌هایی که تانک و ادوات زرهی داشتند اعزام می‌کرد. زمان قبل از انقلاب آمریکایی‌ها این کار را انجام می‌دادند و حال خود ما این روش را به ویژه در زمان جنگ تحمیلی ادامه دادیم. این اکیپ‌های بازرسی پس از مراجعه به یگان‌ها، تانک‌ها و ادوات زرهی را بازدید کامل می‌کردند و در صورتی که موعد اورهال‌شان رسیده بود و یا در صورت نیاز زودتر از موعد در همان جا برگه‌ی عودت به کارخانه می‌زدند و خودشان هم خودروی تانک‌بر برای حمل تانک‌ها می‌فرستادند و آن‌ها را به کارخانه منتقل می‌کردند.

چگونگی تأسیس مرکز تعمیراتی مسجد سلیمان و مراکز تعمیراتی دیگر و انواع تجهیزات / ۵۷

در مورد تعدادی از نفربرهای M-113 که در مرکز تعمیراتی تهران بر روی آن‌ها کار می‌شد، پروژه آنها جاسازی و نصب خمپاره‌اندازهای ۱۲۰ میلی‌متری و ۸۱ میلی‌متری تامپلا بود. به طور کلی در نیروی زمینی ۷۰۰ دستگاه نفربر زرهی M-113 وجود داشت، که تعداد ۱۵۰ دستگاه از آنها قدیمی و بنزینی بودند و این تعداد باید به موتور گازوئیلی تبدیل می‌شدند که این کار در کارخانجات مسجد سلیمان به انجام رسید. البته تنها تعویض موتور نبود، بلکه دستگاه‌های انتقال نیرو و سایر متعلقات آن‌ها نیز باید تبدیل به قطعات و امکانات و تکنولوژی روز می‌شد.

کارشناسی:

نویسنده: یکی دیگر از کارهای مهم متخصصین با تجربه مراکز تعمیراتی، بررسی و کارشناسی قطعات و اقلام خریداری شده توسط ف لوج نزا و وزارت دفاع و کمک به مدیریت یکنواخت‌سازی ف لوج در این امور بوده و می‌باشد.

نمونه‌ای از کارشناسی اقلام و قطعات

سرتیپ ۲ نرائی به نقل از سرتیپ ۲ غلامرضایی: اواخر سال ۱۳۶۳ یا اوایل سال ۱۳۶۴ خورشیدی بود که به ما اطلاع دادند که ۳۸۰۰ سیلندر و ۱۸۳۰ پیستون برای موتورهای تانک خریداری شده است که باید توسط شما کارشناسی شوند. قطعات در داخل تعدادی جعبه در بسته قرار داشت. درب اولین جعبه را که باز کردم دیدم انژکتوری بادکرده بر روی آن (منظور روی سیلندر است) قرار دارد، جعبه‌ی دومی و سومی هم همانطور بود و علاوه بر آن پودر حاصل از عمل سند بلاست هم روی آنها قرار داشت و وقتی قطعه را بلند کردم پودرها ریختند. پیستون‌هایی هم که فرستاده بودند از مدل تجاری موتورهای کنتینانتال بود که محل گزن-پین‌های آن جای خار داشت و قطر آن‌ها به موتورهای ما نمی‌خورد. لذا همه‌ی آن قطعات را مردودی اعلام کردیم و گفتیم این قطعات هیچ کدام به درد ما نمی‌خورد.

قطعات مذکور به وسیله شرکتی به نام فیماکاران خریداری شده بود. وقتی که به مدیر عامل آن خبر دادند و خودش آمد و دید و توضیحات ما را شنید، شوکه شد و همانجا سگته کرد و او را به بیمارستان رساندند و در بیمارستان فوت کرد. بعدها مشخص شد که این قطعات و بارها که توسط

کشتی حمل می شده است در آب های آزاد توسط جاسوسان اسرائیلی، عوض شده بودند. یعنی قطعات اصلی را با قطعات کار کرده، خراب و بدلی عوض کرده بودند.

در اصل پس اندازه ها و پیش بینی های بلامنازع، یک مشت قوی کوبنده، یک تأسیسات و تجهیزات و ابزارآلات کاملاً پیشرفته با تعداد قابل توجهی نیروی انسانی ماهر و قدرتمند، برای زمان جنگ بود و از همه ی این امکانات و ذخیره ها به نحو احسن در جای جای جبهه های نبرد استفاده کردیم. ما هنگام پیروزی انقلاب در نیروی زمینی ۴۰۰ دستگاه تانک M47، ۴۶۰ دستگاه تانک M60-A1، ۷۰۰ دستگاه نفربر M-113، ۲۵۰ قبضه توپ ۱۵۵ میلی متری خود کشتی M109-A1 داشتیم. یعنی یک مشت تجهیزات قوی زرهی پیشرفته که در مدت ۲۲ ماه نا امنی های داخلی با ضد انقلاب جنگیدند و سپس ایران ما با هجوم ارتش بعثی عراق که تا بن دندان مسلح بود و مجهز به انواع سلاح ها و تجهیزات پیشرفته از بلوک شرق و غرب بود مواجه شد و نیروی زمینی ارتش با همین تجهیزات و تسلیحات و امکانات فنی در برابر آنها ایستادگی کرد.

در زمان جنگ تحمیلی که کشور ما مورد تحریم بود یک قطعه آمریکایی به ما نفروختند. در عوض کشورهای اروپایی و منطقه، کلاً حدود چهل کشور از کشور رقیب ما یعنی عراق پشتیبانی فنی، مالی، تجهیزاتی و تسلیحاتی می کردند. گاهی دلال های بین المللی به ما مراجعه می کردند و پیشنهاد فروش قطعه آمریکایی، تسلیحات و غیره می دادند و اگر معامله ای صورت می گرفت، قطعات کار کرده و غیر استاندارد می آوردند و فکر می کردند که ما آدم های فنی و یا تجهیزات آزمایشگاهی برای تست آنها نداریم و نمی توانیم قطعه ی کارکرده ی سندبلاست شده و آبکاری شده را از قطعه ی نو و اصل تشخیص بدهیم. فکر می کنم آن دلال ها نه تنها برای کسب درآمد که برای کسب اطلاعات و جاسوسی به سازمان های ما سر می کشیدند.

ما از همان خانواده ی مهمات برها و پست فرماندهی، ۴۸ دستگاه پلزن و خودرو اخراجات که به آنها ریکاوری هم می گفتیم و نمونه آن هم در این باغ موزه وجود دارد، داشتیم. یک سری ریکاوری M47 داشتیم که برای تانک های M47 بود که تانک های تعمیری یا آسیب دیده را از میدان جنگ خارج می کردند و برای انجام تعمیرات به عقب می آوردند. توپ های ۱۵۵ میلی متری خودکشتی هم ریکاوری یا جرثقیل داشتند که به آنها جرثقیل M-548 می گویند

و کاربری آن‌ها بدین گونه است که در زمان نیاز به تعمیرات موتور و انتقال نیروی این توپ‌ها از این جرثقیل‌ها برای درآوردن موتور و انتقال نیرو استفاده می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ادامه آن که وارد جریان دفاع مقدس شدیم، در کارخانه مسجد سلیمان علاوه بر مسائل مربوط به تهیه قطعات یدکی، خریدها و تحریم، با جذب راضی نگهداشتن کارمندان فنی هم مشکل پیدا کردیم. بدین ترتیب که با گذشت زمان ما به جایی رسیدیم که در مورد مدت قرارداد کارمندان فنی هم با مشکلاتی مواجه شدیم. یعنی این که مدت قرارداد کارمندان فنی و ماهر ما تمام شده بود، اما ما واقعاً به آن‌ها نیاز داشتیم و در نبود آن‌ها کارخانه تعطیل می‌شد. این نیازها و این شرایط بود که نیروی زمینی و ارتش را ناچار کرد تا یک دبیرستان صنعتی و فنی برای آموزش و تربیت افراد فنی در ایران به وجود آورد و از بیگانگان بی‌نیاز شود.

برای این که تانک‌های M47 پاکستانی به تانک‌های M48-A5 تبدیل شوند باید روی این‌ها پنج تغییرات فنی انجام می‌شد. برای انجام این پنج تغییرات باید برای تبدیل موتورهای بنزینی به موتورهای دیزلی جاسازی جدید در بدنه برای موتور و انتقال نیرو انجام می‌شد. همچنین برای این که به جای توپ ۹۰ میلی‌متری، توپ ۱۰۵ میلی‌متری قرار داده شود باز هم لازم بود که بر روی بدنه جاسازی و تغییرات داده شود. به دنبال آن مسافت‌یاب، پریسکوپ و... ده‌ها و صدها قطعه جدید ساخته شود، هزاران نقشه فنی تهیه شود و صدها قید و قالب یا جیک و فیکسچر ساخته و کارهای فنی بسیار سطح بالایی انجام شود. خب افراد ما یعنی کارمندان فنی پیش از برخورد با این پروژه در پروژه‌ی تانک‌های M47 و M60 خودمان کارآموزی کرده و عملاً درگیر کار شده بودند و تجربه و ماهر شده بودند. برای همین تانک‌های M60، دویست هزار نقشه و میکروفیلیم و میکروفیش تهیه شد. پس از اندوختن این تجارب طرح توسعه کارخانه مسجد سلیمان در برنامه توسعه آجا بود و قرار بود تانک M60-A1 به A2، A3 و A5 و بعد به آبرامز A1 تبدیل شود.^۱

مقایسه سیستم تعمیر و نگهداری دو کشور در حال جنگ

سرتیپ ۲ نورائی به نقل از سرتیپ ۲ غلامرضایی: با پیروزی انقلاب آمریکائی ها می خواستند با هواییمای انگلیسی که از بحرین آمده بود مسجد سلیمان را ترک کنند ولی به علت اضافه بر ظرفیت نتوانست از باند فرودگاه پرواز کند لذا اجباراً نقشه ها و کتاب های فنی، میکرو فیش ها و سایر مدارک را پیاده کردند که بعداً مورد استفاده پرسنل فنی در بازسازی تانک ها قرار گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی، پروژه های احداث تأسیسات، منازل و اماکن ورزشی و رفاهی که برای سکونت آمریکائی های مستقر در کارخانه مسجد سلیمان، انگلیسی هائی که برای تدریس در دبیرستان صنعتی مسجد سلیمان آمده بودند و استقرار واحدهای هواییروز در مسجد سلیمان که قرار بود انجام شوند، نیمه کاره رها شدند و فقط به هر نحوی بود علی رغم مشکلات موجود کارخانه در آن شهرستان توسط مدیریت مجموعه شروع بکار نموده و به بهینه سازی باقی مانده تانک های کشور پاکستان ادامه دادند.

از نظر سیستم تعمیر و نگهداری دو کشور درگیر در جنگ، به لحاظ عوامل لجستیکی مانند تعمیر و نگهداری و دوام و استقامت و سادگی و سرعت در تعویض قطعات عمده آنها، توپ های غربی و آمریکایی نیروی زمینی ارتش ما، هم بسیار برتر و هم بهتر از توپ های عراقی ها بودند. طبق مدارک فنی در مورد استاندارد و عمر قانونی لوله توپ تانک ام-۶۰، آورده شده که پس از شلیک ۱۵۰۰۰ گلوله دیگر لوله ریجکت است و باید آن را کنار بگذارند، ولی من در سوابق یک تانک ام-۶۰ که از یگان های رزمی برای تعمیر به کارخانه آورده شده بود، مشاهده کردم که ۲۵۰۰۰ گلوله با آن شلیک کرده بودند اما باز هم لوله خان داشت و قابل استفاده بود. یعنی ۱۰۰۰۰ گلوله بیشتر از استاندارد کار کرده بود.

موتور و گیربکس تانک های ام-۶۰ هم مثال زدنی و کم نظیر و شاید بی نظیر باشند. در یکی از مناطق عملیاتی غرب که به اتفاق چند نفر از تعمیرکاران تیم تعمیراتی سیار مسجد سلیمان، در منطقه بنه ی رزمی یکی از گردان های تانک لشکر ۸۱ زرهی در حال تعویض موتور و گیربکس یک تانک ام-۶۰ بودیم (ما همیشه در تیم های تعمیراتی موتور و گیربکس آماده به کار به صورت Power Packed به همراه داشتیم تا در مواقع اضطراری، تانک هایی که موتور آن ها از کار افتاده بود آن را تعویض کنیم)، که به طور ناگهانی نیروهای عراقی به مواضع ایرانی ها

حمله کردند یا به اصطلاح پاتک زدند و خط دفاعی را شکستند و در نتیجه آن گردان ما در حال عقب‌روی تاکتیکی بود و این زمانی بود که ما موتور و گیربکس معیوب را درآورده و موتور و گیربکس سالم و آماده به کار را جایگزین کرده بودیم و می‌خواستیم که داخل موتور روغن بریزیم، اما فرصتی برای ما باقی نمانده بود. در آن حالت طبق دستورات رزمی و جنگی ما باید آن تانک را منهدم می‌کردیم که به دست دشمن نیافتد. لذا پشت فرمان نشستیم و استارت زدیم، با کمال تعجب دیدیم که روشن شد، بنابراین با یاد و نام خداوند متعال حرکت کردم و تانک را حدود چهل کیلومتر به عقب آوردم و از آن مهلکه خارج کردم، حتی در بین راه تعدادی از نفرات در حال عقب‌نشینی را هم سوار کردم. اما با خودم گفتم که یک بار دیگر باید شانس را امتحان کنم و کمی روغن در داخل موتور بریزم، موتور را خاموش کردم و کمی روغن در داخل ریختم (به خدا سوگند) که موتور با تک استارت روشن شد.

لازم به ذکر است که یک تفاوت اساسی و خیلی مهم در مورد اقسام نظامی (تانک و توپخانه و خودرو) آمریکائی و انگلیسی و بویژه روسی و غیره وجود دارد. وقتی یک تانک آمریکائی برای اورهال یا تعمیرات اساسی به کارخانه مسجد سلیمان وارد می‌شود، از ابتدا کارخانه کاملاً دمونتاژ شده و بدنه و سایر قطعات به ایستگاه‌های کاری می‌رود و از آن طرف تانک کامل و با قطعات مونتاژ و جمع می‌شود و همه قطعات به همدیگر می‌خورد. اما در سایر محصولات انگلیسی و به ویژه روسی و شرقی قطعات یک تانک به تانک دیگر از همان نوع نمی‌خورد و فقط مخصوص همان تانک خاص است و این امر کار لجستیک و تدارک را بسیار دشوار می‌نماید. هر چند که در کارخانجات نزاچا از جمله مرکز تعمیراتی تهران برای ساخت و اصلاح قطعات در گذشته کار می‌شده^۱ و بعد از سال ۶۷ تاکنون نیز اقدامات مفیدی انجام می‌شود.

مرکز تعمیراتی تهران و کارخانجات آن و تجهیزات

مصباح نهاوندي: مرکز تعمیراتی تهران و کارخانجات آن، در عرصه آماد و تعمیر و نگهداری نیروی زمینی ارتش، بدون ذکر نام مرکز تعمیراتی تهران، مبحثی ناقص خواهد بود، زیرا چرخه تعمیر، بازسازی و نوسازی در نیروی زمینی آجا صرفاً با وجود مرکز تعمیراتی تهران کامل گشته و می‌تواند پاسخگوی نیازهای به روز نیروی زمینی آجا و حتی سایر نیروهای مسلح کشور باشد. همچنان که این مهم طی ۸ سال دفاع مقدس به نحو مصداقی و تجربی لمس و عینیت یافته است.

پیشینه و شناسنامه‌ی یگانی مرکز تعمیراتی تهران

برابر نامه‌ی شماره‌ی ۲۸۱۷ ط آ-۰۹/۰۴/۱۳۴۴ اداره‌ی اردنانس ارتش، مرکز تعمیراتی تهران از سازمان اداره‌ی اردنانس منتزع و به فرماندهی لجستیکي نیروی زمینی ارتش منضم و در مورخه‌ی ۱۰/۰۴/۱۳۴۴ انتزاع آن انجام گردیده است و به تبع آن در تاریخ ۰۵/۰۵/۱۳۴۴ تعداد ۱۶۱ نفر از کارکنان مرکز تعمیراتی تهران از اداره‌ی اردنانس در عباس‌آباد تهران به دپو تعمیراتی منتقل و تحت امر فرماندهی لجستیکي نیروی زمینی ارتش قرار گرفتند. به لحاظ ساختاری مرکز تعمیراتی تهران، یک یگان مستقل و در تابعیت فرماندهی لجستیکي بود که در آن زمان، صرفاً کارخانجات سری M به عنوان تنها یگان آن مرکز مطرح بوده و لذا به نام دپو اشتهاار داشته است که براساس نیازهای روز افزون نیروی زمینی و ارتش در سال ۵۲ کارگاه‌های چیفتن، مهندسی و نفربر نیز به این مجموعه اضافه گردیده و مقر تأسیس کارخانجات آن در سهره شهریار جاّده قدیم تهران- کرج قرار گرفته است.

مأموریت کارخانجات سری M (دپو)

به منظور پشتیبانی تعمیراتی، نوسازی و بازسازی اقلام و تجهیزات نیروی زمینی، ایجاد سکوی نظامی، دریافت و تشکیل آمادگاه تعمیراتی و دپوی ارتش و به منظور دریافت و مونتاژ ادوات زرهی و جنگ‌افزارهای سبک و سنگین ساخت کشورهای غربی به ویژه آمریکا، کارخانجات سری M تشکیل و راه‌اندازی گردیده است.

سوابق و مأموریت کارخانجات بابک

در سال ۱۳۴۴ پس از انعقاد قرارداد فروش گاز ایران به اتحاد جماهیر شوروی و امضاء توافق نامه‌ی نظامی بین دو کشور تعداد قابل توجهی از سلاح‌های روسی وارد ارتش ایران گردید که نیاز به پشتیبانی تعمیراتی و آمادی داشتند. در سال ۱۳۴۵ مطالعات مشترکی توسط کارشناسان دو کشور انجام و نهایتاً در سال ۱۳۴۷ لزوم تأسیس یک مرکز تعمیراتی مجهز، جهت بازسازی و نوسازی ادوات و خودروهای روسی مورد تصویب قرار گرفت و نهایتاً در خرداد ماه ۱۳۵۴ کارخانجات بابک در اوایل جاده‌ی شهریار افتتاح و راه اندازی گردید. با وجود تأسیس و افتتاح کارخانجات بابک، ستاد کارخانجات دیو تحت عنوان ستاد مرکز تعمیراتی تهران، مجموع کارخانجات دیو و بابک را زیر امر خود داشته و هر دو زیر مجموعه‌ی آن محسوب می‌گردیدند. بنابر اقوال نقل شده از کارکنان ایثارگر این مرکز که در دفاع مقدس شرکت داشته‌اند از جمله مهندس بازنشسته بهرام علی طاهری در سال ۱۳۶۵ در جلسه‌ای با حضور مقام معظم رهبری (رئیس جمهور وقت کشور)، نام کارخانجات دیو به فتح و نام کارخانجات بابک به نصر تغییر یافته است و در سال ۱۳۹۰ با تصویب سلسله مراتب نذاجا نام مرکز تعمیراتی تهران به فرماندهی تعمیر و بازسازی نبوت تغییر یافته است.

گرفتن ابتکار عمل از انگلیسی‌ها

سرهنگ دمیرچی‌لو: در سالن زرهی فتح ما یک رگلاتور تانک چیفتن را جهت تعمیر دمونتاژ کردیم که انگلیسی‌ها بلافاصله گفتند باید جهت تعمیر به انگلیس برود. ولی من بدون اجازه‌ی آنها آن را تعمیر نموده و بر روی تانک سوار کردم که خوشبختانه حاصل تعمیر نیز خوب بود و همین سبب برانگیخته شدن حسادت آن‌ها شد و با جوسازی علیه من فشار آوردند که بدون اجازه ما دست به تعمیر این دستگاه زده‌ای!

از موارد دیگر این بود که در سال ۵۵ به اتفاق کارمند مشایخی جهت بازدید از وضعیت تعمیر تانک‌های چیفتن به مرکز آموزش زرهی شیراز اعزام شدیم. به محض ورود ما به آنجا انگلیسی‌ها حضور ما را به عنوان بازدیدکننده از وضعیت کاری‌شان برنتابیدند و خیلی ناراحت شده بودند و حتی علناً به ما اظهار داشتند برای چه به اینجا آمده‌اید؟ این وضعیت ناشی از این بود که آنها خود را همه کاره‌ی ما می‌دانستند و به همین جهت بسیار برآشفته بودند. البته

این وضع در همه جا مشهود بود. در سالن های سری M نیز به همین شیوه اعمال رویه ی استعماری و استکباری می شد، به گونه ای که در سالن جنگ افزار سیستم های عاید دافع توپ ها را جعبه نموده و در داخل ایران تعمیر نمی نمودند و از آنجا به آمریکا یا تعمیرگاه آنها در آلمان می رفت و تعمیر می شد.

حدوداً با گذشت ۲ سال از جنگ تحمیلی که نمادی از هجمه ی استکبار جهانی علیه ما بود، با همّت کارکنان مرکز و از خودگذشتگی آنها، همه ی ما موفق شدیم متخصصان خوبی را پرورش بدهیم. به نحوی که تا حدود ۸۰٪ کار در دست بچه ها قرار گرفت و حدوداً در ۲۰٪ بقیه نیز که چالش پیدا می شد با ابتکار و تجربه های جدید کارکنان مشکلات برطرف می شد. تقریباً در کلیه زمینه های تعمیر ادوات نظامی، از جمله در توانایی تعمیرات، کارکنان خبره شده بودند و در صورت نبود قطعات یدکی، با ساخت قطعات مشابه توانمندسازی و جایگزینی انجام می شد، مثلاً در تعمیر موتور تانک چیفتن، ما با کمبود شدید بوش مواجه بودیم که لاجرم بوش های کهنه را متال پاشی و بعد تراش می دادیم و نتیجه کار هم خوب جواب می داد، لذا ما توانستیم خیلی از قطعاتی را که تعمیرکاران و متخصصان انگلیسی در طول سال ها اقامت در ایران، به عنوان اقلام غیرقابل مصرف، از رده خارج می نمودند، مجدداً وارد چرخه ی بهره برداری نماییم، لیکن با گذر ایام تقریباً در سال دوم جنگ بود که آن قطعات نیز به اتمام رسید که ما ناچار به ساخت قطعات شدیم و توانستیم نیاز ۸ سال جنگ را برای یگان های در خط مقدم تاحدودی پاسخگو باشیم. همچنین از جمله کارهای دیگری که ما و اکیپ هایمان در اعزام به مناطق انجام می دادیم این بود که در حین درست کردن تانک ها به خدمه ی آنها نیز آموزش هایی را ارائه می دادیم تا بدین وسیله عمر تجهیزات بالا برود.

نکته ی دیگر بالا رفتن بازدهی تعمیراتی کارکنان بود، زیرا در زمان حضور انگلیسی ها ما نهایتاً در هر ماه ۴ یا ۵ موتور را بازسازی می نمودیم، لیکن در طول سال های جنگ، ما ماهیانه بیش از ۱۰ دستگاه موتور تانک چیفتن را تعمیر نموده و به لشکرها تحویل دادیم. البته هر دستگاه موتور تانک چیفتن جهت تعمیر به ۶۰۰ نفر ساعت کار نیاز دارد و این امر ممکن نبود مگر با همّت کارکنانی که شب ها نیز در کارگاه خود می ماندند.^۱

۱- مصباح نهاوندی نعمت الله، آمادها و نبردها، نشر مکعب ۱۳۹۳ تهران، ص ۱۱-۱۳.

مرکز تعمیراتی تهران در بیان امیر نورائی و مهندس طیبی

سرتیپ ۲ نورائی: کارخانه بابک (نصر): این کارخانه در کیلومتر ۱۸ جاده قدیم کرج در جاده شهریار بر بنیاد یک کارخانه طراحى و ساخته شده است، اما به دلیل پیروزی انقلاب اسلامی سایر طرح‌ها و پروژه‌های تکمیلی آن به اجراء در نیامده است. وظیفه این کارخانه نوسازی و بازسازی و اورهال تجهیزات و تسلیحات خریداری شده از روسیه یا بلوک شرق است که به این تجهیزات و تسلیحات، تجهیزات سری- آر می‌گویند که به تجهیزات زرهی، ادوات، خودروها و سلاح‌هایی گفته می‌شود که قبل از انقلاب اسلامی از کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق خریداری شده بود. فکر می‌کنم که اقلام و تجهیزات و تسلیحات روسی از ابتدای دهه ۱۳۴۰ خورشیدی وارد ارتش (بیشتر در نیروی زمینی) و حتی بخشی هم مانند نفربرهای چرخدار روسی در ژاندارمری به کار گرفته شد. در همان زمان اتحاد جماهیر شوروی در ایران پروژه‌های مهمی مانند کارخانه ذوب آهن اصفهان و غیره را اجراء می‌کرد. همچنین از ایران هم گاز طبیعی با یک خط لوله از طریق آذربایجان شوروی به روسیه صادر شده بود. خودروهایی که آن زمان وارد ارتش ایران شده بود شامل این خودروها می‌شد: خودروهای جیب گاز ۶۹ در دو مدل آب و آ. آن که به طور عمده کِشنده توپ‌های ضد هوایی ۲۳ میلی‌متری بودند. خودرو اوآز آمبولانس ۴۵۲ و اوآز ۴۶۹ فرماندهی (آن زمان خودروهای سواری آریا و شاهین برای سرویس امرا بودند و از این خودروهای اوآز ۴۶۹ برای فرماندهان تیپ به پایین استفاده می‌کردند. در حال حاضر نیز از خودروهای تویوتا لندکروز ژاپنی استفاده می‌شود). پس از این‌ها خودروهای کامیون گاز ۶۶، زیل ۱۵۷ کا و زیل ۱۳۱ برای حمل نفر و باربری خریداری شد و سپس کامیون‌های سنگین گراز ۲۵۶، برای کشیدن توپ‌ها و بعضی هم تریلی باری، خودروهای کمپرسی ۲۵۸ کا-آر در تناژهای مختلف برای گردان‌های مهندسی لشکرها و انواع دیگری از کرازهای خریداری شده که مخصوص حمل پل‌های پی. ام. پی بود و با خریداری این پل‌های شناور برای لشکرهای زرهی، به ایران آورده شدند.

هنگامی که این خودروها و سلاح‌ها خریداری و وارد نیروی زمینی شد، اداره مهندسی ارتش اتحاد جماهیر شوروی که یک مؤسسه فنی در دل ارتش شوروی بود، پیشنهاد کرد شما در ایران یک کارخانه و یک مرکز فنی داشته باشید که بتواند این خودروها، ادوات زرهی و

تجهیزات را بازسازی و اورهال کند. سال ۱۳۴۵ خورشیدی یک موافقت نامه بین وزارت جنگ ایران و اداره کل مهندسی ارتش شوروری برای اجراء یک پروژه بسته شد که با اجراء آن، کارخانجات بابک یا نصر در سال ۱۳۴۹ ساخته و تأسیس شدند.

کارخانه نصر: این کارخانه در کیلومتر ۱۸ جاده قدیم کرج در جاده شهریار بر اساس یک کارخانه طراحی و ساخته شده است. نخستین سالن، کارگاهی به نام سالن شماره یک بود که مخصوص اورهال تجهیزات و ادوات زرهی پیش‌بینی شده بود.

ارتش عراق با استفاده از موشک‌ها و راکت‌های خودرو BMP (خودرو رزمی پیاده نظام BMP دارای راکت انداز ۷۶ میلی‌متری است که هم ضد تانک و هم ضد نفر است. در ضمن بر روی این خودرو سکوی موشک مالیوتکا نصب شده که می‌توان از این موشک هم بر ضد تانک‌ها و ادوات زرهی استفاده کرد)، تعداد زیادی از تانک‌ها و نفربرها و خودروهای ما را مورد هدف قرار دادند و به آن‌ها خسارات زیادی وارد کردند. کشور عراق پیش از پیروزی انقلاب ما، قرارداد نظامی-دفاعی پانزده ساله با اتحاد جماهیر شوروی داشت و تجهیزات و تسلیحات فراوانی از آن کشور خریداری نموده و ارتش خود را مجهز کرده بود. یعنی دقیقاً در زمانی که ما سرگرم انقلاب و درگیری‌های داخلی بودیم، ارتش عراق با خرید تسلیحات از شوروی و سایر کشورهای جهان و تکمیل آموزش‌های آن‌ها خود را مجهز و آماده‌ی حمله به ایران کرده بود. در کنار نفربرهای شنی دار طرح خشایار، یک نوع نفربر چرخدار (هشت چرخ در چهار محور) به نام BTR. 60PB هم از روسیه خریده بودیم که سازمان ژاندارمری کشور هم به این نفربرها مجهز شده بود. همچنین یک نوع خودروی شنی دار خود کششی با توپ ۵۷ میلی‌متری دو لول ضد هوایی هم از روسیه خریده بودیم.

سرتیپ ۲ نروائی به نقل از مهندس طیبی: جنگ افزار دیگری که ما خریداری کرده بودیم همین توپ‌های ضد هوایی ۲۳ میلی‌متری کششی بودند که با خودرو گاز ۶۹ کشیده می‌شدند. حالا برای پشتیبانی از آنها در حال ساخت یک تأسیسات بودیم، که گفتم یک سالن آن به نام سالن شماره یک آماده بهره‌برداری شد. این سالن دارای پنج کارگاه بود، یعنی روس‌ها طبق روال کاری خودشان آن را به صورت گروه کارگاه‌های شماره ۱۴ تعریف کرده بودند. بعد از سالن شماره یک، سالن شماره ۲ ما تحت عنوان کارگاه شماره ۱۳، آماده‌ی بهره‌برداری شد

که شامل گروهی از کارگاه‌های تعمیرات و بازسازی موتورهای دیزلی بود. علاوه بر اینها در این سالن یک کارگاه بزرگ و مهم گالوانیزه و یا پوشش‌دهی بر روی فلزات هم داشتیم (همان کارگاه آبکاری). در ضلع جنوبی کارخانجات بابک یا نصر یک زمین وسیعی بود که در آن مسیرهایی را به نام پولیگن طراحی کرده بودند که این منطقه در حقیقت منطقه‌ای آزمایش ادوات زرهی که در مسیرهای آن سطوح شیب‌دار، مسطح، ناهموار و حوضچه‌های آب وجود داشت. ما پس از اورهال و نوسازی تجهیزات مثل نفربرها، آنها را در منطقه پولیگن آزمایش می‌کردیم و اگر عیب و اشکالی در آنها وجود داشت مشخص می‌شد و در صورت وجود معایب، آن وسیله به سالن ۱۵ برمی‌گشت و در آنجا به وسیله‌ی دستگاه‌ها و تسترها کنترل و چک می‌شد.

سالن دیگری ساخته شده بود که اکنون نیز وجود دارد، به نام سالن ۱۶ یا سالن ۴ و یا کارگاه شماره ۱۶ نام‌گذاری شده است که مخصوص تست یا آزمایش موتورهای دیزلی است. سالن دیگری هم ساخته شده بود که سالن یا گروه کارگاه‌های شماره ۱۸ نامیده شد و مخصوص نوسازی یا اورهال خودروهای چرخ‌دار است.

در کنار این پنج سالن عمده که سالن‌های تولیدی ما بودند، بخش‌های پشتیبانی کارگاه‌های کارخانه هم پیش‌بینی و ساخته شده است که چندین کارگاه است و در سالن‌های شماره ۲۱ و ۲۳ قرار دارند که شامل: کارگاه‌های آهنگری، ریخته‌گری، ساخت و بازسازی قطعات، یک کوره ذوب القایی ۵۰ کیلویی مجهز و یک سری کوره‌های گردان که می‌توانستیم قطعاتی تا ۴۰ یا ۵۰ کیلویی را در آن جا ریخته‌گری کنیم.

پس از انقلاب، طرح گسترش و توسعه کارخانه انجام نشد و بسیاری از تسلیحات مانند کاتیوشا، شیلکا و غیره بدون کارگاه و ابزار و ماشین‌آلات خاص خود بودند، اما ما با ابتکارات و خلاقیت افراد و استفاده از همین ماشین‌ابزارهای موجود تا حدّ ممکن روی آنها کار می‌کردیم. ما کارگاه گاز استیلن داشتیم و تولید گاز می‌کرد. اگر شما بخواهید از گاز استیلن استفاده کنید باید گاز اکسیژن هم داشته باشید، اما چون فرماندهی لجستیکی در آمادگاه آبیک، واحد تولید اکسیژن داشت، نگذاشت که روسیه چنین کارگاهی را هم در پروژه بابک اجراء کند و ما نیازمندی خود را به صورت کیپسول از آمادگاه آبیک دریافت می‌کردیم. البته گاز اُرت هم لازم داشتیم و آن را برای گاززنی در پریسکوپ‌ها، توپ‌ها و ادوات دیگر نیاز داشتیم و

همچنین برای خشک کردن و آب‌بندی شیشه‌های سایت‌ها، لنزها، دوربین‌ها از گاز ازت استفاده می‌کردیم. یک سازمان لجستیک نظامی تا حد زیادی باید خودکفا باشد. در کنار این کارگاه‌ها، پشتیبانی کننده‌هایی هم برای تأمین برق با ولتاژهای لازم (۲۲۰ و ۳۸۰ و ...) و نیز در راستای تأمین بخار شامل چندین دیگ بخار ایجاد شده است. در هر کدام از سالن‌ها با نفرات لازم، مقدار کار قابل انجام پیش‌بینی شده است. مثلاً در کارگاه زرهی ۴۵۶۰۰۰ نفر ساعت حجم تعمیرات سالیانه شامل اورهال نفربر و تانک پیش‌بینی شده است. یعنی بطور میانگین مثلاً برای هر نفربر ۳۰۰۰ ساعت تعیین شده بود.

طبق طرح ریزی روس‌ها که این کارخانه را ساختند، پیش‌بینی شده بود که اگر این کارخانه با ظرفیت کامل کار کند، ۱۲۵۰ نفر نیروی انسانی می‌خواهد. در زمانی که این کارخانه کار آزمایشی خود را در سال ۱۳۵۲ شروع کرد و در سال ۱۳۵۵ نیز به طور رسمی افتتاح شد، دوباره وزارت جنگ در همان زمان یک سری تجهیزات و تسلیحات جدید و در عین حال مهم از روسیه خریداری کرد. این خریده‌ها در حالی انجام شد که برای پشتیبانی تعمیراتی و فنی آن‌ها از قبل طرح ریزی و اقدامی نشده بود. مهم‌ترین این تسلیحات، یک راکت‌انداز چهل لوله کاتیوشا سوار بر خودروی اورال بود (به این نوع کاتیوشا چل‌چله هم می‌گفتند) و دیگری توپ ۱۳۰ میلی‌متری M46 و شیلکا سوار بر خودروی شنی‌دار GM575، که این‌ها شاید جزو بهترین سلاح‌های ما در جنگ بودند، اما هیچگونه امکانات و پیش‌بینی سیستم اورهال برای آنها نشده بود.

یکی از خودروهای خوب و قوی روسی که ما داشتیم، خودروی کرایس ۱۲ تن توپ‌کش بود که مخصوص کشیدن توپ‌های ۱۳۰ میلی‌متری بودند. این خودروها دارای سیستم فرمان هیدرولیکی بودند. در یک مقطعی از دوران جنگ تحمیلی، جعبه فرمان این خودروها تعمیر شدند و ما قطعات و لوازم آن‌ها را نداشتیم، لذا وزارت دفاع و فرماندهی لجستیکی خودرو ده تن بنز ۲۶۲۸ خریداری کرد که البته مال‌بند آن‌ها برای نصب قلاب توپ‌های ۱۳۰ میلی‌متری بالاتر بود و ما ناچار شدیم که در کارخانه بابک و مرکز تعمیراتی فتح مال‌بند جدید طراحی کنیم و بسازیم و روی آن‌ها نصب کنیم.

پس از اجراء فاز اول کارخانه بابک و افتتاح آن، نیروی زمینی سلاح‌ها و ادوات مهمی را از روسیه خریداری کرد. این در حالی بود که برای اورهال و تعمیرات فنی کارخانه‌ای آنها اقدامی نشده بود. این تجهیزات عبارت بودند از: توپ‌های ۱۳۰ میلی‌متری AM46، شیلکای و. ۳ با ضد هوایی چهار لوله ۲۳ میلی‌متری، راکت انداز کاتیوشای چهل لوله، خودروهای ۱۲ تن کرایس، خودروهای پنج تن اورال و غیره در حالی که هیچ‌گونه سیستم پشتیبانی استراتژیکی برای آنها وجود نداشت و پیش‌بینی هم نشده بود. به همین دلیل روس‌ها طرح گسترش کارخانه را تهیه کردند، اما به سال ۱۳۵۷ برخورد کرد.

در کرازهای توپ کش 255B1 که بیشترشان بعد از انقلاب وارد ارتش ما شد، تغییراتی در آنها صورت گرفته و با یک Modify قدرت موتور آن بیشتر شده است. خودروهای دیگری که خریداری شدند، انواع جرثقیل‌های K64 و K162 و بالابرها ۳ تن و ۵ تن، خودروهای اورال 375D برای حمل نفر و باری، پیش از خرید توپ‌های کاتیوشا خریداری و وارد ارتش شدند. همچنین خودروهای ماز ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۰۴ که نوع ۵۰۰ آنها معمولی بودند و ۵۰۳ نیز کمپرسی بود ۵۰۴ هم همین‌طور. خودرو آتلیه گسنتی گاز ۶۶ (تعمیرگاه‌ها سیار)، که در آنها ابزارهای مختلف، دستگاه‌های تراش کوچک، مته، دریل و... وجود دارد و در طول جنگ تحمیلی به تعمیر وسایل در جبهه‌ها خدمت کردند. برای تعمیرات صحرایی تجهیزات و سازمانی بنام دسته پارم-ام-۳ خریداری شد که شامل چادرهای بزرگ تعمیراتی، کامیون‌های زیل حامل ابزار آلات، که تعمیرات یک رده بالاتر از گردان‌ها و لشکرها را انجام می‌داد و در پشتیبانی مناطق سازمان‌دهی شده بودند. البته گازهای ۶۶ آتلیه گسنتی دو نوع بود. گاز ۶۶ گسنتی ۲ و ۳ و خودرو غول پیکر دیگری به نام ماز تانک‌بر 537G خریداری کردیم که مخصوص حمل تانک بودند که البته در عمل مشکلاتی را برای ما به وجود آوردند.

نویسنده: البته عملاً در بعضی از گروهان‌های جلویی گردان نگهداری لشکرها، بعضی از فرماندهان گروهان با ابتکار خود یا استفاده از نبشی و لوله با جوشکاری یا پیچ و مهره و برزنت برای مبارزه با عوامل جوی سایه‌بان برای کمک به فعالیت تعمیرکاران ایجاد می‌کردند.

سرتیپ ۲ نورائی: پس از شروع جنگ تحمیلی ما از این تسلیحات و ادوات در جنگ استفاده کردیم و سلاح‌های بسیار خوبی هم بودند، اما متأسفانه برای نگهداری، تعمیرات و اورهال آنها

پشتیبانی‌های لازم را نداشتیم. هر چند بر حسب ضرورت جنگ، همین کارمندان و پرسنل کارخانه بابک یا کارخانه نصر (که بعد از انقلاب تغییر نام داده شد)، بدون آموزش و حتی بدون وارد کردن قطعات یدکی آنها، همت و غیرت به خرج دادند و به جرأت می‌توانم بگویم که تا حدود ۵۰ درصد مسائل خودروهای رزمی BMP1 را در جبهه‌ها با اعزام اکیپ‌های تعمیراتی رفع مشکل می‌کردند. همین‌طور درباره توپ‌های ۱۳۰ میلی‌متری و کاتیوشاها. لازم است از زحمات سرگرد گوهری (امیر گوهری) در حضور در جبهه و آماده بکار کردن و تعمیر کاتیوشاها در منطقه‌ی عملیات و آموزش کارکنان یگان‌های رزمی دارای کاتیوشا و نیز در راه‌اندازی کارگاه در یکی از سالن‌های کارخانجات نصر برای تعمیرات رده ۴ و تا حدودی رده ۵ کاتیوشا ذکر خیری شود.

در سیستم تعمیر و نگهداری آمریکایی و اروپایی پنج رده تعمیر و نگهداری داریم که هر رده وظایفی در قبال نگهداری آن وسیله دارد. مثلاً اگر خودرو را در نظر بگیریم، رده یک نگهداری مربوط به وظایف راننده یا اپراتور آن وسیله می‌شود که عبارتند از بازدیدهای روزانه و نظافت وسیله و یک سری کارهای کوچک. تعمیر و نگهداری رده ۲ جزو وظایف یگان‌های دارنده وسیله مثلاً گردان‌ها می‌باشد که دارای تعمیرکار و ابزارآلات و قطعات در حد تعمیر و نگهداری سبک است. تعمیر و نگهداری رده ۳ مربوط به وظایف گردان‌های نگهداری لشکرها می‌شود و رده ۴ یا تعمیرات دپوئی از وظایف فرماندهی پشتیبانی مناطق است که تا حد تعمیرات و تعویض گیربکس و موتور از این قبیل کارها یا تعمیرات متوسط می‌رسد و رده پنج تعمیر و نگهداری یا اورهال از وظایف بالاترین رده یعنی فرماندهی لجستیک در همین کارخانه‌ها است که تاکنون درباره‌ی مسجد سلیمان، بابک و فتح مرکز تعمیراتی تهران و غیره صحبت کرده‌ایم. اما در اتحاد جماهیر شوروی سه رده تعمیر و نگهداری وجود دارد و وظایف قدری سنگین‌تر است. مثلاً از راننده‌ها انتظار انجام تعمیر و نگهداری تا رده ۲ را دارند و رده سه نگهداری آن‌ها همان تعمیر و نگهداری سنگین و تا رده چهار یا پنج غربی‌هاست، بنابراین به همراه هر وسیله عمده یک سری قطعه تند مصرف و ابزارهای اولیه واگذار می‌شود. کشور شوروی به همراه هر وسیله‌ای که می‌فروختند یک سری قطعات و ابزار به نام زیپ تعمیراتی هم واگذار می‌کردند که در جنگ از این قطعات هم کارکنان تعمیراتی ما بهترین استفاده را نمودند.

اما درباره طرح گسترش کارخانه نصر، در خصوص سلاح‌های پرتاب موشک مالیوتکا و آر پی جی نیز به همین ترتیب طرح توسعه و بازسازی وجود نداشت ولی کارکنان نصر به تدریج تعمیرات را انجام می‌دادند و همین‌طور در مورد ماشین‌آلات مهندسی شامل لودر بلدوزر، گریدر، قیرپاش، آبیاش از روسیه به تعدادی زیادی خریداری ولی به علت عدم اجرای آموزش و طرح تعمیر و بازسازی در یگان‌ها بصورت پارک در پارکینگ‌ها ماندند و استفاده چندانی از آنها بعمل نیامد.

از تجهیزاتی که نقش آنها هم در جنگ خیلی مهم بود می‌توان به مهمات کش T. Z. M. O و پل‌های P. M. P و پل‌های آن‌ها اشاره کرد. پل‌های P. M. P یک مجموعه‌ای هستند که از سه بخش عمده تشکیل شده‌اند که عبارتند از سطح‌های پل، خودروهای کرایس ۱۲ تن پل‌گذار و تعدادی قایق B. M. K130.

این نوع پل را پل شناور می‌گویند که بر روی عرض رودخانه‌های بزرگ و خروشان پل‌گذاری و یا نصب می‌شوند. یک نوع پل دیگر هم ما از روسیه خریداری کردیم به نام پل‌های T. M. M که این‌ها هم بر روی خودروهای ۱۲ تن کرایس سوار هستند و دیگر قایق و سطح و غیره ندارند ولی کاربرد آنها برای پل‌گذاری بر روی بریدگی‌های با عرض کم است. دیگری پل طراده شنی-دار خودکشی که هر دو طراده مکمل یکدیگرند و بالای آن‌ها (دو طراده) سطح صافی دارد وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند سطحی واحدی را تشکیل می‌دهند که قادر است ۵۰ یا ۶۰ تن بار یا یک تانک یا یک توپ خودکشی مثلاً ۱۷۵ میلی‌متری را در داخل مرداب‌ها، برکه-های آب، رودخانه و غیره حمل کند و از این ساحل به ساحل مقابل برساند. از این طراده شنی-دار در جنگ تحمیلی برای تدارک و حمل تسلیحات و ادوات جنگی برای جزایر مجنون استفاده کردیم، اما چون نه آموزش آن را دیده بودیم و نه قطعات و پشتوانه تعمیراتی آن‌ها را داشتیم، تعدادی از آنها آسیب دیدند که بعداً در یک پروژه مشترک با کارخانه مسجد سلیمان و کارخانه نصر، آنها بازسازی گردید.

ما ۱۸ پروتکل سنگین با اتحاد جماهیر شوروی داشتیم که طرح توسعه همین کارخانه بابک جزو آنها بود و تمام پیش‌زمینه‌های آن هم آماده شده بود، مثلاً در کنار این کار، زمین مورد نیاز طرح تعیین شده، نقشه‌هایش آماده شده و حتی در بعضی جاها فونداسیون

ساختمان‌ها و سالن‌ها هم ریخته و آماده شده بود، اما به دلیل شروع جنگ تحمیلی و قرارداد ۱۵ ساله اتحاد جماهیر شوروی با ارتش عراق و نیز شرایط پس از انقلاب ما، اینها به اجراء درنیامدند و همکاران ما در این کارخانه، به ویژه در زمان انقلاب و جنگ تحمیلی با انبوهی از کارهای تعمیراتی این تجهیزات مواجه شدند و مجبور شدند که با سعی صدر و پشتوانه‌ی ایمان قوی که داشتند، این تجهیزات جدیدالورود را هم رفع عیب کنند و هم اکیپ‌های تعمیراتی تشکیل دهند و در جبهه‌ها با شرایط سخت و فرصت کم و خارج از امکانات کارگاهی آنها را تعمیر و آماده به کار نگه دارند و نگذارند که همکارانشان در یگان‌های عملیاتی بدون سلاح‌های مهم بمانند. برابر عرف بین‌المللی وقتی که کشورهای سازنده، تجهیزاتی را به ارتش کشورهای دیگر می‌فروشند باید سه کار عمده انجام دهند. این سه کار عمده عبارتند از: ۱- تجربه مصرف قطعات ۲- شرایط اقلیمی معادل ۳- اقلام پر مصرف.

در فرماندهی لجستیکی نیروی زمینی ارتش سازمانی وجود داشت به نام یکنواخت‌سازی که تجزیه و تحلیل و تعیین این سه شرط با این سازمان است و ما پیش از انقلاب این کارها را می‌کردیم و پس از این بررسی‌ها آنگاه قرارداد بسته می‌شد. درباره کاتیوشاها، پل‌های P. M. P، توپ‌های ۱۳۰ میلی‌متری، B. M. P ها و غیره که پیش از انقلاب خریداری و قرارداد آنها بسته شده بود، یک سری اقلام و قطعات تند مصرف و پرمصرف آنها یا وارد ایران شده بود و یا در شرف ورود بودند. هر چند که در اجراء اینگونه قراردادهای و معاملات، روس‌ها کمی بدرفتاری دارند و تأخیر زیادی در کارهای آنها هست اما بالاخره ناچار به تکمیل آنها بودند. ولی در مورد آموزش، داکيومنت‌ها و تأسیسات و کارگاه‌ها و ابزارهای مخصوص تعمیرات این تجهیزات اقدام نشده بود و باید خود پرسنل و افسران و مهندسين فرماندهی لجستیکی چاره‌اندیشی و اقدام می‌کردند.

شیلکاهای خریداری شده حدود ۹۰ تا ۹۳ دستگاه بودند که چون شنی‌دار و خودکشی بودند آنها را برای پدافند هوایی لشکرهای زرهی اختصاص داده بودند و به طور عمده در لشکرهای ۱۶، ۸۱، ۹۲، تیپ ۳۷ زرهی و لشکر ۸۸ زرهی به کار گرفته شده بودند، اما تعدادی از این شیلکاها را در مناطق حساسی مانند: پالایشگاه کرمانشاه، تلمبه‌خانه نفت (انتقال نفت از جنوب به پالایشگاه‌ها تهران)، گردنه تنگ‌فتی و سایر اماکن حساس مستقر کرده بودند. علت

این کار این بود که هنگام حمله هوایی، هواپیماهای دشمن با آزادی عمل وارد حریم هوایی این مناطق نشوند و از رادار آن‌ها استفاده چندانی بعمل نیامد. در نیروی زمینی سه نوع توپ ضد هوایی داریم که هر سه نوع را از کشور اتحاد جماهیر شوروی خریداری کرده‌ایم. قدیمی‌ترین آنها توپ‌های ضد هوایی خودکشی دو لوله ۵۷ میلی‌متری است که بر روی شاسی اصلی تانک T54 روسی سوار شده و در لشکرهای زرهی است. با گسترش نیروی زمینی توپ‌های دو لوله کشتی ۲۳ میلی‌متری باز هم از روسیه خریداری و به لشکرهای پیاده اختصاص داده شد و در هر لشکر پیاده یک گردان پدافند هوایی ۲۳ میلی‌متری تشکیل دادند. برای این دو سیستم، هم آموزش عملیاتی و هم آموزش تعمیراتی قبل از انقلاب داده شد و در کارخانه بابک یا نصر برای اورهال آن‌ها کارگاه، ابزار و قطعات یدکی پیش‌بینی شده است و اما چون سیستم توپ‌های ضد هوایی دو لوله ۵۷ میلی‌متری قدیمی شده بود، برای لشکرهای زرهی اقدام به خرید توپ‌های ضد هوایی خودکشی چهار لوله شیلکا کردند.

اورهال و تعمیر و نگهداری اقلام زرهی: ما قبل از انقلاب هیچ نوع تانکی از روسیه نخریدیم و تا دهه ۱۳۷۰ خورشیدی هم تانکی از روسیه نخریدیم ولی بر حسب ضرورت مناطق عملیاتی تانک‌هایی که در جبهه‌ها از ارتش عراق به غنیمت گرفته بودیم را باید حاضر به کار می‌کردیم و از آنها استفاده می‌کردیم. اما در سیستم ما تعمیرات اساسی و اورهال توپ‌های پدافند هوایی ۵۷ میلی‌متری را داشتیم که پایه اصلی آن تانک T54 روسی بود. یعنی وقتی بر جک و توپ دو لوله را پیاده می‌کردیم، بقیه آن تانک T54 بود، که دارای یک توپ ۹۰ میلی‌متری بود که ما تانک آن را نداشتیم (البته تانک T54 غنیمتی که از عراق گرفته شده بود را برای ما در کارخانه تخلیه کردند که روی آن مطالعه کنیم). تانک T55 حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد مشابه تانک T54 است.

تکنولوژی ساخت تانک در روسیه با کشورهای غربی بسیار متفاوت است. در ساخت تانک‌های T54، T55، T62، T72 و S90، تشابهات بسیار زیادی هست، اما نسل به نسل آنها را بهینه کرده‌اند. آقای مهندس طیبی می‌فرمایند که موتورهای T54، T55 و... و شاسی پایین توپ شیلکا یکی هستند و واقعاً هم یکی هستند. ۵۰ دستگاه تانک‌های T55 دریافتی از کشور لیبی ساخت روسیه بودند. این تانک‌ها هم در همین کارخانه نصر تعمیر می‌شد. بله

ارتش ما در زمان جنگ برای به دست آوردن و تهیه تجهیزات و قطعات یدکی در سراسر دنیا فعالیت می کرد. البته وزرات دفاع هم همین طور، اما خیلی نیازمندی های ما تأمین نمی شد. به همه جا متوسل می شدیم حتی لیبی، کره ی شمالی، چین و خیلی جاهای دیگر. یک روزی در دانشکده افسری مقام معظم رهبری هم تشریف داشتند و سخنرانی فرمودند و این جمله را فرمودند که «در زمان جنگ تحمیلی، ما همه دنیا را گشتیم، به ما سیم خاردار نفروختند حتی سیم خاردار».

در زمان جنگ تانک "چون مائو" از کشور کره شمالی خریداری کردیم (البته تعداد آن زیاد نبود) و یا توپ های ۱۲۲ میلی متری از چین و جاهای دیگر. یگان های عملیاتی و سیستم های تعمیراتی آنقدر با اینها در دسر داشتند و به چه فلاکتی با اینها سر و کله می زدند و آخرش هم نتوانستند از آنها استفاده ی کاملی بکنند. ما یک دستگاه از این تانک های T72 را به یکی از صنایع خارج از ارتش برای تعمیر دادیم، قیمتی که برای تعمیرات آن یک دستگاه تانک پیشنهاد دادند، از قیمت تانک نو بیشتر بود.

سرتیپ ۲ نورائی و مهندس طیبی: پس از این که ۵۰ دستگاه تانک T55 از لیبی آوردند، گفتند که روس ها مستقیماً در لیبی مشغول آموزش به نظامیان آن کشور هستند. تعدادی را به لیبی فرستادیم. افراد ما به تصوّر خودشان رفته بودند آنجا که آموزش مثلاً رده چهار و پنج یا اورهال را ببینند. به آنجا که رسیدند مشاهده کردند که روس ها دارند به افراد کشور لیبی آموزش رده ۱ و ۲ را می دهند و خبری از آموزش رده ۴ و ۵ نیست و دیدند که روس ها چه کلاه گشادی بر سر ارتش لیبی می گذارند، بنابر این برگشتند. در حالی که پیش از انقلاب و به هنگام تأسیس کارخانه بابک به خودشان اجازه نمی دادند که با ما چنین رفتاری کنند، زیرا افسران، درجه داران، همافران، کارمندان و مهندسين ما دانش و اطلاعات فنی خوبی داشتند.

در زمان جنگ، روس ها از این بی محبتی ها هم می کردند. حتی زمانی که می خواستند که قطعات را به ما بدهند پول نقد می خواستند و می گفتند که یوزانس و روش های دیگر نداریم. ما (وزارت دفاع و نیروی زمینی) مجبور بودیم که برای تهیه و خرید یک سری از قطعات از کانال های دیگری اقدام کنیم و یک زمانی که می خواستند یک سری قطعاتی را از جاهای

دیگری تهیه کنند و لیست را برای بررسی به ما داده بودند، وقتی که بررسی می کردیم، دیدیم زمانی که نام قطعه نظامی و شماره فنی نظامی مطرح می شود، قیمت ها یک مرتبه تا ده درصد بالا می رود در حالی که می توانیم یک سری قطعات مشابه به عنوان تجاری هم بخریم و استفاده کنیم من از آن لیست معادل ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار دلار حذف کردم و معادل آنها را با ۴۵ تا ۵۰ هزار تومان از بازار داخلی خریداری کردیم. در مورد خرید لوله توپ ها نیز، روسی یا غربی محدودیت شدید وجود داشت.^۱

نویسنده: در لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهداء علیه السلام، یک گردان به نام قدس ۱۹۵۴ از تانک های T55 غنیمتی و تهیه شده تشکیل شده بود که دو نفر از برادران متخصص عراقی که مخالف صدام بودند در تعمیر آنها در پشت خطوط پدافندی با ما همکاری می نمودند.

سرتیپ ۲ نورائی: در زمان جنگ کشورهای سازنده از فروش لوله های توپ به ایران خودداری می کردند. همین داستان برای توپ ها و سلاح های غربی هم بود. لذا تعدادی توپ ۱۳۰ میلی-متری از کشور کره ی شمالی خریداری شد. لوله هر توپ ۱۳۰ و قطعات دیگر مثل قطعات ساخت غرب استاندارد کامل نبود و باید تغییراتی داده می شد و به ابتکار پرسنل کارخانجات نصر برای محلّ پین با ساخت فیکسچر با دقت مشخص و لوله را سوراخ کنند تا بتوان لوله را روی توپ سوار کرد و در مورد قطعات دیگر نیز اقدامات مؤثری (مثلاً در ساخت واشر سر سیلندر تانک T72) انجام دادند. برای تهیه آلیاژ مخصوص مثلاً برای بوش سیلندر موتور B. M. P1 از انتهای لوله توپ ۱۳۰ استفاده شد.

در کنار کارخانه نصر، مرکز تعمیراتی تهران، سری ام یا کارخانجات فتح مستقر هستند که وظیفه آنان تعمیرات یا اورهال بخشی از اقلام خریداری شده از کشورهای غربی است، مانند تانک چیفتن، تانک های سبک اسکورپین و توپ های ۱۰۵، ۱۵۵، ۱۷۵ و ۲۰۳ میلی متری (و نیز توپ ۱۳۰ م روسی) و اقلام مهندسی و مخابراتی و غیره. اما چون فاقد امکانات کارخانه ای مانند مسجد سلیمان و نصر می باشد، لذا برای ساخت برخی قطعات حساس جهت این اقلام به کارخانه ی نصر مراجعه می کردند و آنها در این مورد همکاری می کردند.

۱- سرتیپ ۲ نورائی منوچهر، مقاله ی نقش رسته های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس، ص ۶۲-۸۵.

کشوری که سازنده نباشد، ناچار است که تجهیزات و تسلیحات دفاعی را از خارج خریداری کند. تجهیزات و تسلیحات نظامی کالاهایی نیستند که شما با پول بتوانید از هر کشوری خریداری کنید. تازه اگر نمایندگان کشور مصرف کننده متخصص و وارد به امور اقلام نظامی نباشند، قطعاً خریدهای آن‌ها خوب و مطلوب از کار در نمی آید و هزار جور کلاهبرداری و کلاه گذاری در این معامله ها پیش می آید که برای کشور ما عملاً ده ها و صدها نمونه آن پیش آمد. از قطعات دیگر می توان ساخت شعله پوش توپ ۱۳۰ میلی متری با استفاده از قطعه ای از لوله فرسوده توپ که توانستیم این توپ ها را آماده به کار کرده و به تیراندازی در جنگ ادامه دهند اشاره نمائیم. و یا نصب غلطک های مین کوب خریداری شده در کارخانجات نصر بر روی تانک ها و انجام مین کوبی و باز کردن میدان موانع در جنگ و کارهای زیاد دیگری که در کارخانجات نصر و فتح و مسجد سلیمان در مورد ساخت قطعات و تعمیر تجهیزات انجام گرفت و بعد از جنگ هم این فعالیت ها ادامه داشت. امکانات داخلی کشور در صورتی که بررسی شود کمک مؤثری می تواند در تعمیر و نگهداری تجهیزات باشند. مثلاً توپ شیلکا یک موتور توربینی دارد که موقع کار کردن صدای موتور هواپیما می دهد و با یک دینامی کوپل می شود و برق مورد نیاز و حرکت بر جک و لوله های توپ را تأمین می کند. پره های توربین در اثر کارکرد و داغ شدن خراب می شوند که با بررسی و استفاده از امکانات نیروگاه برق فردیس کرج و همکاری کارکنان آن با مهندسين و کارکنان کارخانجات نصر تعمیرات این دستگاه را انجام دادند.

خودروی ماز تانک بر

یکی دیگر از اقلام دفاعی ما خودرو ماز تانک بر ۵۳۷ بود که تنها خودرو غول پیکر و تانک بر نیروی زمینی بود و جابجایی همه تانک های M47، M60، چیفتن، توپ های خودکششی ۱۵۵ میلی متری، ۲۰۳ میلی متری و ۱۷۵ میلی متری که رقم آنها خیلی هم زیاد بود، متکی به آمادگی این تانک برهای ماز بود که تقریباً تمام فرماندهان و یگان ها و به ویژه رانندگان آنها از این خودرو ناراضی بودند.

در روسیه جابجایی تانک ها و اقلام سنگین بیشتر توسط راه آهن انجام می شود و از خودرو تانک بر برای جابجایی های کوتاه چند کیلومتری استفاده می شود و نباید تانک ها را روی شنی در فواصل زیاد راه برد. در صورت اجبار ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر با احتیاط مجاز است. در حالی که

ما از ماز تانک‌بر در جابجایی‌های طولانی استفاده می‌کردیم. در مورد اورهال و بازسازی این تانک‌بر هم در طرح توسعه کارخانه بابک(نصر) پیش‌بینی نشده بود که به علت افزایش تعداد تانک‌بر طرحی پیش‌بینی شد که ۷۰ دستگاه سالیانه در کارخانه نصر اورهال شوند که به سرانجام نرسید. ولی تعمیرات تا حد امکان توسط کارکنان بعمل می‌آمد. در ماز تانک‌بر مصرف روغن همراه سوخت یکی دیگر از محدودیت‌های آن است که همیشه یک بشکه روغن باید همراه داشته باشد. در اطاق راننده هیچگونه تسهیلاتی برای راننده وجود نداشت، حتی ابتدائی‌ترین امکانات مانند بخاری یا کولر و غیره. گاهی اوقات فاصله پادگان تیپ‌های یک لشکر حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ کیلومتر می‌رسید.

وضعیت نهائی تانک‌برها

سال ۶۳ امیر نورائی به سمت معاونت تعمیر و نگهداری ف لوج نزاجا منصوب گردید و تحت نظر ایشان پروژه‌های تعویض موتور ماز تانک‌بر انجام و دو ماه بعد از بازدید اولیه از پروژه‌های تعویض موتور با توجه به نظر موافق و مخالف نتیجه پروژه‌ها به آزمایش گذاشته شد.

۱- پروژه آقای قندچی و پادگان جی بعد از بازسازی خودرو تانک‌بر با موتور تعویض شده

ماک حامل یک تانک

۲- خودرو ماز بازسازی شده توسط شرکت الیکا و کارخانه نصر با موتور کمز حامل یک

تانک

۳- یک دستگاه ماز تانک‌بر نو با موتور اصلی و حامل یک تانک

۴- یک دستگاه خودرو بنز تیتان آلمانی حامل یک دستگاه تانک (در تاریخ ۶۲/۱۲/۲۵

تعداد ۵۰ دستگاه کشنده تانک‌بر مرسدس بنز تیتان خریداری شده بود).

نظر سر تعمیرکار فرماندهی ترابری آقای کلانکی درست بود و موتور قوی‌تر باعث خرد شدن

دنده‌های دیفرانسیل محورها می‌شد و لذا پروژه تعویض موتور منتفی شد و تقاضای خرید

تانک‌بر تیتان بیشتر گردید.

خدمات دیگر مراکز تعمیراتی نزا جا

سرتیپ ۲ نوائی: سال ۱۳۶۴ خورشیدی گزارش‌هایی از لشکرهای پیاده در مورد این که توپ‌های ۱۰۵ و ۱۵۵ میلی‌متری کششی این لشکرها بر اثر حدود ۵ سال جنگ و چندین دهه پیش از انقلاب و شروع جنگ، مورد استفاده بوده‌اند و خیلی بیش از حد استاندارد مربوطه با آن‌ها تیراندازی شده و دیگر لوله‌های آن‌ها فرسوده شده بودند و نیاز به تعویض لوله‌ها و تعمیرات اساسی داشتند، دریافت می‌کردیم. ما برای انجام تعمیرات اساسی بر روی این توپ‌ها هیچ‌گونه آموزش و تجربه‌ی کاری نداشتیم و از طرفی در آمادگاه‌های فرماندهی لجستیکی هم نه تنها قطعات یدکی مورد نیاز عاید و دافع‌ها و سایر قسمت‌های توپ‌ها وجود نداشت، بلکه حتی یک لوله یدکی هم پیدا نمی‌شد.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی روشی که برای بازسازی عاید و دافع توپ‌های ۱۰۵ و ۱۵۵ میلی‌متری لشکرهای پیاده متداول بود، این بود که باید سه دستگاه عاید و دافع، به آلمان غربی ارسال می‌گردیدند و در آنجا به وسیله تأسیسات ارتش آمریکا در آلمان غربی تعمیر و نوسازی می‌شدند و از آن سه دستگاه، دو دستگاه به ایران برگشت داده می‌شد و به جای آن یک دستگاه باید عاید و دافع نو از آمریکا خریداری می‌کردند. با حضور در مرکز تعمیراتی تهران، موضوع از نزدیک با افسران، درجه‌داران، کارمندان فنی و مهندسين شاغل در مرکز تعمیراتی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت. یکی از آنها افسری بود با درجه سرهنگی به نام "فریبرز" که سابقه‌ی کاری او در مرکز تعمیراتی زیاد بود و اطلاعات فنی او هم بیشتر از دیگران بود و در سمت رئیس کارگاه‌های جنگ‌افزار خدمت می‌کرد. این افسر اکنون در این دنیا نیست و دار فانی را وداع گفته است. خداوند متعال ان شاءالله روح او را قرین رحمت خود قرار دهد. سرهنگ فریبرز دو پیشنهاد ارائه داد: نخست این که برای توپ‌های ۱۰۵ میلی‌متری کششی از لوله‌های کارکرده‌ی پیش از انقلاب استفاده کنیم، که البته باید آنها را قبل از استفاده طی مراحل بازبایی و مرمت می‌کردیم و دوم این که برای توپ‌های ۱۵۵ میلی‌متری کششی، در صورت پیدا کردن ابزارها و دستگاه‌های مناسب و مورد نیاز می‌توانیم از لوله‌های کوتاه ۱۵۵ میلی‌متری توپ‌های خودکششی که توسط آمریکایی‌ها با لوله‌های بلند تعویض شده بودند

استفاده کنیم، که همگی آنها نو و کار نکرده بودند و در آمادگاه‌ها و یا در لشکرهای زرهی نگهداری می‌شدند.

بعد از کاوش در محوطه اقلام فرسوده، آن مرحوم پیشنهاد کرد که باید لوله‌های ۱۰۵ کارکرده زمان صلح را از زیر خاک بیرون بیاوریم و برای مراحل بعدی باید مسئولین کارخانجات بابک (نصر کنونی)، در مورد بازیابی و آماده کردن اینها با ما همکاری کنند، زیرا در آن کارخانه امکانات بسیار و کافی برای زنگ‌زدایی، فسفاته کردن و آبکاری وجود دارد و عبور از این مراحل، این لوله‌ها را کاملاً بازیابی می‌کند و آماده نصب بر روی هویترهای از کار افتاده خواهد کرد. اما مشکل اصلی ما در تعمیر و بازسازی عاید و دفاع این هویترها بود، زیرا هرگز تجربه بازکردن و تعمیرات آنها را نداشته‌ایم و فکر نمی‌کنم که قطعات اورینگ‌های (واشرها) خاص آنها را نیز در اختیار می‌داشتیم. به همین جهت ما باید به سرعت، یک طرح و برنامه‌ای دقیق برای بازسازی و آماده بکار کردن حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ قبضه توپ‌های لشکرها و تیپ‌های پیاده تهیه می‌کردیم که در این پروژه، لشکرهای پیاده، فرماندهی لجستیک نیروی زمینی، مراکز تعمیراتی و کارخانجات فرماندهی لجستیک، صنایع دفاع و احتمالاً تعدادی از کارگاه‌های بخش خصوصی و غیرنظامی در آن درگیر می‌شدند و از همه مهم‌تر سرعت در انجام کارها بود. من در همان جا و همان روز کار را شروع کردم، برای آغاز و انجام این پروژه‌ی مهم باید نخست کار تحقیقی و جستجو را شروع می‌کردیم:

۱- یک تیم کاری را برای جستجو و بیرون آوردن لوله‌های کارکرده از زیر خاک و خاشاک داخل پارک اقلام فرسوده تعیین نمودیم.

۲- یک تیم برای بررسی و آماده کردن ایستگاه‌های کاری جهت آبکاری، فسفاته کردن و سایر کارهای این بخش معین شدند.

۳- یک تیم برای جستجو و پیدا کردن قطعات یدکی موجود در آمادگاه‌های اصلی و عمومی آبیک، مراکز تعمیراتی و کارگاه‌ها و یا فروشندگانی در بخش خصوصی که قادر به تهیه و تولید قطعات و اورینگ‌های مورد نیاز باشند، مشخص شد.

۴- یک تیم جستجو و تماس با بخش‌های صنعتی صنایع دفاع برای شناسایی و پیدا کردن دستگاه‌های تراش و ماشین ابزارهای خاصی که لازم داشتیم نیز در نظر گرفته شد.

یک کار سری را در کارگاه‌های مختلف به راه انداخته بودند و همگی با شوق و علاقه و سرعت کار می‌کردند، به ویژه پس از آن که توجیه شده و آگاهی پیدا کرده بودند که وجود این توپ‌ها برای مناطق عملیاتی جنبه حیاتی دارد، شوق علاقه‌ی موصوف بیشتر هم شده بود. به زودی اولین سری توپ‌ها از یکی از لشکرهای پیاده منطقه عملیات طبق برنامه‌ی کاری که ما ابلاغ کرده بودیم به مرکز تعمیراتی رسید و تیم تعمیراتی مشغول دمونتاژ آنها شدند. گزارش تیم کاوشگر قطعات حاکی از این بود که بیش از ۹۰٪ قطعات مورد نیاز در آمادگاه اصلی وجود دارند. به غیر از تعدادی واش و اورینگ خاص که مخصوص محل‌های گاز و روغن هیدرولیک بودند که وجود آنها هم بسیار ضروری و عملکرد آنها هم حساس بود، تصمیم گرفتیم که نمونه‌هایی از آنها را به صنایع دفاع و بازار خصوصی بفرستیم.

گزارش نمایندگان ما حاکی از آن بود که از نوع ابزار و دستگاه تراش مورد نیاز پروژه‌ی ما در صنایع مکانیک صنایع دفاع وجود داشت. از آن به بعد چند سازمان مهم نیروی زمینی شامل لشکرها و تیپ‌های پیاده، فرماندهی لجستیکی (معاونت تعمیر و نگهداری و معاونت آماد)، مرکز تعمیراتی تهران، کارخانجات بابک، آمادگاه آبیک و صنایع دفاع، با فعالیت شبانه‌روزی و عشق و علاقه زیاد و با همدلی، به فعالیت و همکاری پرداخته بودند و نگذاشتند که رزمندگان جبهه‌های نبرد احساس کمبود کنند و ما ثابت کردیم که اگر بخواهیم و با یکدیگر متحد باشیم می‌توانیم بدون حمایت بیگانگان ابزارهای جنگی از کار افتاده را دوباره بازسازی کنیم و آنها را علیه دشمنان بکار ببریم.^۱

نویسنده: این تعمیرات توسط کارگاه جنگ‌افزار مرکز تعمیراتی تهران (کارخانجات فتح و نصر) بعد از پایان جنگ هم ادامه داشته و دارد. لازم به یادآوری است که نقش کارکنان مرکز تعمیراتی تهران به ویژه کارگاه جنگ‌افزار، بعد از جنگ در تکمیل کار ساخت توپ در کارخانجات حدید وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح انصافاً نقش مؤثری بود و همکاری بعدی و رسمی نیروی زمینی و مرکز تعمیراتی تهران در سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ در این خصوص مؤثرتر گردیده بود.

۱- سرتیپ ۲ نورائی منوچهر، مقاله‌ی نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس، ص ۸۲-۱۰۶.

اقلام تعمیراتی

سرتیپ ۲ بایندریان: روشی که در مورد تعمیر وسایل و تجهیزات در آمادگاه دزفول اعمال می‌شد، این بود که چنانچه وسیله‌ای در سطح لشکر قابل تعمیر نبود، آن وسیله به گروهان پشتیبانی عمومی گردان تعمیر و نگهداری آمادگاه صحرایی، فرستاده می‌شد. اگر در این گروهان نیز امکان تعمیر آن وسیله یا سلاح فراهم نمی‌گردید، آنگاه آن را به مرکز تعمیراتی تهران می‌فرستادیم. در ارتش این سیستم را داشتیم و به خصوص در مورد تجهیزات مخابراتی نسبت به سایر ادوات و تجهیزات نظامی در راستای تعمیرات وضعیت بهتری داشتیم.

البته ناگفته نماند که با حجم بالای ادوات تعمیری، استعداد ما از نظر تخصص و قطعات یدکی تکافوی آن گستردگی را نمی‌کرد. اقلام تعمیراتی را به مرکز تعمیراتی در تهران می‌فرستادیم. قطعات معیوب در مرکز تعمیراتی تهران بررسی می‌شدند و آنگاه چند وضعیت پیش می‌آمد. به این ترتیب که یا قطعه موجود بود که در آن صورت آن را جایگزین می‌کردند، یا قطعه موجود نبود، که در این صورت یا امکان تعمیر آن مثلاً با تراشکاری یا برخی روندهای تعمیری فراهم می‌شد که طبق آن عمل می‌کردند. این فکر که هر چیز که به آمادگاه یا مرکز تعمیراتی عودت داده شود دیگر برنمی‌گردد، حقیقت نداشت. همه‌ی این قطعات آمار داشتند، چه آنها که بازسازی شده بودند و چه آنها که تعمیر شده بودند، و همینطور آنهایی که قابل تعمیر نبودند.

سفر به کره شمالی

در سال ۱۳۶۰ در معیت تعدادی از فرماندهان از جمله: مرحوم امیر ظهیرنژاد و امیر شهبازی و تعدادی از مسئولین آجا برای انجام یک سلسله بازدیدها از صنایع نظامی و در عین حال خرید تسلیحات نظامی به کره‌ی شمالی رفتیم. این سفر کاری حدود سه هفته به طول انجامید. در این سفر، هیئت نظامی ایران تعدادی خمپاره انداز ۶۰، ۸۱ و ۱۲۰ میلی متری برای نیروی زمینی و ژاندارمری خریداری کردند.

کره‌ی شمالی یکی از دو سه کشوری بود که هم به ایران و هم به عراق تجهیزات نظامی می‌فروخت. البته همه‌ی این ارتباط و تعامل و همکاری با اشاره و چراغ سبز شوروی سابق انجام می‌شد.

آنان که در ورای صحنه‌های رزم، تدارک و لجستیک آن را به معنای عام آن بر عهده داشته‌اند، زحمات‌شان بسیار مؤثر و قابل توجه بوده است.

کمک صنعتگران، ارگان‌های دولتی و مردم به روند تعمیرات

من تلاش کرده بودم بر مبنای تجربه‌ای که در طول سال‌های طولانی خدمتم در آمادگاه دزفول اندوخته بودم. با اعزام گروه‌های تعمیراتی به یگان‌ها و با کمک قطعاتی که این گروه‌های تعمیراتی با خود می‌بردند، پشتیبانی تعمیراتی یگان‌ها را تا حد ممکن تأمین کنم. هر از گاهی نیروهای متخصص و تعمیرکاران داوطلب نیز که در زمینه‌های برقی، انتقال نیرو، پمپ‌ها و انژکتورها تخصص داشتند برای کمک به نیروهای رزمنده به جبهه می‌آمدند و ما هم فعالیت آنها را در چهارچوب مأموریت‌های آمادگاه مدیریت می‌کردیم.

یک روز از خط مقدم خبر رسید که یک تانک خراب شده. شهید خلیل معروف به خلیل الکترونیک هم وسایلش را برمی‌دارد و به همراه نفراتی که از خط مقدم به دنبال تعمیرکار آمده بودند، راهی خط مقدم می‌شود. تانک تعمیری مدت زیادی در قسمتی از خط مقدم مانده بود و به محض انجام تعمیر و روشن شدن تانک، دود ناشی از آگروز تانک، نیروهای عراقی را متوجه موقعیت آن می‌کند و عراقی‌ها هم آن ناحیه را زیر آتش می‌گیرند. خلیل آن روز به اجر مجاهدتش رسید و سعادتی را که چند روز پیش از آن با من صحبت کرده بود به دست آورد. خبر شهادت خلیل را که برایم آوردند، یک لحظه در جایم میخکوب شدم و باورم نمی‌شد که آن چهره‌ی همیشه متبسم، روی در نقاب خاک کشیده باشد. یاد همه خلیل‌هایی که صادقانه و با همتی قابل ستایش در صحنه‌های نبرد حضور پیدا کردند بخیر. گروهی به مقام شامخ شهادت رسیدند و گروهی نیز یاد این حضور را به عنوان یکی از صفحات افتخار آمیز در کارنامه خود نگه داشته‌اند.

سلاح سازمانی

اسلحه‌ی انفرادی سازمانی ارتش ایران تفنگ ژ-۳ بود که صنایع دفاع آن را در کارخانه‌ی تسلیحات برای ارتش تهیه می‌کرد. این اسلحه از لحاظ قدرت و تأثیر، سلاح بسیار قابل‌ی است ولی نسبت به خاک و آلودگی‌های محیط بسیار حساس است و این حساسیت در کارایی آن در

حین نبرد تأثیر می‌گذاشت. گیر کردن گلنگدن و عدم تیراندازی، مشکل اصلی این سلاح در صورت تمیز نبودن و خاک آلودگی و عدم روغن کاری و نگهداری مناسب است. در اواخر جنگ فرماندهی نزاجا برای رفع نواقص این سلاح انفرادی در سطح ارتش به من اختیاراتی دادند و من با همکاری متخصصینی از وزارت دفاع با یک برنامه‌ریزی، این کار را از لشکر ۶۴ ارومیه شروع کردیم. از آقای مهندس گلستانه که در آن زمان در وزارت دفاع مسئولیتی داشتند خواستم که قطعات لازم را به همراه گروه‌هایی از وزارت دفاع مأمور نماید که این گروه‌ها وظیفه داشتند، گردان به گردان سلاح‌های ژ-۳ را یک به یک مورد بررسی قرار دهند و چنانچه سلاحی قطعه‌ای لازم داشت آن را تعویض می‌کردند و اگر بحث لوله و کالیبر و تشتت تیر و مسائل فنی دیگر در میان بود که با تعویض قطعه برطرف نمی‌شد، لذا اسلحه‌ی معیوب را با اسلحه‌ی سالم جایگزین می‌کردند.^۱

بازسازی تفنگ‌های ژ-۳

بازسازی یکی از جنگ‌افزارهای مهم دوران دفاع مقدّس، بازسازی تفنگ ژ-۳ بود که بسیار هم اهمیت داشت و دارد. در همین رابطه خاطره‌ای از امیر نرائی مربوط به بازسازی تفنگ‌های ژ-۳ نقل می‌گردد:

سرتیپ ۲ نرائی:

۱- در ابتدای جنگ تحمیلی، تمام رزمندگانی که در جبهه و مناطق عملیاتی حضور داشتند، هر یک دارای یک قبضه تفنگ ژ-۳ بودند. در ابتدای مسیر خیابان پیروزی تهران کارخانه‌ای هست که به نام مسلسل‌سازی خوانده می‌شود و احتمالاً در گذشته هم تأسیساتی در آن محل وجود داشته است. به هر حال در این تأسیسات، نخست کار مونتاژ تفنگ و مسلسل ژ-۳، انجام می‌شده و سپس طی قراردادی صنایع دفاع، تفنگ و مسلسل ژ-۳ را تحت لیسانس کارخانه اصلی آلمانی می‌ساخت. البته مواد خام و اولیه و مهم آن، بیشتر از آلمان وارد می‌شد.

۱- فلاح دوست شعاع‌الدین، بازوی نبرد، مصاحبه هیأت معارف جنگ با سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۸۲-۱۰۹.

در اوایل سال ۱۳۶۴ خورشیدی، گزارش‌های زیادی درباره عملکرد بد این تفنگ‌ها و مسلسل‌ها به معاونت تعمیر و نگهداری فرماندهی لجستیک می‌رسید.

۲- درست از اواخر بهمن ماه ۱۳۵۷ خورشیدی و شروع ناامنی‌ها در استان‌های غربی ایران، یگان‌های نیروی زمینی برای مقابله با ضد انقلاب از پادگان‌ها خارج شده و افراد و تجهیزات و تسلیحات آن‌ها در معرض شرایط نامناسب آب و هوایی این استان‌ها قرار گرفتند.

۳- سومین عامل اثرات خستگی و فرسودگی افراد به دلیل توقف‌های طولانی مدت در مناطق مرزی و عملیاتی و دوری از خانواده که آنها را نسبت به دقت و نگهداری از تجهیزات احتمالاً کم توجه نموده بود.

۴- سبکی تفنگ کلاشینکف نسبت به ژ-۳ در راحتی حمل آن از نظر افراد، درحالی که تفنگ ژ-۳ از نظر برد و گلوله آن از نظر تأثیر روی دشمن یک سلاح جنگی کامل بود. ولی اکثر آنها به علت کار طولانی مدت به فرسودگی می‌گرائیدند.

فرماندهی لجستیک اکیپ‌های فنی را از کارخانجات فتح مرکز تعمیراتی تهران به مناطق عملیاتی شمالغرب، غرب و جنوب غربی (خوزستان) برای بازدید و بررسی کامل وضعیت و چگونگی عملکرد تفنگ‌ها و تیربارهای ژ-۳ فرستادند تا موضوع را در مناطق عملیاتی تحقیق و بررسی نمایند. اکثر یگان‌ها از عملکرد تیربارهای ژ-۳ راضی بودند. آن تعداد از یگان‌ها که ناراضی بودند، دلیل ناراضی‌تی آنها به خودشان برمی‌گشت. زیرا در نظافت و سرویس آلات متحرک تیربارها بی‌توجهی کرده بودند و همین امر موجب شده بود تا مقدار زیادی دوده و باروت نیم‌سوخته در مسیر حرکت این آلات متحرک جمع شده و بر اثر گرما و داغ شدن قطعات به صورت اجسام سختی در بیایند و در نتیجه این تیربارها مرتب دچار مشکل شوند. نکته‌ی دیگر این که، این تیربارها دارای لوله یدکی هستند که پس از شلیک هر ۵۰۰ گلوله باید آن را تعویض کرد تا لوله خنک شود. متصدیان این تیربارها یا لوله یدکی را به همراه نداشتند (حتی بعضی یگان‌ها، لوله‌های یدکی را در پادگان‌ها جا گذاشته بودند) و یا فواصل تعویض و شلیک را رعایت نمی‌کردند و این امر موجب می‌شد تا لوله‌ها و آلات متحرک به شدت داغ شوند. اما در مورد تفنگ‌های ژ-۳، حق با یگان‌های عملیاتی بود و شکایت و ناراضی‌تی آنها کاملاً به حق و به جا بود. زیرا بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد تفنگ‌ها دچار زنگ زدگی و خان خوردگی شده بودند که

دلایل آن هم مربوط به شرایط محیطی (وجود رطوبت در هوا و خاک، شن و ماسه‌ی آلوده به نمک) و کارکرد بیش از حدّ بود. دلیل این وضعیّت هم این بود که نیروی زمینی تفنگ‌های ژ-۳ زیادی در اختیار نداشت که بتواند آن‌ها را در فاصله دو یا سه سال تعویض نماید. ذخیره‌ی عملیاتی نیروی زمینی همان اندازه بود تا با آن بتواند یگان‌های جدیدی را که تشکیل می‌داد مسلّح کند. همچنین در اوّل پیروزی انقلاب و شروع نا امنی در استان‌های مرزی و سپس جنگ تحمیلی تعداد قابل توجهی هم از این سلاح‌های سبک به برادران سپاه پاسداران و بسیج واگذار شده بود. تعداد جایگزینی تفنگ ژ-۳ در سال اوّل و دوّم جنگ، حدود ۱۵۰۰۰ قبضه و تفنگ خریداری از شوروی نیز در حدود ۱۴۱۰۰۰ قبضه تفنگ کلاشینکف بود و بیشتر تفنگ‌های ژ-۳ به علّت تأثیر آب و هوا و استفاده‌ی طولانی در جنگ به فرسودگی نزدیک شده بودند. با همکاری صنایع دفاع و اتّحاد و اتّفاق نظر با آنها و کمک ابزار و متخصصین آنها توانستیم اکیپ‌های تعمیراتی متشکل از افراد آنها و کارکنان مرکز تعمیراتی تهران در سه منطقه شمالغرب، غرب و جنوب کشور تشکیل و از نزدیک سلاح‌های سبک یگان‌های نزا جا را تعمیر و حاضر بکار کنیم.

در بازدید از محلّ تعمیر تفنگ‌های لشکر ۲۸ که مأمور به جنوب شده بود متوجّه شدم که در چادری تعمیرات انجام می‌شود که در آن گرما، کار طاقت فرسائی بود. لذا بعد از بررسی، مکانی متعلّق به شرکت نفت شناسائی کردیم و آن عزیزان نیز ساختمانی را با روی خوش در اختیار ما قرار دادند.

روز بعد به ما خبر دادند که ساختمان‌ها آماده تحویل است. وقتی به آنجا رسیدیم، چیزی که می‌دیدم را باور نمی‌کردم. داخل ساختمان‌ها به نحو بسیار مطلوبی تمیز و آراسته و داخل تمام اتاق‌ها و سالن‌ها کولر نصب شده و سرویس‌ها همگی تمیز و مرتب بودند. از این بهتر نمی‌شد. ضمن تشکر از آن مسؤل محترم دستور انتقال تعمیرکارها را به آن ساختمان‌ها دادم و تعمیرکاران یگان ما با تشکر و دعای فراوان و با دلگرمی فراوان دوباره به کار تعمیرات مشغول شدند. یاد آن همدلی‌ها، هم‌زبانی‌ها و آن همکاری‌ها به خیر. اگر جامعه‌ی ما با همان روند پیش می‌رفت، آیا در این زمان این همه گرفتاری و مشکلات برای بندگان خدا پیش می‌آمد؟

نویسنده: گروهان ۲ جلویی لشکر ۲۱ حمزه (ع) در مراحل مختلف عملیات آفندی از جمله عملیات بیت المقدس پس از هر مرحله پیشروی یگان‌ها، تعمیرکاران را در خط یگان‌های پیشروی کننده، یگان مورد پشتیبانی حاضر و مستقر می‌نمود و در مورد تعمیرات جزئی رده‌ی ۲ و ۳ مثلاً تنظیم و تثبیت دستگاه در جه تفنگ ژ ۳ اقدامات لازم را به عمل می‌آوردند که این اقدامات از نظر روحی و ایجاد اعتماد به نفس در رزمندگان بسیار مؤثر بود. در اینجا باید به این نکته اشاره شود که در اعزام اینگونه اکیپ‌های تعمیراتی به محل عملیات‌های رزمی و یگانهای عملیاتی در وضعیت آفند یا پدافند، اصلح است که یکی از افسران گروهان به ویژه فرمانده گروهان با تعمیرکاران همراهی نماید، زیرا این حضور مؤثر فرماندهان در این رده‌ها در پیشرفت کار یگان تعمیراتی و انجام تعمیرات با حالت ایثارگری برای تعمیرکاران دلنشین‌تر است و ضمن ایجاد دلگرمی برای آنان، اخوت و برادری بیشتری را بین فرمانده و پرسنل و تمامی کارکنان ایجاد می‌نماید.

همانطوری در کتاب آمادها و نبردها ذکر شده است، مسئولین و پرسنل فنی مرکز تعمیراتی تهران، انواع تیم‌های تعمیراتی و بیشتر تیم‌های تعمیراتی سلاح‌های سبک و سنگین و زرهی و مخابرات را در طول جنگ و نیز بعد از آن، که اینجانب در آن مرکز حضور داشتم و تا کنون به یگان‌ها و مناطق عملیاتی جنوب و غرب اعزام می‌کردند و هم اکنون نیز این اعزام‌ها ادامه دارد و این مسئله به یگان‌های عملیاتی کمک‌های مؤثری کرده و می‌نماید.

همانگونه که امیر نورائی و مرحوم امیر بایندریان، به کمک صنعتگران و ارگان‌های دولتی و مردم به روند تعمیرات اشاره فرمودند، در مدتی که گروهان اشاره شده در قسمت‌های مختلف منطقه اندیمشک مستقر بود، علاوه بر استفاده از امکانات راکد راه آهن و یک شرکت شن و ماسه و کمک سازمان‌های آتش نشانی، برق و مخابرات آن شهر، از یک تراشکاری که دارای تجهیزات و دستگاه‌های مناسب و مهارت و تجربه بالایی داشت، بدون پرداخت هرگونه هزینه‌ای، برای ساخت بعضی از قطعات استفاده می‌کردیم.

فرماندهی بهداشت و درمان نیروی زمینی

سرتیپ ۲ نورائی: در سیستم لجستیکی آمریکایی، بخش‌های عمده‌ای مانند: آمادها، تعمیر و نگهداری، ترابری، مهندسی و امور ساختمانی، امور پرسنلی، تخلیه و بستری کردن (همان بهداشت و درمان) و امور متفرقه منظور شده است که هر یک از این بخش‌ها بسیار مفصل و گسترده و تا حدودی دارای استقلال داخلی بوده است. اما به وسیله‌ی یک فرماندهی لجستیکی با ستاد قوی هدایت می‌شدند که شامل طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی، تهیه و خرید، انبارداری، تحقیق و توسعه، تولید، اجراء و... است. پس امور لجستیکی و پرسنلی و ساختمانی و سایر امور در ارتش آمریکا به صورت یکپارچه، طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و اجراء می‌شوند. اما در کشور ما با این که این سیستم‌ها از کشور آمریکا اقتباس شده بودند و توسط مستشاران نظامی آمریکایی تدریس شدند، به دلیل اعمال نفوذ و یا فرهنگ داخلی امور لجستیکی رده‌ی بالا یا رده‌ی استراتژیکی چند پاره و مستقل شده بودند. مثلاً به جای این که فرماندهی لجستیکی نیروی زمینی همه امور لجستیکی را زیر یک چتر جمع کرده باشد، به جز فرماندهی لجستیکی نیروی زمینی، اداره‌های مستقل مانند: اداره بهداشت، اداره دامپزشکی، اداره مهندسی و اداره ترابری به وجود آورده بود. اما از رده‌ی استراتژیکی به پائین، یعنی از فرماندهی پشتیبانی مناطق تا سطح گردان‌ها، به غیر از امور پرسنلی بقیه‌ی امور لجستیکی یکپارچه عمل می‌شوند.

سال ۱۳۶۲ یا ۱۳۶۳ که افراد تیپ ۴۰ سراب در منطقه عملیاتی صالح آباد ایلام حوالی منطقه عمومی مهران خدمت می‌کردند، به طور عمومی دچار تاول و زخم‌هایی بر روی صورت و دست‌ها و بدن‌هایشان شدند و پزشکان این تیپ و لشکر ۸۱ زرهی نتوانستند در تشخیص و درمان آنها اقدامی کنند. دشمن داخلی و یا خارجی از این موضوع سوء استفاده کرد و با شایعه سازی موجب تضعیف روحیه رزمندگان سایر یگان‌های منطقه شد. لذا لازم بود به سرعت در این باره اقدام شود و از متخصصین مرکز افرادی را به منطقه‌ی غرب اعزام کنند.

یک اکیپ هشت تا ده نفره از پزشکان متخصص و با سابقه از ستاد مشترک ارتش و اداره بهداشت نیروی زمینی به منطقه اعزام شدند و روی آن مسئله بررسی کردند و دستورات دارویی و مراقبت‌های لازم را به فرماندهان و مسئولین دادند که تا حدّ زیادی از آلام افراد کاسته شد.

این متخصصین پس از بررسی‌های زیاد و انجام آزمایشات به این نتیجه رسیده بودند که این تاول‌ها بر اثر گزش حشرات خاکی به وجود آمده است.

در سطح نیروی زمینی که به سازمان‌های آن اشاره نمودم، در پشتیبانی منطقه‌ی یک هفت بیمارستان منطقه‌ای و سه بیمارستان متحرک صحرایی داشتیم که مدیریت، هدایت و حتی جایگزین کردن پرسنل آنها هم با خود پشتیبانی منطقه‌ی یک بود. در پشتیبانی مناطق دیگر نیز به نسبت منطقه تعدادی بیمارستان ثابت و صحرایی وجود داشت.

اگر بخواهیم امکانات بهداشت و درمان نیروی زمینی را در پیش از پیروزی انقلاب بیان کنیم بدین ترتیب می‌شود:

۱- مدیریت بهداشت و درمان معاونت لجستیکی نیروی زمینی ارتش.

۲- اداره بهداری یا اداره بهداشت و درمان نیروی زمینی ارتش شامل:

الف) هفت بیمارستان منطقه‌ای ثابت در تهران که در سطح تخصصی و فوق تخصصی هستند.

ب) یک مرکز تحقیقات پزشکی.

ج) یک مرکز خون.

د) یک مرکز دندانپزشکی.

ه) یک مرکز رادیولوژی.

و) یک مرکز آموزش بهداری.

ز) یک مدرسه عالی پرستاری.

ح) یک آمادگاه تجهیزات و دارو با شماره ۵۰۱.

۳- در سه پشتیبانی منطقه شامل:

الف) هر یک دارای یک مدیریت بهداشت و درمان.

ب) در مجموع ۲۴ بیمارستان ثابت منطقه‌ای.

ج) شش مجموعه ۶۰ تخت خوابی بیمارستان صحرایی متحرک.

نکته دیگری که لازم است در اینجا به آن اشاره و ثبت شود، این است که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور و جهادگران جهادسازندگی در زمان جنگ تحمیلی در این

زمینه کمک و خدمات ارزنده‌ای را به رزمندگان ارتش، سپاه پاسداران و بسیج مردمی ارائه دادند و این کار را همزمان با ارائه خدمات پزشکی به مردم عادی کشور در سراسر مملکت، انجام می‌دادند که باید در جای جای نوشته‌های مربوط به جنگ احمیلی از آنها قدردانی و تجلیل به عمل آید. متأسفانه بیمارستان صحرایی یک یا دو بار مورد حمله شیمیایی رژیم جنایتکار عراق قرار گرفت که موجب تلفات و خسارات زیادی شد. باید اضافه کنم که اعزام تیم‌ها و کادرهای پزشکی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تنها منحصر به بیمارستان‌های متحرک صحرایی نبود، بلکه در سایر مناطق جبهه‌ها یعنی در مناطق مختلف شمالغرب، غرب و جنوب هم از آنها استفاده می‌کردیم و این پشتیبانی‌ها و حمایت‌ها تا پایان جنگ نیز ادامه داشت.

در ارتباط با آموزش پزشکی و یا بیشتر در مورد وظایف تخلیه‌ی مجروحین پائین‌تر از پشتیبانی مناطق، یعنی از رده لشکر به پائین تا خط مقدم جبهه، وظایف و روال کار بدین گونه است:

هر لشکر پیاده یا زرهی دارای یک گردان بهداشتی با ۴۸ دستگاه آمبولانس است که از ۳ گروهان جلویی و یک گروهان مبناء تشکیل شده است. در هنگام جنگ هر گروهان جلویی به منطقه‌ی عقب یک تیپ عملیاتی اعزام می‌شود و با تجهیزاتی که در اختیار دارد یک ایستگاه درمان، جمع‌آوری و تخلیه تشکیل می‌دهد. امکانات درمانی، جمع‌آوری و تخلیه‌ی این گروهان‌ها عبارت است از: پزشکان جراح، تکنسین‌ها، چادرهای بزرگ مصرف عمومی برای دایر کردن اطاق‌های جراحی فوری و مکان استراحت بیماران، درمانگاه‌ها، داروخانه‌ها و سایر نیازمندی‌ها، دست‌ابزارهای جراحی و پزشکی، ۱۲ دستگاه آمبولانس ۳/۴ تن و غیره. در خصوص مجروحینی که به ایستگاه‌های درمان، تخلیه و جمع‌آوری آورده می‌شوند، ضمن انجام جراحی‌ها و مداوای فوری و یا سرپایی قادرند که از ۴۸ تا ۷۲ ساعت آن‌ها را بستری و نگهداری کنند. این مجروحان پس از این مدت در صورت بهبودی و بازیابی سلامتی، یا باید به یگان‌های خود بازگردند و یا به بیمارستان‌های صحرایی و یا ثابت

پشتیبانی مناطق اعزام شوند. در گردان‌های پیاده و زرهی (گردان‌های تانک و سوار زرهی)، یک دسته بهداری وجود دارد.^۱

بیمارستان‌های منطقه‌ای

سرتیپ ۲ بایندریان: هیچ یک از بیمارستان‌های اصلی یعنی بیمارستان‌های شش گانه‌ی ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶ و خانواده از هیچ نظر تابع فرماندهی لجستیکی نبودند. فرماندهی لجستیکی، هیچ یک از مدیریت‌های اجرائی، بهداری یا آماد اقلام بهداری و یا تهیه و توزیع آنها و حتی اداره‌ی بیمارستان‌ها را بر عهده نداشت. ولی به گونه‌ای دیگر مناطق پشتیبانی که آنها خود در زیرمجموعه‌ی فرماندهی لجستیکی قرار داشتند، متولی این امر بودند و بیمارستان‌های منطقه‌ای، بیمارستان‌های رده‌ی دوم پشتیبانی مناطق قلمداد می‌شدند. در جنگ و به خصوص در هنگام عملیات، همه‌ی بیمارستان‌های ارتش و همه‌ی جراحان، پزشکان، نیروهای درمانی، اتاق‌های عمل و غیره همه تلاش می‌کردند، ولی در مقیاس عملیات، همه‌ی این عوامل بطور کامل قادر به پاسخگویی نیازهای درمانی مجروحان نبودند. در حالت برنامه‌ریزی شده، ارگان‌ها و سازمان‌ها، جهاد تهران و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در خصوص خدمات بهداشتی و درمانی در تمام مدت جنگ حضور داشتند.

اقلام شیمیایی و بیمارستان‌ها

به خاطر می‌آورم که در اوایل کارم در اداره‌ی اردننس برای اولین بار با آمپول آتروپین و اقلام شیمیایی آشنا شدم. بعد از آن ماسک‌ها و حفاظ‌های فیزیکی در برابر عوامل شیمیایی توسط فرماندهی لجستیکی تهیه و جزو تجهیزات انفرادی افراد به آنان تحویل داده شد. یک‌بار بعد از این که تازه از تدارکات عملیاتی در سومار فارغ شده بودم، به خاطر آشنایی که با کارکنان این بیمارستان داشتم و عراق هم به تازگی از سلاح شیمیایی در منطقه استفاده کرده بود، نزد آنها رفتم و نحوه‌ی ماسک گذاری را به آنان آموزش دادم. در مراحل بعدی حملات شیمیایی، رژیم

۱- سرتیپ ۲ نورائی منوچهر، مقاله‌ی نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس، ص ۱۱۱-۱۱۷.

بعث عراق، بیمارستان را نیز هدف قرار داده بود. ما نیز با این وضعیّت تجهیزات و ماسک به اندازه‌ی کافی تهیّه نمودیم.

از نظر ارائه‌ی خدمات برای مجروحین شیمیایی، مشکلات و کمبودهایی داشتیم. جالب است، مجروحین شیمیایی را به بیمارستانی در شهر کلن آلمان اعزام می‌کردند! یعنی یکی از اصلی‌ترین کشورهای که تکنولوژی تولید سلاح شیمیایی را در اختیار رژیم عراق قرار داده بود. از آن طرف مجروحین ما را برای مداوا می‌پذیرفتند. دلیل این نوع دوستی ناگفته پیداست که نیّتی جز این نداشتند تا اثرات سلاح‌های شیمیایی خود را بر روی انسان‌های بیگناهی که نقش موش آزمایشگاهی بدون هزینه را برای آنها ایفا می‌کردند، بررسی کنند.^۱

۱- فلاح دوست شعاع الدّین، بازوی نبرد، مصاحبه هیأت معارف جنگ با سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۱۹۴-۱۹۷.

هوانیروز

سرتیپ ۲ نورائی به نقل از سرتیپ ۲ مهران: در سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴، یک باند خاکی در قلعه مرغی تهران احداث شد و در زمان رضاخان در آن جا یک نیروی هوایی با هواپیماهای مختلف اروپایی به وجود آمد و اولین خلبان ایرانی که خدا رحمت کند، افسری به نام نجوان بوده و یک هواپیمایی به نام بوم کراس یا یونکرس که از آلمان خریداری شده بود را در فرودگاه قلعه مرغی نشانده بود.

آن آشیانه در قلعه مرغی باید برای یک تعمیرگاه آماده می‌شد و صندوق‌هایی هم حامل شش فروند هواپیمای سسنا بوده که قبلاً به عنوان کمک نظامی به ایران داده بودند و حالا برای جابجایی از فرودگاه نیروی هوایی جداسازی شده و دوباره باید در قلعه مرغی سرهم (آسمبل) می‌شدند. بله هوانیروز با این عظمت کنونی و آن کارها و فعالیت‌های دوران جنگ تحمیلی، این گونه و با تلاش و همت و سازگاری تعدادی از پرسنل زحمت‌کش از سال ۱۳۴۲، پایه‌ریزی شده است و اکنون دارای این تعداد مراکز فنی و پایگاه‌های متعدد در ایران است.

نیروی زمینی کم‌کم به فکر تقویت این سازمان نوپا می‌افتد و سرتیپ عباس قندهاری از نیروی هوایی انتخاب و به عنوان فرماندهی هوانیروز معرفی می‌شود و از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶ به عنوان فرمانده مشغول خدمت می‌شود. در اواخر سال ۱۳۴۲، هوانیروز که دارای هواپیمای سسنا و بالگردهایی بوده، طی یک ضرب‌العجل ۴۸ ساعته از تهران به اصفهان تغییر مکان داده و در فرودگاه اصفهان (فرودگاه قدیم اصفهان) مستقر می‌شود. با استقرار هوانیروز در این فرودگاه قدیم اصفهان، ۱۲ فروند هواپیمای سسنای دیگر و ۱۷ بالگرد H. L3 وارد ایران می‌شوند و این‌ها تبدیل به یک گردان شامل یک گروهان هواپیمای بال ثابت، یک گروهان هواپیمای بالگرد و یک گروهان پشتیبانی هوایی می‌شوند. هوانیروزی که در سال ۱۳۴۲ بدین‌گونه پایه‌گذاری شد تا سال ۱۳۵۲ خورشیدی، با اختصاص اعتبارات و خرید بالگردهای پیشرفته تبدیل به بزرگترین ناوگان هلی‌کوپتری خاورمیانه و سومین واحد هلی‌کوپتری دنیا می‌شود.

پس از انعقاد قرارداد خرید بالگردها هم زمان دوره‌های آموزشی خلبانی و فنی هم از کشورهای آمریکا و هم‌پیمانان آن مانند ایتالیا و اسپانیا خریداری و افسران و درجه‌داران

بسیاری از ایران برای طی دوره‌های مختلف به آن کشورها اعزام شدند. از دیگر اقداماتی که باز هم هم‌زمان با آن فعالیت‌ها انجام شد، ساخت پایگاه‌های هوانیروز در سراسر ایران (از جمله در کرمانشاه، مسجد سلیمان، کرمان و مناطق دیگر بود. همچنین ساخت و تأسیس یک مرکز پشتیبانی فنی رده‌ی چهار و پنج در تهران به نام شرکت "پنها" در تابعیت وزارت دفاع برای نگهداری و تعمیرات آخرین رده ناوگان هلی‌کوپتری نیروی زمینی، نیروی هوایی و نیروی دریایی و سایر ارگان‌های دارای بالگرد مانند هلال احمر، صدا و سیما و سایر سازمان‌ها نیز از جمله‌ی اقدامات مرتبط بعدی بود که صورت گرفت. این مرکز پشتیبانی فنی همتای کارخانه تانک‌سازی مسجد سلیمان دارای تجهیزات، ماشین‌آلات، سالن‌های تعمیراتی و افراد تحصیل کرده و فنی بود که علاوه بر تحصیلات دانشگاهی، بسیاری از آنان دوره‌های تخصصی و فنی مربوط به وسایل پرنده را در کشورهای آمریکا، کانادا، ایتالیا و... طی کرده بودند. یک گروه پشتیبانی عمومی نیز در اصفهان مستقر شده بود که این گروه ضمن مسئولیت پشتیبانی عمومی از گروه‌ها و پایگاه‌های رزمی، مسئولیت پشتیبانی از نیروهای مستقر در شمال و سایر نقاط را بر حسب وضعیت و دستور بر عهده داشت.

اگر بنا باشد که فعالیت‌های لجستیکی را در هوانیروز دسته‌بندی کنیم، این گونه می‌شود:

- ۱- فعالیت‌های لجستیکی مقدّم یا رده‌ی جلو در گردان‌های پروازی (گردان‌های تک و گردان‌های هجومی)، سازماندهی شده یعنی همان ۱۰ تا ۱۲ کارگاه تخصصی.
- ۲- فعالیت‌های لجستیکی و تعمیرات میانی شامل سه گروه پشتیبانی سازماندهی شده که با شرکت پنها و آمادگاه‌های نیروی زمینی ارتباط دارد.
- ۳- شرکت پنها که مسئولیت نوسازی بالگردهای ایران را بر عهده دارد و کل نیازهای هوایی را هم تأمین می‌کند، به جز فعالیت‌های آماد عمومی که در مسیرهای تدارکاتی متداول در نیروی زمینی انجام می‌شود. پیش از انقلاب وظیفه پنها همان نوسازی بالگردهای ایران بوده و "عبارت ساخت قطعات و یا ساخت هلی‌کوپتر" پس از انقلاب و پس از قطع روابط خارجی به آن اضافه شده است.

وضعیت هر کشوری از سه حالت خارج نیست که عبارتند از:

- ۱- یا باید سازنده و تولید کننده وسیله و قطعات بوده و بی‌نیاز باشد.

۲- یا باید به قدرت‌های خارجی وابسته باشد و برای دفاع از کشور و منافع خود در انتظار بیگانه باشد.

۳- یا دارای نیروهای دفاعی ضعیف و آسیب‌پذیر باشد. البته شاید بتوان که حالت چهارمی هم به این وضعیت اضافه کرد و آن اتخاذ سیستم خود اتکایی است که با همت و تدبیر درست و استفاده از نیروهای انسانی تحصیل کرده و امکانات صنعتی و فنی داخلی به تولید بعضی اقلام دفاعی و تعمیر و نگهداری تجهیزات موجود پرداخته و با حمایت از نیروهای دفاعی آماده مقابله با هر نوع تجاوز بیگانگان بود.

در زمان جنگ هشت ساله ایران و عراق و همچنین بیست و دو ماه مأموریت ارتش برای آرام‌سازی و تأمین امنیت در استان‌های مرزی کشور رخدادها و خاطرات زیادی وجود دارد. از جمله نجات یک فروند بالگرد کبرا از زیر آتش توپخانه دشمن که در اینجا به آن اشاره‌ای کوتاه می‌نمائیم:

به هنگام اجرای عملیات الله اکبر در منطقه سوسنگرد، بعد از بررسیهای زیاد، امکان انتقال آن از طریق زمینی مقدور نشد و یک بار نیز روش تخلیه از راه هوا SLING را با بالگرد شنوک امتحان کردیم که از آن طریق هم توفیقی حاصل نشد. لذا تصمیم به تعویض موتورها در زیر تیر توپخانه دشمن گرفتیم و با ارسال دو موتور و اعزام تیم تعمیراتی با ۱۴ روز کار در گرما و محدودیت‌های دیگر هلی‌کوپتر را آماده ساختیم و خلبان ماهر نیز بعد از استارت زدن بدون آزمایشات مرسوم بلافاصله بالگرد را به پرواز درآورد و صحیح و سالم به پادگان حمید منتقل نمود.

از دیگر خدمات هوانیروز در زمان جنگ که بی‌شمار است می‌توان به آمادرسانی و نجات پرسنل پایگاه‌ها و پاسگاه‌های نزاجا که زیر برف دفن شده بودند با رساندن آب و سوخت و غذا در کوه‌ها و سرما و برف شدید آذربایجان و کردستان، نجات خانواده‌ها از پادگان مریوان اشاره نمود که این عملیات در حقیقت نجات عزت و شرف خانواده‌ها و غیر نظامیان وابسته به پرسنل پادگان مریوان با یک فروند هلی‌کوپتر شنوک بود که حدود ۹۰ نفر را شبانه از مریوان به کرمانشاه منتقل می‌کنند و همینطور خدمات بسیار دیگر که امکان اشاره به آنها در این موقعیت نیست.

همکاری نیروهای فنی و علمی نیروهای سه‌گانه ارتش در پروژه‌ای به نام امید

موشک هوا به سطح ماوریک ۵ (A. G. M-۶۵) چیست؟

سرتیپ دوم فنی هوایی دکتر نصرالله زینلی: موشک ماوریک یک موشک راهبردی هوا به سطح با هدایت تلویزیونی می‌باشد که سر جنگی آن با دو نوع فیوز مجاورتی و تأخیری مجهز شده است. نوع تأخیری آن دارای سر جنگی سنگین وزن می‌باشد و با انرژی جنبشی خود پیش از آن که منفجر شود در هدف نفوذ می‌کند و به همین دلیل برای انهدام هدف‌های بزرگ‌تر و سخت‌تر استفاده می‌شود.

تجهیز بالگردها به موشک هوا به سطح ماوریک و سامانه گیرنده رادار هشداردهنده (پروژه امید ۱)

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در کنار مأموریت‌های ذاتی خود گام‌های ارزشمندی هم در جهت توانمندسازی و افزایش توان رزمی سایر نیروها به ویژه بخش هوایی برداشت. مجموعه‌ی پروژه‌های امید ۱، ۲ و ۳ از جمله‌ی همین گام‌های ارزشمند است. اجراء این پروژه‌ها یکی از طرح‌های راهبردی و موفق بود که مطالعه و امکان‌سنجی آن از آبان‌ماه سال ۱۳۵۹ توسط کارشناسان و متخصصین نهاجا، شرکت پشتیبانی هلی‌کوپترهای ایران (پنها)، هوانیروز و نمایندگانی از وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (وزارت دفاع ملی آن زمان) و ستاد مشترک ارتش آغاز شد و در نخستین سال جنگ پایه‌ریزی و به اجراء درآمد. با اجراء این پروژه‌ها بالگردهایی که به این سامانه تجهیز شده بودند با حضور بارزشان در جبهه‌ها و مناطق کوهستانی دفاع مقدس، کارایی بسیار خوب و موفق را در مقابله با نیروهای دشمن و انهدام نیروهای زرهی و مکانیزه ارتش عراق نشان دادند.

در پی موفقیت‌آمیز بودن پروژه امید ۱ درخواست تجهیز بالگردهای سکورسکی (SH-۳D) نیروی دریایی که مأموریت اصلی آنها گشت دریایی و حفاظت و پشتیبانی رزمی از کاروان‌های تجاری، نفت‌کش‌ها و عملیات ویژه در دریا می‌باشد به سامانه موشکی ماوریک و با انگیزه افزایش توان رزمی آنها در دستور کار قرار گرفت. در بهمن‌ماه ۱۳۶۰، نتیجه کار رضایت‌بخش

همکاری نیروهای فنی و علمی نیروهای سه‌گانه ارتش در پروژه‌های به نام امید / ۹۷

اعلام شد و بالگرد تجهیز شده به نیروی دریایی تحویل گردید. ضمناً این پروژه به نام امید ۳ نام‌گذاری شده است.

تجهیز بالگردها به سامانه گیرنده راداری هشدار دهنده (R-W-R)

به کارگیری سامانه راداری هشداردهنده در بالگردهای رزمی کبرا از پروژه‌های راهبردی و موفق بود که به منظور کاهش خطرهای عملیات موشکی و پدافند هوایی دشمن به درخواست ستاد فرماندهی نیروی زمینی و موافقت وزارت دفاع، برنامه‌ریزی و اجراء گردید و پروژه امید ۲ نامیده شد.^۱

۱ سرتیپ ۲ نرائی منوچهر، مقاله‌ی نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس، ص ۱۲۱-۱۲۸ و ۱۸۷-۱۹۰.

ترابری و ستون‌کشی در نیروی زمینی ارتش

سرتیپ ۲ نورائی: تجارب بشری در جنگ‌های اول و دوم جهانی و تجارب مردم ما از هشت سال دفاع مقدس، به خوبی نقش بسیار حساس و مهم "تحرك و ترابری نظامی" را در پیروزی رزمندگان در تمام جبهه‌ها نشان داد. اصل غافل‌گیری که یکی از اصول مهم جنگ‌های نوین محسوب می‌شود، همراه با داشتن تحرك و جابجایی سریع نیروها تحقق پیدا می‌کند. کارشناسان نظامی معتقد هستند که ۷۰٪ توان و قدرت ارتش‌های پیشرفته در دنیای امروز مربوط به تحرك و جابجایی سریع یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی است.

تحرك نظامی معمولاً در بخش تحرك استراتژیکی و تحرك تاکتیکی مورد توجه و مطالعه قرار می‌گیرد. تحرك استراتژیکی مربوط می‌شود به امکانات ترابری در سطح ملی که ترکیبی است از: شبکه‌های جاده‌ای کشور، شبکه‌های راه‌آهن کشور، ناوگان ترابری هوایی ملی و ناوگان ترابری دریایی ملی.

مدیران اول انقلاب در آجا با استفاده از دانش‌های نظامی و تعهد خود به مردم و انقلاب و عشق و علاقه به حفظ یکپارچگی و دفاع از میهن توانستند بر مشکلات چیره شده و برای فعالیت‌های نظامی خود طرح‌ها و دستورالعمل‌های مناسبی تهیه و اجراء کنند. اداره و فعالیت‌های ترابری هم که یکی از فعالیت‌های مهم لجستیک است از همین راه و روش‌ها پیروی کرده و اجراء شده است. فعالیت‌های ترابری در ناحیه رزم و تاکتیکی را سازمان‌های ترابری گردان‌ها و تیپ‌ها و لشکرها انجام می‌دهند. امور ترابری در ناحیه‌ی مواصلات بر عهده -ی سازمان‌های ترابری فرماندهی‌های پشتیبانی مناطق محول شده و در سطح استراتژیکی فعالیت‌های ترابری بر عهده‌ی فرماندهی ترابری نیروی زمینی است که گستره‌ی این فعالیت‌ها سراسر مساحت کشور را در بر می‌گیرد که کاری است فوق‌العاده دشوار و به‌طور شبانه‌روزی و بدون وقفه در زمان صلح و جنگ انجام شده و همچنان ادامه دارد.

در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ که مرزهای غربی و جنوب غربی کشور عزیز ما مورد تهاجم نیروهای ارتش بعث عراق قرار گرفت فرماندهی ترابری نیروی زمینی هم مانند سایر یگان‌های این نیرو از نظر سازمان، تجهیزات، سیستم اداری و قطعات یدکی، مسائل فنی، انضباطی، پراکندگی خودروها و پرسنل با مشکلات زیادی روبرو بود و فرماندهان و مسئولین آن بدون وقفه در پی

چاره‌جویی بودند تا از بار مشکلات و کاستی‌ها کم کنند، اما با همین وضعیّت درگیر حمل و نقل و جابجایی لشکرها و یگان‌های عمده‌ی نیروی زمینی شدند. در چنین شرایطی تنها عشق به دفاع در برابر تهاجم دشمنان میهن بود که پرسنل این فرماندهی را به تلاش شبانه‌روزی بیشتری وادار می‌کرد تا استراحت را بر خود حرام بدانند و لحظه‌ای درنگ نکنند تا به سهم خود در این دفاع و نبرد تاریخ ساز مردم قهرمان ایران زمین سهیم باشند. پیش از انجام جابجایی‌های اولیه و سر و سامان گرفتن خطوط پدافندی یگان‌های نیروی زمینی در برابر دشمن مهاجم به دلیل افزایش حجم محمولات و ترابری مداوم نیروها، تشکیل قرارگاه‌های ترابری در مناطق جنوب، غرب و شمال غرب و تقویت نمایندگی‌های قبلی ضرورت پیدا کرد.

سازمان ترابری نزاجا از بخش‌ها و یگان‌های زیر تشکیل شده بود:

۱- ستاد فرماندهی ترابری نیروی زمینی، که متشکل است از ارکان چهارگانه پرسنلی، اطلاعاتی، عملیاتی و لجستیکی و واحد کنترل حرکات و واحد امور مالی و...

۲- یک گردان ترابری سبک شامل یک گروهان خودروی سواری، یک گروهان خودروی یک چهارم تن و سه چهارم تن و یک گروهان خودروی ۲/۵ تن.

۳- سه گردان ترابری متوسط شامل گردان ۶۰۶، ۶۰۷ و ۶۰۸ ترابری کشنده‌های مرسدس بنز بیست تن به همراه تریلی‌های مختلف: کفی، کمر شکن، یخچال‌دار، تانکر سوخت، تانکر آب، اتاقدار چادری و...

۴- دو گردان سنگین ترابری تانک‌بر شامل (مازهای تانک‌بر روسی، خودروهای کشنده‌ی ماک آمریکایی و خودروهای مرسدس بنز تیتان آلمانی ویژه‌ی کمر شکن و حمل تانک.

۵- یک گردان پاسور که وظیفه این گردان همراهی و محافظت مسلحانه از ستون‌های خودرو و قطارهای راه‌آهن نظامی حامل نفر، سوخت، مهمات و سایر محموله‌ها می‌باشد.

۶- یک گردان پشتیبانی لجستیکی که امور پشتیبانی خدمات رزمی فرماندهی ترابری را بر عهده دارد.

۷- ترمینال‌های نظامی جلفا، خرمشهر، بندر شاهپور سابق (بندر امام کنونی)، بندرعباس و اندیمشک که وظیفه و مأموریت این ترمینال‌ها عبارتست از تخلیه بارگیری کشتی‌هایی که محموله‌های نظامی را به مقصد ایران حمل می‌کنند.

پس از پیروزی انقلاب همچنان فعالیت‌های فرماندهی ترابری با شدت و حجم بیشتری ادامه داشت زیرا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب سراسر استان‌های شمال غرب، غرب و جنوب غربی کشور و تعداد دیگری از استان‌های شمالی و شرقی و جنوب شرقی ایران هم دستخوش ناامنی و درگیری با عناصر ضد انقلاب شد و یگان‌های نیروی زمینی به مرزها اعزام شدند، بنابراین فعالیت‌های ترابری چند برابر شد و این امر تداوم داشت تا این که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تهاجم سراسری نیروهای ارتش عراق به مرزهای شمال غرب، غرب و جنوب غربی آغاز شد. بنابراین همان نیروهایی که در مرزها و استان‌های مرزی حضور داشتند آرایش دفاعی به خود گرفتند و از همان لحظات اولیه تجاوز دشمن به خاک میهن، سایر یگان‌های نیروی زمینی ارتش نیز از پادگان‌های دور و نزدیک به حرکت درآمدند.

در چنین وضعیتی باید عمده‌ی قوا و یگان‌ها و امکانات نیروی زمینی ارتش بلافاصله به سمت مرزها و استان‌های غربی و جنوب غربی اعزام می‌شدند. با بروز چنین شرایطی فراهم بودن وسائل ترابری زمینی اعم از خودروها و راه آهن اهمیت فوق العاده و تعیین کننده‌ای پیدا می‌کنند. این اهمیت به ویژه برای جابجایی لشکرهای زرهی و وسایل سنگین یگان‌ها مانند توپخانه، تیپ‌های ۱، ۲ و ۳ لشکر زرهی که در پادگان‌های سرپل ذهاب، اسلام‌آباد غرب و بیستون مستقر بودند، نمود بیشتری پیدا کرده بود. این یگان‌ها بلادرنگ و به طور شبانه‌روزی با استفاده از وسایل ترابری لشکر ۸۱ و پشتیبانی منطقه و حتی حرکت تانک‌ها بر روی شنی و بدون خودرو، خود را به مناطق مرزی و عملیاتی رساندند و در مواضع اضطراری در برابر نیروهای ارتش بعث عراق همانند سدّی نفوذ ناپذیر مستقر شدند.

عوامل مؤثر ترابری نظامی مناسب به ویژه در زمان جنگ

۱- شبکه راه‌های مناسب کشوری و گنجایش مسیرها: یکی از ضعف‌هایی که ما در ابتدای شروع جنگ با آن مواجه بودیم، اول عرض کم جاده‌ها بود. عبور خودروها و ستون‌های نظامی طول و پهنای زیادی از جاده‌ها را اشغال می‌نمایند و به رفت و آمد آزاد خودروهای غیر نظامی لطمه می‌زنند. دومین مسئله نبود یا کمبود جاده‌های عمود بر مرزها و یا موازی با مرزها بود و اگر هم وجود داشت خیلی کم و نامناسب بودند. در طول جنگ نهادهای به نام جهاد سازندگی

که یکی از وظایف آن احداث جاده‌های روستایی بود، در این امر احداث جاده‌های مرزی، پل‌ها و کنارگذرها کمک شایانی کردند.

۲- شبکه‌های راه‌آهن و ظرفیت پذیرش آن‌ها: برای مثال شما فرمانده یک تیپ زرهی هستید و به شما مأموریت داده‌اند که از محل استقرار کنونی (مثلاً همدان)، به اهواز بروید. نخست باید این تیپ با وسایل سنگین ترابری مانند تانک‌بر از همدان حرکت و به نزدیک‌ترین ایستگاه راه‌آهن که در حال حاضر ایستگاه راه‌آهن تاکستان است برسد و در آنجا حداقل سه تا هفت روز اسکان داده شود تا به تدریج به وسیله سریال‌های قطار راه‌آهن به سمت خوزستان حرکت کند، پس باید این ایستگاه راه‌آهن گنجایش پذیرش و اسکان چند روزه‌ی چنین جمعیت و تانک و نفربر و توپ و سایر خودروها را داشته باشد.

چنین ایستگاهی باید دارای سکوی نظامی باشد و سکوی نظامی دارای امکاناتی مانند جرثقیل‌های مخصوص به خود است. واگن‌ها هم باید واگن‌های کمرشکن ویژه سوار کردن تانک و توپ و نفربر و غیره باشد که دارای قلاب مخصوص است. در اصطلاح و عرف نظامی به این ایستگاه‌ها می‌گوییم "ایستگاه‌های تشکیلاتی و سکوی نظامی". پیش از پیروزی انقلاب در راه‌آهن دولتی چندین سکو وجود داشت که در اختیار فرماندهی ترابری نیروی زمینی بودند و گروه‌هایی به نام گروه مأمور به قطار در این سکوها نظامی خدمت می‌کردند. (امیدواریم که این سازمان همچنان برقرار باشد چون جنگ کسی را خبر نمی‌کند). علاوه بر این سکوها نظامی تعداد ۹۰ دستگاه واگن کمرشکن هم مخصوص بارهای ارتش در راه‌آهن نگهداری و به کار مشغول بودند. حالا فرض کنیم که تمام این تجهیزات و امکانات هم فراهم است و به دستور شما ادوات نظامی را بار کرده‌اند، آخرین مرحله کاری مهار کردن این ادوات بر روی واگن-هاست. برای مهار کردن تانک یا توپ یا نفربر وارداتی نظیر آنها تجهیزات مهار کننده‌ی ویژه‌ای لازم است.

در طول هشت سال جنگ ایران و عراق ۴۲۲ عملیات، آفندی (۳۴۲ عملیات) و پدافندی (۸۰ عملیات) توسط ارتش و سپاه پاسداران انجام شده است و فعالیت‌های ترابری فرماندهی ترابری نیروی زمینی هم در صحنه‌ی استراتژیکی برای اجراء همین ۴۲۲ عملیات صورت گرفته که تفکیک آنها از یکدیگر کار ساده‌ای نیست. هر دو ارگان یا به طور مستقیم و یا به طور غیر

مستقیم از نتایج این فعالیت‌ها استفاده کرده‌اند اما بیشترین فعالیت برای پشتیبانی از یگان‌های نیروی زمینی ارتش صورت گرفته. شاید حدود ۸۵ درصد آنها برای یگان‌های نیروی زمینی بوده است.

مثلاً مهماتی که به مناطق عملیاتی حمل می‌شدند، همه‌ی نیروها از آن استفاده می‌کردند. یکی از فعالیت‌های ترابری که در این جداول از آن‌ها نام برده شده حمل مهمات تولیدی از کارخانه‌های تولید مهمات صنایع دفاع به آمادگاه‌های اصلی مهماتی فرماندهی لجستیکی نیروی زمینی است.

یاد شهدا بخیر. فرماندهی ترابری نزاجا در مناطق مختلف، در بنادر، در ایستگاه‌ها و سکوهای نظامی راه‌آهن و سایر مناطق، ترمینال نظامی داشت که در اوّل جنگ در اثر بمباران ارتش صدام ترمینال خرمشهر منهدم و ۴ نفر از کارکنان پایور و وظیفه‌ی آن شهید و تعدادی نیز مجروح شدند. بخش‌های عمده‌ای از ترمینال بندر امام(ره) منهدم گردید و در اثر بمباران و گلوله باران ترمینال ایستگاه اندیمشک نیز قسمت‌های عمده‌ای منهدم گردید.

نکته مهمی که درباره خودروهای مختلف و مهم فرماندهی ترابری نیروی زمینی و مدیریت این فرماندهی باید گفته شود این است که با توجه به حجم زیاد و گسترده‌ی مأموریت‌های فرماندهی ترابری، خودروهای سازمانی آن فرماندهی چگونه نگهداری می‌شدند و تعمیرات آنها در کجا انجام می‌شد. در هیچ کدام از این کارخانه‌های نصر و فتح و مسجد سلیمان امکاناتی برای تعمیرات و نوسازی بنزهای بیست تنی ۲۶۲۶، خودروهای بنز تیتان تانک‌بر آلمانی و کشنده‌های تانک‌بر ماک آمریکایی پیش‌بینی نشده بود و به جز تعمیرات مازهای تانک‌بر روسی که در کارخانجات نصر انجام می‌شد، کمک دیگری از این بابت به فرماندهی ترابری نمی‌شد و تمام کارها توسط عوامل فنی خود فرماندهی ترابری انجام می‌شد.

پس باید برای انجام تعمیرات خودروهای سنگین اقداماتی صورت می‌پذیرفت. در این وضعیت مدیریت، فرماندهان و درجه‌داران و کارمندان فنی فرماندهی دست به کار شدند و تعمیرگاه نیمه‌کاره را تکمیل کرده و جعبه‌های ابزارآلات را باز کرده و کارگاه‌های مختلف آن تعمیرگاه را راه‌اندازی کردند و پشتوانه محکمی را برای انجام تعمیرات رده ۳ و ۴ بنزهای ۲۶۲۶ نیروی زمینی بنیاد نهادند و توانستند در طول جنگ هشت ساله آن همه موتور و گیربکس

اتوماتیک بنزهای ۲۶۲۶ را تعمیر و راه‌اندازی کنند. اعداد ریاضی شاید بهتر از هر نوشته‌ای بتوانند بزرگی و حجم زیاد کارها را بیان کند، مثلاً در مورد مهمات مصرفی کالیبر کوچک در سال اول جنگ که آمار داریم، حدود ۲۴۹ میلیون تیر مصرف شده است این گلوله در سلاح-های کوچک مصرف شده است. در اصطلاح نظامی و لجستیکی سلاح‌های کالیبر کوچک از کالیبرهای ۷/۶۲ شروع و تا سلاح‌های کالیبر ۲۰ میلی‌متری را شامل می‌شود یعنی فشنگ-های تفنگ ۷/۶۲ میلی‌متری ژ-۳. ام، فشنگ ۷/۹ میلی‌متری برنو، فشنگ ۷/۶۲ کلاشینکف و گرینوف، کلت کمری ۱۱/۴۳ و پارابلوم ۹ میلی‌متری، تیربارهای ۹ میلی‌متری یوزی، MP5، تیربارهای ۷/۶۲ نصب شده بر روی تانک‌های M47 و ۱۲/۷ که بر روی تانک-های چیفتن، M47 و M60، نفربرها، تیربارهای ۱۴/۵ میلی‌متری پدافند هوایی و نیز نصب شده بر روی نفربرهای روسی و غیره تا تیربارهای ۲۰ میلی‌متری نصب شده بر روی بالگردها. آمار مصرفی این نوع فشنگ‌ها در سال اول جنگ ۲۴۹ میلیون تیر بوده که اسناد آن در فرماندهی مهمات نیروی زمینی ارتش موجود است. حالا با محاسبه وزن جعبه‌ها و بسته‌بندی-ها برای حمل و جابجایی این تعداد فشنگ در سال اول جنگ تعداد ۴۳۰۰ دستگاه تریلی ۲۰ تن به کار گرفته شده است.

جدول ۱: خلاصه فعالیت‌های عمده فرماندهی ترابری نیروی زمینی ارتش در هشت سال جنگ

ردیف	نوع فعالیت	مقدار / تعداد	ملاحظات
۱	حمل محمولات	۱۷۰۰۰۰۰۰	جابجایی یگان‌ها در پایان جنگ اضافه شده است
۲	حمل نفر	۷۰۶۰۰۰۰۰	جابجایی یگان‌ها در پایان جنگ اضافه شده است
۳	ترخیص کالا از گمرک بندرعباس و حمل به آمادگاه‌ها	۱۰۲۱۵۷۰۰ تُن	-
۴	ترخیص و حمل خودروهای وارداتی از بندرعباس	۳۶۰۵۱۳ دستگاه	۱۴۰۱۰۷ دستگاه مربوط به سایر ارگان‌ها
۵	اعزام پاسور مسلح با ستون‌ها یخودرویی و قطار	۵۰۲۰۳۷ نفر	

۱۰۴ / آحاد و پشتیبانی نذاا در هشت سال اناا

ردیف	نوع فعالیت	مقدار / تعداد	ملاحظات
۶	تشکیل آآموزشگاه و آآموزش سرباز وظیفه	۸۰۷۸۰ نفر	کمک به مراکز آآموزشی نیروی زمینی
۷	حمل مهمات تولیدی از صنایع دفاع به آمادگاه - های اصلی مهمات و آمادگاه های فرعی مهماتی	به طور مداوم	
۸	حمل آمادهای طبقات ۱، ۲، ۴، ۸ و ۹ به آمادگاه های فرعی پیش مناطق	به طور مداوم	
۹	تشکیل قرارگاه های ثابت ترابری در مناطق عملیاتی	۳ قرارگاه ثابت	خوزستان، کرمانشاه و بندرعباس
۱۰	تشکیل قرارگاه های فرعی	۳ قرارگاه موقت	ارومیه، گیلان غرب و مریوان
۱۱	نوسازی موتورهای مختلف	۴۰۹	مربوط به بنزهای ۲۶۲۶ بیست تَن
۱۲	نوسازی گیربکس و قطعات عمده	۲۱۸	مربوط به بنزهای ۲۶۲۶ بیست تَن
۱۳	انجام تعمیرات رده ۳ و ۴ خودروهای مختلف	-	
۱۴	جمع هزینه های هشت سال اناا	۴۰۴۴۲۰۰۰۰۰۰۰	به جز حقوق و مزایا پرسنل است
۱۵	تخلیه و انجام امور گمرکی کشتی های باری	۵۰۴ فروند	محمولات نظامی
۱۶	تعداد شهدا والا مقام این فرماندهی	۴۲ نفر	
۱۷	تعداد پرسنل اسیر و مفقودالاثر	۶ نفر	
۱۸	تعداد پرسنل جانباز	۶ نفر	
۱۹	تعداد پرسنل رهایی از خدمت	۴۴۷ نفر	افسر، درجه دار و کارمند فنی
۲۰	جذب استخدام پرسنل (درجه دار - کارمند فنی)	۵۹۰ نفر	
۲۱	دریافت و سازماندهی بنز تریلی کش بیست ۲۶۲۶	۲۰۰ دستگاه	تشکیل یک گردان متوسط جدید

ردیف	نوع فعالیت	مقدار / تعداد	ملاحظات
۲۲	دریافت خودروی کشنده سنگین تیتان تانک‌بر	۵۰ دستگاه	تشکیل یک گردان سنگین جدید
۲۳	دریافت خودروی کشنده سنگین ماک تانک‌بر	۴۹ دستگاه	تشکیل یک گردان سنگین دیگر
۲۴	دریافت خودروهای سبک مثل تانکر آب، آمبولانس و غیره	۶۷ دستگاه	تشکیل یک گروهان سبک
۲۵	انطباق و بهینه‌سازی تریلی‌های ماز تانک‌بر با اتو کارهای جدید ماک	۴۹ دستگاه	-
۲۶	دریافت و سازماندهی بنز ۲۶۲۸	۲۰ دستگاه	تشکیل یک گروهان متوسط
۲۷	تشکیل و فعال کردن ترمینال نظامی بندرعباس	-	تنها بندر نظامی فعال در زمان جنگ
۲۸	تشکیل و فعال کردن سکوهای نظامی راه‌آهن کرمان	-	-
۲۹	تشکیل نمایندگی در ترمینال مسافری و راه‌آهن در تهران	۳ نمایندگی	برای جنوب، غرب و راه‌آهن
۳۰	استقرار نمایندگی در آمادگاه‌های اصلی مهمات و مهمات‌سازی‌های صنایع دفاع	۵ نمایندگی	منظریه، قم، خرم‌آباد، زنجان، پارچین و پاسداران
۳۱	تشکیل و فعال کردن ترمینال نظامی اصفهان	۱	-

جدول ۲: خسارات و ضایعات زمان جنگ ایران و عراق

۱	انهدام ترمینال نظامی خرمشهر	-	روزهای آغاز حمله عراق
۲	انهدام بخش‌های عمده ترمینال بندر امام (ره)	-	بر اثر بمباران‌های پی‌درپی نیروهای عراقی
۳	بمباران‌ها و گلوله‌باران ترمینال اندیمشک و انهدام مسجد، پاسدارخانه، آسایشگاه سربازان، مخابرات ترمینال، انتظامات و غیره		

۴	انهدام اتوکار و تریلی بنز ۲۶۲۶	۳۱ دستگاه	در منطقه عملیاتی جنوب و غرب
۵	انهدام اتوکار و تریلی تانک‌برهای ماز و ماک	۲۰ دستگاه	در منطقه عملیاتی جنوب و غرب
۶	انهدام تعدادی خودرو سبک	۷ دستگاه	در منطقه عملیاتی جنوب و غرب

یکی از فعالیت‌های ترابری حمل مهمات تولیدی از کارخانه‌های تولید مهمات صنایع دفاع به آمادگاه‌های اصلی مهماتی ف لوج نیروی زمینی است. این آمادگاه‌ها در باغین کرمان، زنجان، منظریه‌ی قم، باباعباس خرم‌آباد و دوکوهه اندیمشک قرار دارند. سه آمادگاه از این پنج آمادگاه دارای سکوی نظامی است و راه‌آهن سراسری از کنار آن‌ها عبور می‌کند، اما دو آمادگاه دیگر به نام باغین کرمان و باباعباس خرم‌آباد از راه‌آهن سراسری فاصله دارند. بنابراین مهماتی که به مقصد آمادگاه باباعباس می‌رفت و یا از باباعباس برای سایر آمادگاه‌های فرعی و جبهه‌ها ارسال می‌شد باید در ایستگاه راه‌آهن درود تخلیه و در خودروهای ۲۰ تن فرماندهی ترابری نیروی زمینی بارگیری و از مسیر جاده‌ای به آمادگاه باباعباس ارسال می‌شد.

قابل ذکر است که در هیچ کدام از کارخانه‌های مسجد سلیمان، نصر و فتح امکاناتی برای تعمیرات و نوسازی بنزهای بیست تن ۲۶۲۶، خودروهای کشنده تیتان تانک‌بر آلمانی و- کشنده‌های تانک‌بر ماک آمریکائی پیش‌بینی نشده بود و تمام کارهای تعمیراتی توسط عوامل فنی فرماندهی ترابری انجام می‌شد.^۱

سرتیپ دوم محمد کاظمی:

۱- اگر قبول کنیم که لجستیک در جنگ‌ها نقش اساسی دارد، ترابری را باید یکی از اصلی‌ترین وجوه آن بدانیم.

۲- کشور پهناور ایران را می‌توان در یک مربع به ابعاد دوهزار و پانصد در دوهزار و پانصد کیلومتر گنجانده که طبیعتاً قطر این مربع حدود سه هزار و پانصد کیلومتر می‌شود.

۱- سرتیپ ۲ نورائی منوچهر، مقاله‌ی نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس، ص ۱۴۰-۱۶۰.

۳- طولانی بودن جاده‌ها و کوهستانی بودن مسیرها مشکلات را در سیستم حمل و نقل دوچندان می‌نمایند.

۴- جنگ (دفاع مقدس هشت ساله) به ما خیلی درس‌ها در این مورد آموخت که بایستی از امروز و شاید خیلی زودتر به فکر آینده می‌شدیم. که اهم آن را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

الف) کمبود تجهیزات ترابری علی‌الخصوص تجهیزات حمل و نقل سنگین برای جابجایی و به ویژه برای حمل ادوات زرهی شنی‌دار و غیره یکی از معضلات بود که در بدو جنگ حتی یک دستگاه تانک‌بر مناسب نداشتیم و تانک‌برهای موجود یعنی مازهای ۵۳۷ نه کارایی لازم را داشتند و نه قادر به پیمایش مسیرهای طولانی بودند. این مشکل تا حدی در شروع جنگ با استفاده از وسایل ترابری بخش خصوصی مرتفع شد و پس از گذشت یک سال با خرید پنجاه دستگاه کشنده‌های تانک‌بر آلمانی و خرید چهل دستگاه ماک آمریکائی و هماهنگ نمودن و استفاده از تریلی‌های ماز تا حدی حل شد. ولی با طولانی شدن جنگ و فرسودگی این تعداد تانک‌بر، مشکلات افزون‌تر می‌شدند و این تعداد تانک‌بر حتی برای جابجائی یک تیپ زرهی (تانک و توپ‌های اس پی و...) در یک مرحله مناسب نبودند.

ب) در مورد خودروهای متوسط (۲۴تن) مشکل چندان حاد نبود، ولی کار راه‌انداز بودند.

پ) نقش راه‌آهن در طول هشت سال دفاع مقدس بسیار پررنگ بود و همواره راه‌آهن یک فرد متخصص را به عنوان رابط بین ارتش و خود قرار داده بود، که او نیز واقعاً در این کار متخصص بود و باعث می‌شد مشکلات به حداقل برسند.

ج) یکی از مشکلات عدم توجیه فرماندهان یگان‌های رزمی نسبت به امکانات لجستیکی به خصوص حمل و نقل بود که گاهی یک خودرو را که برای یک روز در اختیار گرفته بودند تا چهل روز در یگان خود معطل می‌کردند بدون آگاهی از محدودیت‌های موجود. لذا آموزش فرماندهان یگان‌های رزمی و آگاهی آنها به امکانات حمل و نقل و کلاً لجستیک به طور مرتب و سالیانه از واجبات است. کما این که پیش از انقلاب همواره با

ورود وسایل و اءات اءاا به نیروی زمینی، فرمانءهان در مرایش ءوره‌های ءوآیهی مربوطه را می‌اااراءنءء.

۵- قوانین راهنمایی و رانءاگی و وزارت راه و شهرسازی :

الف) ءوروی ءرافیکی: بار ءرافیکی با اسءانءارء بین الملی ءوروها و عرض آن ۲/۴۸ می باشد. اگر عرض ءریلی بیش از این شود به آن ءوروی ءرافیکی گفته می‌شوء و یا مءمולה از ءریلی بیرون بیاید همین اءال را ءارء و شامل مقررء زیر اسء. این ءوروی با مءمולה‌ها از اروب ءورشیا ءا ءلوع آءءاب ءق ءرء در هیچ اءاءه‌ای را نءارنء.

در ءلور روز این ءوروی با ااازه پلیس راه در اءاءه‌ها و با اسءورء در الو وعقب آن با چراغ اراءون باید ءرء انانء.

ب) قانون وزارت راه و شهرسازی: ءورویهای سنگینی که در اءاءه‌ها ءرء می‌انانء، باید مءءار وزن آنها (وزن كل ءوروی و مءمולה) برای هر مءور ۸/۲۵۰ ءن باشد، بءین معنی که یک كمرشكن اامل ءانك اگر اءوكار ۳۰ ءن وزن ءاشءه باشد و وزن ءانك، ۵۰ ءن باشد ءءماً باید ۱۰ مءور ءاشءه باشد (۳ مءور اءوكار و ۷ مءور ءریلی).

پیشنهءاءء

۱- پیش بینی ءریلی‌های مناسب برای امل ءانك‌ها و اءات شنی ءار (باءوآه به این كه شركءی در ایران در اءال اءاا راءر به ساخت آن می‌باشد و شركء‌های ءیگر هم اءءمالاً می‌ءواننء اءءام انانء).

۲- سیسءم امل و نقل به صورا ءمركزی و در یک شهر نزااا به میانه‌ی اباهه‌ی اناا قرار اراءر و با هماهنگی یک قرارااه ءرابری یا لآسءیكی، در ءصوص كلیه‌ی مأموریت‌ها و اعزام ءوروی‌ها اءءام اراءرء.

۳- فرمانءهان یگان‌های رزمی به امكاناء لآسءیكی مءصوصاً ءرابری آشنائی پیدا انانء.

۴- پیگیری در اءافه اراءن امكاناء امل ءانك و ءهزیزاء شنی ءار در راه‌آهن با ءوآه به نقش اساسی كه راه‌آهن در ءوران ءفاع مءءس ایفاء نموء و همین پیگیری ایاءا سكوهای نظامی ءارای امكاناء لازم و اسءانءارء در ایسءااه‌های نزااا به یگان‌های زرهی كه آاا البءه

در زمان صلح برای انجام مانورها، نیاز به آن دارد و از نظر اقتصادی برای راه‌آهن جهت حمل محموله‌های سنگین و حجیم لازم می‌باشند.^۱

جابه‌جایی

سرتیپ ۲ بایندریان: اواخر سال ۶۲، قرار بر این بود که تعدادی از واحدهای مستقر در شمالغرب را برای آمادگی جهت عملیاتی که بنا بود در آینده‌ای نزدیک در جنوب به اجرا درآید، به منطقه‌ی جنوب منتقل کنیم. پشتیبانی منطقه‌ی یک در این جا به جایی نقش ویژه‌ای داشت و این حمل و نقل سنگین، چنانچه تنها با تکیه بر خودروهای یگان‌ها صورت می‌گرفت شاید به کندی و در مدت زمانی طولانی به انجام می‌رسید. ولی با کمک و حمایت پشتیبانی منطقه‌ی یک در زمانی مناسب و با حداقل صدمات و خسارات که در نقل و انتقالاتی چنین سنگین ناگزیر است، انجام گردید. در این مأموریت فرماندهی ترابری و اعتبارات نیز حضور داشتند. اسفندماه سال ۱۳۶۲ فرماندهی پشتیبانی منطقه‌ی یک را بر عهده گرفتم. در طول ۴ سالی هم که این مسئولیت را بر عهده داشتم تمام تلاشم را کردم که از اصولی که در کار به آن معتقد بودم عدول نکنم و در مجموع از این ۴ سال خدمتم در غرب نیز بسیار راضی هستم.^۲

۱- یادداشت‌های سرتیپ دوم محمد کاظمی فرمانده سابق تعمیر و نگهداری نزاجا.

۲- فلاح دوست شعاع‌الدین، بازوی نبرد، مصاحبه هیأت معارف جنگ با سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۱۰۸-۱۰۹.

وضعیت یگان‌ها در ابتدای جنگ و حضور میدانی مسئولین لجستیک در یگان‌ها

سرتیپ ۲ نورائی: همان گونه که مختصری از وضعیت نزاجا در ابتدای جنگ اشاره شد، در واقع از نظر نیروی کلاسیک رزمی، حدود نصف نیروهای یگان‌های نزاجا بصورت یگان‌های پراکنده برای مبارزه با ضد انقلاب درگیر شده بودند و به دلیل این که در حدود یک سال قبل از پیروزی انقلاب را درگیر در وضعیت فرماندار نظامی شده بودند و حدود دو سال بعد از پیروزی انقلاب نیز به علت اشتغال به درگیری با ضد انقلاب برای دفاع از میهن و انقلاب از آموزش و تعمیر و نگهداری روزانه و هفتگی و ماهیانه منفک گردیده بودند و از سوئی فرماندهان نیز تغییر و از نظر نیروی انسانی با کسری سازمان و مشکلات لجستیکی عدیده دیگر مواجه بودند، در همین زمان ارتش بعث عراق هم در شرایط ثبات امنیت داخلی اش و با پیش‌بینی‌های قبلی همه امکانات لجستیکی را برای تجهیز بیش از ۱۲ لشکر مجهز پیاده و زرهی و مکانیزه و تعدادی تیپ‌های مستقل مهیا نموده بود که به یگان‌های پراکنده و نامجهز ما حمله کرد و همچنان با برتری در صحنه‌های زمینی در حال پیشروی به درون خاک ایران بود. پس از تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب و قرارگاه عملیاتی جنوب در پادگان دزفول و به تدریج انتقال و حضور لشکر ۲۱ پیاده از تهران و لشکر ۹۲ زرهی در منطقه و لشکر ۱۶ زرهی از قزوین در صحنه‌ی جنگ در جنوب و انجام عملیات‌های آفندی و پدافندی و به ویژه آفند در مقابل نیروهای ارتش عراق شروع و آنها را زمین‌گیر نمودند.

در همین شرایط خدمات فرماندهی لجستیک توسط پشتیبانی‌های منطقه ۳ و ۲ در جنوب و پشتیبانی منطقه‌ی ۱ در غرب و فعال شدن پشتیبانی لشکرها و تیپ‌ها به تدریج وضعیت لجستیکی و به خصوص تعمیر و نگهداری نیز علیرغم وجود تحریم‌های اکثر کشورهای سازنده تجهیزات، تا حدودی بهبود یافت و نهایتاً توانستند دشمن را از میهن اسلامی بیرون برانند. به نظر اساتید لجستیک، برای رسیدن و پی بردن به واقعیات مشکلات و وضعیت یگان‌ها رزمی در زمان جنگ و یا صلح، حضور مسئولین ستادی لجستیک و حتی مسئولین لجستیکی دیگر علی‌الخصوص فرماندهان تعمیر و نگهداری حتی در سطوح فرماندهان گروهان‌های تعمیر و نگهداری تا رده‌ی فرماندهی لجستیک در یگان‌های رزمی و خطوط آفندی و پدافندی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین اعزام اکیپ‌های تعمیراتی برای انجام

تعمیرات قابل انجام در یگان‌های رزمی، جهت جلوگیری از تخلیه‌های بی‌مورد تجهیزات عمده نظیر خودرو، تانک و توپ به عقب نیز الزامی می‌باشد.^۱

نویسنده: از دیدگاه اساتید دافوس و سایر افسران ستادها که در اوایل جنگ از انجام اقدامات لجستیکی بازدید به عمل آوردند و در این خصوص نظریه‌های مناسبی را ارائه داده بودند، حضور افسران ستاد (مانند امیر نورائی) از قرارگاه غرب در یگان‌ها و بررسی وضعیت یگان‌ها و یا بازدید فرماندهی لجستیکی نزاچا از یگان‌های جنوب حتی از گروهان دوم جلویی گردان نگهداری لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهدا(ع) در آگاهی آنان از وضعیت تعمیرات و نحوه کار تجهیزات و محدودیت‌ها و معایب ادوات بسیار مفید بود. ضمناً این حقیر در آن مقاطع زمانی فرمانده آن گروهان اشاره شده بودم که از روز ۲۳ مهر ماه سال ۱۳۵۹ تا روز اول عملیات فتح‌المبین مسئول پشتیبانی تعمیراتی از توپخانه لشکر ۲۱ حمزه(ع) با ۹ یگان (۸ گردان و یک ارکان توپخانه)، گروه رزمی افشین (که بعداً تیپ ۴ شد) و یگان‌ها و گردان‌های مأمور به لشکر مثلاً یک گردان از تیپ هواپرد شیراز بودم و با همان امکانات به هر وسیله‌ای از هر یگانی از نزاچا که در راه مانده بود، کمک می‌کردیم. از ابتدای عملیات فتح‌المبین مأموریت ما پشتیبانی از تیپ سوم لشکر ۲۱ حمزه(ع) گردید. در سال‌های بعد فرماندهی محترم لشکر مرحوم امیر بهروز سلیمان‌جاء به من فرمودند: «حدود ۱۷ یگان (گردان و ارکان و قرارگاه تیپ) را با یک گروهان جلویی (از نظر تعمیرات مخابرات، خودرویی و سلاح سبک و سنگین) پشتیبانی تعمیراتی می‌کردید».

همچنین با تعمیر و بازسازی قطعاتی مانند دینام، استارت و باطری و سایر قطعات فنی دیگر، روش تعویض مستقیم را در پشتیبانی از یگان‌ها ایجاد کردیم که نماینده‌ی یگان با آوردن قطعه‌ی معیوب به همراه برگه‌ی حکم کار، یک قطعه‌ی تعمیر شده و حاضر به کار مشابه را تحویل می‌گرفت و بدون معطلی به یگان خود می‌برد تا رده‌ی ۲ یگان رزمی روی وسیله‌ی عمده نصب و حاضر به کار نماید. واقعاً بنده از کارکنان آن گروهان بسیار متشکرم.

در آبان‌ماه سال ۱۳۵۹ به منظور رفع کمبود قطعات یدکی خودروها، از خودروهایی که در قسمت شمالی باند فرودگاه اضطراری در جاده‌ی بین پل کرخه و جاده‌ی اندیمشک رها شده

۱- سرتیپ ۲ نورائی منوچهر، مقاله‌ی نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس، ص ۹۲-۹۴.

بودند و قسمت‌هائی از جلو یا عقب آنها به علت اصابت گلوله در عملیات‌های مهرماه ۱۳۵۹ سوخته بودند و یا در اثر انفجارها کاملاً منهدم شده بودند، حتی در آن وضعیّت قطعه‌برداری می‌کردیم. گاهی پیش آمده بود که حتی قطعات عمده مثل موتور و انتقال نیرو را طی یک روز از اتصالات باز و روز دیگر در عرض چند دقیقه با جرثقیل آنها را برداشته و با توجّه به این که آن منطقه دربردارنده آتش دشمن بود، سریعاً محل را ترک می‌کردیم که همین قطعات در حاضر به کار نمودن خودروهائی که نیاز به تعمیرات داشتند و به گروهان مذکور تخلیه شده بودند، کمک بزرگی گردید.

بعد از خاتمه عملیات فتح‌المبین، جهت آماده شدن برای عملیات بیت المقدس، مقرر گردید گردان نگهداری از منطقه عمومی اندیمشک و شوش به منطقه دارخوین نقل مکان نماید، قرار شد گروهان‌های جلوی ادوات و خودروهای تعمیر نشده ورده ۴ و ۵ را به نقطه جمع آوری گردان در دوکوهه تخلیه و تحویل کنند گروهان ۲ فقط ۴ دستگاه خودرو، ۱ دستگاه ورده ۵ و ۳ دستگاه تعمیر نشده تخلیه نمود.

تخلیه و اخراجات: روز ۲۵ یا ۲۶ مهر ۵۹، قبل از استقرار کامل گروهان ۲ در محل مناسب، اولین مأموریت واگذاری تخلیه یک خودرو از پشت ارتفاعات شمال غرب پل کرخه بین نیروهای خودی و دشمن مربوط به توپخانه لشکر ۲۱ بود که با جرثقیل گروهان و راننده (گروهان کرم‌علی) و یک نفر راهنما از توپخانه و خودم به محل مراجعه و بعد از جستجوی زیاد خودرو را پیدا کرده و تخلیه نمودیم.

یک تجربه در سال ۶۱ از تخلیه‌ی یک خودروی کراز توپ‌کش که در هنگام حمل مهمات توپخانه، چپ شده و به یک مسیل خشک سقوط کرده بود، با استفاده از ۲ جرثقیل و یک دستگاه ماز تانک‌بر انجام گردید به علت اینکه کل سیستم تعلیق و محورها از هم گسیخته بود ولی یک طرف هر محور در خلاف جهت هم به شاسی وصل مانده بود، سوار کردن آن روی ماز بسیار سخت بود، ولی با استفاده از آموزش‌هایی که در کمیته‌ی چرخدار مرکز اردنانس دریافت و با آموزش دادن کد ۶۳۳ به درجه‌داران در قبل از انقلاب تجربه کرده بودم، توانستیم این تخلیه را انجام و محموله را به گروهان ۲ حمل و منتقل نماییم.

همانطور که اشاره شد بعد از اجرای مرحله‌ی اول فتح المبین یعنی بعد از روز اول مأموریت گروهان از توپخانه و سایر یگان‌ها تغییر و مأمور پشتیبانی از تیپ ۳ لشکر ۲۱ گردید؛ برای شروع کار برابر دستور در منطقه‌ی عملیات دنبال فرماندهی تیپ گشته و نهایتاً خدمت ایشان (مرحوم امیر پورداراب) رسیدم؛ اولین مأموریتی که ایشان ابلاغ فرمودند، تخلیه تانک‌های عراقی‌ها شده در منطقه پیشروی نیروهای خودی بود، که خود داستان مفصلی دارد. پیشنهاد می‌شود در مورد تخلیه و اخراجات کلیه‌ی موضوعات از قبیل نحوه اجرای تخلیه‌ی اقلام اغتنامی، انهدامی و آسیب دیده‌ی خودی می‌باید به کارکنان یگان‌های رزمی تا رده‌ی فرمانده لجستیک، متناسب با هر رده، آموزش‌های لازم داده شود و نیز آماده نمودن طرح‌های تخلیه و اخراجات و وظایف یگان‌ها در این خصوص با دید اجرایی، نه برای رفع مسئولیت، تنظیم و ابلاغ، تمرین و تکرار گردد.

سرتیپ ۲ صادقی‌گویا: وضعیت اقلام اغتنامی چندان روش شفاف بر آن‌ها جاری نبود، معمولاً این اقلام در دارایی یگان‌ها منظور نمی‌شد و بی حساب و کتاب بود. لازم است درباره این اقلام نیز تعریف قابل قبول طراحی، آموزش و به اجرا درآید.^۱

در راستای بحث حضور فرماندهان و مسئولین ستادی لجستیک که در سطور بالا به آن اشاره نمودیم، امیر نورائی دراواثل جنگ با اخذ مأموریت از قرارگاه غرب داوطلب بازدید از جبهه‌ها برای پی بردن به مشکلات لجستیک می‌شود و به آن مناطق اعزام و در برنامه‌ریزی و رفع مشکلات یگانهای مستقر در غرب تلاش میکند

بازدید و کمک به یگان‌ها

سرتیپ ۲ نورائی: من در بعدازظهر روز ۵۹/۶/۲۹، با امریه‌ی معاونت لجستیک نیروی زمینی مأموریت یافتم روز ۳۱ شهریور خود را به قرارگاه عملیاتی غرب در کرمانشاه معرفی کنم که با پیکان مدل ۵۴ خودم حرکت و با توجه به اخباری که در مورد تجاوز و پیشروی دشمن در مناطق دشت ذهاب و گیلان غرب، سومار، مهران و صالح آباد اعلام می‌شد متوجه روغن سوزی موتور خودرو نشده و بعد از خوردن صبحانه در ساعت ۵ صبح در یک قهوه خانه خودرو روشن

۱. سرتیپ ۲ صادقی‌گویا، نجات‌علی، درس‌های هشت سال جنگ تحمیلی، نشر ایران سبز، تهران، ۱۳۹۹.

نشد، متوجه شدم که موتور به علت نداشتن روغن، جام یا قفل کرده، ماشین را قفل و سوییچ را به قهوه چای دادم که بعد از رسیدن به کرمانشاه به برادر ام اطلاع دادم نسبت به جابه جایی آن اقدام کند و خود را به قرارگاه مذکور معرفی کردم.

در هنگام شروع جنگ و اوایل کار همانطوری که ذکر شد، مخصوصاً در ۵ استان مرزی غرب کشور یگان‌ها به صورت پراکنده مستقر بودند. مثلاً گردان ۸۱۵ در غرب، در استان‌های کرمانشاه و ایلام بصورت پراکنده مستقر و یا مشغول گشت‌زنی بودند و از یک دسته تقویت شده (مثلاً یک دسته از گردان ۸۱۵ زیر امر لشکر ۲۸ سنندج در شهر کامیاران برای تأمین محور کرمانشاه - س لشکر ۲۱ نندج و یا یک تیم زرهی مکانیزه شامل دو دسته مکانیزه و یک دسته تانک و یک دسته خمپاره‌انداز ۱۲۰ م در آنجا استفاده کردند) تا یک گروه رزمی در مناطق مختلف (از جمله یک گروه رزمی شامل دو گردان مکانیزه، گروهان ۳ تانک گردان ۲۱۷ و یک آتش‌بار از گردان ۳۹۶ توپخانه در میان تنگ و ارتفاعات بند پیرعلی در منطقه سومار در مرز ایران و عراق) تا یک گروهان از گردان ۱۹۵ مکانیزه شامل دو دسته مکانیزه در منطقه دشت ذهاب زیر امر تیپ ۳ لشکر ۸۱ بودند که با این شرایط به نتیجه رسیدند پراکندگی یک تیپ زرهی در منطقه‌ای به وسعت بیش از ۶۰۰ کیلومتر با شرایط آن روز بسیار مشکل آفرین شده و این وضعیت به یگان‌های نیروی زمینی تحمیل شده بود. با توجه به اصول لجستیک که در آن تاکتیک و لجستیک تفکیک‌ناپذیر هستند علیرغم این که در سازمان لشکر عناصر لجستیکی منظور شده است و اصطلاحاً تا حدودی خودکفا می‌باشد اما هنگامی که یک تیپ در منطقه‌ای بسیار گسترده، پراکنده و جزء به جزء می‌شود بسیاری از سیستم‌های آن شکسته شده و از دور خارج می‌شوند و فرمانده و ستاد و عناصر لجستیکی آن قادر به اعمال فرماندهی و اجراء درست وظایف خود نیستند. البته این پراکندگی را وضعیت خیانت‌های گروه‌های ضدانقلاب در مناطق شمال-غرب و غرب ایجاد کرده بودند که تا اوایل جنگ ادامه داشت.

در ادامه بازدید در این محور گردان ۱۶۳ پیاده تقویت شده لشکر ۷۷ مستقر بود که یک آتش‌بار توپخانه ۱۰۵ م و به همراه یک گردان تانک M47 از لشکر ۸۱ یک گروه رزمی را تشکیل داده بودند که با توجه به دوری این یگان‌ها از مرکز تدارکاتی به نظر می‌رسید برای پشتیبانی

وضعیت یگانها در ابتدای جنگ و حضور میدانی مسئولین لجستیکی در یگانها / ۱۱۵

لجستیکی از یگان‌های این محور باید نقاط آمادی طبقات ۱ و ۳ و ۵ و بهداری و تعمیر و نگهداری و غیره تأسیس شود.

وضعیت لجستیکی سایر استان‌های درگیر در جنگ با تجاوز نیروهای عراقی هم بدین گونه بود که در استان خوزستان یک قرارگاه عملیات نیروی زمینی در دزفول ایجاد شده بود و امکانات لجستیکی پشتیبانی منطقه ۲ و ۳ برای پشتیبانی لجستیکی از یگان‌های مستقر در آن استان بسیج شده بودند. دو استان آذربایجان غربی و کردستان هنوز درگیر در جنگ با ضدانقلاب بودند و با احداث پایگاه‌های متعدد، امنیت آن مناطق را برقرار کرده و یگان‌هایی هم برای تقویت مرزها و مقابله با عراقی‌ها اعزام کرده بودند. نیروهای عراقی هم در آن مناطق به جز تصرف چند ارتفاع حساس، در آن بخش‌ها زیاد فعال نبودند. از نظر جلوگیری از پیشرفت بیشتر نیروهای متجاوز عراق هم، در آن مقطع زمانی، به ویژه در غرب یعنی جبهه میانی جنگ، جبهه‌ها در حال تثبیت شدن بودند. در خوزستان اما امر تثبیت و زمین‌گیرکردن نیروهای عراقی نیاز به کار بیشتری داشت. حوالی عصر به کرمانشاه رسیدم. ابتدا با رئیس رکن چهارم قرارگاه گفتگو کردم و گزارش کارها را به او دادم و راه کارهای ممکن را بیان کردم و به اتفاق به ملاقات فرمانده قرارگاه رفتیم. نظر من این بود که به جای نوشتن نامه و صدور دستور از قرارگاه بهتر است بدون از دست دادن وقت، مسئولین لجستیکی پشتیبانی منطقه ۱ و لشکر ۸۱ و سایرین را برای فردا دعوت کنیم. خوشبختانه پیشنهادهای من مورد قبول واقع شد و مسئولین برای تشکیل کمیسیون دعوت شدند. از همان روز پیگیر انجام شدن کارها بودم و بالاخره در مدت کوتاهی به شرح زیر اقدام شد:

الف- پشتیبانی منطقه‌ی یک: این فرماندهی اقدامات زیر را انجام داد:

۱- تأمین نیازمندی‌های محورهای کرمانشاه کامیاران و کرمانشاه پاوه، از طریق آمادگاه ۵۱۱ کرمانشاه و همکاری یگان‌های مستقر در کامیاران و پاوه.

۲- فعال کردن زاغه‌ها و انبارهای مهمات پیش‌ساخته و منابع زیرزمینی سوخت آماده قبل از انقلاب واقع در کنار جاده‌ی کرند به پاتاق.

۳- تأسیس یک نقطه‌ی آماد طبقه‌ی پنج (مهمات) در «چارمله» واقع در بین سهراهی گیلان غرب و سهراهی سومار.

۴- تأسیس یک نقطه‌ی آماد طبقه‌ی یک (مواد خشک و فاسد شدنی خوراکی) برای محور سومار.

۵- دایر کردن نانوائی صحرایی در منطقه‌ی مناسب در جا‌ده ایلام به صالح‌آباد.

۶- تأسیس یک نقطه‌ی آماد طبقه‌ی پنج مهمات در محور ایلام به صالح‌آباد و مهران.

۷- تأسیس و دایر کردن یک نقطه‌ی آماد طبقه‌ی یک در منطقه‌ی بان‌روشان واقع در صالح-آباد ایلام.

۸- انعقاد قرارداد خرید روزانه حدود ۱۲۰ تا ۱۴۰ تن یخ از کارخانه‌های یخ کرمانشاه برای تأمین یخ یگان‌های مستقر در تمام محورهای استان‌های کرمانشاه و ایلام. همه روز ده‌ها تریلی ۲۰ تن بنز ۲۶۲۶، از ساعت دو تا چهار صبح یخ مورد نیاز محورها را از کارخانه‌ها بارگیری می‌کردند و به مقاصد تعیین شده حرکت می‌کردند.

۹- درخواست از شرکت ملی نفت برای مأمور کردن تعدادی نفتکش بیست هزار لیتری به محورهای گیلان‌غرب، سومار و صالح‌آباد ایلام

۱۰- دایر کردن یک یگان بهداری صحرایی در محور سومار (پیش از انقلاب چند یگان بهداری صحرایی تشکیل شد که تجهیزات کامل آن‌ها از کشور انگلستان خریداری شده بود و هر یک شامل ۳۲ دستگاه کانکس با تجهیزات کامل بیمارستانی بودند).

۱۱- اعزام کانکس‌های بیست تن یخچال‌دار از گردان ترابری پشتیبانی منطقه به نقاط آمادی طبقه‌ی یک برای نگهداری گوشت، کره، پنیر و غیره.

۱۲- خریداری، جذب کمک‌های مردمی، تعدادی ظرف چوب‌پنبه‌ای کوچک و بزرگ برای نگهداری مواد خوراکی، میوه، آب و یخ در داخل سنگرها، چادرها و قرارگاه و غیره.

ب- فرماندهی پشتیبانی لشکر ۸۱ زرهی:

۱- تأسیس و فعال کردن نقطه آماد طبقه ۳ در منطقه کاسه‌گران واقع در محور گیلانغرب.

۲- اعزام یک گروهان تعمیر و نگهداری جلویی از گردان نگهداری لشکر به محور گیلانغرب و استقرار در سه‌راهی گیلان‌غرب (به نام سروکانی)

۳- اعزام یک گروهان تعمیر و نگهداری به منطقه صالح‌آباد ایلام.

۴- اعزام یک گروهان بهداری جلویی به محور صالح‌آباد ایلام.

وضعیت یگانها در ابتدای جنگ و حضور میدانی مسئولین لجستیکی در یگانها / ۱۱۷

۵- اعزام یک گروهان بهداری جلویی به محور گیلان غرب.

۶- تقویت نقاط آماد طبقه ۳ محورها با اعزام تانکهای سوخت رسان پشتیبانی لشکر.

انتصاب

در نیمه دوم سال ۱۳۶۰، حدود یک سال و چند ماه نیروی زمینی، من را به عنوان فرمانده - ی پشتیبانی منطقه ی یک منصوب کرد. تمرکز فعالیت های لجستیکی هم بر روی چهار استان درگیر در جنگ بود. حالا بیش از یک سال از جنگ گذشته بود و با احتساب درگیری و جنگ با ضد انقلاب، بیش از چهار سال بود که یگان های مختلف نیروی زمینی خارج از پادگان ها و در حال جنگ بودند. بدیهی است که بسیاری از ادوات و تجهیزات جنگی یگان ها هم از کار افتاده و نیازمند تعمیرات شده بودند و در گوشه و کنار پارک های پادگان ها افتاده بودند و نیاز به بازسازی و مرمت داشتند. واضح بود که در آن ایام در مورد بعضی از تجهیزات و تسلیحات یگان های نیروی زمینی، امکان خرید از خارج و جایگزین نمودن ابداء وجود نداشت.^۱

۱- سرتیپ ۲ نورائی منوچهر، مقاله ی نقش رسته های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس، ص ۱۷۷ و ۲۰۷-۲۰۹.

اقدامات اجرائی در بعضی از طبقات آماد

آماد طبقه یک

یخ و گرما

سرتیپ ۲ بایندرین: با توجه به فصل گرمای معروف در خوزستان و حرارت زیاد منطقه که در بیابان های آن در تابستان گاهی به شصت درجه و بیشتر هم میرسید، یکی از وظایف آمادگاه ها تهیه ی یخ برای یگان ها بود. تأمین این حجم زیاد یخ را آمادگاه ها از طریق بستن قرارداد با کارخانه های یخی که در شهرهای اطراف همچون بروجرد، خرم آباد و یا پلدختر مشغول فعالیت بودند، انجام می دادند.

اوایل بهمن ماه بود. دو کارخانه‌ی یخ را شرکت دورینگ از آلمان شرقی خریداری کرده بود. به دفتر آن شرکت در تهران مراجعه و با مسئولین شرکت در این رابطه گفتگو کردم که یکی از این دو کارخانه را به مبلغ ۲۰۵ هزار دلار همراه با تمام قطعات یدکی و قالب‌های یخ به اداره‌ی کشاورزی قوچان فروخته‌اند. با گفتگوی تلفنی که با مسئولان کشاورزی قوچان کردم، قرار شد تا کارخانه را تمام و کمال برای کمک به پشت جبهه، تحویل ارتش بدهند و کارخانه‌ی دوم هم که هنوز در راه بود با مسئولین شرکت به توافق رسیدم تا به محض ورود، از همان مسیر به دزفول حمل شود.

در شمس آباد دزفول، سوله‌ی خیلی بزرگی بود که به اداره‌ی کل برق استان خوزستان تعلق داشت و تعمیرات تجهیزات برقی را در آن انجام می‌دادند. از طریق گفتگو با رئیس اداره‌ی برق استان خوزستان، هماهنگ کردیم و سوله را با محوطه‌اش تحویل گرفتیم. در این سوله که مساحتی در حدود دو هزار مترمربع داشت اولین کارخانه‌ی یخ را نصب و راه اندازی کردیم و این کارخانه از فروردین ماه سال بعد توانست به تولید برسد. شروع به کار دومین کارخانه‌ی یخ کمی دیرتر شد. این کارخانه‌ها معروف به کارخانه‌ی یخ چهل تنی بودند.

در مورد غرب، گرما مثل جنوب نبود. ارتش کانکس‌های آلومینیومی را در اختیار داشت که پوشش خوبی داشتند. با بنزهای ۲۶۲۶، یخ را طوری شبانه بارگیری می‌کردند که هم از نظر زمانی امنیت را برای خودشان تأمین کرده باشند و هم صبح قبل از شروع گرما به محل تخلیه

برسند. به این ترتیب ما در نقاط آمادی یخ را فقط برای یگان‌هایی که در خط مقدّم حضور داشتند تأمین می‌کردیم.^۱

سرتیپ ۲ نورائی: به هر ترتیب برای کمک و کم کردن بار کارخانه‌های تولید یخ شهر کرمانشاه و از همه مهم‌تر جلوگیری از درگیر شدن مردم با نمایندگان یگان‌های عملیاتی، از اعتبارات موجود پشتیبانی منطقه‌ی یک، نسبت به نصب آن یک دستگاه کارخانه یخ‌سازی که از طرف فرماندهی لجستیک واگذار شده بود، اقدام کردیم و کارخانه را با همکاری و هماهنگی لشکر ۸۱ زرهی در پادگان اسلام‌آباد غرب نصب و راه‌اندازی نمودیم و مراتب را به فرماندهی لجستیکی برای واگذاری اعتبار هزینه شده گزارش کردیم. این واحد یخ‌ساز در هر شبانه‌روز چهل تن یخ تولید می‌کرد که تقریباً یک سوّم نیاز جبهه‌های آن منطقه را پاسخگو بود. پس رساندن آب و همین یخ و نان که داستانش را خواهیم آورد برای زنده نگه‌داشتن افراد در آن شرایط سخت آب و هوایی مناطق گرمسیری و وضعیت جنگی جبهه‌ها، بسیار حیاتی و از امور مهم لجستیکی در زمان جنگ بود.

تأمین نان رزمندگان

سرتیپ ۲ نورائی: پشتیبانی منطقه‌ی یک با تلاش بسیار نانوائی صحرایی را در مدّت یک هفته در محور ایلام به صالح‌آباد راه‌اندازی و آغاز به کار کرد.^۲

نان داغ:

سرتیپ ۲ بایندریان: در شروع جنگ پشتیبانی منطقه‌ی ۳ مسئولیت پشتیبانی آبادان و خرمشهر را به عهده گرفت. نان را با قطار از تهران می‌بردند. نان بربری و مشابه آن را در داخل پلاستیک بسته بندی می‌کردند. اما پس از طی این مسافت نان‌هایی که به منطقه می‌رسید، به دلیل بیات شدن و گاهی اوقات گرمای زیاد و در نتیجه کپک زدن قابل استفاده نبود. همان روزها فردی به نام آقای هاشمی در رفسنجان، تنور صنعتی ابداع کرده بود. این تنور به شکل حرارت مرکزی و دوار کار می‌کرد و دو نفر بیشتر خدمه نداشت، تنور ابداعی نان لوّاش را با کیفیت خوبی

۱- فلاح دوست شعاع‌الدّین، بازوی نبرد، مصاحبه هیأت معارف جنگ با سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۱۱۶-۱۱۲.

۲- سرتیپ ۲ نورائی منوچهر، مقاله‌ی نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدّس، ص ۲۰۷-۲۱۱.

تولید می‌کرد. حتی در همان موقع بعضی از واحدها هم از این نوع دستگاه که به تکنو پخت معروف شده بود خریداری کردند. لشکر ۲۱ حمزه ۲ دستگاه خریداری کرده بود.

آشپزخانه صحرایی و غذای گرم

درباره‌ی آماد طبقه‌ی ۱ بحث آشپزخانه‌های صحرایی را داشتیم. آشپزخانه‌ی صحرایی قبل از انقلاب جزو اقلام سازمانی یگانها بود، اما نحوه‌ی استفاده و کارایی آن مطلوب نبود و یگانها از کیفیت غذایی که با این آشپزخانه‌ها طبخ می‌شد رضایت نداشتند. مسئولان آشپزخانه‌ها تمایل داشتند برای تهیه‌ی غذا دیگ و فر داشته باشند. در سال‌های دوّم و سوّم جنگ بود که کارخانجات کشور تعداد زیادی آشپزخانه‌ی صحرایی تولید کردند.

ما برای این که غذای گرم را در مقدّم‌ترین خطوط نبرد به دست سربازانمان برسانیم، خیلی تلاش کردیم و این یکی از اسناد افتخار لجستیکی در طول هشت سال جنگ تحمیلی است. در مورد آماد طبقه‌ی یک، ارتش عراق مثل ما عمل نمی‌کرد، این که در ارتش ایران روی تهیه‌ی غذای گرم برای نیروها برنامه ریزی می‌شد مسئله‌ی بسیار مهمّی بود. در مقابل در ارتش عراق وضع به گونه‌ی دیگری بود و ارتش عراق غذای نیروهایش را بیشتر به صورت کنسرو تأمین می‌کرد.^۱

سرتیپ ۲ نورائی: با تلاش‌های زیاد توسط پشتیبانی منطقه‌ی ۱ و پشتیبانی لشکر ۸۱ در پشت تمام محورهای عملیاتی ناحیه مرکزی جبهه جنگ ایران و عراق، نقاط آماد طبقات ۱، ۳، ۵ و ۹ (قطعات یدکی) و یگان‌های تعمیر و نگهداری و نیز تسهیلاتی برای تخلیه و بستری کردن مجروحین دایر شده بود. امّا باید به طور مداوم مورد مراقبت و تقویت قرار می‌گرفتند.

در امور فعال نگه‌داشتن آشپزخانه یگان‌ها دستگاه‌های آشپزخانه سیّار ساخت اسرائیل (فلسطین اشغالی) نقش مهمّی داشتند که بیش از حد آسیب دیده بودند و نیاز به بازسازی داشتند که با همّت فرمانده پشتیبانی منطقه و سایر قسمت‌های لجستیکی بازسازی و در خدمت یگان‌ها قرار گرفت.

۱- فلاح دوست شعاع الدّین، بازوی نبرد، مصاحبه هیأت معارف جنگ با سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۱۱۹-۱۲۲.

تشکیل ستادهای پشتیبانی جنگ

سرتیپ ۲ نورائی: تشکیل ستادهای پشتیبانی جنگ در سطح گسترده که از پایتخت تا روستاهای کشور را در بر می‌گرفت بیشتر برای جهت‌دهی و اعمال مدیریت بر کمک‌های مردمی و جذب نیروی انسانی بسیج بود. به دو مورد که شاهد آن‌ها بوده‌ام اشاره می‌گردد:

یکی بیمارستان صحرایی در منطقه مریوان و دیگری در منطقه‌ی صالح‌آباد ایلام که از خدمات هر دو مورد تمام نیروهای رزمنده ارتش، سپاه و بسیج استفاده می‌کردند و تجهیزات پزشکی و نیروی انسانی متخصص (جراح، پزشک عمومی، پرستارها و ...) همگی از طریق بسیج منابع کمک‌های مردمی و ستادهای پشتیبانی جنگ تأمین شده بودند. این را هم بیان کنم که افراد و نیروی انسانی نهاد جهاد سازندگی بسیار خوشنام بودند و به درستی آنان را جهادگر می‌نامیدند. هر چند تمام این فعالیت‌ها و ایثارگری‌ها به جای خود مهم، ضروری و کارساز بودند، اما باز هم نمی‌توانستند جای تسلیحات و تجهیزات نظامی مانند توپ‌ها، تانک‌ها، نفربرها، خودروها و غیره را که هم ارتش و هم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به آن‌ها احتیاج داشتند، پر کنند. بنابراین باید تلاش دولت و مسئولین و فرماندهان نظامی در دو جهت با جدّیت انجام و پیگیری می‌شد. یکی در جهت بازسازی و نوسازی تجهیزات و تسلیحات آسیب‌دیده از جنگ و دیگری خریداری تجهیزات و تسلیحات نو برای جایگزینی اقلام کاملاً فرسوده و یا منهدم شده. اما بازسازی و تعمیرات تسلیحات و تجهیزات باید به وسیله متخصصین و افراد فنی نیروهای سه‌گانه ارتش (زمینی، هوایی و دریایی) انجام می‌شدند. همان‌طور که در بخش‌های قبلی گفته شد، مراکز تعمیراتی و یا کارخانجاتی در این نیروها از پیش از انقلاب دایر و فعال شده بودند و به طور شبانه‌روزی به کار و فعالیت خود ادامه می‌دادند و وظایف خود را بیش از توانایی خود انجام می‌دادند. اما اکنون (در سال ۶۲) با گذشت حدود پنج سال از انقلاب و فعالیت‌های عملیاتی در مبارزه با نیروهای ضدانقلاب و جنگ با ارتش عراق، سطح و حجم اقلام نظامی، تعمیری و آسیب‌دیده بسیار زیاد شده بود و دیگر فعالیت‌ها و امکانات کارخانه‌های نوسازی جوابگوی آماده به کار کردن آن تجهیزات نبودند.^۱

۱- سرتیپ ۲ نورائی منوچهر، مقاله‌ی نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدّس، ص ۱۳۵ و ۲۲۳.

آآمد طبقه ۲

سرتیپ ۲ بایندریان:

آن طور که من به خاطر می‌آورم در اوایل جنگ شاید، دو سه مرحله خرید اورکت از خارج داشتیم و پس از آن دیگر یادم نمی‌آید که آآمد طبقه دو، مثل پوشاک و تجهیزات انفرادی رزمی را از خارج تهیه کرده باشیم. یک کارگاه خیاطی در لجستیک داشتیم که تابع پادگان آبیک بود. نزدیک به ۴۰۰ نفر نیرو در اختیار داشت. این کارگاه یکی از خدمات بزرگی بود که در دوره جمهوری اسلای تحقق پیدا کرد. تعدادی از اینها خیاط برشکار، تعدادی هم با کمک اینها، سربازهای دوختکار، دکمه دوز یا دوزنده‌ی زیپ می‌شدند. ولی با همه‌ی این تلاش‌ها باز مصرف ما بیش از این بود و تولیدات این کارگاه به تنهایی نیاز ما را برآورده نمی‌کرد.

با رؤسای چند زندان و به خصوص زندان اصفهان برای دوخت ۶۰۰، ۰۰۰ دست لباس کار مذاکره کردم و قرارداد یک ساله بستیم و خاطرم آن جمع بود که این لباس‌ها وقتی تولید شوند، پارچه، همان پارچه‌ایست که در قرارداد قید شده و کم یا زیاد نمی‌شوند. در این سو ما توانستیم با یک برنامه‌ریزی و هدایت نیروی کار، نیاز خود به پوشاک از وابستگی به خارج از کشور و صرف هزینه‌های بیشتر را مرتفع کنیم. اما در طرف مقابل ما، ارتش عراق با توجه به این که از نظر نیروی کار توان ما را نداشت، در این زمنه کاملاً وابسته عمل می‌کرد. تجهیزات سربازان عراقی و لباس نظامیان عراقی به طور کلی با حمایت شیوخ عرب و دلارهایی که از آنها سخاوتمندانه می‌رسید، از کشورهای خارجی تهیه می‌شد.

چنانچه بخواهیم هزینه‌ی جنگ ایران و عراق را برای هریک از طرفین درگیر محاسبه کنیم، بدون احتساب مهمات مصرفی و جاده سازی و ادوات و تجهیزات که منهدم شد، در خصوص آنچه که خریداری شده، نسبت خریدهای ما به خریدهای عراق، حتی یک به ده هم نمی‌شوند.

آآمد طبقه ۳ (سوخت)

در مورد سوخت که آآمد طبقه‌ی سه نامیده می‌شود، در طول جنگ هیچگاه به مشکل برخوردیم. این امر از آن جا ناشی می‌شد که سیستم لجستیکی که در نیروی زمینی حاکم بود، به گونه‌ای عمل می‌کرد که تأمین سوخت یگان‌ها دچار مشکل نشود. در منطقه که بودم در جریان روند مناسب سوخت رسانی یگان‌ها قرار داشتم. بعدها که به فرماندهی لجستیکی

منتقل شدم و در جلسات شرکت می کردم بیشتر در خصوص هماهنگی های موجود میان ارتش و شرکت نفت وقوف پیدا کردم.

یگان ها در مناطق عملیاتی سوختشان را از شرکت نفت استان ها می گرفتند. این شرکت سوخت مورد نیاز ما را گاه با وسایل ترابری خودش می آورد و گاه ما خودروی تانکر سوخت می فرستادیم و سوخت را تحویل می گرفتیم. از سال های قبل نیروی زمینی مسئله ی تأمین سوخت را حل کرده بود. سال ۶۶ به وسیله ی ستاد استان ها در مناطقی که نمایندگانی در آن داشتیم، ارتباط با شرکت های نفت استان ها را برقرار می کردیم. نیازهای ما به ستاد استان اعلام می شد و ستاد استان نسبت به تأمین نیازمندی ما اقدام می نمود. اگر ستاد استان فعال نبود، وقتی تانکرهای سوخت می رسیدند آنها را روانه ی نقاط آماد بقیه ۳ می کردیم. سوخت رسانی در مناطق کوهستانی و صعب العبور یکی از نگرانی های همیشگی فرماندهان یگان های عملیاتی در طول فصل سرما و یخبندان بود که این نگرانی با تمهیداتی که در پالایشگاه کرمانشاه بدان پرداخته شده بود تا حدودی مرتفع شد. پالایشگاه کرمانشاه تنها مرکز شرکت نفت استانی بود که می توانست سوخت را در گالن های هجده لیتری به ما تحویل دهد. رئیس وقت این پالایشگاه نهایت لطف را می کرد و رساندن سوخت به نقاط صعب العبور در بانه، سردشت، تمرچین، اطراف پیرانشهر و ارتفاعات تته که در فصل سرما تقریباً غیر ممکن می گردید به این ترتیب میسر می گردید.

آماد طبقه ۵

مهمات از جمله ثروتهایی بودند که در رژیم گذشته در انبارهای مهمات آمادگاه های ما ذخیره شده بود. یکی از نقاط قوت ما در آغاز جنگ همین ذخیره سازی مهمات در گذشته بود که به همین علت کمبود مهمات نداشتیم و به اندازه ی کافی برای مقابله با تهاجم احتمالی هر دشمنی این مهمات تهیه و ذخیره شده بود. نکته این جاست که این ذخیره مهمات فراوان، روی حساب و کتاب بود و تا آن زمان که صنایع دفاع در اواسط جنگ با تولید انبوه مهمات به کمک این ذخیره آمد و تولیداتش را برای تأمین نیازمندی جنگ بالا برد، این ذخیره توانست نیازمندی جنگ را پاسخگو باشد. همیشه این سوال برای ما مطرح بود که این حجم سنگین از مهمات که وارد می شد، برای چه بود؟ این که آمادگاه دوکوهه و بقیه آمادگاه ها را از مهمات پر

كرده بودند چه منظوري مي توانستند داشته باشند. جنگ كه شروع شد به گونه‌اي مشخص متوجه شديم آنها كه در سال‌هاي گذشته اين مهمات را سفارش و ذخيره كرده‌اند، هرچند كه مهمات عمر قانوني دارند، هرچند كه بايد بازسازي و خرج پرتاب تعويض گردد، با اين حال آنها را درست محاسبه كرده بودند كه مثلاً يك گردان توپخانه چقدر بايد بار مبنا و ذخيره‌ي عملياتي داشته باشد. در كلان قضيه، اين مقادير براي ارتش نيز تعريف شده است. برخلاف كشور عراق كه مصرف مهمات بدون محدوديت بود، ما بخاطر اين كه مشكلات خودمان را رفع كنيم، پشتيباني‌هاي مختلف را در مناطق پيش بيني كرده بوديم. مهمات يك گروهان مهماتي را خالي نمي كرديم، بلكه از اين گروهان و از آن گروهان برداشت مي كرديم تا تعادل را حفظ كرده باشيم. به فرماندهي مهمات مي گفتيم (البته به صورت رمز)، براي اين واحد به اين تعداد مهمات بفرستيد. اما بين اين گروهان‌هاي مهماتي و يگان‌هاي خط مقدم، نقاط آمادي مهمات زيادي داشتيم.^۱

سرتيپ ۲ نورائي: يكي از عمده‌ترين فعاليت‌هاي آمادگاه دو كوهه در سال اول جنگ همكاري نزديك با گروه جنگ‌هاي نامنظم شهيد دكتر مصطفى چمران در منطقه‌ي خوزستان بود كه اين همكاري نقش ارزنده‌اي در توقف پيشروي نيروهاي متجاوز بعثي عراق به ويژه در محور بستان به سوسنگرد، حميديه و اهواز داشت.^۲

آماد طبقه ۵ متحرک (يك تجربه جنگي ابتكاري)

سرتيپ ۲ نورائي: قرارگاه عملياتي غرب يك طرح آفند به نام « والفجر ۳ » براي آزادسازي شهر و منطقه عمومي مهران تهيه كرد كه در تاريخ ۱۳۶۲/۵/۷ به اجراء درآمد. پيش از اجراء اين عمليات يك قرارگاه عملياتي فرعي در منطقه‌ي صالح‌آباد ايلام تأسيس شد. فرمانده و اعضاي ستاد قرارگاه از من خواستند كه ضمن فراهم كردن نيازهاي لجستيكي (آمادهاي طبقات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵... تعميمات، تخليه و بستري كردن مجروحين و...) آماد طبقه پنج يعني تدارك مهمات را به صورت محمول و متحرک فراهم كنم. دلايل طرّاحان عمليات والفجر ۳ براي تدارك

۱- فلاح دوست شعاع‌الدين، بازوي نبرد، مصاحبه هيات معارف جنگ با سرتيپ ۲ مرتضي بايندريان، نشر ايران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۱۲۶-۱۴۳.

۲- سرتيپ ۲ نورائي منوچهر، مقاله‌ي نقش رسته‌هاي پشتيباني خدمات رزمي در دفاع مقدس، ص ۱۴۴.

مهمات متحرک (همانند تدارک سوخت با تانکر) این بود که به اصطلاح نظامی «دور تک حفظ شود» و بدینوسیله حداکثر فشار را به نیروهای متجاوز عراقی وارد کنند. پس از چند روز برآورد خودروهایی مورد نیاز برای تشکیل آماد متحرک مهمات، رقم تعداد خودروهایی مورد نیاز بسیار زیاد و باورنکردنی بود به گونه‌ای که اگر همه فعالیت‌های آمادسانی به یگان‌های عملیاتی مستقر در چهار استان (آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام) را تعطیل می‌کردیم و تنها به تشکیل یک نقطه آماد متحرک در صالح‌آباد ایلام می‌پرداختیم، باز هم قادر نبودیم که حتی یک‌پنجم آن نیازها را برآورده کنیم.

تصمیم گرفتیم به هر نحو شده بر مشکلات غلبه کنیم و از هر جایی که شده خودروهایی مورد نیاز را برای عملیات پیش رو تهیه نمائیم. پس از انجام مشورت‌های لازم با مسئولین پشتیبانی منطقه‌ی ۱ و مشخص کردن توانایی خود، درخواست کمک از ستاد نیروی زمینی، فرماندهی ترابری نیروی زمینی، سازمان جهاد سازندگی و استانداری‌های کرمانشاه و ایلام را به صورت کتبی بدون ذکر طرح اعلام نمودیم. بار مبنای (مهمات همراهی) مهمات یک گردان پیاده نظام ارتش «بیست و پنج تن» است و با خودروهایی سازمانی حمل می‌شود و باید همواره و در هر حالتی آن را به همراه داشته باشد و اگر بخواهیم درباره بار مبنای تمام یگان‌های یک لشکر صحبت کنیم، باید بگوییم که حدود دویست تا دویست و پنجاه دستگاه خودروی ۲/۵ تن برای حمل بار مبنای یگان‌های یک لشکر لازم است که البته این نیاز با خودروهایی سازمانی هر لشکر برطرف می‌شود.

طرح ما برای تداوم تدارک مهمات این بود که با تشکیل محموله‌های متحرک مهماتی در زمان دریافت و مصرف مهمات برای حفظ دور حمله یا دور تک صرفه‌جویی کنیم و یا با ادامه‌ی فشار بر دشمن، فرصت تجدید سازمان را به او ندهیم. خلاصه پس از مباحثه و مجادله فراوان توانستم آقای استاندار را قانع کنم که به طرح ما کمک کند و با کسب موافقت ایشان با او خداحافظی کردم و فردای آن روز به سمت شهر ایلام حرکت کردم تا به ملاقات استاندار ایلام بروم. نتیجه‌ی ملاقات با استاندار ایلام مفیدتر بود. ملاقات با مسئولین جهاد سازندگی استان - های کرمانشاه و ایلام بسیار مفیدتر از ملاقات با استاندارهای آن دو استان بود. جهادی‌ها نه تنها در کمک خودرویی پیش‌قدم بودند که آن‌ها دست به کار مهمتری هم زدند و آن کار

ساختن یک بیمارستان صحرایی ثابت در دل کوه‌های منطقه صالح‌آباد ایلام بود. ما موفق شدیم که دو بخش مهم از کارهای لجستیکی در منطقه‌ی عملیاتی والفجر ۳ را که عبارت بودند از تشکیل نقطه‌ی آماد طبقه‌ی پنج (مهمات) و تخلیه و بستری کردن مجروحین را با کمک‌های مردمی و دولتی به سرانجام برسانیم.

تجربه جنگی دیگری از استفاده خودروهای غیرنظامی برای حمل مهمات

در فروردین ماه سال ۱۳۶۱ خورشیدی، نیروی زمینی ارتش عملیات مهم و برجسته‌ی فتح‌المبین را به اجراء درآورد. پیش از اجراء عملیات و به هنگام طرح‌ریزی، از نیروی زمینی ابلاغ شد که مقدار زیاد و قابل توجهی از انواع مهمات را از آمادگاه‌های مهمات تحت امر پشتیبانی منطقه‌ی ۱ به منطقه خوزستان بفرستم. (البته در نامه‌ی فرماندهی مهمات نیروی زمینی نوع و تعداد مهمات مشخص شده بود).

پس از دریافت امریه نیروی زمینی مبنی بر ارسال مهمات به جنوب با یک حساب ساده به این نتیجه رسیدم که در پشتیبانی منطقه‌ی ۱ به هیچ وجه خودروی مورد نیاز را ندارم. از طرفی می‌دانستم که فرماندهی ترابری نیروی زمینی هم فاقد چنین امکاناتی است و خود درگیری شدیدی در سراسر ایران برای آمادسانی دارد. تنها راه کار باقی‌مانده استفاده از خودروهای غیرنظامی و راه‌آهن سراسری بود.

مهمات تعیین شده باید از این آمادگاه‌ها به سمت خوزستان فرستاده می‌شدند: یگان مهماتی سلمان فارسی (واقع در اسلام‌آباد غرب)، گروهان‌های مهماتی گل‌مانخانه (واقع در آذربایجان غربی) و گروهان‌های مهماتی عجبشیر یا خراجو (واقع در آذربایجان شرقی). در بخش‌هایی از این مناطق ضدانقلاب و گروهک‌های مسلح معاند فعالیت داشتند و امکان دستبرد به کامیون‌های مهمات که حکم بالاترین غنائم را برای آنها داشت، امکان‌پذیر بود. تیم کنترل حرکات پشتیبانی منطقه‌ی ۱ را موظف کردم تا با مراجعه‌ی حضوری به بنگاه‌های باربری در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و کرمانشاه امکانات ترابری این استان‌ها و چگونگی امکان اجاره کردن کامیون‌های سنگین را بررسی کنند و از سوی دیگر کنترل اعتبارات پشتیبانی منطقه هم موظف شد تا با تماس با نیروی زمینی و استانداری‌ها اعتبارات مورد نیاز را جذب کند. خوشبختانه تمام این فعالیت‌های دسته‌جمعی موجب شد تا

تعداد قابل توجهی کامیون و تریلی سنگین را از استان‌های مختلف به خدمت بگیریم و از آنها به صورت سری به سری و با رعایت مسائل ایمنی و امنیتی و گماردن اسکورت‌های مسلح با محموله‌های مهماتی به سمت ایستگاه‌های اصلی راه‌آهن یا به طور غیرمستقیم به سمت استان خوزستان بفرستیم. پیش از شروع بارگیری و اعزام هر سری از محموله، هماهنگی‌های لازم با پایگاه‌های تأمینی یگان‌های نیروی زمینی و حتی پلیس راه، در استان‌ها انجام شد و تمام محموله‌ها بدون هیچ‌گونه حادثه‌ای به مقصد رسیدند و حتی خودروها و رانندگان غیرنظامی، شاید بهتر از خودروها و رانندگان نظامی مأموریت را انجام دادند.

در یگان‌های لجستیکی حفاظت و حراست از انبارها، زاغه‌های مهمات، آمادگاه‌ها، نقاط آماد مختلف، اموال مختلف ارتش، بارگیری و تخلیه مهمات، خواروبار، اقلام مختلف آمادی از کامیون‌ها، قطارهای راه‌آهن، انبارها و غیره که هزاران بار تکرار می‌شود (چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ)، همه و همه بر عهده‌ی سربازان است. اکثر دست‌های سربازان پوسته پوسته، زخمی و خون‌آلود و خیلی از آنها با پاهای زخمی یا قطع انگشت، کمردرد و یا دیسک کمر و... مواجه می‌شوند و این را کمتر کسی می‌داند. من در طول خدمتم به ویژه در زمان جنگ با مشاهده وضعیت آنها تلاش‌های زیادی کردم تا با استفاده از صنایع داخلی ابزارهای ماشینی مانند تسمه‌نقاله‌ها و غیره برای کارهای سخت آنها ساخته و تولید شود، اما سازمان‌های دولتی و غیردولتی با اشکال تراشی‌های زیاد با طرح‌های ما همکاری نکردند و موفق نشدیم. امیدوارم صنایع دفاعی کشور ما در این زمینه‌ها کمک کنند و بدانند که یک سرباز ارزشی بسیار بیشتر و برتر از هواپیماها و توپ‌ها و تانک‌های جنگی را دارد.

یک رخداد فاجعه‌آمیز در منطقه جنوب

از سایر حوادث مهماتی در منطقه خوزستان، انفجار ایجاد شده در سیلوی گندم جاده اهواز به ماهشهر است که در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفته بود و در اثر انفجار مهمات متنوع موجود در آن به وقوع پیوست. در آن سیلو مهمات را انبار کرده و بدون در نظر گرفتن روش‌های رایج و استانداردهای نگهداری مهمات و چگونگی سازش انواع مهمات از نظر انبارداری، آنها را در سیلوی گندم تازه تأسیس حادثی در جاده اهواز به ماهشهر جمع‌آوری نموده بودند که

در اثر این سهل‌انگاری، انفجاری در این محل به وجود آمد. متأسفانه بر اثر آن انفجار کلیه مهمات و ساختمان سیلو منهدم و خسارات هنگفتی برجای گذاشت.

تجربه جنگی دیگری از حمل مهمات با خودروه‌ای غیرنظامی

عملیات آفندی والفجر ۴؛ زمان اجراء ۲۷ مهر سال ۱۳۶۲:

پیش از اجراء این عملیات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران یک قرارگاه عملیاتی برای طرح‌ریزی و پیش‌بینی نیازمندی‌های عملیات، در پادگان تیپ ۳ مریوان تشکیل داده بود که با مشارکت فرماندهان سپاه پاسداران مشغول به کار شده بودند. به عنوان فرماندهی پشتیبانی منطقه‌ی ۱ چند بار در جلسات آنها شرکت کردم و بنابر وظایف پشتیبانی لجستیکی در حال تشکیل و تأسیس نقاط آمادی مختلف بودم. ما همواره یک مشکل اساسی با طراحان قرارگاه‌ها داشتیم. آن‌ها همواره به اطلاعات و عملیات اهمیت بالایی می‌دادند که چنین وسواسی خوب است. اما بیش از نود درصد گردش کارها بر عهده‌ی لجستیک بود. اصولاً در هر کاری همین است. بدون امکانات لجستیکی هیچ فعالیت‌ی امکان‌پذیر نیست. یکی از افسران همان قرارگاه از بانه تماس گرفت و پس از احوال‌پرسی گفت: «مقداری مهمات توپخانه برای بانه بفرستید». اصولاً قرارگاه باید برآورد مهمات داشته باشد و آن برآورد برابر طبقه‌بندی، اسناد را بایستی برای ما بفرستند تا اجراء کنیم. من در پاسخ گفتم: «خواستہ شما قابل اجراء نیست و من طبق اصول کارها را انجام می‌دهم».

معمولاً در هر عملیاتی، قرارگاه‌ها یا دیگرانی که مسئول واحدهای اجرائی لجستیک بودند، ما را به قرارگاه‌های عملیاتی فرعی یا اصلی احضار می‌کردند و از ما می‌خواستند که همه نوع امکانات لجستیکی به حدّ وفور برای آنها فراهم کنیم. بنابراین طبیعی بود که کار به جر و بحث و مجادله و دلخوری بکشد. اما آنچه که مسلم بود، این بود که باید آن عملیات اجرائی می‌شد و همگان خواهان اجراء موفقیت‌آمیز آن عملیات بودیم. بنابراین ما تلاش می‌کردیم که تا حدّ توان امکانات را برای آنها فراهم کنیم. به فاصله دو یا سه روز از دفتر فرماندهی نیروی زمینی با من تماس گرفتند و از آن طرف بی‌سیم شخص فرمانده‌ی نیرو (شهید والا مقام امیر سپهبد علی صیاد شیرازی) با من صحبت کردند و پرسیدند: «از وضع مهمات ارسالی به مریوان خبر داری؟». پاسخ دادم: «من هنوز مهماتی برای مریوان نفرستاده‌ام و منتظر طرح قرارگاه

هستم». ایشان گفتند: « فکر می‌کنم که فرماندهی مهمات نیروی زمینی بدون آگاهی شما مقدار زیادی مهمات با تریلی‌ها و کامیون‌های غیرنظامی به آنجا فرستاده و اکنون در خطر بمباران هوایی هستند، لذا شما خیلی فوری خودت را به صحنه برسان بلکه از بروز فاجعه جلوگیری کنی!». وارد بالگرد شدم و لحظاتی بعد به سمت مریوان پرواز کردیم. پادگان مریوان در دامنه کوهی به نام "موسک" احداث شده و در قسمت شرقی آن دشت کوچکی قرار دارد که از سمت جنوب آن می‌توان به شهر مریوان و کمی دورتر به دریاچه زریوار رسید. در آن زمان نیروهای ضدانقلاب با حمایت و پشتیبانی نیروهای عراقی در آن مناطق فعالیت داشتند. هنگامی که بالگرد به بالای آن دشت کوچک رسید و من نگاهم به دهانه آن درّه‌ی خطرناک افتاد صحنه عجیبی را مشاهده کردم. تعداد زیادی کامیون و تریلی غیرنظامی با رنگ‌های قرمز، آبی، سفید، زرد و رنگ‌های دیگر دیدم که به صورت بسیار فشرده و بدون فاصله در دهانه آن درّه و در زیر دست و پا تیررس دامنه‌های ارتفاعات گاران توقف کرده بودند. از خلبان خواش کردم اگر ممکن باشد من را در نزدیکی آن کامیون‌ها و در دهانه درّه پیاده کند.

چند نفر از همراهان مهمات را پیدا کردم و برای یافتن تعدادی از رانندگان که به شهر رفته بودند اعزامشان کردم و نهایتاً با تلاش و مساعدت همکاران، کامیون‌ها و محموله‌های مهماتی را پراکنده کردیم و به جاهای امن‌تر رساندیم و سپس به پادگان رفته و با همکاری فرمانده پادگان مریوان سربازانی گرفتیم و مهمات کامیون‌ها را تخلیه و به نقاط آماد مهمات فرستادیم.

نویسنده: (استاد امیر نورائی در مورد نیاز یگان‌های مستقر در مناطق کوهستانی به قاطر برای حمل بار به بالای ارتفاعات، مطالبی را ذکر نمودند که نباید از این موضوع غافل بود. یک وسیله مهم ترابری زمینی در کوهستان قاطر می‌باشد که کمتر جایگزین دارد.)

در مدت جنگ تحمیلی ابتکارات زیادی، اعم از ابداعات فنی ساده تا ابتکارات پیچیده فنی در مکانیک و الکترونیک و رمز و غیره در یگان‌های رزمی به ویژه پشتیبانی مناطق و کارخانجات نیروی زمینی توسط پرسنل برای رفع نیازمندی‌ها به منصفه ظهور می‌رسید. یکی از نیازهای اساسی رزمندگان، بهداشت و تمیزی و استحمام بود که در اوایل درگیری‌های داخلی و جنگ تحمیلی توجه خاصی به این امر مهم نشده بود.

نمونه‌های ساده ابتکاری حَمّام صحرائی در یگان‌ها برای جلوگیری از متفرق شدن پرسنل جوان در شهرهای دور و نزدیک منطقه‌ی استقرار تا سطح گروهان مفید بود و تعداد بسیار کمی حَمّام صحرائی گروهی آمریکائی و انگلیسی نیز در لشکرها از قبل از انقلاب وجود داشت و همچنین حمام ساخته شده ابتکاری در پشتیبانی منطقه ۱ کرمانشاه محمول روی تریلی و انواع دیگر نیز در جنگ استفاده گردید.^۱

نویسنده: ایشان در پایان نوشتار خودشان اشاره کرده‌اند که نتوانستم یک از هزار زحمات و تلاش‌های خالصانه همکارانم را به تصویر بکشم. درود بر شرف سربازان و پرسنل کادر زحمت-کش سیستم لجستیک ارتش بویژه نزاچا.

شرح نکاتی در مورد طبقات آمادی

آماد طبقه ۱: ما الحمدلله در ۸ سال جنگ، درباره‌ی مواد غذایی و تغذیه‌ی نیروی انسانی خود در جبهه‌های جنگ، نمره قابل قبولی از متوسط تا خوب داشتیم. البته این تعریف به معنای آن نیست که ما در همه جا و در تمام مدت ۸ سال و در تمام شرایط آب و هوایی و تمام یگان‌ها، بدون اشکال بودیم. اما به طور میانگین باید گفت وضع خوبی داشتیم. در سال‌های آخر جنگ شاهد بودیم که به واسطه‌ی کسری بودجه مورد نیاز، بعضی از اقلام مواد غذایی، دچار محرومیت و محدودیت شدیم.

آماد طبقه ۲: درباره‌ی استحقاقی افراد از قبیل ملبوس و پوتین و مواد بهداشتی تقریباً در تمام مدت ۸ سال جنگ نتوانستیم صددرصد به کارکنان وظیفه واگذار کنیم. شاید بتوان گفت به طور میانگین تا ۶۰ درصد مصوبه‌ها را نتوانستیم در اختیار آنان بگذاریم. مثلاً پوتین سربازی به جای ۴ جفت در ۲ سال، بعضی مواقع تحویل شد و بعضی مواقع حداکثر دو جفت تحویل شد.

رده‌های بالایی آمادی هم می‌گفتند که این کمبود به علت عدم پرداخت کامل بودجه مورد نیاز، به وجود آمده است.

آماد طبقه ۳: ما در جنگ ۸ ساله، خوشبختانه هیچ وقت کمبود بنزین برای تحرک مناطق عملیاتی نداشتیم. در تمام شرایط، بنزین موجود بود. هیچ زمان نشنیدیم که یگانی گرفتار موجودی بنزین در حد صفر شده باشد. می‌توان بیشترین نمره‌ی مثبت طبقات آمادی در طول ۸ سال جنگ را به آماد طبقه‌ی ۳ داد.

آماد طبقه ۴: مصالح سنگری. ما در ۸ سال جنگ متوجه اهمیت و تاثیرگذاری زیاد وجود مصالح سنگری نسبت به آنچه که در زمان صلح می‌اندیشیدیم و می‌گفتیم، شدیم. هر جا که مصالح سنگری کافی داشتیم، آسیب‌پذیری کمتر و آسایش و امنیت بیشتر برای رزمندگان فراهم بود. هر جا و هر زمان که نداشتیم و یا کمبود داشتیم، دچار آسیب‌ها، تلفات و سختی‌های آن هم شدیم. این اقلام سنگری برای منطقه عملیاتی در طول بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر و ۱۰۰ کیلومتر عمق پراکندگی نقاط مورد نیاز در تمام این مساحت، چه حجم عظیمی

از نیازمندی را می‌طلبد. به نظر می‌آید با آن تجربه ۸ سال جنگ، شاید هنوز هم تجدید نظر در ذخایر آمادی طبقه ۴ به عمل نیاورده‌ایم.

آماد طبقه ۵: مهمات. ما در آغاز جنگ تحمیلی، صنایع مهمات سازی ما فقط توان ساخت فشنگ، تفنگ و تیربار و گلوله هویتزر ۱۰۵ م و چند قلم دیگر را داشت. ارتش قبل از انقلاب ذخیره سازی کافی را در تمام انواع مهمات طراحی و به اجرا درآورده بود، ما سال اول جنگ را با استفاده از همین مهمات ذخیره شده، نبرد با دشمن را با شدت آتش زیاد مدیریت کردیم و در سال‌های بعد به تدریج تولیدات داخلی مهمات، با کار شبانه روزی صنایع افزایش یافت.

آماد طبقه ۶: شامل احتیاجات شخصی مانند سیگار، صابون، واکس، نشان البسه و غیره. در بعضی از یگان‌ها به صورت خودجوش و ابتکاری، فروشگاه کوچکی دایر و بعضی از اقلام مورد نیاز را تأمین می‌کرد.

آماد طبقه ۷: شامل اقلام عمده سازمانی خودرو، تانک، هواپیما، ناو، بیسیم، وسایل مخابرات، وسایل مهندسی و غیره. در ۸ سال جنگ، به علت تحریم‌های بین‌المللی تقریباً کلیه اقلام عمده‌ی از بین رفته را نتوانستیم جایگزین و یا کسری آن‌ها را تأمین کنیم. با همان موجودی اولیه که به تدریج کاهش می‌یافت توانستیم ۸ سال با دشمنان بجنگیم در حالی که دشمن تمام اقلام عمده یگان‌های رزمی خود را جایگزین می‌نمود.

آماد طبقه ۸: شامل اقلام بهداشتی، پزشکی، دندان‌پزشکی و دام‌پزشکی و قطعات یدکی آن‌ها و داروهای مورد نیاز، در مدت ۸ سال جنگ با توجه به آن که گستره آن به تمام امکانات کشوری اتصال می‌یافت، می‌توان گفت که درباره این طبقه آمادی مشکل آنچنانی که سر و صدای آن در روزهای جنگ آشکار شده باشد نداشتیم.

آماد طبقه ۹: شامل کلیه قطعات یدکی اقلام طبقه ۲ و ۷ منهای طبقه ۸، در ۸ سال جنگ قطعات یدکی موجود در انبارهای کلیه رده‌های ارتش شناسایی و مصرف گردید، اما بعضی قطعات به علت مصرف زیاد و یا قطعات کمیاب، برای نیروهای ما مشکلات زیادی را به وجود آورده بود. مثلاً مصرف لاستیک و باطری خودروها بسیار زیاد بود و ما همیشه کمبود داشتیم. با این حال آن ساختار که برای تعمیر و نگهداری از رده‌ی ۱ تا رده‌ی ۵ سازمانی طراحی شده

بود، ساختاری حساب شده و هوشمندانه بود و آن ساختار توانست جوابگوی درصد زیادی از تعمیر و نگهداری وسایل نیروهای ما در مدت ۸ سال جنگ گردد.

آماد طبقه ۱۰: شامل وسایلی است که برای پشتیبانی برنامه‌های غیر نظامی و کشاورزی به کار می‌رود. مسلماً اضافه بر رکن ۱ و ۲ و ۳ و ۴ در صورت فعال شدن رکن ۵ در یگان‌ها که مربوط به امور غیرنظامیان است، این نوع آماد، جایگاه و تعریف کامل‌تری را پیدا می‌کند، مانند بحث غیرنظامیان ساکن و یا عشایری که بیلاق و قشلاق آن‌ها در منطقه عملیات یا خارج از خط مقدم داشتند و یا مهاجرین جنگی و یا در بلایای طبیعی ضرورت پیدا می‌کند.

آماد متفرقه: شامل آماد آب، نقشه، اغتنامی، بازیافتی و غیره. در مدت جنگ آماد آب تا خط مقدم تقریباً با تمام محدودیت‌ها و مشکلاتی که بویژه در مورد خودروهای حمل آب و جاده‌های نامساعد و آب و هوا در سرما و گرمای شدید که داشتیم با توجه به اهمیت حیاتی آب برای رزمندگان، تقریباً می‌توان گفت نمره قابل قبولی داشت.^۱

وضعیت لجستیک در سال ۶۵ در لشکر عملیاتی ۸۴ خرم‌آباد

سرتیپ ۲ صادقی‌گویا

الف - ترابری: لشکر دارای یک گروهان آماد ترابری می‌باشد که با امکانات محدود وظایف ترابری لشکر عملیاتی را به طریقه تقسیم در نقطه از طریق رده بالاتر و به طریق تقسیم به یگان، به یگان‌های زیر دست انجام می‌دهد (با توجه به عرض منطقه در مسئولیت و امکانات ترابری، قادر به ترابری یگان‌های لشکر نمی‌باشد و کمبود لا اقل ۳ دستگاه کمرشکن و کفی کاملاً مشهود است).

ب - آماد: آماد لشکر به وسیله سازمانی در حد یک رسد انجام می‌گیرد.

(۱) آماد طبقه ۱: انجام می‌گیرد و اغلب بعضی از مواد واگذار نمی‌شود. واگذاری دسر هم نامنظم می‌باشد.

(۲) آماد طبقه ۲: کم و بیش انجام می‌گیرد، ولی باز هم در مواردی افراد استحقاقی خود را به طور کامل دریافت نمی‌دارند.

۱. سرتیپ ۲ صادقی‌گویا، نجات‌علی، درس‌های هشت سال جنگ تحمیلی، نشر ایران سبز، تهران، ۱۳۹۹، ص ۳۲۷-۳۱۸

۳) آماد طبقه ۳: انجام می شود.

۴) آماد طبقه ۴: به طور ناقص انجام می شود و کمبود آن کاملاً مشهود است و لشکر شدیداً در مضیقه است.

۵) آماد طبقه ۵- کاملاً کمبود آن مشهود است، که در این عملیات با تلاش فراوان با ذخیره ای که از گذشته مانده بود توانستیم عملیات را انجام دهیم.

۶) آماد طبقه ۶ - کم و بیش انجام می شود.

۷) آماد طبقه ۷ - کلاً برخلاف روش آمادی، با مکاتبات و پیگیری فراوان انجام می گیرد و یا نمی گیرد.

۸) آماد طبقه ۸ - به طور ناقص انجام می شود.

۹) آماد طبقه ۹ - کمبود آن در سطح لشکر از واضحات بوده و یکی از مسائل مطرح شده به وسیله رده پائین و یگان های اجرائی لشکر، تدارک ناقص آن می باشد.

۱۰) آماد طبقه ۱۰ - تا حدودی انجام می شود.

نتیجه: در قسمت لجستیکی به طور کلی آماد قطعه، اقلام عمده، وسایل مهندسی و مهمات ناقص انجام می شوند.

ج - مشکلات امور لجستیکی با توجه به واگذاری منطقه ای به وسعت مسئولیت دو لشکر سازمانی:

۱) عدم وجود جاده های ارتباطی مناسب

۲) عدم وجود حداقل وسایل ترابری

۳) عدم تدارک صحیح و به موقع مهمات با توجه به حساسیت مکانی و زمانی منطقه

۴) وجود انواع و اقسام خودروهای گوناگون، لشکر از نظر خودرویی و قطعات در مضیقه می باشد.

۵) عدم وجود وسایل مهندسی جاده سازی و رزمی با توجه به نیازهای روزافزون لشکر

۶) عدم وجود گردان های بهداری، تعمیر و نگهداری، آماد و ترابری^۱.

فرماندهی پشتیبانی

سرتیپ ۲ بایندریان: فرمانده پشتیبانی منطقه در اصل تنها مسئول تدارکات، نگهداری و تعمیر، آماد رسانی و ترابری منطقه است ولی علاوه بر این تأمین امنیت حدّ عقب منطقه و دفاع از آن نیز با این واحد می باشد.

ما در غرب و شمال غرب با مسئله فعالیت گروهک ها کمین هایی که می زدند و تهدیدهایی که برای کاروان های گشت و نفرات و تدارکات داشتند مواجه بودیم.

خروج از مریوان به طرف باختران (کرمانشاه) در تابستان می بایست طیّ ساعت ۱۶۰۰ الی ۱۶۳۰ بعد از ظهر صورت می گرفت و بعد از آن احتمال این که ستون ها مورد تهاجم گروهک های ضدّ انقلاب قرار بگیرند بیشتر می شد.

آمادرسانی به یگان های غیر ارتش

آمادرسانی از طریق آمادگاه های ارتش فقط برای یگان های ارتش صورت می گرفت ولی در عملیات قادر که در منطقه ی اشنویه انجام شد، یگان های زیادی از نیروی زمینی حضور داشتند. قادر منطقه ای بود در اشنویه که از پیرانشهر به طرف راست رودخانه اشنویه، به سمت ارتفاعات بالا امتداد می یافت.

در عملیات قادر، لشکر ۸ نجف و تیپ ویژه ی شهدا به فرماندهی شهید والامقام محمود کاوه در این منطقه حضور داشتند. بنابر یک توافق، قرار شد تا مهمات مصرفی این دو یگان سپاه را از طریق آمادگاه های ارتش تأمین کنیم. حمل مهمات به کلاشین کار بسیار دشواری بود. آنجا در جابجایی مهمات، دو سه بار بمباران شدیم و خیلی هم تلفات دادیم. علاوه بر این دو یگان سپاه، یگان هایی از لشکر ۲۱، ۲۳ و ۷۷ نیز در منطقه حضور داشتند.

سازماندهی یگان های لجستیک

تقلید کورکورانه هیچگاه صحیح نبوده و راه هم به جایی نمی برد ولی استفاده از دانش و تجارب ارتش های دیگر کاری است که منطق هم به آن حکم می کند. ما یک سازمان لجستیکی داشتیم و ساختار این فرمانده لجستیکی تقریباً با یک تغییرات جزئی از ارتش آمریکا اقتباس شده بود.

واسطه‌های پشتیبانی مناطق

برای کنترل بهتر امور پشتیبانی در مناطق مختلف، عناصری برای گرفتن ارتباط با یگان‌های پشتیبانی شوند و نمایندگانی حد واسط قرار داده بودیم. برای همین در سال‌های ۶۳، ۶۴ و ۶۵ سه قرارگاه پشتیبانی منطقه‌ی جلو داشتیم. یکی از این قرارگاه‌ها در گیلانغرب در جوار قرارگاه غرب و قرارگاه دیگر در مریوان بود. در این قرارگاه رده‌ی جلوی عناصر ترابری، آماد، مهمات و تعمیر و نگهداری حضور داشتند و هر کدام کار مخصوص به خودشان را با یگان‌ها هماهنگ می‌کردند. قبل از عملیات قادر در نقده داخل یک هنرستان صنعتی، قرارگاه پشتیبانی لجستیک منطقه‌ی ۱ را ایجاد کردیم. اکپ‌های تعمیراتی هم از آمادگاه مراغه و تعدادی هم از مراکز تعمیراتی تهران در این قرارگاه مستقر بودند که در موارد لزوم که آوردن تجهیزات سنگین به عقب امکان‌پذیر نبود این متخصصان تعمیراتی به جلو اعزام می‌شدند. حجم تعمیرات با تعداد تعمیرکاران و متخصصین هم‌خوانی نداشت از این رو مرکز تعمیرات تهران در مواقع مقتضی با اعزام اکپ‌های تعمیراتی به کمک می‌آمد.

برافروندگان اصلی آتش اناا

در طول اناا مجبور بودیم نیازهای نظامی خود را از طریق کشورهای واسط مثل کره‌ی شمالی که خود آنها هم تکنولوژی بالایی نداشتند یا از طریق دلال‌های بین‌المللی برطرف کنیم. ۳۹ کشور طی ۸ سال اناا به عراق، کم و بیش اسلحه فروختند. این هم به برکت سرازیر شدن دلارهای نفتی از طرف شیوخ عرب منطقه بود.

از میان این ۳۹ کشور، تنها ۲ یا ۳ کشور مثل کره و چین به ایران سلاح فروختند. اما ارتش مصر، که تجهیزات روسی داشت و مستشاران روسی را اخراج کرده بود، بهترین راه را در این دید که این تجهیزات را به عراق بفروشد و همه‌ی تجهیزات ارتش خود را به مبلغ یک میلیارد دلار به عراق فروخت و چین هم تا حدودی به همین طریق عمل کرد.

مقابله با بمباران

استاندار کرمانشاه در جلسه‌ای از من درخواست کرده بود که در مواقع بمباران و موشک باران، حفاظت مناطق آسیب دیده را ارتش به عهده بگیرد. آن روزها لشکر کرمانشاه در

منطقه بود و نیروهای پشتیبانی تنها نیروی نظامی حاضر در شهر بودند که با خواست مسئولین و همت نیروهای ارتش با دو گروهانی که به این امر اختصاص داده بودیم، توانستیم در مواقع بحرانی و لحظات پرهیاهو و شیون و صدای گریه و فریاد زنان و کودکانی که عزیزان خود را در بمباران از دست داده بودند، در صحنه‌ی حوادث حضور پیدا کرده و به یاری بازماندگان حادثه بشتابیم.

مدیریت یکنواخت‌سازی

هر چیزی که خریداری می‌شد، ابتدا توسط این مدیریت یکنواخت‌سازی، بازدید و مورد آزمایش قرار می‌گرفت و با مشابه آن مطابقت داده می‌شد تا تفاوت‌های منفی نداشته باشد و اگر ایرادی در کار وجود داشت، گزارش می‌گردید.

تأثیر فشارهای جهانی بر لجستیک در جنگ

فرماندهی لجستیکی اقلام عمده را خریداری نمی‌کرد و این کار توسط وزارت دفاع انجام می‌شد و ما توزیع‌کننده بودیم. ولی گاهی اوقات این مسئولیت از وزارت دفاع به فرماندهی لجستیکی تفویض می‌شد. معاملات نظامی سه گونه بود. یکی معاملاتی که تجاری است، مثل خرید خودروهای تویوتا و قطعات از ژاپن، که ارتش و سپاه هر یک جداگانه خودروهای زیادی از ژاپن خریداری کردند. تهیه‌ی تسلیحات و اقلام دفاعی کاملاً متفاوت بود و تحریم در این گونه خریدها دست ما را می‌بست و ناگزیر بودیم این تجهیزات را از طریق کشورهای واسط مثل کره، لیبی و یا دلال‌های بین‌المللی سلاح تهیه کنیم. ولی عراق با کشورها مستقیم وارد معامله می‌شد و همان طور که قبلاً هم گفتم، ۳۸ کشور در طول جنگ به عراق و ایران سلاح فروختند که در بین این سی و چند کشور تنها دو یا سه کشور به ایران سلاح می‌فروختند.

کادر فنی

قبل از جنگ و در فاصله‌ی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی، در بیشتر سازمان‌ها و ادارات از جمله ارتش، ریزش نیروی انسانی داشتیم. این ریزش به خصوص در ارتش اثرگذار بود. من این مسئله را با فرماندهی نیروی زمینی، در میان گذاشتم که خروجی دانشکده‌ی افسری، فقط فارغ‌التحصیل با رسته‌های رزمی نباشند، چون بعدها که این جنگ به پایان برسد و یا حتی در

حین جنگ، نیاز ارتش به فرماندهی اردنانس، مخابرات و سایر تخصص‌های پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی، اجتناب‌ناپذیر است. نقطه‌ی قوت ما در امور فنی، مرکز تعمیراتی تهران بود که افسران و کارمندان و تعمیرکاران این مرکز همه با جان و دل تعمیرات را انجام می‌دادند. این نیروهای متخصص و فنی هم در آموزش نیروهای جدید، قابلیت‌های خوبی داشتند و تعمیرکاران خوبی زیردست آن‌ها تربیت شدند و با تعمیر و تعویض و قطعه‌برداری، گوشه‌ای از نیاز گسترده‌ی یگان‌ها را که در اثر تحریم برای تهیه‌ی آن با مشکل مواجه بودیم جبران نمودند.

حَمِيَّتِ نظامی گری

بیشتر نیروهای ما در تعمیرات، در تدارکات، در آماررسانی و به خصوص ترابری، اکثر رانندگان، پا به سن گذاشته بودند ولی یک ماه، چهل روز تا دو ماه از خانواده‌هایشان جدا می‌ماندند و به کار آماررسانی اشتغال داشتند. در آمارگاه دزفول که بودم، یک بار که انبارها را بازدید می‌کردم، دیدم تعدادی از قطعات در قفسه‌های مربوطه به خود قرار ندارند. از انباردار علت را سؤال کردم، گفت: این قطعات B. M. P از تهران فرستاده شده‌اند و من این قطعات را نمی‌شناسم. به خاطر داشتم که در زمان خدمتم در لشکر ۹۲ زرهی، ستوان یاری به نام اکبری با من خدمت می‌کرد که تعمیرکار B. M. P بود. از نماینده‌ی گردان نگهداری لشکر ۹۲ خواستم به اهواز که رفت، پیغام مرا به ستوان یار اکبری برساند که در اولین فرصت، سری به من بزند. یک روز که در دفترم در دزفول نشسته بودم، ستوان یار اکبری با لباس کار به دفترم آمد. از او خواستم که ده پانزده روز وقت بگذارد و این قطعات سری R را تفکیک کند. گفت چشم و رفت و مشغول به کار شد. این در انبارداری و تدارکات به صورت یک اصل پذیرفته شده است که شناختن یک قطعه با دور ریختن آن هیچ تفاوتی ندارد. آن قطعه‌ای می‌تواند مورد استفاده واقع شود که نام قطعه، مورد استفاده و شماره‌ی فنی آن مشخص باشد. یک شب هم از آقای اکبری دعوت کردم که شام را با هم بخوریم. با هم گفت‌وگو کردیم. هنگام خداحافظی وقتی از دفتر بیرون می‌رفت، احساس کردم که می‌لنگد. صدایش کردم. برگشت، گفتم پایت چه شده؟ گفت: « چند سال پیش توی تعمیرگاه، حادثه‌ای برایم اتفاق افتاد و معلولیتی که برایم به وجود آورد، باعث بازنشستگی من شد. » با تعجب پرسیدم: « مگر شما بازنشسته‌اید؟ ».

گفت: « بله، الآن سه چهار سال است که بازنشسته‌ام». گفتم: « پس چطور شد که با این وصف آمدی؟». گفت: « آمدند در خانه‌ام و گفتند فلانی گفته بیا به ما کمک کن و من هم آمدم!». آن شب به خودم به عنوان یک نظامی که چنین هم رزمی دارد، بالیدم و به وجود اکبری و اکبری‌ها افتخار کردم.^۱

۱- فلاح دوست شعاع‌الدین، بازوی نبرد، مصاحبه هیئت معارف جنگ با سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان، نشر ایران سبز، تهران ۱۳۹۱، ص ۱۵۲-۲۱۵.

۱- در سال ۱۳۶۲ زمانی که ما در مرکز تعمیراتی موقت دوکوهه مستقر بودیم، تا این که یک روز صبح همان مسئول برادران سپاه به نزد ما آمد و با خطاب نمودن ما با لفظ برادرها از ما خواست که جهت آموزش برادران سپاهی، متخصصان B. M. P1 و کاتبوشا را اعزام کنیم. از

قضا در همین وقت کارمند اکبری که از کارکنان مرکز تعمیراتی تهران در آن جا بود، اظهار داشت این چه برادری است که می‌فرمایید. ما چند وقت قبل داشتیم از گرسنگی می‌مُردیم اما شما چند تکه نان را نیز از ما دریغ نمودید. که آن مسئول سپاه از کرده‌های پیشین خود عذرخواهی نمود و در نهایت کارکنان مرکز تعمیراتی تهران به دستور فرماندهی وقت خود که در دوکوهه مستقر بود مأموریت یافتند به آموزش برادران سپاه بپردازند و برادری خود با عزیزان سپاهی را عملاً اثبات کردند تا دشمن هیچگاه به فکر تفرقه نیفتد و در اندیشه شیطانی خود مجال تفرقه نیابد.

۲- همچنین کارمند محمدعلی عسگری نژاد جمعی مرکز تعمیراتی تهران در جاده آبادان به خرمشهر در یک مکان به نام کشتی‌سازی به مدت ۳ ماه به برادران سپاهی آموزش B. M. P1، T55، T60 و T62 را ارائه نمود.

۳- کارکنان متخصص کارگاه کاتیوشای مرکز تعمیراتی تهران نیز آموزش‌های بسیاری را به برادران سپاهی دادند و در کارخانجات نصر حدود ۱۰ نفر از برادران سپاهی به مدت ۶ ماه مشغول طی دوره و آموزش تعمیر انواع ادوات نظامی بودند.

۴- علاوه بر این بسیار پیش می‌آمد که کارکنان متخصص مرکز تعمیراتی تهران با تقاضای فرماندهان سپاه به پادگان‌ها و مراکز آموزشی آن‌ها مأمور می‌شدند و مشغول آموزش برادران سپاهی می‌شدند.^۱

مقدمات عملیات بیت المقدس و همکاری ارتش با سپاه

سرتیپ سلیمان‌جابه: به جوان‌های سپاه هم اعتقاد داشتیم و هم به آنها نیاز داشتیم. به ما ثابت شده بود که اینها نیروهای مخلص، ایثارگر، فداکار و شهادت طلبی هستند. ما وظیفه داشتیم دشمن را از خاک مقدّسمان بیرون کنیم. هر کسی جلو می‌آمد دست ما را می‌گرفت، و به ما کمک می‌کرد، دستش را می‌بوسیدیم. سپاه به یاری ما آمد. ما با اینها کار کردیم و تا آخر هم با تمام علاقه‌مندی همکاری نمودیم.

برادر رؤف که آن موقع فرمانده تیپ تازه پا گرفته‌ی ۷ ولی عصر (عج) دزفول بود، برای عملیات مانده بود و بی سیم نداشت. به ایشان گفتیم: « برو صورت نیازتان را بیاور ». برگشت، دیدم سرانگشتی گفت: « ۴۰ تا بی سیم P. R. C77 می خواهم ». این تعداد بی سیم خیلی زیاد بود. بر اساس دیدی که نسبت به همکاری با سپاه داشتم این درخواست را رد نکردم. همان جا نشستیم، طرح تقسیم تعیین کردم. تیپ ۱، تیپ ۲، تیپ ۳، تیپ ۴، توپخانه لشکری. برای هر کدام این ها سهمیه تعیین کردم و افسر مخابرات را خواستم، گفتیم: « فوراً امریه صادر کن، این بی سیم ها در اختیار نماینده تیپ ۷ ولی عصر (عج) دزفول قرار بگیرند ». بی سیم ها را تحویلشان دادم و رفت و پس هم ندادند.

سایر موارد نیز هر کدام از برادران، هر کدام از لشکرها می آمدند کم و کسری داشتند، هر چقدر میتوانستیم در اختیارشان قرار می دادیم. حتی مهمات و حتی مهمات محدود، دراگون و تاو خیلی محدود بود، اما می دادیم.

آن موقع من جانشین لشکر بودم و فرمانده لشکر جناب سرهنگ حسنی سعدی نیز موافق این همکاری بودند.

فرمانده آمادگاهی داشتیم به نام سرهنگ بایندریان، یک افسر خوش برخورد و پرتلاش بود و در واگذاری تجهیزات و وسایل دست و دل باز عمل می کرد. انبارهایمان هم از نظر اقلام عمومی غنی بود. هر چه در انبارها بود، آورده بود بیرون و استفاده می کرد.^۱

اشاره ای به آماده شدن برای اجرای طرح های عملیات های تهاجمی و ... / ۱۴۳

اشاره ای به آماده شدن برای اجرای طرح های عملیات های تهاجمی و پشتیبانی لجستیکی از آنها

سرتیپ ۲ نورائی: در سال های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ بعد از عملیات های آفندی موفق که توسط نیروی زمینی آجا و سپاه و بسیج مانند ثامن الائمه (ع)، طریق القدس، آزادسازی سوسنگرد و شهر مرزی بستان انجام شد، فرماندهان جنگ تشخیص دادند که فرصت تقویت به دشمنی که چندین کشور پشتیبان او هستند را نباید داد. لذا طرح ریزی اجراء عملیات آفندی فتح المبین و بیت المقدس توسط نیروی زمینی آجا و سپاه پاسداران آغاز شد و از طرفی ارتش صدام نیز با جدیت بازسازی یگان ها و افزایش توانایی یگان های خود را ادامه می داد.

نیروی زمینی به طور مشخص اقدامات زیر را انجام داد:

۱- تشکیل حدود ۶۰ گردان پیاده نظام با برداشت پرسنل کادر (افسر و درجه دار) از یگان های لجستیکی، ستادها و یگان های آموزشی.

۲- صدور مجوز تشکیل آموزشگاه های درجه داری (گروهبانی) به پشتیبانی مناطق و لشکرها.

۳- صدور مجوز تشکیل یگان های آموزشی در پشتیبانی مناطق و لشکرها برای آموزش سربازان وظیفه.

۴- صدور مجوز تشکیل و افزودن یک تیپ به لشکرها پیاده و زرهی.

۵- تبدیل تیپ های مستقل به لشکرها عملیاتی به استعداد دو تیپ.

۶- تشکیل آتشبارهای توپخانه ضد هوایی ۲۳ و ۱۴/۵ میلی متری (و در واقع افزودن آتشبارهایی به یگان های پیشین).

یکی از ضعف های این طرح عدم توجه به افزایش توانایی یگان های لجستیکی بود. زیرا نه تنها یگان جدیدی به آنها افزوده نشد که توان آنها برای تشکیل یگان های جدید با این برداشت نیروها کمتر هم شد. اما سیستم لجستیکی با همان توان باقی مانده بر ساعات کاری پرسنل افزود و تا پایان جنگ علیرغم دادن بیش از ۱۵ هزار شهید و هزاران مجروح و معلول همچنان

اا انا بر اناااها انااا انا. اما ساختن و اناا اناااها سبک و سنگین کاری ناا
که از انااا اناا اناا. ولى در کنار اناا ماموریت‌هاى روزافزون و شبانه‌روزی اناا به کار
بازسازی و نوسازی اناااات و تسلهاات در مراکز اناااااى مساا سلیمان، نصر، انا و
اناااااى مناطق هم انااا مى انا. ^۱

۱- سرتیپ ۲ نورااى منوچهر، مقاله‌ى نقش رسته‌هاى اناااااى اناااا رزمى در انااا مقدس، ص ۱۲۹-۱۳۰.

وضعیت لجستیک در هشت ماه ابتدای جنگ در منطقه جنوب در بررسی و تحقیق

اساتید دافوس از ۰۲/۰۵ تا ۱۳۶۰/۰۳/۰۵ کتاب لجستیک^۱

پرسش ۱: سازمان تابعه فرماندهی پشتیبانی منطقه ۲، نارسائی‌ها و پیشنهادات؟

پاسخ:

الف- سازمان:

ف پش م ۲ شامل قرارگاه، گردان ۶۰۳ جایگزینی شیراز، آمادگاه عمومی اصفهان، آمادگاه صحرائی ۵۷۱ دزفول، گردان ۵۷۵ ترابری مختلط شیراز که گروهان ترابری سنگین آن زیر امر لشکر ۹۲ زرهی در اهواز (ماز تانک‌بر)، گردان‌های لجستیکی ۵۷۳ شیراز و ۵۱۵ کرمان (به طور ناقص)، گردان‌های پاسدار و یگان‌های خدمات و غیره.

ب- نارسائی‌ها:

(۱) انحلال گردان لجستیکی مستقر در دزفول پس از انقلاب، این عمل باعث شده اکثر وظایف گردان مزبور که پشتیبانی از آمادگاه و یگان‌های تابعه به خصوص یگان‌های غیر لشکری می‌باشد، را کد بماند.

(۲) انتقال قسمتی از گردان ترابری مختلط سازمانی از دزفول به شیراز

(۳) آمادگاه عمومی اصفهان (تابع فرماندهی پشتیبانی منطقه ۲) با توجه به وظایف محوله می‌بایستی تابع مستقیم ف لوج نزاجا قرار گیرد.

(۴) عدم تکافوی آمادگاه ۵۷۱ به منظور پشتیبانی یگان‌های مستقر در منطقه جنوب.

(۵) برای پشتیبانی از گروه‌های توپخانه، گروهان پشتیبانی مستقیم پیش‌بینی شده است که عملاً این گروهان نیز تکافوی احتیاجات گروه‌های مزبور را نمی‌کند.

(۶) از دسته پار م ۳ که قبلاً جزء گروهان پشتیبانی عمومی نگهداری بود، استفاده کافی

نمی‌شود.

پ- پیشنهادات

۱. سرتیپ دوم اسماعیل‌زاده، صمد و سرتیپ دوم غلامحسین امیریگی، لجستیک (گزارش گروه بررسی امور لجستیک در منطقه جنوب از ۰۲/۰۵ تا ۱۳۶۰/۰۳/۰۵)، نشر ایران سبز: هیئت معارف جنگ، تهران ۱۳۹۷.

(۱) یک گردان لجستیکی در دزفول تشکیل شود تا با هماهنگی با آمادگاه صحرایی وظیفه محوله را انجام دهد.

(۲) به منظور پشتیبانی آمادگاه صحرایی ۵۷۱ دزفول و یگان‌های مستقر در منطقه، یک گردان مختلط ترابری در دزفول تشکیل شود.

(۳) آمادگاه عمومی اصفهان از زیر امر فرماندهی پشتیبانی منطقه ۲ خارج شود.

(۴) تشکیل یک آمادگاه صحرایی در محل مناسبی در منطقه فرماندهی پشتیبانی منطقه ۲.

(۵) به علت کثرت تجهیزات و یگان‌های گروه‌های توپخانه و مسئولیت پشتیبانی خدمات رزمی این یگان‌ها توسط گروهان مزبور، در این جنگ، عملاً نیاز به یک گردان پشتیبانی به جای گروهان پشتیبانی تصویری می‌باشد.

(۶) دسته پار م ۳-ام به علت دارا بودن تجهیزات تعمیراتی و تحرک ۱۰۰ درصد با تکمیل کادر آن جزء سازمان گروهان پشتیبانی عمومی باقی بماند.

پرسش ۲- استعداد موجود با مقایسه با استعداد سازمانی یگان‌های تابعه ف پیش م ۲ پاسخ:

الف- استعداد موجود پرسنلی کادر حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد می‌باشد و استعداد پرسنلی وظیفه ۷۰ درصد.

ب- نظریه گروه بررسی:

به علت فنی بودن وظایف ف پیش م ۲ نسبت به تکمیل سازمان (پرسنل کادر) به منظور پشتیبانی هر چه سریع‌تر یگان‌ها اقدام شود.

پرسش ۳: بررسی وسایل و تجهیزات سازمانی یگان‌های تابعه ف پیش م ۲

الف- از نظر وسایل و تجهیزات کمبودی نیست، ولی تعدادی از وسایل و تجهیزات تعمیری است که در گردان مختلط ترابری محسوس بوده و حدود آن به ۴۰ درصد می‌رسد.

ب- نظریه گروه بررسی:

(۱) آمادگاه صحرایی ۵۷۱ که بایستی طبق جدول سازمان... درصد متحرک باشد، به علت عدم واگذاری کانکس‌های انبار قطعات، عملاً ثابت بوده و هیچگونه تحرکی نداشته و

وضعیت لجستیک در هشت ماه ابتدای جنگ در منطقه جنوب در... / ۱۴۷

در مقابل حملات هوایی و زمینی دشمن آسیب‌پذیر بوده و در صورت بروز حادثه، فاجعه به بار خواهد آمد.

(۲) این عدم تحرک در سایر یگان‌های ف پش م ۲ نیز به علل مختلف به چشم می‌خورد.

پرسش ۴ و ۵: ف پش م ۲ توانایی انجام مأموریت‌های محوله را داشته و مأموریت‌ها مشخص بوده است یا خیر، نارسائی‌ها و پیشنهادات؟

الف- مأموریت ف پش م ۲ در جنگ، پشتیبانی از یگان‌های مستقر در منطقه جنوب بوده که مشخص بوده است و علاوه بر آن پشتیبانی یگان‌های مستقر در استان‌های کرمان، فارس و خوزستان می‌باشد.

ب- مأموریت از نظر امور آمادی را با استفاده از امکانات موجود توانستیم انجام دهیم؛ ولی از نظر مأموریت تعمیراتی به علت عدم وجود قطعات یدکی کافی و کمبود پرسنل متخصص، با استفاده از نهادهای انقلابی (از قبیل جهاد سازندگی، ستاد بسیج، نیروهای مردمی، اشخاص داوطلب محلی) و مراکز تعمیراتی تهران و مراکز آموزش تخصصی و... توانستیم تا حدودی مشکلات را بر طرف نماییم.

پ- پیشنهاد برای رفع نارسائی‌ها:

(۱) تکمیل پرسنل متخصص و فنی

(۲) فراهم نمودن قطعات یدکی مورد نیاز.

ت- نظریه گروه بررسی

(۱) با توجه به این عملیات و تراکم نیرو در منطقه جنوب (۴ لشکر و یگان‌های پشتیبانی‌کننده آنها) عملاً ف پش م ۲ قادر به پشتیبانی کامل این همه یگان نمی‌باشد.

(۲) پیشنهاد: به جای فرماندهی‌های پش منطقه، تیپ‌های پش با استعداد مناسب تشکیل شود.

پرسش ۶: گروهان تعمیرات پشتیبانی مستقیم مسئول پشتیبانی یگان‌های غیرلشکری بوده است؟

الف- در پنج ماه اول اناا یک تیم تعمیراتی حدود ۴۰ نفر با استفاده از پرسنل دو گردان لجستیک شیراز و کرمان به کمک گردان نگهداری لشکر ۹۲ اعزام شد. پس از رفع نیاز لشکر پرسنل فوق را به صورت سه تیم درآورده و در مناطق ماهشهر، اهواز (دغاا) و امیدیه مستقر نمودیم که پس از رفع نیاز حدود فروردین ماه به شیراز برگشتند.

ب- نماینده ف پش م ۲ پیشنهاد داشت که در آینده گروهان پشتیبانی مستقیم به صورت پنج تیم نگهداری همه کاره (تمام تخصص‌ها) دربیاید تا بتوان به صورت تیمی به مأموریت مستقل اعزام نمود.

پ- نظریه گروه بررسی:

(۱) به طور کلی به علت عدم وجود گردان لجستیک سازمانی در دزفول. گروهان پشتیبانی مستقیم بعلت همراه نداشتن شارژ انبار، ابزار و پرسنل متخصص کافی قادر به انجام پشتیبانی- های تعمیراتی برای یگان‌های غیرلشکری نبود و کارهای تعمیراتی این گروهان یا به عهده لشکر و یا گروهان پشتیبانی عمومی نگهداری تحمیل شده بود.

(۲) در صورت تصویب پیشنهاد بند (۱)، پرسش یک و تشکیل گردان لجستیک در دزفول این مشکل برطرف شود.

(۳) در سازمان گروهان مزبور مانند گروهان پشتیبانی مبنای گردان نگهداری لشکرها، رسدهای مکانیکی پیش‌بینی گردد.

پرسش‌های ۷ و ۸: نقاط آمادی تشکیل شده توسط گروهان مهمات، نارسائی‌ها و پیشنهادات و

ضمناً وضعیت آمادگاه مهمات از نظر گسترش، گنجایش، تسهیلات و غیره؟

پاسخ:

الف- فرماندهی پشتیبانی منطقه ۲:

(۱) دو گروهان مهمات مستقر در اصفهان و کازرون که هر کدام یک نقطه آماد (دسته مهمات) مهمات در شیراز و اهواز دارند؛ پس از شروع اناا، این دو گروهان سه نقطه آماد مهمات در آبدانان، امیدیه و نقطه ۷۷ (اهواز) تشکیل دادند.

وضعیت لجستیک در هشت ماه ابتدای جنگ در منطقه جنوب در... / ۱۴۹

(۲) لشکر ۲۱ حمزه و سایر یگان‌های مستقر در دزفول به علت وسعت منطقه و کمبود پرسنل متخصص مهماتی در ف پش م ۲، رأساً به آمادگاه دوکوهه مراجعه و مهمات خود را دریافت می‌دارد ولی اعلام وصول مهمات از طریق پشتیبانی م ۲ به لشکر ۲۱ ارسال و نتیجه به دوکوهه اعلام می‌شود.

(۳) به علت وسعت منطقه و تراکم نیروها و کمبود پرسنل متخصص مهمات در ف پش م ۲، دو نقطه آماد فرعی در جراحی (ماهشهر) و قفاص (آبادان) توسط ف پش م ۲ دایر شد.
ب- قرارگاه تاکتیکی جنوب

(۱) پس از شروع جنگ تحمیلی یگان‌ها نیازمندی مهمات خود را از آمادگاه دوکوهه مستقیماً دریافت می‌نمودند (بر مبنای جنگ‌افزار موجود خود). پس از بمباران آمادگاه مزبور به منظور گسترش مهمات و تشکیل نقاط آماد جدید در نزدیکی یگان‌های رزمنده بر مبنای ده روز ذخیره عملیاتی، نقاط آمادی به شرح زیر توسط ف پش م ۲ تشکیل گردید.
(الف) نقطه آماد آبدانان برای تیپ ۸۴.

(ب) نقطه آماد امیدیه جهت یگان‌های تحت امر ستاد عملیاتی اروند سابق.
(پ) نقطه آماد دغاغله که پس از بمباران به مشرحات نقل مکان داده شد و نیز نقطه آماد ۷۷ جهت پشتیبانی لشکر ۱۶ و لشکر ۹۲.
(ت) نقطه آماد کمکی ماهشهر در اختیار لشکر ۷۷ به منظور آمارسانی محور آبادان - خرمشهر.

تمام این نقاط توسط ف پش م ۲ اداره می‌گردد.
مشکلات نقاط آماد مهمات در ف پش م ۲:
(الف) کمبود پرسنل ورزیده مهماتی
(ب) متنوع بودن جنگ‌افزارها و کشورهای سازنده آن
(پ) عدم رعایت صحیح روش جاری آماد مهمات
(ت) کمبود وسایل نگهداری مهمات از قبیل انواع انبارها، بالابرها، نبودن وسایل آتش - نشانی کافی در نقاط آماد از کپسول تا ماشین آتش‌نشانی.
(ث) عدم آگاهی پرسنل به طبقات مختلف مهماتی (طبقات ۱ تا ۴ از نظر آتش‌نشانی)

پ- نظریه گروه بررسی:

(۱) انا آمادگاه اصلی دوکوهه مناسب نبوده و به علت مسطح بودن زمین، عدم وجود انبارهای زیرزمینی و تراکم کوپه‌ها در منطقه بدون حصار خاکریز در حمله هوایی دشمن در مورخه ۱۳۵۹/۷/۵ مقدار زیادی مهمات از بین رفت و تقریباً آمادگاه از مهمات کالیبر بزرگ خالی شد.

(۲) به علت حساس بودن منطقه دزفول، وجود یک گروهان مهمات به منظور پشتیبانی یگان‌های رزمنده ضروری به نظر می‌رسد.

(۳) در گسترش گروهان‌های مهمات، به انبارهای زیرزمینی توجه بیشتری شود، چون عملاً این قبیل انبارها در مقابل حملات هوایی دشمن در آمادگاه دوکوهه محفوظ مانده اند.

پرسش ۹: روش‌های دریافت، انبار کردن، تفکیک، سهمیه‌بندی و ارسال اقلام مهمات برای پشتیبانی یگان‌های مصرف‌کننده؟

پاسخ:

در اوایل انا به علت درگیری‌های زیاد، نقل و مکان یگان‌ها به جنوب، بمباران دوکوهه، استقرار یگان‌های متفرقه در منطقه و عدم وجود نقاط آماد طبقه ۵ در منطقه هیچ‌گونه اصولی در مورد دریافت، انبار کردن، تفکیک، سهمیه‌بندی و ارسال مهمات انجام نمی‌گرفت. مهمات را با یک تلگراف، رسید موقت، توسط خودروهای شخصی از قبیل وانت‌بار و... حتی توسط آمادگاه صحرایی دزفول به منطقه ارسال می‌داشتند که گاهی مهمات غیر لازم نیز تخلیه می‌شد. به مرور که یگان‌ها مستقر شدند، این امور نیز سر و سامانی پیدا کرد.

اما مدیریت مهمات در اوایل انا نتوانست بداند که نهادهای انقلابی مهمات دریافتی را بر مبنای چه تعداد انا تقاضا می‌نماید و نهادهای با مراجعه به مدیریت مهمات نیازهای خود را دریافت می‌نمود تا این که در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۰ نهادهای رزمنده در مناطق عملیاتی زیر امر یگان‌های رزمنده نذاا قرار گرفتند و دستورالعمل به این شرح صادر گردید (در مورد مهمات با توجه به محدودیت از این پس تنها عناصر و نهادهایی از نقطه نظر مهمات پشتیبانی

می‌شوند که در کنار ارتش با ارتش مزدور عراق و ضد انقلابیون داخلی می‌جنگند. این مهمات از طریق یگان‌های نظامی که نهادهای انقلابی را کنترل عملیات دارند، واگذار خواهد شد. (نظریه گروه بررسی:

با توجه به عدم وجود گروهان مهمات سازمانی در منطقه جنوب، بمباران دوکوهه و وجود یگان‌های غیر نزاجا و نهادهای دیگر که روش جاری آماد مهمات را نمی‌دانستند و غافلگیر شدن نیروها در مقابل یورش ناجوانمردانه دشمن سبب این هرج و مرج شده بود که تا مدت‌ها ادامه داشت. به نظر می‌رسد که با تشکیل گردان لوج در منطقه دزفول تا حدودی این مشکلات برطرف شود.

پرسش ۱۰ و ۱۲: نحوه اجرای روش‌های پشتیبانی آمادی کلیه اقلام مورد نیاز یگان‌های پشتیبانی‌شونده (به غیر از مهمات) توسط پش م ۲ پاسخ:

الف- روش‌های پشتیبانی آمادی اقلام طبقات ۱۰ گانه تصویبی نزاجا فرقی نکرده و قابل اجراء است و رعایت آن اصول توصیه می‌گردد.

ب- به علت انحلال گردان لوج در دزفول (قبل از جنگ تحمیلی) جهت تشکیل نقاط آمادی طبقات آمادی از پرسنل گردان‌های لوج ۵۷۳ شیراز و ۵۱۵ کرمان و آمادگاه‌های عمومی اصفهان برداشت شده است. هم‌اکنون از گردان ۵۷۳ تقویت شده، حدود ۷۰ درصد پرسنل موجود (با توجه به ۴۰ درصد موجودی سازمانی) جهت تشکیل نقاط آمادی، تیم‌های تعمیراتی، ایستگاه‌های تخلیه و تیم تخلیه و اخراجات به کار برده است.

پ- به علت کسر سازمان با استفاده از سایر امکانات ف پش م ۲ و ۳ نقطه آماد طبقه ۱ و ۳ در آبدانان، امیدیه و دزفول تشکیل گردیده است. در ضمن لشکرهای ۹۲، ۲۱ و ۱۶ طبقه ۱ را با استفاده از اعتبار واگذاری ف پش م ۲ رأساً تأمین و لشکر ۷۷ توسط نقطه امیدیه تدارک و از نظر طبقه ۳ این سه لشکر از شرکت نفت و لشکر ۷۷ توسط نقطه امیدیه تأمین می‌شود.

به علت کسری تانک‌های سوخت، شرکت نفت، سوخت را در نقاط آماد دزفول و امیدیه به صورت محمول در روی تانک‌های خود در اختیار قرار می‌دهد.

به طور کلی در منطقه عملیات نقاط آمادی ۱، ۳ و ۵ دایر شده؛ بقیه طبقات آمادی توسط آمادگاه صحرایی طبق روش جاری تدارک می‌شود.

ت- نظریه گروه بررسی

(۱) روش جاری آمادی تصویری نزاجا مناسب بوده و اجرای آن توصیه می‌شود.

(۲) به علت تراکم بیش از حد نیرو در منطقه‌ی جنوب، استفاده از پرسنل کلیه یگان‌های

ف پش مناطق در تشکیل نقاط آمادی راه حل مناسبی بوده است.

(۳) نقاط آمادی برای طبقات ۱۰ گانه آمادی مورد نیاز به طور کامل تشکیل نشده و

لشکرهای رزمنده اکثراً با مراجعه مستقیم به آمادگاه صحرایی ۵۷۱ دزفول نیازمندی‌های خود را از نظر طبقات آمادی ۲، ۴، ۷، ۸ و ۹ تأمین می‌نمایند که این عمل برای یگان‌های مستقر در دزفول اشکالی ایجاد نمی‌کند، ولی سبب طولانی شدن خطوط مواصلاتی سایر یگان‌ها خواهد بود.

(۴) فرماندهی پشتیبانی منطقه ۳ نسبت به تشکیل نقاط آمادی مورد نیاز لشکرهای ۲۱ و

۷۷ در منطقه اقدام تا لشکرها رأساً درگیر امور آمادی از رده عقب نباشند.

پرسش ۱۱: روش‌های خدمات مربوط به حمام، خبازی، کفن و دفن و ثبت قبور و خدمات بهداشتی در عملیات به چه نحو بود؟

پاسخ:

الف- به علت نبودن حمام‌های متحرک در گروهان آماد و خدمات از امکانات شهرهای دزفول؛ اهواز و اندیمشک استفاده شده و طبق برنامه زمان‌بندی پرسنل لشکرهای رزمنده و سایر یگان‌های مستقر در منطقه از این حمام‌ها استفاده می‌کنند.

ب- در مورد نان و خبازی:

(۱) در بدو امر نان از منابع محلی و تهران تهیه می‌شد، ولی به منظور تأمین نان در محل

توسط ف پش م ۲ پس از بررسی‌های زیاد در یک محل، با هماهنگی فرماندهی دزفول، در آن شش تنور نان تافتون پخته شده و با استخدام کارگر خباز هم‌اکنون مشغول به کار بوده و نان را تمام یگان‌های غیرلشکری مستقر در منطقه دزفول، جیره دریافت می‌دارند.

وضعیت لجستیک در هشت ماه ابتدای جنگ در منطقه جنوب در... / ۱۵۳

(۲) دو دستگاه خبازخانه صحرایی (یکی ساندویچی و دیگری بربری) نیز در منطقه وجود دارد که همیشه آماده و گرم نگه داشته می شود.

(۳) پیشنهاد می گردد که برای هر یک از لشکرها در منطقه پشتیبانی لشکر سازمانی به نام دسته خباز با پنج دستگاه نانوائی متحرک صحرایی به ظرفیت حداقل هر دستگاه ۴۵۰۰ جیره در نظر گرفته و در عملیات به صورت غیر تمرکزی به کار ببرند. در ادامه جنگ بیشتر از این طریق اقدام گردید.

پ- گروهان خدمات بهداری گردان لوج ۵۷۳ شیراز، دو دستگاه تخلیه مجروحین در اندیمشک و دغاغله اهواز تشکیل داده است. این دو دستگاه ضمن مداوای مصدومین و بیماران تخلیه آن ها را نیز به عهده دارند.

ت- نظریه گروه بررسی:

(۱) به علت طولانی شدن جنگ تمام یگان ها اعم از در خط و احتیاط و... نیاز به استحمام دارند. در این عملیات اکثراً از حمام های شهرهای نزدیک یگان ها برای استحمام استفاده می شود که این عمل باعث تفرقه پرسنل و پایین آمدن آمادگی رزمی در لحظات حساس می شود. با توجه به اینکه لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهداء(ع) با ابتکار شخصی و استفاده از کانکس های واگذاری، حمام صحرایی به ظرفیت هر ساعت ۲۰ نفر ساخته است که به صورت ترکیبی از سنتی و جدید و دارای منابع آب سرد و گرم بوده که اشکال فشار آب را نیز برطرف می کند. لذا پیشنهاد می شود:

با بررسی این نوع حمام های صحرایی و رفع معایب احتمالی آن ها نسبت به ساختن آن ها به ازای هر گردان رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی یک دستگاه اقدام نمایند.

(۲) کفن و دفن:

(الف) به طور کلی عملیات مربوطه به شهدا بایستی جدا از عملیات مداوا و تخلیه مجروحین باشد. وظیفه اولی به عهده دسته ثبت قبور و دومی به عهده یگان های بهداری محول شده است؛ ولی در این عملیات اکثر یگان ها وظیفه تخلیه شهدا را به عهده یگان های بهداری گذاشته اند که درست نیست و یگان های بهداری را از وظایف اصلی خود بازداشته

است. پیشنهاد می‌شود که به کلیه یگان‌ها ابلاغ شود تا این دو وظیفه را از هم تفکیک کرده و نسبت به فعال نمودن دسته‌های ثبت قبور و کفن و دفن به طور مستقل اقدام نمایند.

(ب) این انا عملاً ثابت کرد که به علت فرهنگ ملی و خواست خانواده‌ها برای تدفین شهدا در موطن اصلی، نیازی به تعیین گورستان معینی برای دفن کلیه شهدا نمی‌باشد. در دستور اداری و لجستیکی این مطلب در نظر گرفته شود.

(پ) تخلیه شهدا از نقاط جمع‌آوری درگذشتگان لشکر تا تخلیه به موطن اصلی به عهده دسته کفن و دفن ف پش م ۲ می‌باشد که عملاً این کار را انجام نمی‌دهد.

(۳) گروهان خدمات بهداری در این عملیات نسبت به تخلیه مجروحین و بیماران از لشکرها اقدام نکرده است؛ لذا پیشنهاد می‌شود که طبق روش جاری با تشکیل سازمان مربوطه، این گروهان فعال شود.

پرسش ۱۲ و ۱۳: اقدامات انجام شده توسط گردان مختلط ترابری در پشتیبانی یگان‌های رزمی شامل (دو گروهان ترابری سبک، یک گروهان ترابری متوسط، یک گروهان ترابری سنگین و یک گروهان ترابری مواد نفتی) نارسائی‌ها و پیشنهادات ویژه در مورد ترابری وسایل سنگین از قبیل تانک و... ؟

پاسخ:

الف- گردان مختلط ترابری (پشتیبانی منطقه ۲) اوایل انقلاب از دزفول به شیراز آمد و گروهان سنگین (ماز) آن از بدو تشکیل گردان زیر امر لشکر ۹۲ قرار داشت و یک گروهان سبک و یک گروهان متوسط در آمادگاه دزفول باقی ماند. در طول عملیات این گردان به ترتیب تقدم عبارت است از:

- رساندن مهمات از آمادگاه‌ها به نقاط آمادی

- کمک به آمادرسانی کلیه یگان‌های مستقر در منطقه با حمل طبقات آمادی از آمادگاه صحرایی به نقاط آمادی.

توضیح: این که این انا نشان داد که در جوار آمادگاه بایستی گردان ترابری مختلط و گردان لجستیکی حضور داشته باشد. با وجود اعزام این گردان ترابری قادر به انجام کارهای

وضعیت لجستیک در هشت ماه ابتدای جنگ در منطقه جنوب در... / ۱۵۵

ترابری محوله در منطقه نبودیم که تیم‌های ترابری از ف لوج نراجا (ف ترابری) در دزفول، اهواز و ماهشهر تشکیل شد.

ب- نظریه گروه بررسی:

(۱) وجود گردان ترابری مختلط در جوار آمادگاه ۵۷۱ دزفول با یک گروهان تانک‌بر اضافی به طور دائم ضروری است.

(۲) اکثر خودروهای روسی به علت گرمسیری منطقه در جنوب کارایی کافی نداشته

(۳) در تأمین کسری خودروهای تانک‌بر، از انواع ماک و بنز حداقل به جای ماز خریداری شود.

(۴) در زمان جنگ تشکیل تیم‌های ترابری به وسیله ف ترابری و با استفاده از امکانات سایر یگان‌ها و استفاده تمرکزی از وسایل ترابری سنگین برای جابه‌جایی تانک‌های چهار لشکر در منطقه تجربه خوبی بود.

(۵) از مازهای تانک‌بر برای حمل تانک در این عملیات گاهی تا لجمن استفاده شده است. به فرماندهان توجه داده شود، حداکثر تا منطقه تجمع از این وسایل استفاده شود.

مسائلی که یگان ترابری سنگین ماز از ابتدای وقوع جنگ تحمیلی با آن مواجه بوده است:
۱- مشکل کمبود راننده قبل از انقلاب هم وجود داشت، مخصوصاً پس از انقلاب نیز تعدادی از بهترین رانندگان تانک‌بر و ماز و مکانیک ماز به شهرهای دیگر منتقل شدند.
راه حل: بایستی هر چه زودتر با اختصاص و قرار دادن تعداد زیادی درجه‌دار کادر راننده این مشکل را جبران کرد.

پرسش ۱۴: تعداد گروهان‌های جایگزینی در ف پش م ۲

پاسخ:

یک گردان جایگزینی ۶۰۳ در شیراز دارای ارکان و گروهان ارکان و ۳ گروهان جایگزینی است.

نظریه گروه بررسی:

در صورت که سازمان این گردان تکمیل گردد، جوابگوی نیازمندی‌ها خواهد بود.

پرسش ۱۵: روش‌هایی را که آمادگاه صحرایی در مورد آماد اقلام مورد نیاز یگان‌های رزمی معمول داشته است شامل:

- گروهان آماد صحرایی مهندس
 - گروهان آماد صحرایی اردنانس
 - گروهان آماد صحرایی سررشته‌داری
 - گروهان آماد صحرایی بهداری
 - گروهان آماد صحرایی مخابرات
- پاسخ ۱۵:

الف- مقدمه:

در شروع اناا تیپ ۲ دزفول و تیپ ۳۷ زرهی در منطقه دزفول در سرتاسر مرز گسترش داشت که روزهای اول اناا نیاز شدیدی به مهمات پیدا شد، برای این که وضع کاملاً بحرانی بود. به منظور حدااثر استفاده از زمان، فرمانده آمادگاه با اینکه مسئولیتی در تدارک مهمات نداشت، ولی با کمک نهادهای داخلی دزفول (اهاا، بسیا و پاسداران) تعدادی خودرو انا و با کمک افسر مهماتی که از شیراز آمده بود، نسبت به انا مهمات به اهاه اقدام نمود. اشكال این بود که نماینده یگان، همراه راننده شخصی نبود، لذا در اناویل مهمات به یگان‌ها و انواع مهمات مورد نیاز و تفکیک آن‌ها در روزهای اول اناا هرا و مرچ به وجود آمد.

آمادگاه صحرایی حدود ۶۰٪ استعداد، موجودی دارد که علاوه بر یگان‌های پشتیبانی شونده خود در منطقه، کلیه یگان‌های رزمنده اعزامی به منطقه خوزستان را نیز می‌بایستی پشتیبانی می‌نمود.

در روزهای اوّل اناا به علت بحرانی بودن وضع و حساس بودن لحظات زمان، روش‌های آمادی موجود رعایت نشد. به هر کس که اها اخذ طبقات آمادی مراجعه می‌کرد فقط با ارائه کارت شناسایی، وسایل مورد نیاز داده می‌شد و رسید موقتی اخذ می‌کرد و ااره‌ای از آن نبود؛ ولی به مرور که یگان‌ها مستقر شدند و ا افتادند روش جاری آمادی نیز رعایت گردید و در صورتی که روش جاری آمادی در تمام یگان‌ها رعایت شود مشکلی پیش نمی‌آید.

وسایل عمده ۵ گانه که در زمان صلح مستقیماً به وسیله ف لوج نذاا طرح تقسیم صادر و به وسیله نمایندگان لشکرها و یگان‌های مشابه در تهران از آمادگاه‌های اصلی دریافت و ارسال

وضعیت لجستیک در هشت ماه ابتدای جنگ در منطقه جنوب در... / ۱۵۷

می‌شد، به علت درگیری حاصله از جنگ، مستقیماً به آمادگاه صحرایی دزفول ارسال و به علت زیادی وسایل و حجم کار، نارسائی‌هایی در ابتدا به وجود آورد.

آمادگاه صحرایی دزفول گنجایش نگهداری ذخایر طبقات آمادی را ندارند.

ب- گروهان آماد صحرایی اردنانس

(۱) مشکلات عبارتند از:

- عدم تدارک به موقع و کافی اقلام عمده و قطعات یدکی

- عدم همکاری بعضی از یگان‌های رزمنده در منطقه در مورد تحویل گرفتن اقلام عمده

اردنانس که توسط نماینده این گروهان روزهای اول جنگ حمل می‌شد، که این مشکل به مرور برطرف شد.

- کمبود پرسنل حسابدار و کارتیست و قطعه‌شناس برای انواع تجهیزات ساخت کشورهای

مختلف

- فقدان کتاب‌ها و شماره فنی اقلام درخواستی بعضی از تجهیزات و خودروهای کشورهای

مختلف

- همراه نبودن حواله با قطعات ارسالی

- ارسال وسایل از طرق مختلف از قبیل هوا، راه آهن، زمینی و مخلوط با سایر اقلام ۵ گانه

(۲) پیشنهادات

- تدارک وسایل و قطعات یدکی مورد نیاز و آئین‌نامه‌های تدارکات و شماره فنی قطعات از

طریق ف لوج نزاجا.

- هماهنگی بیشتر در مورد همراه نمودن نسخه سوم حواله‌ها با اجناس ارسالی از آمادگاه

مادر.

- اورهال وسایل و قطعات اردنانشی جدا از سایر اقلام ۴ گانه دیگر.

- کشیدن راه آهن از اندیمشک تا آمادگاه صحرایی.

- به منظور شارژ کافی انبار برای مواقع عملیاتی و جنگی، لازم است که در قرارداد خرید

جنگ‌افزارهای سنگین از نظر لوله، قطعات یدکی و مهمات نیز به تعداد کافی پیش‌بینی گردد.

- یگان‌های مصرف‌کننده در تنظیم درخواست اقلام، اصول را رعایت نمایند.

پ- گروہان آماد سررشته داری:

(۱) مشکلات:

- کمبود بعضی اقلام از قبیل چادر و کلاه آهنی

- کمبود کانکس‌های یخچال‌دار

- کمبود پرسنل متخصص

- ارسالی حبوبات و گاهاً برنج در گونی‌های ۱۰۰ کیلویی، جابجایی آن‌ها را به علت سنگینی وزن مشکل می‌سازد.

(۲) پیشنهادات:

- تدارک به موقع اقلام مورد نیاز توسط رده بالا

- به علت کمبود آشپزخانه‌های صحرایی می‌توان از آشپزخانه‌های ثابت و سنتی استفاده

نمود.

- جیره‌های عملیاتی از انواع مختلف حداقل پنج نوع تهیه شود که سرباز رغبت خوردن

داشته باشد.

عمر قانونی کنسروهای ذخیره عملیاتی طوری تنظیم شود که در فصل زمستان یا پاییز

تمام شود.

ت- گروهان آماد صحرایی بهداری:

(۱) مشکلات:

- کمبود پرسنل، انباردار و کارتیست

- بعضی از داروها و وسایل کمبود داشت و مورد نیاز شدید در منطقه بود.

- فقدان سردخانه جهت داروهای فاسد شدنی

- فقدان کولر و یا ایر کاندیشن در انبار بهداری.

- عدم رعایت روش جاری آمادی توسط بعضی از یگان‌ها.

- همراه نیارودن بعضی از وسایل سازمانی توسط یگان های رزمنده به منطقه عملیات.

(۲) پیشنهادات:

- تأمین کمبود پرسنل.

- تأمین کمبود وسایل و دارو توسط رده بالاتر
- تهیه سردخانه برای داروهای فاسد شدنی و تعبیه کولر برای انبارها
- رعایت اصول تدارکاتی توسط یگان‌ها و توجیه آنان در سمینار تدارکاتی متشکله
- ث- گروهان آماد صحرایی مخابرات:

(۱) مشکلات:

- کمبود قطعات یدکی و بعضی از وسایل عمده
 - تدارک تعدادی از واحدهای پشتیبانی از چند چانل آمادی
 - عدم رعایت اصول آمادی در بعضی از یگان‌ها
 - عدم ارسال بارنامه با وسایل و قطعات ارسالی از تهران
- (۲) پیشنهادات:

رفع کلیه معایب مشکلات فوق تقاضا می‌شود.

ج- نظریه گروه بررسی:

- (۱) دستورالعمل روش جاری آمادی تصویری نزاها در صورتی که توسط تمام یگان‌های پشتیبانی کننده و شونده رعایت شود، جوابگو خواهد بود و روش قابل قبول و مطمئنی است.
- (۲) به طور کلی به علت عدم وجود کانکس‌های قفسه‌دار برای حمل وسایل و قطعات انبارها، گردان آماد در آمادگاه صحرایی دزفول تقریباً ثابت بوده و در صورت حملات زمینی و هوایی دشمن آسیب‌پذیر می‌باشد.

بقیه نظر برابر پیشنهادات یگان‌های آمادی پشتیبانی م ۲ و ۳

پرسش‌های ۱۶ و ۱۷: وضعیت سطح عملیاتی، سطح تأمین، زمان درخواست تا دریافت آمادهای مختلف در آمادگاه صحرایی و روش‌های توزیع در نقاط آمادی در عملیات به چه نحو بود؟

پاسخ:

در صورتی که منابع خارجی مشخص شده و به طور مرتب نسبت به ارسال وسایل مورد نیاز اقدام گردد، سطوح آمادی تعیین شده قبلی جوابگوی نیازمندی‌ها خواهد بود.

روش‌های توزیع در نقاط آمادی اکثراً به صورت تقسیم در نقطه بود.

نظریه گروه بررسی:

نظریه آمادگاه صحرایی مورد تأیید است.

پرسش ۱۸: روش‌های انجام شده در پشتیبانی‌های نگهداری توسط گردان تعمیر و نگهداری در عملیات شامل:

گروهان پشتیبانی عمومی اردنانس

گروهان تعمیر و نگهداری صحرایی مهندسی

گروهان تعمیر و نگهداری صحرایی مخابرات

دسته تعمیر و نگهداری سر رشته‌داری

پاسخ:

الف- مقدمه:

به علت عدم وجود کامل گروهان پشتیبانی مستقیم نگهداری ثابت در منطقه دزفول و اعزام ناقص آن از شیراز که هیچ‌گونه فعالیت‌ای ندارد، اجباراً کلیه راه کارهای تعمیراتی رده ۳ یگان‌های غیرلشکری مستقر در منطقه نیز (علاوه بر کارهای تعمیراتی رده ۴ کلیه یگان‌ها) به عهده گروهان پشتیبانی عمومی محول شده است. گروهان تعمیر و نگهداری مهندس و مخابرات نیز کارهای محوله رده ۳ و ۴ را انجام می‌دهند. از دسته تعمیر و نگهداری سر رشته‌داری فقط فرمانده دسته و یک نفر مکانسین آشپزخانه‌های صحرایی داریم که در سرتاسر منطقه فعالیت می‌کند. از کلیه مراکز تعمیراتی و مراکز آموزشی، متخصصینی به منطقه اعزام شدند، ولی هماهنگی بین این پرسنل و آمادگاه وجود نداشت.

ب- گروهان پشتیبانی عمومی اردنانس

به علت فعال نبودن گروهان پشتیبانی مستقیم نگهداری مأمور از شیراز در نتیجه تحمیل تعمیرات رده ۳ یگان‌های غیر لشکری و انجام تعمیرات رده ۴ کلیه یگان‌های مستقر در منطقه عملیات عملی نشده است.

استعداد موجود گروهان حدود ۶۷ درصد بوده و در طول عملیات از نهادها و سایر یگان‌های نزاجا از نظر پرسنل متخصص پشتیبانی شده‌ایم.

سه نفر مهندس استاد دانشکده فنی دانشگاه کرمان به عنوان پشتیبانی این گروهان از نظر تعمیرات آفتامات‌ها و سایر وسایل برقی خودروها در تعمیرگاه مشغول فعالیت بودند.

پ- گروهان تعمیر و نگهداری صحرایی مهندسی:

دسته پارم ام ۳ هنوز فعال نشده است. آمار تعمیرات تا حدودی قابل قبول بود. به علت فقدان متخصص تعمیر یخچال‌ها و کولرها با استفاده از پرسنل سایر نهادها و نیروهای مردمی انجام می‌شود.

ت- گروهان تعمیر و نگهداری صحرایی مخابرات:

استعداد موجود در شروع عملیات حدود ۴۰ درصد و الان ۷۵ درصد بوده. قطعات یدکی بی‌سیم‌های تانک‌های چیفتن (کلانزمان) در منطقه وجود ندارد. از پرسنل مرکز تعمیرات تهران با قطعات مربوطه در لشکر ۹۲ به طور مأمور برای این کار انجام وظیفه می‌نمایند. بزرگترین مشکل این گروهان کمبود قطعات یدکی است.

تعمیرات انجام شده توسط این گروهان تا حدودی قابل قبول بود.

ث- نظریه گروه بررسی:

(۱) یک گردان لجستیکی به طور دائم در جوار آمادگاه صحرایی تشکیل و انجام وظیفه نماید تا از تحمیل تعمیرات رده ۳ به گردان تعمیر و نگهداری آمادگاه صحرایی جلوگیری شود.
(۲) دسته پارم ام ۳ به علت داشتن تجهیزات تعمیراتی کافی و ۱۰۰ درصد متحرک هر چه زودتر فعال شود.

(۳) نسبت به تکمیل کادر وسایل سنگین مهندسی اقدام تا گروهان تعمیر و نگهداری مهندسی خود کافی باشد.

(۴) در مورد تکمیل سازمان دسته تعمیر و نگهداری سر رشته‌داری نیز اقدام گردد تا فعال شده و وظایف محوله را انجام دهد.

(۵) به منظور حداکثر استفاده از پرسنل متخصص غیرنظامی اعزامی از نهادهای انقلابی و دولتی و شخصی باید ترتیبی داده شود که در جوار هر یک از این پرسنل حداقل یک یا دو نفر پرسنل کارآموزی نظامی مشغول انجام وظیفه شوند.

پرسش ۱۹: روش‌های اجرا شده در مورد تخلیه و اخراجات وسایل از کار افتاده؟

پاسخ:

گروهان پشتیبانی عمومی یک تیم تخلیه تحت نظر یک نفر افسر دارد که تخلیه وسایل را از نقاط جمع‌آوری نگهداری لشکر انجام می‌دهد.

نظریه گروه بررسی:

به طور کلی تخلیه وسایل از منطقه لشکر به عقب اکثراً بر عهده خود لشکرها محول شده بود که با توجه به کمبود وسایل تخلیه و پرسنل و وسعت منطقه لشکرها قادر به این کار نبودند. بایستی سازمان مربوطه در گردان‌های لجستیکی ف پیش م ۲ تقویت شده و در زمان جنگ فعال‌تر گشته و وظایف سازمانی خود را انجام دهد.

پرسش ۲۰: اقدامات انجام شده در مورد اقلام اضافی، بازیافتی، اغتنامی و طرح‌های موجود؟

پاسخ:

الف- در ف پیش م ۲ اقلام اضافی وجود ندارد. اقلام بازیافتی پس از مراجعه نمایندگان ذینفع تخلیه و بهره‌برداری می‌شود. وسایل اغتنامی که یکی از منابع مهم اطلاعاتی و آمادی است، به علت عدم استقرار انضباط کافی در میدان نبرد اکثراً توسط پرسنل رزمنده از قشرهای مختلف به غنیمت برده شده و یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای سازمان خود آن‌ها را تصاحب کرده است. قلم مهمی از این قبیل وسایل در چانل آمادی قرار داده نشده است.

نویسنده: اقلام اغتنامی مثلاً تانک‌های تی ۵۵ در عملیات بزرگ فتح‌المبین و بیشتر توسط بسیج و سپاه پاسداران جمع‌آوری و مورد استفاده قرار گرفت و قسمتی از آن را مثلاً (روز اول پیروزی فتح‌المبین گروهان دوّم جلویی تعمیر و نگهداری که مأموریت از پشتیبانی ۹ گردان توپخانه و ۴ گردان گروه رزمی افشین و یگان‌های مأمور به لشکر تغییر کرد و مأمور پشتیبانی تیپ ۳ لشکر ۲۱ گردید. فرمانده تیپ ۳ مرحوم امیر پورداراب گروهان مذکور را مأمور جمع‌آوری اقلام غنیمتی مخصوصاً تانک‌ها نمود) که قسمت عمده‌ی جمع‌آوری شده روز اول با نوشتن جمله (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) توسط یکی از بسیجیان شبانه قسمت

وضعیت لجستیک در هشت ماه ابتدای جنگ در منطقه جنوب در... / ۱۶۳

آنان شد و از روز دوم اqlام جمع‌آوری به دسته تعمیرات زرهی تحویل و به کمک آن دسته به نقطه‌ی جمع‌آوری لشکر منتقل گردید و حاصل جمع‌آوری اغتنامی در عملیات‌ها به ویژه عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس (فتح خرمشهر) به اضافه‌ی اqlام تهیه شده بعدی برای تشکیل گردان قدس ۱۹۵۴ استفاده گردید.

پرسش ۲۱: روش‌های استفاده از منابع غیر نظامی از نظر پرسنل و وسایل در عملیات؟
پاسخ:

الف- بعضی از مردم غیرنظامی در شروع جنگ مستقیماً به یگان‌های نظامی مراجعه و همکاری خود را شروع کرده‌اند، مانند آقای حاجی خلیل طلائی که متخصص برق و باطری است و آدم مبتکری است و تا به حال با ابتکار شخصی تانک‌ها و سایر تجهیزات را به طور رایگان آماده بکار کرده است.

ب- همکاری جهاد سازندگی دزفول در مورد امور آمادی، تعمیراتی و ترابری با ارتش چشمگیر بود و هیئت مدیره جهاد سازندگی با صمیمیت کامل همکاری داشتند. این جنگ ما را روشن کرد که در زمان صلح، پیش‌بینی و طرح‌ریزی‌های لازم برای هماهنگی با نهادهای انقلابی و مردمی از قبیل جهاد سازندگی و... در مورد پشتیبانی و پیش خدمات بنماییم.

پ- کمک‌های دیگر غیرنظامیان از طریق سازمان بسیج ف لوج به صورت تمرکزی انجام می‌گردد.

ت- سایر نهادهای انقلابی و محلی از قبیل جهاد سازندگی و بسیج و سازمان‌های دولتی اکثراً در اختیار ما بودند.

نویسنده: نفراتی از استان تهران با گردان تعمیر و نگهداری لشکر ۲۱ همکاری می‌کردند مثلاً از سال سوم جنگ به بعد شخصی بنام حاج آقا افشین کلیه خودروهای بنز را با همکاری نفراتی از گردان تعمیر و نگهداری، تعمیر نموده و چندین نفر نیز تعمیر کار خوب تربیت نمود.

در ابتدای جنگ بعد از چند روز آزمون و خطا و بررسی، نهایتاً زیر یک پل راه آهن اندیمشک - اهواز قبل از ایستگاه سبزآب و کانال آب، گروهان ۲ جلویی تعمیر و نگهداری لشکر ۲۱ مستقر و با بهره‌برداری از امکانات شرکت شن و ماسه و خط راه آهن فرعی و یک دستگاه تانکر آب روی

پرسش ۲۳: روش‌های استفاده از امکانات نهاجا، هوانیروز، راه‌آهن، نزاچا و سایر سازمان‌های غیرنظامی در عملیات ترابری، آماد و تعمیراتی؟

پاسخ:

الف- استفاده از هواپیماهای ترابری نهاجا جهت حمل پرسنل و آماد از تهران از طریق معاونت لوج نزاچا به سماچا ۴ گزارش و سپس با امریه سماچا ۴، نهاجا اقدام می‌نماید و بالعکس از طریق قرارگاه‌ها انجام می‌گیرد.

ب- از امکانات هوانیروز از طریق معاونت اطلاعات و عملیات (مد عملیات) در تهران و از طریق رکن ۳ قرارگاه‌ها در منطقه عملیات استفاده می‌گردد.

پ- از امکانات راه‌آهن از طریق ف لوج نزاچا (ف ترابری) استفاده می‌گردد. در مناطق عملیاتی جنوب حداکثر استفاده از امکانات راه‌آهن جهت ترابری پرسنل و آماد به عمل آمده است.

ت- از امکانات ترابری آبی نداجا در منطقه عمومی آبادان، ماهشهر به خصوص ماه‌های اولیه محاصره آبادان حداکثر استفاده جهت ترابری آمادها و پرسنل استفاده گردیده است.

ث- از تانکرهای سوخت شرکت نفت و شرکت‌های خصوصی، از تانکرهای آب شهرداری‌ها و آتش‌نشانی‌ها، از خودروهای ترابری ادارات دولتی و خصوصی و اتوبوس‌های شرکت خصوصی و دولتی حداکثر استفاده شده است.

ج- نظریه گروه بررسی

(۱) عملیات انجام شده مورد تأیید است.

(۲) به منظور حداکثر بهره‌برداری از این امکانات بهتر است که در زمان صلح با هماهنگی سازمان‌های ذینفع طرح‌های مشترکی تهیه و در مانورها و عملیات مورد استفاده قرار گیرد.

پرسش ۲۴: اشکالات عمده غیرعادی در انواع آماد و نگهداری به علت عملیات در کوهستان، بیابان و روش‌های به کار برده در رفع آنان؟

پاسخ:

به علت گرمسیری منطقه، مصرف یخ و نگهداری آن و نگهداری وسایل فاسد شدنی تولید اشکال می‌نماید (به ازای هر نفر روزانه ۵ کیلو یخ). برای جلوگیری از فاسد شدن وسایل مورد

نیاز به خودروهای یخچال‌دار و وسایل حمل یخ و یا یخدان و فلاسک آب تا رده گروه می‌باشد. ضمناً جهت انبار کردن وسایل فاسد شدنی در این مناطق نیاز به سردخانه بوده که در صورت وجود در شهرهای نزدیک مناطق عملیاتی کمک شایانی در طول عملیات خواهد بود.

نظریه گروه بررسی: الف- تدارک یخ و مصرف بیش از حد آب و یخ در این قبیل مناطق یکی از مشکلات است که استفاده از امکانات شهری توصیه می‌شود.

ب- نیاز بیشتر به تانکرهای خودرویی و یدک آب در این مناطق، که با واگذاری تانکر از طریق نهادهای انقلابی و دولتی و خصوصی و استفاده از اعتبارات و ابتکارات شخصی در ساختن تانکرهای آب تا اندازه‌ای مشکل حل شده است. بایستی برای عملیات آینده در جداول سازمان و تجهیزات تغییراتی داده شود.

پ- دستگاه‌های تصفیه آب بیشتر به منظور تشکیل نقاط آماد آب در جداول سازمان تجهیزات گردان‌های مهندس لشکر بایستی در مورد تعداد دستگاه‌های تصفیه آب و پرسنل مربوطه تجدید نظر شود.

ت- وسایل سرد کن از قبیل خودروهای یخچال‌دار، ظروف حمل یخ و فلاسک آب
ث- به منظور جلوگیری از نیش پشه‌ها و سایر حشرات در این مناطق نیاز به توری‌های سر، پمادهای ضد حشره و داروهای مشابه است. ضمناً به منظور جلوگیری از گرم‌زدگی بایستی پیش‌بینی داروهای مربوطه بشود.

ج- مصرف بیش از حد پوشاک به خصوص لباس کار، زیرپوش بایستی در نظر گرفته شود و درصدی اضافی به یگان‌ها تحویل شود.

چ- نیروهای رزمنده در عملیات بیابانی و گرمسیر همیشه نیاز بیشتری به پشتیبانی ترابری و آماد و تعمیر و نگهداری دارند.

ح- به وسایل تجهیزات سنگین مهندسی بیشتری از قبیل بلدوزر، گریدر، بیل مکانیکی، سنگ‌رکن، لودر و مشابه آن نیاز است.

پرسش ۲۵: استعداد پرسنلی و وسایل و تجهیزات یگان‌های فرماندهی پشتیبانی لشکر؟

پاسخ: برای نمونه:

الف لشکر ۱۶

(۱) فرماندهی پشتیبانی لشکر:

استعداد پرسنل کادر (افسر و درجه‌دار) حدود ۵۲ درصد، وظیفه اکنون ۱۰۰ درصد از نظر وسایل و تجهیزات به غیر از گردان بهداری که با کمبود آمبولانس روبرو است، کمبود زیادی احساس نمی‌گردد.

(۲) گردان پشتیبانی تیپ ۵۵ هواورد زیر امر لشکر ۱۶

استعداد افسر و درجه‌دار روی هم ۶۵ درصد سرباز، ۱۰۰ درصد از نظر وسایل آمبولانس کم داریم و نیز جرثقیل و آتلیه سیار کم است.

ب- لشکر ۲۱

به علت ادغام دو لشکر ۲ و ۱ استعداد پرسنلی فرماندهی پشتیبانی لشکر منهای گردان بهداری به ۹۵ درصد رسید. اکنون استعداد تجهیزات پشتیبانی لشکر حدود ۴۰٪ است. لشکر ۷۷ و ۲۱ هم تقریباً به همین نحو است و کمبود پرسنل تخصصی مشهود بود.

پ- نظریه گروه بررسی:

با توجه به مصاحبه انجام شده و بررسی به عمل آمده یگان‌های پشتیبانی لشکر (یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی)، درصد پرسنل آن‌ها به خصوص پرسنل متخصص (افسر و درجه‌دار) بسیار پایین بوده؛ این یگان‌ها در حین عملیات توانستند ۱۰۰٪ وظایف محوله را به خوبی انجام دهند. سایر عناصر و وسایل دیگر، پیشنهاد می‌گردد که موارد توصیه شده فرماندهان به همان اندازه که توجه دارند استعداد یگان‌های رزمنده همیشه در سطح قابل قبول نگه دارند، توجه بیشتری نیز به یگان‌های پشتیبانی خود داشته باشند.

پرسش ۲۶: از دسته موزیک به چه نحوی استفاده می‌شد؟

پاسخ:

نظریه گروه بررسی

دسته موزیک علاوه بر اجرای برنامه‌های موزیک نظامی در صورت آموزش و تجهیز شدن مأموریت‌های تأمین حمل مهمات، پاسداری، راهنمایی و امربری را می‌تواند انجام دهد و

استفاده ینگان ها از دسته موزیک در اوایل عملیات و اکنون به نظر می رسد که راه حل مناسب بوده است.

پرسش ۲۷: تیم کنترل مواد غذایی چه وظایفی را به عهده گرفته بود؟

پاسخ: برای نمونه

الف- لشکر ۱۶

(۱) پشتیبانی لشکر ۱۶

تیم مزبور با داشتن دکتر دامپزشک فعال بوده و برابر روش جاری مواد غذایی را کنترل می نماید.

(۲) گردان پشتیبانی تیپ ۵۵ هوارد زیر امر لشکر ۱۶

تیم کنترل مواد غذایی فعال نیست. فقط یک درجه دار در منطقه دارد.

ب- لشکر ۲۱

تیم کنترل مواد غذایی، کنترل مواد فاسد شدنی خریداری در محل را کنترل و نظارت می نماید. کارهای دیگر از قبیل سمپاشی تمام منطقه، آزمایش آبهای منطقه، بازدید از آشپزخانه و طبخ غذا، کیفیت آن ها را نظارت و کنترل می نماید.

پ- لشکر ۷۷

برابر روش جاری مواد غذایی را در ماهشهر و آبادان کنترل و بازرسی می نماید و تعدادی از پرسنل آن در مشهد باقی مانده و این وظیفه را به عهده دارد.

ت- نظریه گروه بررسی:

نحوه استفاده از تیم کنترل مواد غذایی ینگان ها با وجود کمبود سازمان بسیار خوب بوده است.

پرسش ۲۸: ایجاد تسهیلات غذاخوری برای پرسنل مستقر در رده عقب لشکر که باید به وسیله

گروهان اداری انجام شود، چگونه عمل می گردد؟

پاسخ: برای نمونه

الف- لشکر ۱۶

وضعیت لجستیک در هشت ماه ابتدای جنگ در منطقه جنوب در... / ۱۶۹

در منطقه لشکر رده عقب ندارد و اغلب پرسنلی که قرارگاه رده عقب را باید تشکیل دهند در قزوین هستند و بعضی از پرسنل لازم با قرارگاه اصلی فرمانده در منطقه می‌باشند.

ب- لشکر ۲۱

لشکر پاسگاه رده عقب تشکیل نداده ولی شعبه جایگزینی و عناصری از آجودانی و دارایی در منطقه حضور دارند.

پ- نظریه گروه بررسی:

تأمین پرسنل کادر و یگان‌های رزمنده به علت کسر سازمان از پرسنلی که بایستی معمولاً در رده عقب مستقر گردند (گروهان اداری و غیره)، استفاده از پرسنل باقی‌مانده رده عقب در پادگان مربوطه ضمن انجام مأموریت اصلی خود جهت سرکشی به خانواده‌ها و سایر کارهای متفرقه

پرسش ۲۹: روش‌های به کار برده شده در مورد توزیع مهمات یگان‌ها به یگان‌های مصرف‌کننده

پاسخ: برای نمونه

الف- لشکر ۱۶

(۱) پشتیبانی لشکر ۱۶

نقطه آماد مهمات پشتیبانی منطقه ۲ در دغاغله است. دفتر مهمات لشکر نیز در جوار آن تشکیل گردیده و برابر روش جاری عمل می‌گردد.

(۲) گردان پشتیبانی تیپ ۵۵ هوابرد

مهمات برابر روش جاری از نقطه آماد مهمات پشتیبانی منطقه ۲ در دغاغله اهواز گرفته می‌شود.

ب- لشکر ۲۱

برابر روش جاری درخواست و دریافت می‌گردد؛ البته از آمادگاه دوکوهه.

پ- نظریه گروه بررسی

(۱) در ابتدای عملیات به علت بحرانی بودن وضعیت و نبودن خودرو وسایل مهمات در یگان‌های مصرف‌کننده، امور آمادی روی روال عادی نبوده و از این رو مقدار زیادی مهمات بدون حساب جابجا شده و هرج و مرج آمادی در یگان‌ها وجود داشته است؛ ولی به مرور که

یگان‌ها انسجام پیدا کرده و مسئولین هر کار مشخص گردید، روش جاری عادی آمادی از نظر مهمات مراعات و مشکلات فوق برطرف گردید.

(۲) روش جاری آمادی مهمات فعلی طبق اصول بوده و در عملیات قابل اجرا است.

پرسش ۳۰: دفتر آماد لشکر به چه نحو عمل می‌کرد (در سازمان ارکان و گروهان ارکان گردان آماد و ترابری)؟ محل استقرار، سطوح آمادی در رده لشکر (سطح انبار، سطح تأمین، زمان درخواست و دریافت سطح عملیاتی طبقات ۱۰ گانه آمادی)

پاسخ: برای نمونه

الف- لشکر ۲۱

به طور کلی طبق روش جاری در تمام نقاط تقسیم اصلی و جلو انواع آماد به مقدار کافی انبار شده است. آماد طبقه ۱ به یگان‌های مصرف‌کننده از طریق نقطه آماد جلو ۵ روزه منهای مواد فاسد شدنی تقسیم می‌شود. مواد فاسد شدنی روزانه تقسیم می‌شود و سطوح مربوطه نیز بر مبنای روش جاری آمادی ابلاغی در نظر گرفته می‌شود. به طور کلی میزان ذخیره آمادی طبقه ۲ و ۴ خیلی خوب بوده و از تأسیسات موجود در منطقه در جنب باغ کشاورزی روبروی پایگاه هوایی دزفول حداکثر استفاده به عمل آمده است.

ب- نظریه گروه بررسی

(۱) چون وظیفه دفتر آماد لشکر واقع در قرارگاه پشتیبانی لشکر کنترل وظایف آمادی یگان‌های تابعه و دفتر آماد لشکر در گردان آماد و ترابری می‌باشد؛ لذا عملاً در زمان صلح و عملیات این دفتر فعالیت زیادی ندارد و می‌تواند با سازمان کمتری این کار را انجام داد.

(۲) پیشنهاد می‌شود که این دفتر از سازمان مربوطه حذف و در عوض رکن ۴ قرارگاه پشتیبانی لشکر به منظور کنترل وظایف آمادی یگان‌های تابعه فرماندهی پشتیبانی لشکر تقویت گردد.

(۳) به طور کلی طبق روش جاری آمادی سطوح آمادی برای طبقات آمادی معمولاً در نظر گرفته شده است ولی به علت محدودیت‌ها پاره‌ای از طبقات آمادی به مقدار کافی موجود نبود.

وضعیت لجستیک در هشت ماه ابتدای جنگ در منطقه جنوب در... ۱۷۱/

نویسنده: تا نظر افسران سر رشته‌داری که عملاً تا آخر جنگ در گروهان آماد-خدمات و دفتر آمادهای لشکرها خدمت کرده‌اند در این مورد چه باشند.

پرسش ۳۱: رسدهای آماد و خدمات در کجا آماد طبقه ۱ و ۳ و یک نقطه جمع‌آوری باز یافتی تأسیس کرده بودند (طبقات آمادی ۲، ۴، ۶ و ۷ نیز در این نقاط آماد می‌شود؟)

پاسخ:

الف- لشکر ۱۶

(۱) پشتیبانی لشکر

- به طور کلی کلیه طبقات منهای ۵ و ۸ و ۹ در یک جا هستند.

- طبقات ده گانه آمادی و روش‌های مقرر از نزاجا قابل اجرا است.

(۲) گردان پشتیبانی تیپ ۵۵ هواورد زیر امر لشکر ۱۶

- دسته آماد برابر روش جاری در ابتدای جاده اهواز - سوسنگرد نقاط مورد لزوم را دایر نموده؛ نقطه آماد طبقه ۱ و آشپزخانه‌های تیپ در یکجا استقرار دارند.

ب- لشکر ۲۱

(۱) به طور کلی طبق روش جاری در تمام نقاط تقسیم اصلی و جلو انواع آماد به مقدار

کافی انبار شده است. آماد طبقه ۱ به یگان‌های مصرف کننده از طریق نقاط آماد جلو ۵ روزه تقسیم می‌شود. منهای فاسد شدنی که روزانه تقسیم می‌گردد.

(۲) میزان ذخیره آماد طبقه ۲ و ۴ خیلی خوب است.

- نقطه تقسیم آماد طبقه ۳ در دو نقطه یکی برای تیپ ۲ و عناصر پشتیبانی کننده و یک

نقطه در سبزاب برای تیپ‌های ۱ و ۳ و عناصر پشتیبانی کننده دایر شده است.

(۳) در مورد آماد طبقه ۱ نیز یک نقطه تقسیم اصلی و دو نقطه تقسیم در جلو در نزدیکی

نقاط تقسیم طبقه ۳ وجود دارد.

(۴) به علت مقدمات تعمیراتی گردان نگهداری و یکی از گروهان‌های نگهداری از

خودروهای ترک‌شده خودی و دشمن حداکثر استفاده را به عمل آورده و در فرصت‌های

مناسب، یا خود وسیله را به نقطه جمع‌آوری باز یافتی و نگهداری آورده و قطعه‌برداری می‌نماید

وضعیت لجستیک در هشت ماه ابتدای جنگ در منطقه جنوب در... / ۱۷۳

پیشنهاد: به علت این که کشته شدگان در جنگ شهید محسوب شده و امور شهدا با شعبه روحیه و رفاه رکن ۱ لشکر می باشد، ادغام دسته تدفین و امور شهدا ضروری به نظر می رسد. نویسنده: تا نظر افسرانی که تا آخر جنگ در این امور کار کرده اند چه باشد.

پرسش ۳۵: گروهان ترابری گردان آماد ترابری در صورت داشتن وسایل و سازمان ۱۰۰ درصد برای انجام ترابری های لشکر کافی است یا نه؟ و در عملیات به چه نحوی استفاده می شود؟ (غیر از طبقه ۵ ترابری همه آمادها را باید انجام دهد)
پاسخ:

نظریه گروه بررسی

(۱) برای جابجایی تانک ها و خودروهای شنی دار اضطراری در مواقع بحرانی لازم است که یک دسته سنگین ترابری در سازمان گروهان ترابری لشکرهای زرهی منظور شود.
(۲) در صورتی که سازمان گروهان مزبور تکمیل گردد جوابگوی نیازمندی های ترابری لشکر خواهد بود.

پرسش های ۳۶ و ۳۷ و ۳۸: گردان نگهداری گروهان های نگهداری جلو را به تیپ ها اعزام نموده بود و این گروهان ها برای انجام نگهداری های پشتیبانی مستقیم وسایل مهندسی، اردنانس، مخابرات تیپ ها کافی بودند و نقطه آمادی طبقه ۹ و نقطه جمع آوری نگهداری در منطقه پشتیبانی لشکر و بنه تیپ ها تشکیل شده بود یا نه، نارسائی ها و پیشنهادات؟
پاسخ:

الف- لشکر ۲۱:

از سه گروهان جلو، یک گروهان به تیپ های ۱ و ۳ و یک گروهان به تیپ ۲ و یگان های پشتیبانی کننده آن و گروهان دو برای پشتیبانی ۹ گردان توپخانه سازمانی و زیر امر در نظر گرفته شده بود. کار این گردان و گروهان های مربوطه کاملاً رضایت بخش بود. گروهان جلوئی مأمور به توپخانه ها از نظر مکانسین سلاح سنگین از طریق گروهان مبنا تقویت شده بود. از کارهای ابتکاری و جالب گردان نگهداری تهیه انبار سیار با استفاده از کانکس و قفسه بندی داخل آن، تهیه تانکر آب دوجداره روی شاسی رمورک ۱/۴ تن، تهیه حمام صحرائی متحرک و

حمام ثابت پاسگاه فرماندهی، تهیه تانکر آب روی خودروها، استفاده از آهن ورق، تعمیر اساسی آشپزخانه‌های صحرایی، تهیه درب و پنجره توری برای سنگرها، تهیه چارچوب برای حمل یخدان‌های چوب‌پنبه‌ای و...

ب- نظریه گروه بررسی‌کننده:

(۱) به علت نیاز مبرم به تجهیزات سنگین مهندسی در این عملیات و عدم وجود این قبیل وسایل به تعداد مورد نیاز و کافی در یگان‌های مربوطه، پیش‌بینی تعمیرکار وسایل سنگین مهندسی با تجهیزات و ابزارآلات مربوطه به تعداد مورد نیاز در گردان‌های نگهداری نشده است. (۲) حجم قطعات یدکی نقطه تقسیم طبقه ۹ لشکرها به علت عدم وجود انبارهای متحرک خیلی ناچیز بوده و عملاً جوابگوی نیازمندی‌ها نیست.

(۳) در مورد تعداد و انواع خودروهای جمع‌آوری و تخلیه که عملاً نیاز مبرم آن‌ها در عملیات احساس می‌شود. ضمناً نظریه گردان نگهداری لشکر ۹۲ در مورد تشکیل یک گروهان جمع-آوری و تخلیه با چهار دسته در گردان نگهداری زرهی که در عملیات سه دسته آن به ۳ گروهان نگهداری جلو مأمور شود مورد بررسی قرار گیرد.

(۴) لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهداء(ع) به علت شرایط خاص منطقه عملیات، تراکم یگان‌های توپخانه (۹ گردان) و نحوه گسترش آن‌ها و کمبود تعمیرکار توپخانه نسبت به تراکم آن‌ها، ابتکاری یک گروهان نگهداری مقدم را به کار بردن تمرکزی، کلیه تعمیرکاران توپخانه گردان نگهداری در این گروهان در پشتیبانی کلیه گردان‌های توپخانه موجود در منطقه خود قرار داده بود و از نحوه کار نیز رضایت داشت. به نظر گروه بررسی راه حل مناسبی بوده است و دو تیپ را در عوض با یک گروهان نگهداری پشتیبانی می‌نمود.

نویسندگان: این استاد در امر لجستیک در بررسی خود به ابتکارات یگان‌های تعمیراتی لشکرها و پیشنهادات آن‌ها اشاره نموده است که ابتدا این مطالب در تجربه ۸ ماه اول جنگ بوده و مسلماً تجربه ۸ ساله جنگ آموزه‌های زیادی از نظر اجراء تعمیرات و تدارک کامل یگان‌های رزمنده و انجام تعمیرات علیرغم کمبودهای فوق‌العاده قطعات و ابزار با دلسوزی و ابتکار انجام می‌شده است.

پرسش‌های ۳۹ و ۴۰: آیا گردان بهداری (گروهان پشتیبانی و گروهان‌های بهداری مأمور به تیپ‌ها) با فرض تکمیل بودن سازمان قادر به انجام وظایف خود بود؟

پاسخ: مثال

الف: لشکر ۱۶

گردان بهداری از نظر تجهیزات تقریباً کامل بوده ولی پرسنلی متخصص از قبیل پزشک و پزشک‌یار و غیره کمبود قابل ملاحظه‌ای دارد.

کمبود پرسنل اجازه تشکیل نقاط جمع‌آوری درمان و تخلیه را برابر روش جاری نمی‌دهد، در صورتی که یگان‌های گردان بهداری از نظر پرسنل و وسایل برابر سازمان تکمیل گردد جوابگوی نیازمندی‌ها خواهند بود.

در لشکر ۷۷ گروهان پشتیبانی ایستگاه‌های امداد و تخلیه در جراحی (اردوگاه استراحت)، کیلومتر ۲۷ جاده ماهشهر - آبادان - شادگان و سه راهی دارخوین دایر کرده است.

از خدمات برجسته گردان بهداری، تعیین گروه خون پرسنل رزمنده در سنگرها، واکسیناسیون علیه بیماری‌های مُسری و تشکیل تیم ۲۳ نفری سمپاش در منطقه است. در صورتی که سازمان گردان بهداری تکمیل شود جوابگوی نیازمندی‌ها طبق روش جاری خواهد بود.

ب- نظریه گروه بررسی

(۱) سازمان هیچ یک از یگان‌های بهداری یگان‌های عمل کننده در منطقه عملیات از نظر تجهیزات و پرسنل به خصوص از نظر پزشک و پزشک‌یار و متخصص تکمیل نبوده است تا در این عملیات طولانی تجربه عملی به دست آید که آیا رسدها و دسته‌های بهداری یگان‌های رزمی و پش رزمی و یگان‌های بهداری لشکرها و پش مناطق جوابگوی نیازمندی‌ها در عملیات خواهد بود یا خیر.

(۲) به علت کسر سازمان شدید رسدها و دسته‌های بهداری یگان‌های رزمی و پش رزمی، گردان‌های بهداری لشکرها با وجودی که خود کسر سازمان داشتند مجبور بودند که آن‌ها را حداقل با پزشک یا پزشک‌یار تقویت نمایند. این عمل سازمان گردان بهداری لشکرها را در انجام وظایف محوله ناتوان می‌نمود.

(۳) به علت نیاز یگان‌ها و وسعت منطقه عملیات، در پاره‌ای از مناطق یگان‌ها مجبور بودند که چند ایستگاه درمان و تخلیه اضافه بر ظرفیت خود به منظور سهولت در کارها و رساندن کمک‌های فوری و اورژانس دایر نمایند که تنها راه حل بوده است.

(۴) نبودن بیمارستان‌های جراحی متحرک در منطقه نیز کار ایستگاه‌های درمان و تخلیه را به علت نیاز فوری بیمار به جراحی‌های سبک، دشوارتر کرده

(۵) با بررسی به عمل آمده و مصاحبه‌های انجام شده با مسئولین چنانچه سازمان، گردان، گروهان، دسته‌ها و رسته‌های بهداری در رده لشکر تکمیل گردد سازمان جوابگوی نیازمندی‌ها خواهد بود.

پرسش ۴۱: روش آماد آب چگونه بود (توسط گردان مهندس)؟ دستگاه‌های تصفیه آب جوابگو است یا نه؟

پاسخ: مثال

الف: لشکر ۱۶

گردان مهندسی لشکر

- از آب تصفیه شهر اهواز استفاده می‌شود.

- دو نقطه آب، گردان مهندس در حمیدیه و کوت با استفاده از رودخانه کارون تشکیل داده و آب را جهت استفاده یگان‌ها تصفیه می‌نماید.

ب: لشکر ۲۱

به علت نزدیک بودن اندیمشک تعدادی از یگان‌ها از آب لوله کشی شهر استفاده می‌نمایند و تعدادی از یگان‌ها که مسافت آن‌ها دور است از نقاطی که لشکر تشکیل داده و آب را در آن جا تصفیه می‌نمایند استفاده می‌نمایند.

پ: نظریه گروه بررسی

(۱) از مقدمات گردان مهندس است که در منطقه لشکر خود ۵ نقطه آماد آب دایر نماید ولی اکثر یگان‌ها از این مقدمات استفاده نکرده بودند و هر لشکر بیش از دو یا سه نقطه آماد

آب دایر نکرده بود. لذا اکثر یگان‌های مصرف‌کننده مسافت بیش از ۵۰ کیلومتر را می‌پیمودند تا آب را از نقاط آماد به یگان‌های خود برسانند.

(۲) کمبود تانکرهای آب در یگان‌های مصرف‌کننده کاملاً مشهود بود.

(۳) این عملیات نشان داد چنانچه منابع آب شهرهای نزدیک منطقه نبود، یگان‌ها با توجه به مقدوراتشان (دایر نمودن ۵ نقطه آب) در این منطقه گرمسیری جوابگوی نیازمندی‌ها نبودند.

(۴) چنانچه منطقه فاقد رودخانه، قنات و چاه باشد به منظور کم کردن مسافت نقطه آماد از یگان‌های مصرف‌کننده پیشنهاد می‌گردد که پیش‌بینی وسایل حفر چاه در سازمان مهندسی مناسبی در نزاجا به عمل آید تا به موقع مورد استفاده قرار گیرد.

پرسش ۴۲، ۴۳، ۴۴ و ۴۷: پشتیبانی لشکر در چه محلی تعیین شده بود و ترکیب نقاط و تأسیسات آن در منطقه چگونه گسترش پیدا کرده بودند؟ نقاط و تأسیسات بنه تیپ‌ها کدام بودند و به چه روش عمل می‌شد؟ آیا رکن ۴ در تعیین محل عمومی منطقه پشتیبانی نظارت داشت؟

پاسخ:

الف: لشکر ۱۶

(۱) پیش لشکر ۱۶

پیش لشکر ابتدا در منطقه الباجی حدود ۳۰ کیلومتری جاده اهواز - دزفول با کلیه عناصر خود گسترش یافته بود، ولی بعد با تغییر مکان‌های پی در پی قرارگاه پیش لشکر در محل فعلی که شمال جاده جهاد است در نزدیک پادگان حمیدیه گسترش پیدا نموده است.

ب: لشکر ۲۱

پیش لشکر در سرتاسر منطقه اندیمشک، دزفول و جاده خاکی و شوسه منطقه سبزآب به طور پراکنده با استفاده از تسهیلات دولتی و شهری و شرکت‌های خصوصی مستقر و گسترش پیدا کرده است.

پ: نظریه گروه بررسی

(۱) با توجه به منطقه عملیات و مقدورات یگان‌ها استفاده از حداکثر تسهیلات و تأسیسات شهری برای گسترش یگان‌های پ.خ.ر و نحوه گسترش یگان‌ها و تأسیسات در منطقه پیش

لشکرها و بناه تیپها با توجه به دوری یگانهای پشتیبانی شونده از این تأسیسات راه حل مناسبی بوده است.

(۲) تعیین محل عمومی منطقه پیش لشکر و بناه تیپها از روش جاری پیروی شده و رکن ۴ نظارت ستادی داشته است.

پرسش ۴۵: یگانهای پیش خ رزمی توسط رکن ۴ لشکر انتخاب و اختصاص داده می‌شد (باهمانگی افسر عملیات)

پاسخ:

به طور کلی به علت نبودن یگانهای پیش خ رزمی یگانی در طول این عملیات از این قبیل یگانها به لشکرها واگذار نشده است ولی تیمهای سیار و پرسنل متخصص از سایر ف پیش مناطق و ف لوج نذاا و... به لشکرها واگذار و با برنامه‌ریزی رکن ۴ و همانگی رکن ۳ مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

نظریه گروه بررسی

(۱) اقدامات یگانها مورد تأیید است و برای جوابگویی در عملیات آینده و تقویت و یا جایگزین نمودن یگانهای پیش خ رزمی پیشنهاد می‌گردد که پیش‌بینی یگانهای اضافی پ خ ر بشود.

(۲) با تصویب پیشنهاد نظریه گروه بررسی در مورد تشکیل گردان لوج در دزفول و تشکیل آمادگاه صحرایی در منطقه فارس یگان اضافی مورد نظر تأمین خواهد شد.

پرسش ۴۶: طرح‌هایی در مورد اخراج و تخلیه پیش‌بینی شده بود (اضافی، زائد، بازیافتی و اغتنامی)

نظریه گروه بررسی

وجود طرح‌هایی جهت اخراج و تخلیه وسایل (اضافی، زائد، بازیافتی و اغتنامی) به منظور حداکثر استفاده از منبع فوق و جلوگیری از حیف و میل وسایل و آمادها ضروری است.

نویسنده: طرح‌ریزی و تعیین روشها و تجهیز یگانهای مسئول در تخلیه و اخراجات بطور کلی در دوران جنگ تحمیلی ضعیف عمل شده بود

وضعیت لجستیک در هشت ماه ابتدای جنگ در منطقه جنوب در... / ۱۷۹

پرسش ۴۸: چه نوع کمک‌هایی از نظر لجستیکی توسط سازمان‌های غیرنظامی در اختیار لشکر قرار داده شده و به چه نحوی به کار برده می‌شد؟

پاسخ:

الف: لشکر ۲۱

در اوایل جنگ همه نوع کمک می‌کردند و پس از جا افتادن یگان‌ها این کمک‌ها کم شد البته در صورت نیاز هم اکنون نیز کلیه نهادهای انقلابی در این مورد همکاری کامل می‌نمایند.

ب: لشکر ۷۷

از نهادهای انقلابی و سازمان‌های دولتی و شرکت‌های دولتی و ملی شده از نظر اعزام تعمیرکاران خودروها به منطقه اقدام شده است.

پ: نظریه گروه بررسی

در شروع جنگ کلیه نهادهای انقلابی، دولتی، خصوصی و مردم همه نوع کمک از نظر انواع خودروها، جیره، پوشاک، دارو و سایر طبقات آمادی می‌کردند ولی به علت عدم پیش‌بینی سازمانی جهت هماهنگی و مدیریت صحیح در به کار بردن این نوع کمک‌ها در یگان‌ها نارسائی‌هایی وجود داشت.

پیشنهاد می‌شود که با توجه به تجربیات بدست آمده در طول عملیات، در قرارگاه ف لوج سازمان مزبور منظور و به طور دائم جهت رفع نارسائی‌های موجود آمادی، ترابری و نگهداری یگان‌های تابعه نزاا اقدام نماید.

پرسش ۴۹: چه نوع کمک‌های لجستیکی برای غیرنظامیان بومی توسط لشکر انجام می‌شد؟

پاسخ:

الف: لشکر ۹۲

همه گونه کمک در حدود مقدرات با سازمان‌های کشوری هماهنگ و انجام می‌گرفت. مثل تخلیه جنگ‌زدگان، دادن چادر، غذا، کمک دارویی و پزشکی و...

ب: نظریه گروه بررسی

به طور کلی یگان‌ها در حد مقدرات از نظر غذا و خدمات بهداشتی کمک می‌نمایند و کمبودها نیز توسط جهاد سازندگی و سایر نهادها جبران می‌شود.

پرسش‌های ۵۰ و ۵۱: آیا رکن ۴ در جریان طرح‌های تاکتیکی قرار داشت که بتواند پیش-بینی‌های لازم را انجام دهد و رکن ۴ تیپ چه نوع نظارتی در بنه تیپ‌ها داشت؟

پاسخ:

برابر اظهار نظر کلیه یگان‌ها رؤسای ارکان ۴ معمولاً از نظر پیش‌لجستیکی در جریان طرح‌های تاکتیکی قرار می‌گرفتند و رکن ۴ تیپ‌ها نیز در اداره بنه تیپ‌ها نظارت کامل داشتند.

نظریه گروه بررسی

اقدامات انجام شده مورد تأیید و مطابق اصول می باشد.

پرسش ۵۲: طرح کنترل خسارت منطقه وجود داشت؟

پاسخ:

الف: لشكر ۱۶

طرح مزبور بر مبنای خواسته نزاجا تهیه و به ف پش ل که عمل کننده است و سایر یگان‌ها ابلاغ گردیده است.

ب: نظریه گروه بررسی

با توجه به خسارات وارده در اثر بمباران‌های هوایی و زمینی وجود طرح کنترل خسارت منطقه ضروری می‌باشد؛ لذا پیشنهاد می‌شود که از طریق رده بالاتر نسبت به تهیه و توزیع این طرح اقدام تا یگان‌های تابعه بر مبنای آن طرح مزبور را تهیه و در موقع لزوم به منظور حداقل رساندن ضایعات و خسارات به مورد اجرا بگذارد.

پرسش ۵۳: آیا تجهیزات گردان مهندسی جوابگوی نیازمندی‌ها می‌باشد؟

پاسخ:

الف: لشكر ۱۶

این گردان فاقد تجهیزات سنگین مهندسی به تعداد مورد نیاز از قبیل بولدوزر، گریدر، لودر و سنگرکن می‌باشد. در صورتی که یگان‌های مهندسی دشمن با استفاده از این قبیل وسایل همیشه محفوظ بوده‌اند. در مورد جاده‌سازی نیز فاقد وسایل و تجهیزات کافی هستیم. در

صورتی که دشمن با استفاده از این قبیل تجهیزات، اقدام به جاده سازی و زدن پل های مجهز و آسفالت جاده ها تا پشت یگان های در خط خود نموده است.

ب: نظریه گروه بررسی

(۱) از تجربیات به دست آمده از عملیات اخیر و اظهارات یگان ها، یگان های مهندسی فاقد تجهیزات سنگین مهندسی از قبیل بولدوزر، لودر، گریدر و بیل های مکانیکی و سنگرکن به تعداد کافی می باشد. اکثر تلفات پرسنلی و خسارات وارده به تجهیزات سنگینی از قبیل ادوات زرهی، توپ و خودرو و غیره در این عملیات که در منطقه بیابان و اکثراً صاف به کار برده شده است در اثر نبودن این تجهیزات به منظور سنگر کنی و ایجاد خاکریز بوده است.

(۲) با وجود رودخانه های متعدد غیر قابل عبور در منطقه خوزستان و عدم وجود پل های نظامی به تعداد کافی نیاز مبرمی به پل های پی ام پی (شناور) احساس می گردد.

پرسش ۵۴: تجهیزات مخابرات جوابگو است؟

پاسخ:

الف: لشکر ۱۶

(۱) از نظر وسایل مخابراتی کمبود چشمگیری مشاهده نمی گردد.

(۲) رادیو رله در این عملیات ارزش خود را به خوبی نشان داد.

(۳) بی سیم های پی آر سی ۷۷ در این عملیات کارایی خود را به نحو چشمگیری نشان داد.

ب: نظریه گروه بررسی

(۱) در صورتی که سازمان یگان ها از نظر تجهیزات مخابراتی تکمیل شود جوابگوی

عملیات خواهد بود.

(۲) اکثر یگان ها از نحوه کار دستگاه های رادیو رله و بی سیم های پی آر سی ۷۷ رضایت کامل

داشتند و به همین علت بر اثر کار زیاد و نبودن دستگاه یدکی اکثراً نیاز به تعمیرات پیدا می نمایند. پیشنهاد می گردد که با بررسی دقیق توسط متخصصین مربوطه در مورد تأمین وسایل مخابراتی مناسب و سیم های ارتباطی مورد نیاز یگان ها اقدام گردد.

نویسنده: استقرار تجهیزات و نفرات متخصص جهت کالیبره نمودن تجهیزات تعمیرات مخابراتی گردان‌های ت و ن لشکرها و آمادگاه‌ها در پشتیبانی‌های مناطق درگیر عملیات از ضروریات می‌باشد. چون اعزام و ارسال دستگاه‌ها و آتلیه‌های تعمیراتی به مرکز و شیراز از نظر ادامه‌ی تعمیر اقلام یگان‌های مورد پشتیبانی گردان‌های تعمیر و نگهداری لشکر مشکل ایجاد می‌نماید.

پرسش ۵۵: گزارش نوبه‌ای لجستیکی در تمام رده‌ها به موقع تهیه و برابر ابلاغ زمان‌بندی نازا به موقع اقدام و مخابره می‌شد؟

ارسال گزارش نوبه‌ای به منظور تأمین به موقع کمبودها به رده بالاتر ضروری است. پیشنهاد می‌گردد که مدت ارسال آن یکنواخت شود. مثلاً ۱۵ روزه.

پرسش ۵۶: میزان آماد موجود در مأموریت‌های واگذاری؟

پاسخ:

الف: لشکر ۱۶، لشکر ۲۱، لشکر ۷۷ و لشکر ۹۲

میزان آماد موجود ابلاغ گردیده و برابر آن اجرا می شود ولی این مقدار کم است به خصوص مهمات خمپاره و توپخانه با برد بلند و در این موارد پاره ای از محدودیت ها طی بخش نامه و نامه ابلاغ شده است.

ب: نظریه گروه بررسی

به طور کلی با اجرای آتش‌های پشتیبانی به وسیله توپخانه جبران کمبود نیروهای رزمنده به وسیله یگان‌های توپخانه شده است؛ ولی بعد از گذشت این زمان به علت محدودیت خرید و تهیه مهمات مورد نیاز مسئولین مربوطه در رده نژاد و ف لوج (مد مهمات) با ارسال جدولی به یگان‌ها محدودیتی اعمال نمودند.

پرسش ۵۷: واگذاری وسایل عمده (طبقه ۷) به چه نحو و با هماهنگی کدام رکن به یگان‌ها تقسیم می‌شود؟

نظریه گروه بررسی

اقدامات انجام شده به علت کمبود وسایل عمده و محدودیت درست است.

پرسش ۵۸: به طور کلی روش‌های توزیع آمادی طبقات ده‌گانه تصویبی نزاجا جوابگوی نیازمندی‌ها هست یا نه؟

نظریه گروه بررسی

اجرای دستورالعمل روش‌های توزیع آمادی تصویبی نزاجا با فعال شدن گردان‌های لجستیکی در منطقه و تقویت آن‌ها جهت دایر کردن نقاط آمادی کافی به علت وسعت منطقه توصیه می‌شود تا یگان‌های رزمنده خطوط مواصلاتی‌شان کوتاه شده و از درگیری‌های زیاد پ خ ر خلاص شوند.

پرسش ۵۹: در مورد جیره عملیاتی و اضطراری چه نظری دارید و نحوه تدارک غذای گرم در جبهه چطور است؟

پاسخ:

به طور کلی تمام یگان‌ها دو وعده غذای گرم بین پرسنل رزمنده روزانه توزیع می‌کنند مگر در شرایط حاد که از جیره عملیاتی یا اضطراری استفاده شده است. در گردان‌های مانوری جمعاً پنج جیره (یک جیره اضطراری + دو جیره عملیاتی + دو جیره عادی) نگهداری می‌شود.

پرسش ۶۰: در مورد آماد طبقه ۲ (پوشاک و تجهیزات انفرادی) چه مشکلاتی وجود داشته و پیشنهاد رفع مشکلات چیست؟

نظریه گروه بررسی

(۱) معمولاً در عملیات، به خصوص مناطق گرمسیری عمر قانونی تجهیزات و پوشاک کمتر می‌شود. لذا بایستی ف لوج نزاجا در مورد عمر قانونی آنها بررسی و تجدید نظر نموده تا مشکلی پیش نیاید. ضمناً در مورد پوشاک عمر قانونی از ۶ ماه به ۴ ماه تقلیل یابد. (۲) برای بیمارستان‌ها در شروع عملیات در آینده بایستی تعداد کافی پوشاک انفرادی و پوتین جهت استفاده بیماران ترخیصی در نظر گرفته شود.

(۳) در صورت امکان در مناطق گرمسیری با توجه به منطقه عملیات در فصل تابستان به جای پوتین کفش‌های صحرای و به جای کفش جیر پرسی ساق بلند یا کتانی ساق بلند به پرسنل رزمنده داده شود.

پرسش ۶۱: نحوه تدارک آماد طبقه ۳ و همکاری شرکت نفت آیا تا به حال کمبودی از این نظر وجود داشت؟

نظریه گروه بررسی

همکاری صمیمانه شرکت ملی نفت در این عملیات چشمگیر بوده است و در آینده نیز به همین نحو بایستی عمل شود. ضمناً در مناطق و شهرهای مرزی بایستی مخازن زیرزمینی تهیه تا به موقع مورد استفاده قرار گیرد.

پرسش ۶۲: چه نوع وسایل و اقلام طبقه ۴ (استحکامات صحرایی و سنگری) تا به حال برای این عملیات تحویل یگان‌ها شده است؟

نظریه گروه بررسی

با توجه به وضعیت منطقه عملیات جنوب اقدامات انجام شده مورد تأیید بوده، به خصوص همکاری راه آهن دولتی ایران در این مورد چشمگیر است، البته از سایر نهادهای انقلابی و دولتی نیز حداکثر استفاده به عمل آمده است.

برای تهیه استحکامات صحرایی در این عملیات نیاز شدید به تجهیزات سنگین مهندسی برای کندن انواع سنگرها، کانال‌ها و غیره وجود دارد.

پرسش ۶۳: نحوه تدارک آماد طبقه ۶ از قبیل سیگار، وسایل نظافت و شخصی به چه نحو بود؟

نظریه گروه بررسی

(۱) تشکیل فروشگاه‌های سیار در رده‌های ف پیش لشکرها ضروری به نظر می‌رسد تا وسایل مورد نیاز شخصی پرسنل از طریق این فروشگاه تا بنه صحرائی گردان‌های مانوری حمل و توزیع شود.

(۲) با عدم تشکیل این فروشگاه‌ها فرماندهان با اعزام پرسنل برای مرخصی کوتاه مدت چند ساعته به شهرهای همجوار این مشکل را حل کرده‌اند.

پرسش ۶۴: آماد طبقه ۸ به اندازه کافی در اختیار یگان‌ها قرار داده می‌شود؟

نظریه گروه بررسی

به علت کسر سازمان پرسنل کادر پزشکی و عدم انجام درمان و عمل در اکثر لشکرها و تخلیه مجروحین بیمارستان‌های نظامی و غیرنظامی میزان مصرف دارو را در این یگان‌ها تقلیل داده است، لذا تا حدودی داروهای واگذاری جوابگوی نیازمندی‌ها می‌باشد، ولی اگر پرسنل متخصص این یگان‌ها تکمیل شود بایستی داروی اضافی نیز در منطقه عملیات علاوه بر فارماکویه در اختیار یگان‌ها قرار گیرد.

پرسش ۶۵: آماد طبقه ۹ به چه نحو تأمین می‌شود؟

قطعات یدکی (آماد طبقه ۹) به وسیله گروهان‌های نگهداری مینا و جلو برابر روش تا حد مقدورات داده می‌شود ولی کمبود پاره‌ای از قطعات مشهود است.

نظریه گروه بررسی

(۱) یگان‌ها کلاً به علت نداشتن خودروهای قفسه بندی شده نتوانسته‌اند اکثر قطعات یدکی شارژ انبار خود را از انبارهای پادگان‌های مربوطه همراه خود به منطقه عملیات حمل نمایند.

ضمناً لشکر ۲۱ حمزه به صورت ابتکاری از کانکس‌های واگذاری اقدام به قفسه بندی برای قطعات یدکی در منطقه عملیات نموده است که پس از بررسی و رفع اشکالات موجود به عنوان الگویی می‌توان جهت تهیه و تأمین نیازمندی‌های سایر یگان‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

پرسش ۶۶: به طور کلی نحوه پیش‌بینی و برآورد طبقات مختلف آمادی در این عملیات چگونه است؟

نظریه گروه بررسی

(۱) به طور کلی بایستی برای عملیات پیش‌بینی شده بر مبنای مأموریت واگذاری از قبل برای کلیه طبقات آمادی بر مبنای آمارهای موجود و سازمانی، جداول سازمان، دستورالعمل‌های ابلاغی جهت نگهداری ذخیره‌ها و کمبودها درخواست شده و در صورت موجود دریافت و انبار گردد و در صورت موجود نبودن پی‌گیری به عمل آید.

(۲) در حین عملیات نیز وظیفه رکن چهارم و افسران لجستیک است که هم بر مبنای ضایعات وارده و هم بر مبنای ضایعات پیش‌بینی شده در عملیات آتی برای کلیه طبقات آمادی برآوردهای لازم به عمل آورند.

پرسش ۶۷: با توجه به طولانی شدن اناا اناایی و درگیری پرسنل رزمنده نحوه نگهداری طبقه سازمانی، پشتیبانی مستقیم، پشتیبانی عمومی چگونه بود و موانع موجود در این شرایط چیست و پیشنهاد شما کدام است؟

نظریه گروه بررسی

(۱) نحوه نگهداری رده‌های مختلف به علت شرایط خاص منطقه، درگیری‌های بیش از حد یگان‌ها خوب نبوده است. بایستی حداقل به منظور نگهداری وسایل، تعویض روغن و سرویس‌های مهم به موقع انجام شود.

(۲) پس از خاتمه اناا به علت حجم زیاد کارهای تعمیراتی مسلماً یگان‌های تعمیراتی ارتش جوابگوی آماده به کار نمودن تمام تجهیزات در طول مدت معقولی نخواهند بود. پیشنهاد می‌شود:

(الف) پرسنل متخصصی که از طرف اناا سازندگی و یا داوطلب جهت پشتیبانی تعمیراتی با ارتش همکاری نموده‌اند به استخدام ارتش درآیند.

(ب) ف لوچ نذاا با همکاری ستاد مرکزی اناا سازندگی و سایر نهادهای جهت حاضر به کار نمودن تجهیزات ارتش طرح مشترکی تهیه و برای بار اول یک ماه را ماه اناا تعمیراتی وسایل و وسایط ارتش اعلام و با استفاده از رسانه‌های گروهی و سازمان گسترده اناا سازندگی در سطح کشور نسبت به احضار پرسنل متخصص و اعزام آنان به مناطق مورد نیاز ارتش اقدام تا هر چه زودتر وسایل ارتش آماده به کار گردد. در صورتی که یک ماه تکافو ننماید،

بعداً نسبت به تمدید مدت اقدام شود. بدیهی است که بایستی قبلاً قطعات یدکی مورد نیاز پیش‌بینی و تأمین شده باشد.

نویسنده: در بدو ورودم به کارخانجات فتح در سال ۱۳۶۹ با تعداد زیادی اقلام عمده‌ی از کار افتاده در سربازخانه شماره‌ی ۳ و کارخانجات و نیز موتور خودرو حتی موتور تانک و خودروهای تویوتا مواجه گردیدم که مسلماً وجود این تعداد انبوه وسایل تعمیراتی در آنجا حاصل عدم سرویس و نگهداری منظم، کمبود روغن و قطعات و طولانی شدن جنگ و سایر موارد بوده است.

پرسش‌های ۶۸ و ۶۹: آیا تعویض مستقیم در یگان‌ها انجام می‌گیرد و اقلام تعمیرشده برای وسایلی که محدودیت ندارد وجود داشته و در اختیار یگان‌های نگهداری پش مستقیم و عمومی قرار گرفته است؟

نظریه گروه بررسی

(۱) روش تعویض مستقیم بایستی به تمام یگان‌ها آموزش داده شده در زمان صلح به مورد اجرا گذاشته شود تا در عملیات جنگی وقفه‌ای در امر تحرک یگان‌ها ایجاد نشده و هر چه سریعتر خودرو خوابیده با تعویض قطعه غیرقابل استفاده با قطعه مشابه تعمیر شده و یا نو در تعمیرگاه رده‌ی ۲ و ۳ بدون آوردن خودرو برای تعمیرگاه حاضر به کار گردد و از کارهای زائد اداری به منظور صرفه‌جویی در وقت جلوگیری گردد.

(۲) برای این که هر چه سریعتر اقلام عمده ضایعاتی یگان‌های رزمنده جایگزین شود بایستی در رده‌های نگهداری پش مستقیم و عمومی درصدی از این اقلام نگهداری شود تا هر چه سریع‌تر بتوان جایگزین نمود.

به علت محدودیت اقلام عمده این عمل انجام نشده است.

نویسنده: همانطوری که قبلاً ذکر گردید در گروهان ۲ جلویی لشکر ۲۱ در سال ۶۱ و ۶۲ روش تعویض مستقیم در بعضی از قطعات خودروئی اجراء می‌گردید.

پرسش‌های ۷۰ و ۷۱: نحوه فعالیت یگان‌های تعمیراتی نسبت به قبل از جنگ و کمبود وسایل ترابری سنگین یگان‌ها برای حمل تانک و سایر وسائط سنگین در جابجایی‌های تاکتیکی به چه نحو تأمین می‌شود؟

نظریه گروه بررسی

(الف) طبیعی است که میزان فعالیت تعمیراتی یگان‌ها با فعال شدن خود سازمان و کمک سایر نهادها به مراتب بیش از زمان جنگ بوده است.

(ب) در مورد تأمین وسایل ترابری سنگین:

- بایستی با طرح‌ریزی مشترک ارتش و راه‌آهن مقدمات واگن‌های حمل تانک و وسایل مشابه را در راه‌آهن با توجه به حداقل نیازمندی‌های جابجایی ارتش افزایش داد.

- در گروهان ترابری گردان آماد و ترابری لشکرهای زرهی یک دسته ترابری سنگین تانک‌بر منظور تا به موقع نسبت به جابجایی وسایل سنگین ضروری اقدام نماید.

- برای گردان‌های ترابری مختلط مستقر در منطقه لشکرهای زرهی به جای یک گروهان، دو گروهان ترابری سنگین تانک‌بر منظور نمایند.

- با توجه به تجربیاتی که در این عملیات با تشکیل تیم‌های ترابری سنگین در دزفول اهواز (دغاغله) و ماهشهر به وجود آمد بهتر است که در این مورد بررسی دقیقی از طرف ف لوج نزاچا و معاونت لوج نزاچا و سایر یگان‌های ذی‌نفع به عمل آمده و در صورت تأیید این عمل در عملیات آینده با استفاده از کلیه امکانات یگان‌ها نسبت به تشکیل تیم‌های مشابهی در منطقه عملیات به صورت تمرکزی اقدام نمایند.

توضیح: در مورد بیمه رانندگان، کمک‌رانندگان و خودروهای شخصی و شرکت‌های خصوصی لایحه‌ای در مجلس شورای اسلامی اوایل تیر ماه ۱۳۶۰ به تصویب رسیده و اشکال تأمین خسارات وارده حل شده است.

نکات پایانی

نویسنده: با توجّه به این که یگان‌های فرماندهی لجستیکی نزاچا (پشتیبانی مناطق و کارخانجات مسجد سلیمان و فتح و نصر) عملاً در بازسازی و تعمیر تجهیزات نزاچا برابر وظیفه سازمانی در طول جنگ و بعد از سال ۶۷ مشغول بوده و هستند، ولی عملاً در طول ۲ سال درگیری‌های داخلی و ۸ سال دفاع مقدّس و بعد از آن کارخانجات مذکور در تعمیر و آماده نمودن تجهیزات در کارخانه‌ها، مناطق عملیاتی و محلّ سرزمینی یگان‌ها با حضور فیزیکی خود پشتیبانی فنی و تعمیراتی و حتّی آموزشی را ارئه نمودند.

همچنین علیرغم این که دسترسی به اطلاعات خرید با ادامه طبقه‌بندی، محدود است ولی قسمتی از خریدهای زمان جنگ که با دور زدن تحریم‌ها مقدور می‌شد، شامل سلاح سبک، خمپاره‌اندازها و راکت‌اندازها، توپ‌ها، سرنیزه‌ها، بعضی از خودروهای زرهی و انواع خودروهای چرخ‌دار سبک و متوسط و سنگین و تعداد محدودی اقلام مهندسی سنگین می‌شد و همچنین خرید انواع مختلف مهمات، انواع مختلف اقلام مخابراتی بی‌سیم‌ها و باسیم‌ها، دوربین دید در شب و غیره از خارج کشور خریداری شده است. همچنین قطعات عمده‌ی انواع تجهیزات مثل انواع لوله‌ی توپ و وسایل هدایت آتش، موتور تانک، لاستیک و قطعات یدکی دیگر نیز در زمان جنگ خریداری شده است.

نکته مهمّی که وظیفه دارم اشاره کنم این است، بنده شخصاً اداره‌ی یگان فنی را که مدیریت کارکنان فنی و مبتکر و باسواد می‌باشد، از فرماندهی گروهان تعمیر و نگهداری تا فرماندهی کارخانجات و مراکز تعمیراتی و بازسازی و کارخانجات تولیدی مشکل‌تر از سایر یگان‌ها و سازمان‌ها می‌دانستم. ولی در مدّتی که رئیس بازرسی لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهدا (ع) بودم، شاهد فداکاری‌های یگان‌های رزمی (پیاده، زرهی، توپخانه، مخابرات و مهندسی) بودم و شهادت‌ها و مصدوم شدن‌های آنها و ادامه مأموریت در آن وضعیت‌ها توسط آن عزیزان را از نزدیک در پدافند و آفند مشاهده نموده‌ام، فلذا معتقدم فرماندهان یگان‌های رزمی چقدر باید مدیر، توانا، آموزش دیده و از نظر پرسنل زیرمجموعه قابل قبول باشند که پرسنل یگان‌شان بتوانند در زیر آتش منحنی خودی و آتش کوبنده‌ی دشمن دستور پیش فرماندهی شجاع خود را با شهامت و انضباط اجراء و به هدف تعیین شده برسند. و لذا در پیشگاه شهدا و جانبازان یگان‌های رزمی و ۱۵۰۰۰ نفر شهدای رسته‌های لجستیکی یگان‌های نزاچا سر تعظیم و احترام فرود می‌آورم. والسلام.

منابع

- ۱- اسماعیل زاده، صمد و امیربیگی، غلامحسین، **لجستیک** (گزارش گروه بررسی امور لجستیکی در منطقه جنوب از تاریخ ۱۳۶۰/۲/۵ تا ۱۳۶۰/۳/۵)، انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۹۷.
- ۲- **اطلس پدافندی** (عملیات پدافندی نزاجا)، جمعی از نویسندگان، انتشارات سوره سبز، تهران، ۱۳۹۴.
- ۳- سلیمانجاه، بهروز، **سلیمانجاه** (هفتاد سال خاطرات سرتیپ ستاد بهروز سلیمانجاه)، انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۹۳.
- ۴- صادقی گویا، نجاتعلی، **درس‌های هشت سال جنگ تحمیلی**، انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۹۹.
- ۵- صادقی گویا، نجاتعلی، **چگونه می‌جنگیدیم** (روایت و نکات مستند از فرمانده لشکر عملیاتی ۸۴ خرم‌آباد در سال ششم جنگ تحمیلی) انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۹۴.
- ۶- فلاح دوست، شعاع الدین، **بازوی نبرد** (شرحی بر زندگی و اقدامات یکی از فرماندهان آماد و پشتیبانی نزاجا، سرتیپ ۲ مرتضی بایندریان) انتشارات ایران سبز، تهران، ۱۳۹۱.
- ۷- مصباح نهاوندی، نعمت‌الله، **آمادها و نبردها**، انتشارات مکعب، تهران، ۱۳۹۳.
- ۸- نورائی، منوچهر، **مقاله نقش رسته‌های پشتیبانی خدمات رزمی در دفاع مقدس**، موجود در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ.
- ۹- **یادداشت‌های سرتیپ ۲ محمد کاظمی** (فرمانده قرارگاه ترابری نزاجا در دغاغله اهواز در طول جنگ و فرمانده تعمیر و نگهداری نزاجا).

نمایه

آبادان: ۱۱۹, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۴۹, ۱۶۵, ۱۶۸,	آبادگاه صحرایی: ۱۰, ۳۴, ۳۸, ۸۱, ۱۴۵,
۱۷۵	۱۴۶, ۱۵۰, ۱۵۲, ۱۵۴, ۱۵۶, ۱۵۷,
آرین: ۴۱	۱۵۹, ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۷۸,
آمد طبقه ۱: ۱۳۱, ۱۳۳, ۱۵۱, ۱۷۰, ۱۷۱,	آمریکا: ۵, ۶, ۴۷, ۴۹, ۵۰, ۵۱, ۵۲, ۵۶,
۱۷۲	۶۳, ۷۸, ۸۸, ۹۳, ۱۳۵,
آمد طبقه ۲: ۱۲۲, ۱۳۱, ۱۳۳, ۱۷۱, ۱۸۴,	۱
آمد طبقه ۳: ۱۱۶, ۱۲۲, ۱۲۳, ۱۳۱, ۱۳۴,	ابن یوسف، مهدی: ۲۶
۱۸۴, ۱۷۱	اردننس: ۲, ۸, ۱۰, ۱۳, ۶۲, ۹۱, ۱۱۲,
آمد طبقه ۴: ۱۳۱, ۱۳۴	۱۳۸, ۱۳۹, ۱۵۷, ۱۶۰, ۱۷۳,
آمد طبقه ۵: ۱۲۳, ۱۲۴, ۱۳۲, ۱۳۴, ۱۵۰,	اسرائیل: ۱۰, ۱۲۰
آمد طبقه ۶: ۱۳۲, ۱۳۴, ۱۸۵,	اسماعیل زاده، صمد: ۱۴۵, ۱۹۱
آمد طبقه ۷: ۱۳۲, ۱۳۴	اصل ۴ ترومن, ۵
آمد طبقه ۸: ۱۳۲, ۱۳۴, ۱۸۵,	امیریگی، غلامحسین: ۱۴۵, ۱۹۱
آمد طبقه ۹: ۱۳۴, ۱۸۵,	امینی، غلامرضا: ۲۷
آمد طبقه ۱۰: ۱۳۳	اندیمشک: ۵, ۱۶, ۴۱, ۸۷, ۹۹, ۱۰۲,
آمد متفرقه: ۱۳۳	۱۰۶, ۱۱۱, ۱۱۲, ۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۷,
آمد راه اصلی: ۳۷, ۳۸	۱۶۴, ۱۷۷, ۱۷۸,
آبادگاه آبیک: ۱۰, ۶۸, ۸۰	اهواز: ۹, ۱۰, ۱۱, ۱۴, ۱۵, ۱۷, ۲۴, ۲۷,
آبادگاه اصلی و عمومی: ۳۴, ۵۲	۳۶, ۱۰۱, ۱۲۴, ۱۲۷, ۱۳۸, ۱۴۵, ۱۴۸,
آبادگاه دزفول: ۵, ۹, ۱۰, ۱۵, ۴۵, ۸۱, ۸۳,	۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۵, ۱۶۴, ۱۶۹, ۱۷۱,
۱۵۴, ۱۳۸	۱۷۲, ۱۷۷, ۱۷۸, ۱۹۱,

پشتیبانی منطقه ۱: ۱۳۰, ۱۱۵, ۳۴, ۲۹	ب
پشتیبانی منطقه ۲: ۱۴۸, ۱۴۶, ۱۴۵, ۱۱۵	بادینلو, حسین: ۱۴۰, ۲۷
۱۷۲, ۱۶۹, ۱۵۴	بالاا: ۱۲۹, ۹۷, ۹۵, ۹۴, ۹۳, ۳۰
پل روسی پی. ام. پی: ۵۴	بایندریان, مرتضی: ۱۴, ۱۲, ۱۰, ۸, ۴, ۲
پل نادری: ۴۲	۹۱, ۸۷, ۸۴, ۸۱, ۴۵, ۴۰, ۲۹, ۱۸, ۱۷
ت	۱۲۴, ۱۲۲, ۱۲۰, ۱۱۹, ۱۱۸, ۱۰۹, ۹۲
تااستان: ۱۰۱	۱۹۱, ۱۴۲, ۱۳۹, ۱۳۵
تااام-۴۷: ۶	بروراء: ۱۱۸, ۱۴
تااام-۶۰: ۶, ۶۰	بنارامام: ۱۰۶, ۱۰۲, ۹۹, ۹
تااا چیفان: ۱۶, ۷, ۲۳, ۲۴, ۴۶, ۶۳, ۶۴	بنارباس: ۱۰۵, ۱۰۴, ۱۰۳, ۹۹
۷۶	بیمارسان: ۱۲۱, ۹۱, ۹۰, ۸۹, ۵۷, ۳۴
تااااا: ۳۴, ۵۳, ۵۶, ۷۶, ۷۷, ۷۸, ۹۹	۱۲۶
۱۱۲, ۱۰۷, ۱۰۶, ۱۰۵, ۱۰۲, ۱۰۱	پ
۱۸۸, ۱۵۵, ۱۴۵	پااااا باا: ۱۹
ااااا و ناااااا نزااا: ۱۹۱, ۱۰۹	پااااا ااا ۳ ااواا: ۴۶
ااااا-۳: ۸۴	پااااا ااا: ۷۷
ااااا الااااااا: ۸۶, ۸۵	پااااا: ۶۰, ۵۳, ۵۱, ۴۸
ااااا: ۶, ۸, ۱۹, ۲۳, ۲۴, ۲۵, ۳۴, ۶۳, ۶۴	پااااا واءاا: ۴۲, ۹
۹۳, ۹۱, ۸۹, ۸۶, ۸۴, ۸۱, ۸۰, ۷۳, ۶۵	پشتیبانی ااااا رزمی: ۱۳, ۸, ۷, ۲, ۱
۱۳۳, ۱۱۹, ۱۱۸, ۱۱۳, ۱۱۰, ۱۰۵, ۹۴	۸۰, ۷۵, ۵۹, ۴۶, ۳۸, ۳۷, ۳۳, ۳۲, ۳۱
۱۴۵, ۱۴۲, ۱۴۱, ۱۳۸, ۱۳۶, ۱۳۴	۱۱۷, ۱۱۱, ۱۰۶, ۹۹, ۹۷, ۹۱, ۸۷
۱۶۴, ۱۶۱, ۱۵۹, ۱۵۷, ۱۵۲, ۱۴۷	۱۴۴, ۱۳۸, ۱۳۰, ۱۲۴, ۱۲۱, ۱۱۹
۱۹۱, ۱۶۵	۱۹۱, ۱۶۷, ۱۶۴, ۱۵۳, ۱۴۶
ااا ۱۰۵ ام: ۱۳۲, ۷۸, ۷۶, ۵۹, ۴۶	پشتیبانی رزمی: ۹۸, ۹۶, ۳۴, ۳۳, ۳۲, ۷
	۱۵۳, ۱۳۸

- توپ ۱۳۰ مم: ۹, ۲۵, ۲۷, ۶۸, ۶۹, ۷۰, ۷۲, ۷۴, ۷۵
- توپ ۱۵۵ مم: ۲۵, ۴۶, ۴۷, ۵۸, ۷۶, ۷۷, ۷۹, ۷۸
- توپ ۱۷۵ مم: ۴۷, ۷۱, ۷۶, ۷۷
- توپ ۲۰۳ مم: ۴۷, ۷۶, ۷۷
- توپ ۲۳ مم: ۲۷, ۲۸, ۶۵, ۶۷, ۶۹, ۷۳, ۱۳۵, ۱۴۳
- توپ شیلکا: ۷۴, ۷۶
- تیپ ۳۷ زرهی: ۲۶, ۴۰, ۷۳, ۱۵۶
- تیپ ۴۰ سراب: ۸۸
- تیپ ۵۵ هوابرد: ۱۶۷, ۱۶۸, ۱۶۹, ۱۷۱
- تیپ ۷ ولیعصر: ۱۴۲
- ج
- جلفا: ۹۹
- جنگ جهانی دوم: ۵, ۹, ۲۹, ۴۶
- چ
- چمران، مصطفی: ۱۳, ۳۶, ۱۲۴
- چنانه: ۴۲
- ح
- حسنی سعدی، حسین: ۱۴۲
- حسینی، سیدصفر: ۱۴۰
- حمام صحرائی: ۱۳۰
- حملات شیمیایی: ۹۱
- خ
- خجسته، ولی الله: ۲۷
- خرم آباد: ۱۴, ۱۰۶, ۱۱۸, ۱۹۱
- خرمشهر: ۲۵, ۹۹, ۱۰۲, ۱۰۵, ۱۱۹, ۱۴۱
- ۱۴۹, ۱۶۳
- خزایی، علیمردان: ۱۷
- خمپاره انداز: ۸۱, ۸۲, ۱۱۴
- خوزستان: ۵, ۱۵, ۱۸, ۴۹, ۵۴, ۸۵, ۱۰۱
- ۱۰۴, ۱۱۵, ۱۱۸, ۱۲۴, ۱۲۶, ۱۲۷
- ۱۴۷, ۱۵۶, ۱۶۴, ۱۸۱
- د
- دالامپرداغ: ۱۲
- دانشکده افسری: ۸, ۷۴
- دبیرستان صنعتی: ۲, ۱۵, ۵۰, ۵۹, ۶۰
- دمیرچی لو، محسن: ۲۲, ۶۳
- دهلران: ۵۴
- دوسلک: ۴۲
- دوکوهه: ۹, ۱۵, ۲۶, ۳۴, ۴۰, ۴۱, ۱۰۶
- ۱۱۲, ۱۲۳, ۱۲۴, ۱۴۰, ۱۴۹, ۱۵۰
- ۱۵۱, ۱۶۹
- ر
- راجیان، یدالله: ۲۷

ش	راسا، قنبر: ۲۵، ۲۴
شراا ناا: ۱۶۵، ۱۵۱، ۱۲۳، ۸۶، ۴۳، ۱۸۴	راه آهن: ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۸۷، ۷۷، ۲۱، ۹، ۵، ۱۰۹، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۲، ۱۰۱
شهازا: ۸۱	۱۸۴، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۵۷، ۱۲۷، ۱۲۶
شوروی: ۷۳، ۷۲، ۷۰، ۶۶، ۶۵، ۶۳، ۹، ۵، ۸۶، ۸۲	۱۸۸
ص	راه آهن سراسری: ۱۲۶، ۱۰۶، ۵
صادقی گویا، نجااا: ۱۳۴	رفیع اسپند آبادی، مآنا: ۲۵
صاا آباد ایلام: ۸۸	روستاا، حمید: ۱۰۱، ۲۷
صاا حسین: ۱۲	رئوف: ۱۴۲
صنااا ااا: ۸۰، ۷۹، ۴۰، ۳۸، ۳۵، ۳۳، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۲، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۲	ز
۱۲۳، ۱۰۶	زمااا، علیرضا: ۱۴۰
صناااا: ۸۷، ۸۳	زینلی، نصرالله: ۹۶
صاا شیرازی، علی: ۱۲۸	س
ط	سپاه پاساارا: ۸۶، ۴۹، ۴۶، ۲۶، ۲۲، ۲۰، ۱۴۳، ۱۴۰، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۱، ۱۰۱، ۹۰
طایبی، مهندس: ۷۴، ۶۵	۱۶۲
ظ	سردشا: ۱۲۳، ۱۹
ظهاااا: ۸۱، ۴۴، ۴۱، ۲۰	سکوی نظامی: ۱۰۶، ۱۰۱، ۶۲
ع	سلیمانجاا، بهاوز: ۱۴۱، ۱۱۱، ۲۰، ۱۸
عراق: ۲۸، ۲۷، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۵، ۲، ۴۹، ۴۸، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۰، ۳۶	۱۹۱، ۱۴۲
	سوریه: ۱۰
	سوسناا: ۱۷۱، ۱۴۳، ۱۲۴، ۹۵
	سیم اارار: ۷۴، ۳۰

ق

قایق روسی جی. اس. پی: ۵۵
 قرارگاه غرب: ۱۳۶, ۱۱۳, ۱۱۱
 قلعه مرغی: ۹۳
 قندچیک ۷۷
 قندهاری، عباس: ۹۳

ک

کارخانجات بابک: ۷۹, ۶۷, ۶۶, ۶۳, ۲۵, ۸۰
 کارخانجات فتح: ۸۵, ۸۰, ۷۶, ۲۴, ۲۳, ۱۸۷
 کاظمی، محمد: ۱۹۱, ۱۰۹, ۱۰۷
 کرمان: ۱۴۵, ۱۰۶, ۱۰۵, ۹۴, ۴۱, ۳۵, ۳۴
 کرمانشاه: ۹۵, ۹۴, ۷۳, ۵۳, ۴۶, ۴۰, ۳۴, ۱۶۱, ۱۵۱, ۱۴۸, ۱۴۷
 ۱۱۹, ۱۱۶, ۱۱۵, ۱۱۴, ۱۱۳, ۱۰۴
 ۱۳۶, ۱۳۵, ۱۳۰, ۱۲۶, ۱۲۵, ۱۲۳
 کره شمالی: ۸۱, ۷۴

گ

گردان مهندسی: ۱۸۱, ۱۷۶

۸۲, ۷۳, ۷۲, ۶۶, ۵۸, ۵۵, ۵۴, ۵۳, ۵۲
 ۱۰۱, ۱۰۰, ۹۸, ۹۶, ۹۵, ۹۲, ۹۱, ۹۰
 ۱۲۱, ۱۲۰, ۱۱۵, ۱۱۴, ۱۱۰, ۱۰۵
 ۱۵۱, ۱۳۷, ۱۳۶, ۱۲۴, ۱۲۲

عسگری، یدالله: ۲۱
 عسگری نژاد، محمدعلی: ۱۴۱
 علی بیگی، محمد: ۲۷
 عین خوش: ۴۲

غ

غلامرضایی: ۶۰, ۵۷, ۵۲, ۵۰

ف

فاو: ۱۴۰, ۱۲
 فرزانه: ۱۷
 فرماندهی پشتیبانی منطقه ۳: ۱۵۲
 فرماندهی ترابری نزا: ۱۰۲
 فرماندهی لجستیک نزا: ۱۸۹, ۱۱۱
 فرماندهی مهمات: ۱۲۶, ۱۲۴, ۱۰۳, ۳۴, ۱۲۹

فروودی، کامبیز: ۲۷

فروزان: ۱۹
 فلاح دوست، شعاع الدین: ۲۹, ۱۸, ۱۰, ۴, ۱۲۰, ۱۱۹, ۱۰۹, ۹۲, ۸۴, ۴۵, ۴۰
 ۱۹۱, ۱۳۹, ۱۲۴

فلاحی، ولی اله: ۳۶, ۲۰, ۱۷

ل

مريوان: ۱۳۵, ۱۲۹, ۱۲۸, ۱۲۱, ۱۰۴, ۹۵,

۱۳۶

مستشاران: ۱۳۶, ۸۸, ۲۳

مساجد سليمان: ۴۶, ۳۳, ۱۵, ۱۰, ۵, ۲,

, ۵۵, ۵۴, ۵۳, ۵۲, ۵۱, ۵۰, ۴۹, ۴۸, ۴۷

, ۹۴, ۷۶, ۷۲, ۷۰, ۶۱, ۶۰, ۵۹, ۵۷, ۵۶

۱۸۹, ۱۶۵, ۱۴۴, ۱۰۶, ۱۰۲

مصباح نهاوندي، نعمت الله: ۶۵, ۶۲, ۲۸

۱۹۱, ۱۴۱

مهران: ۱۲۴, ۱۱۶, ۱۱۳, ۸۸, ۵۴

مهمات سازي: ۱۳۲

ميرزايي، تقى: ۲۷

لشكر ۱۶: ۱۶۷, ۱۴۹, ۱۱۰, ۴۴, ۲۶, ۲۳,

, ۱۷۷, ۱۷۶, ۱۷۵, ۱۷۱, ۱۶۹, ۱۶۸

۱۸۲, ۱۸۱, ۱۸۰

لشكر ۲۸: ۱۱۴, ۸۶, ۲۰

لشكر ۷۷: ۱۴۹, ۱۱۴, ۴۶, ۲۶, ۲۰, ۱۳,

۱۸۲, ۱۷۹, ۱۷۵, ۱۶۸, ۱۶۷, ۱۵۱

لشكر ۹۲: ۲۶, ۲۴, ۲۳, ۱۷, ۱۱, ۱۰, ۹,

, ۱۵۴, ۱۴۹, ۱۴۸, ۱۴۵, ۱۳۸, ۱۱۰

۱۸۲, ۱۸۰, ۱۷۴, ۱۷۳, ۱۶۱

لشكر عملياتي ۸۴ پياده: ۱۹۱, ۱۳۳

م

ماشين آلات مهندسي: ۷۱

مانور دلاور: ۴۳

ماهشهر: ۱۶۵, ۱۵۵, ۱۴۹, ۱۴۸, ۱۲۷,

۱۸۸, ۱۷۵, ۱۷۲, ۱۶۸

مخابرات: ۱۰۶, ۸۷, ۴۱, ۲۲, ۱۰, ۸, ۶,

, ۱۵۹, ۱۵۶, ۱۴۲, ۱۳۸, ۱۳۲, ۱۱۱

۱۹۰, ۱۸۱, ۱۷۳, ۱۶۴, ۱۶۱, ۱۶۰

مديريت يکنواخت سازي: ۱۳۷, ۵۷

مرکز تعميراتي تهران: ۲۵, ۲۳, ۲۲, ۲۱, ۶,

, ۶۲, ۶۱, ۵۷, ۵۲, ۴۵, ۳۳, ۲۸, ۲۷, ۲۶

, ۸۷, ۸۵, ۸۱, ۸۰, ۷۸, ۷۶, ۷۰, ۶۵, ۶۳

۱۴۱, ۱۴۰, ۱۳۸

ن

نانوائى صحرايي: ۱۱۹, ۱۱۶

نفرير ام ۱۱۳: ۵۴, ۵۲, ۵۱, ۴۷, ۴۶, ۲۳,

۵۸, ۵۷

نهاجا: ۱۶۵, ۹۶

نورائي، منوچهر: ۱۳, ۱۲, ۸, ۵, ۴, ۲, ۱,

, ۵۲, ۵۱, ۵۰, ۴۶, ۴۵, ۳۸, ۳۷, ۳۶, ۲۹

, ۷۷, ۷۵, ۷۴, ۷۰, ۶۷, ۶۵, ۶۰, ۵۹, ۵۷

, ۹۸, ۹۷, ۹۳, ۹۱, ۸۸, ۸۷, ۸۴, ۸۰, ۷۸

, ۱۱۹, ۱۱۷, ۱۱۳, ۱۱۱, ۱۱۰, ۱۰۶

, ۱۴۳, ۱۳۰, ۱۲۹, ۱۲۴, ۱۲۱, ۱۲۰

۱۹۱, ۱۴۴

نيک نيا، غلامرضا: ۲۶

هـ

هلیکوپتر: ۹۵,۹۴

همدان: ۱۰۱

هوانیروز: ۹۵,۹۴,۹۳,۶۰,۴۶,۳۶,۲۰

۱۶۵,۹۶

و

واحد یخساز: ۱۱۹

ورشوساز، زین العابدین: ۱۹,۱۸

وزارت دفاع: ۶۹,۵۷,۴۵,۳۸,۳۵,۳۳,۳۱

۱۳۷,۹۷,۹۶,۹۴,۸۴,۸۲,۸۰,۷۵

«هیئت معارف جنگ»

«معارف» هیئتی از جنس دین است

کواه جنگ بر این سرزمین است

حدیث اچ سه و هم هفت آذر

کتاب قصه فتح المبین است

معرفی هیئت معارف جنگ در کوتاه‌ترین کلام شعری:

❖ واژه‌های "معارف"، "هیئت" و "جنگ" در بیت اول، نام هیئت معارف جنگ را تداعی می‌کند.

❖ واژه "گواه"، مأموریت ما را تبیین می‌کند که یعنی: شاهد لحظات جنگ بوده‌ایم و از طرفی چون گواه هستیم، موظف به گواهی دادن می‌باشیم.

❖ حرف "بر"، نشان دهنده تحمیلی بودن جنگ است، وگرنه جا دارد که کلمه «در» آورده می‌شد.

❖ در بیت دوم بر عملیات‌های مهم "اچ سه" نیروی هوایی و "هفت آذر" روز عملیات مروارید در دریا و همین‌طور نبرد زمینی "فتح المبین" به عنوان نمونه‌هایی از دفاع مقدس اشاره شده است.